



شالوده‌های ایمان مسیحی
بر پایه کتاب مقدس
کتاب اول

شناخت

خدای زنده

پل دیوید واشر

شناخت
خدای زنده

پل دیوید و اشرف

«این کتاب راهنمای مطالعه، به قلم پل واشر، یکی از بهترین کتاب‌های مقدماتی درباره آموزه شناخت خدا است که تا به حال با آن آشنا گشته‌ام.»

- ای‌یان اِچ. موری، یکی از بنیان‌گذاران و مدیرسردبیر «بنیاد پرچم حقیقت»

«کلیسای ما در کلاس‌های تعلیمی یک‌شنبه‌ها، در گروه‌های کوچک مطالعه کتاب مقدس، و در جلسات شاگردسازی از این اثر پل واشر درباره شناخت خدا بهره گرفته است. اغلب، این کتاب را به کسانی پیشنهاد می‌کنم که به دنبال کتاب راهنمایی هستند که به شکل کاربردی و آسان و بر مبنای کتاب مقدس آموزه اساسی و حیاتی شناخت خدا را تعلیم می‌دهد.»

- جان استایدر، شبان، و نویسنده کتاب اینک، خدای تو: بر مبنای کتاب مقدس، درباره خدا بازبینیدشیم

«می‌آموزید که کتاب مقدس درباره شخصیت و صفت‌های خدا، که به راستی بی‌همتا و بی‌مانند است، چه می‌فرماید. این کتاب اثری عالی و بی‌نظیر است و دعایم این است که بسیاری را یاری رساند تا در شناخت خدا به رشد و بلوغ برسند. این کتاب را بخوانید و از آن برکت یابید. این کتاب را بخوانید و خدای خود را پرستید.»

- دانیل ال. آکین، رییس دانشگاه الهیات تعمیدی، جنوب شرق

«برای ما که مشتاق یادگیری الهیات عمیق‌تر هستیم، پل واشر یک منبع الهیاتی بنیادین و صحیح، بر مبنای کتاب مقدس، تدارک دیده است. برای هر که علاقه‌مند است درک و بینش خود را درباره آموزه شناخت خدا تقویت نماید، این کتاب مرجعی بسیار ارزشمند است. این کتاب برای نوایمانان نیز شالوده و زیربنایی محکم و استوار است، چنان که برای بشارت به غیرایمانداران منبعی باارزش می‌باشد.»

- وودی باکام، رییس دانشگاه الهیات در دانشگاه مسیحی آفریقایان

KNOWING THE LIVING GOD

Copyright © 2017 Paul David Washer

All rights reserved.

Originally published in English by:

Media Gratiae

ISBN 978-0-9886681-3-3

شناخت خدای زنده

© پل دیوید واشر

همه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

سال انتشار: ژوئن ۲۰۲۰

ترجمه، ویرایش، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی: انجیل بنیاد راستی

Email: EnjilBonyadeRasti@gmail.com

Telegram: <https://t.me/EnjilBonyadeRasti>

Instagram: [instagram.com/EnjilBonyadeRasti](https://www.instagram.com/EnjilBonyadeRasti)

شناخت خدای زنده

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل ۱: شناخت خدا
۱۹	فصل ۲: رشد نمودن در شناخت خدا
۲۵	فصل ۳: خدا واحد و در سه شخص است
۳۱	فصل ۴: الوهیت پسر و روح القدس
۳۷	فصل ۵: خدا روح است
۴۳	فصل ۶: خدا شخص است
۵۱	فصل ۷: خدا مشتاق برقرار نمودن رابطه است
۵۷	فصل ۸: خدا بزرگ است
۶۱	فصل ۹: خدا کامل است
۶۹	فصل ۱۰: خدا ازلی و ابدی است
۷۵	فصل ۱۱: خدا قائم به ذات و بی نیاز است
۷۹	فصل ۱۲: خدا تغییرناپذیر است
۸۵	فصل ۱۳: خدا قادر مطلق است
۹۱	فصل ۱۴: خدا حاضر مطلق است
۹۵	فصل ۱۵: خدا دانای مطلق است
۱۰۱	فصل ۱۶: خدا قدوس است
۱۰۹	فصل ۱۷: پاسخ ما به قدوسیت خدا
۱۱۷	فصل ۱۸: خدا عادل است
۱۲۳	فصل ۱۹: پاسخ ما به عدالت خدا
۱۲۹	فصل ۲۰: خدا حقیقی است
۱۳۷	فصل ۲۱: خدا راستگوست
۱۴۱	فصل ۲۲: پاسخ ما به راستگویی خدا
۱۴۷	فصل ۲۳: خدا امین است
۱۵۱	فصل ۲۴: پاسخ ما به امین بودن خدا
۱۵۷	فصل ۲۵: جلوه‌های وفاداری خدا
۱۶۵	فصل ۲۶: خدا محبت است
۱۷۱	فصل ۲۷: جلوه‌های محبت خدا
۱۷۹	فصل ۲۸: رحمت خدا
۱۸۵	فصل ۲۹: فیض خدا
۱۹۱	فصل ۳۰: صبر خدا
۱۹۵	فصل ۳۱: خدا خالق است
۲۰۳	فصل ۳۲: خدا نگهدار و مالک جهان است
۲۱۱	فصل ۳۳: هدف آفرینش
۲۱۵	فصل ۳۴: پاسخ ما به خالق بودن خدا
۲۱۹	فصل ۳۵: خدا خداوند و مقتدر برهمگان است
۲۲۳	فصل ۳۶: لقب‌های حاکمیت خدا

۲۲۹	فصل ۳۷: وسعت حاکمیت خدا
۲۳۵	فصل ۳۸: پاسخ ما به حاکمیت خدا
۲۴۳	فصل ۳۹: خدا قانون‌گذار است
۲۵۱	فصل ۴۰: خدا داور است
۲۵۷	فصل ۴۱: قطعی بودن داوری
۲۶۳	فصل ۴۲: خدا یگانه نجات‌دهنده است
۲۷۱	فصل ۴۳: کار پدر در نجات
۲۷۷	فصل ۴۴: کار پسر در نجات
۲۸۵	فصل ۴۵: کار پسر در نجات
۲۹۳	فصل ۴۶: کار پسر در نجات
۲۹۷	فصل ۴۷: کار روح القدس در نجات
۳۰۳	پی‌نوشت: نام‌های خدا

شناخت خدای زنده

مقدمه

روش مطالعه

هدف اصلی این کتاب چیزی جز این نمی‌باشد که شاگردان کتاب مقدس به وسیله کلام خدا با خدا روبه‌رو شوند. شالوده کتاب حاضر بر این حقیقت بنا است که کتاب مقدس الهام خدا و کلام خطاناپذیر خدا است. این کتاب به شکلی طراحی شده است که واقعاً محال است شاگردان بتوانند با کتاب مقدس بسته در مطالعه این کتاب پیش روند. هدف این است که خوانندگان این کتاب از اندرز پولس رسول در رساله دوم تیموتائوس ۱۵:۲ اطاعت نمایند:

«و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد.»

هر فصل به طور مشخص به یک جنبه از ذات و عملکرد خدا اختصاص دارد. در هر فصل، شاگردان می‌توانند به پرسش‌ها پاسخ دهند و با توجه به آیاتی که پیش‌روی آنها قرار دارد تمرین‌ها را انجام دهند. به شاگردان انگیزه داده می‌شود بر آیات مورد نظر تفکر و تأمل نمایند و دیدگاه خود را توضیح دهند. هر قدر شاگردان برای مطالعه و کندوکاو در مطالب این کتاب وقت صرف کنند، از آن بهره بیشتری می‌برند. اگر بدون اندیشیدن به حقایق نامبرده فقط به پرسش‌ها پاسخ دهند و بدون آنکه معنا و مفهوم آنها را تشخیص دهند فقط تمرین‌ها را به صورت یک تکلیف انجام دهند، قطعاً این کتاب نمی‌تواند کمک زیادی به آنها بنماید.

کتاب «شناخت خدای زنده» در اصل مطالعه‌ای بر پایه کتاب مقدس است و شامل عکس‌ها و تصویرهای رنگی، داستان‌های قشنگ و جذاب، یا حتی تفسیرهای الهیاتی نمی‌باشد. خواسته دل نویسندگان این بوده است که منبعی تهیه نمایند تا خوانندگان را به سوی کتاب مقدس راهنمایی نماید، تا کلام خدا سخن گوید و بس.

این کتاب تمرین و آزمون برای مطالعه شخصی، مطالعه در گروه‌های کوچک بررسی کتاب مقدس، یا کلاس‌های آموزشی روزهای یک‌شنبه مفید خواهد بود. پیشنهاد می‌شود شاگردان پیش از شرکت در کلاس‌ها و جلسه‌های آموزشی شاگردسازی تمرین‌ها و پرسش‌های هر فصل را خودشان به تنهایی انجام دهند و سپس در جمع یا با راهنمایی آموزگارشان تمرین‌ها را مطالعه و بررسی نمایند.

توصیه به شاگردان

شاگردان را تشویق می‌کنیم آموزه‌های کتاب مقدس را مطالعه کنند و جایگاه والای این آموزه‌ها را در زندگی خود کشف نمایند. ایماندار واقعی نمی‌تواند جدایی احساس و عقل را تحمل کند یا با این جدایی به حیاتش ادامه دهد. ایماندار واقعی نمی‌تواند جدا بودن سرسپردگی به خدا را از آموزه شناخت خدا تاب آورد یا با این جدایی زندگی کند. به فرموده کتاب مقدس، نه احساسات ما و نه تجربه‌های ما می‌توانند شالوده و زیربنای زندگی مسیحی ما باشند. فقط حقایق کتاب مقدس، که از طریق مطالعه آموزه‌ها و تعالیم کلام خدا به ما منتقل می‌شوند و آنها را با عقل و هوشمان درک می‌نماییم، می‌توانند زیربنای محکمی باشند تا باورهای ما و رفتار و کردار ما و تشخیص اعتبار و اصالت احساسات و تجربه‌های ما بر آن شالوده استوار گردد. ذهن دشمن دل نیست و آموزه‌ها مانع و سد راه سرسپردگی ما نیستند. این دو امر، هر دو، ضروری و لازم هستند و نباید

آنها را از هم جدا نمود. کتاب مقدس به ما امر می‌نماید با همه دل و جان و فکرمان خداوند خدای خود را دوست بداریم (متی ۲۲:۳۷) و خدا را هم در روح و هم در راستی بپرستیم (یوحنا ۴:۲۴).

مطالعه آموزه‌های کتاب مقدس هم یک انضباط عقلانی است و هم انضباطی ناشی از عشق و سرسپردگی. مطالعه آموزه‌ها کاوشی شورمندانه برای خدا است و همواره باید شاگردان کلام خدا را به نقطه‌ای برساند که به تغییر و تحول روحانی آنها و به اطاعت و پرستش از صمیم قلب ختم شود. بنابراین، شاگردان باید حواسشان باشد و در دام این اشتباه چشمگیر گرفتار نشوند که فقط بخواهند دانش بپندوزند، بی‌آنکه شخصاً خدا را بشناسند. نه وقف و سرسپردگی که دانش و معلومات در آن جای نداشته باشد فایده دارد و نه فقط دانش اندوختن و ذهن را از اطلاعات پُر ساختن سودمند است. در هر دو حالت، جای خدا خالی است.

ترجمه کتاب مقدس، معروف به ترجمه قدیم

برای انجام تمرین‌های این کتاب، لازم است از ترجمه فارسی کتاب مقدس، معروف به «ترجمه قدیم»، استفاده شود. ترجمه قدیم را به این دلایل انتخاب کرده‌ایم: (۱) اعتقاد و باور راسخ و استوار مترجم‌های این ترجمه که باور داشتند کتاب مقدس کلام خدایانپذیر خدا است؛ (۲) امانت و وفاداری این ترجمه به زبان‌های اصلی آن.

کلامی از نویسندگان

چگونه ممکن است یک انسان یا یک فرشته کتابی درباره خدا بنویسد که بتواند حق مطلب را بیان کند؟ شمارش ستارگان آسمان آسان تر خواهد بود! با این دیدگاه، اعتراف می‌کنم هر آنچه در صفحات این کتاب پاک و مقدس و نیکو و مفید می‌باشد فقط ثمره فیض خدا است. من با آگاهی از سنگینی بار موضوعی که برای این کتاب انتخاب کرده‌ام این کتاب تمرین و آزمون را با ترس و لرز نوشته و کلام رساله یعقوب ۱:۳ را در نظر داشته‌ام:

«ای برادران من، بسیار معلم نشوید، چون که می‌دانید که بر ما داوری سخت‌تر خواهد شد.»

قدردان همسرم، چارو، هستم که روزافزون در خداوند قوی می‌گردد. متشکرم از چهار فرزندم که یک نگاه به آنها کافی است شیفته‌شان شوم و از کارم دست بکشم. از آقای فورست هایت، همکارم در سازمان HeartCry سپاسگزارم که بخش‌هایی از این کتاب را با دقت و کوشایی ویرایش نموده است. زحمات او برای شیواتر و خواناتر نمودن این کتاب بسیار شایان توجه و قابل تقدیر است. از همه همکارانم در سازمان HeartCry نیز کمال تشکر را دارم که در مرحله به مرحله انتشار این کتاب موجب تشویق و دلگرمی من بودند. با سپاس ویژه از شبان چارلز لایتر، در شهر کرکزویل، ایالت میزوری، و دیدگاه و بینش پرارزش و گران‌بهای او.

کلامی از ویرایشگر

«شناخت خدای زنده» برگرفته از کتاب قبلی پل واشر است، به نام «خدای واحد حقیقی». اما، نسبت به کتاب نامبرده، در این کتاب جزئیات بیشتری گنجانده شده است، بازنویسی‌های بیشتری انجام گرفته است، و تغییرات فراوانی داده شده است. به خاطر پیوند نزدیک این دو کتاب، کسانی که «خدای واحد حقیقی» را مطالعه نموده‌اند احتمالاً شماری از موضوعات مشترک را در این کتابی که اکنون در دست دارند تشخیص خواهند داد. بخش‌هایی از این کتاب تقریباً با کتاب قبلی یکسان

می‌باشند (فصل‌های ۱۰-۱۴، ۴۸). البته بخش‌هایی نیز کاملاً تازه هستند (فصل‌های ۱-۲، ۴، ۴۲-۴۷). سایر فصل‌ها نیز در بخش‌هایی تازه هستند و در بخش‌هایی برگرفته از کتاب قبلی. به نظرم، کتاب «شناخت خدای زنده» برای همه مفید است، فرقی نمی‌کند کتاب «خدای واحد حقیقی» را خوانده باشند یا اصلاً با آن آشنا نباشند.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

The Attributes of God by A.W. Pink

The Knowledge of the Holy by A.W. Tozer

Knowing God by J.I. Packer

The Existence and Attributes of God by Stephen Charnock

Theology Explained and Defended by Timothy Dwight

Behold Your God: Rethinking God Biblically [workbook and DVD series] by John Snyder

The Holiness of God [workbook and DVD series] by R.C. Sproul

The Attributes of God [teaching series] by R.C. Sproul

The Doctrine of God by John Frame (for advanced students)

برنامه‌ریزی برای مطالعه (دلبخواهی)

هفته اول: شناخت خدا و آموزه تثلیث

روز اول: فصل ۱

روز دوم: فصل ۲، بخش ۱

روز سوم: فصل ۲، بخش ۲

روز چهارم: فصل ۳

روز پنجم: فصل ۴

هفته دوم: ذات خدا

روز اول: فصل ۵

روز دوم: فصل ۶، بخش‌های ۱-۲

روز سوم: فصل ۶، بخش ۳

روز چهارم: فصل ۷، نکته‌های اصلی ۱-۵

روز پنجم: فصل ۷، نکته‌های اصلی ۶-۱۰

هفته سوم: کمالات خدا، بخش ۱

روز اول: فصل ۸

فصل ۹، بخش ۱

روز دوم: فصل ۹، بخش ۲

روز سوم: فصل ۱۰، نکته‌های اصلی ۱-۳

روز چهارم: فصل ۱۰، نکته اصلی ۴

فصل ۱۱

روز پنجم: فصل ۱۲

هفته چهارم: کمالات خدا، بخش ۲

روز اول: فصل ۱۳، نکته‌های اصلی ۱-۳

روز دوم: فصل ۱۳، نکته‌های اصلی ۴-۶

روز سوم: فصل ۱۴

روز چهارم: فصل ۱۵، نکته‌های اصلی ۱-۵

روز پنجم: فصل ۱۵، نکته‌های اصلی ۶-۸

هفته پنجم: قدوسیت و عدالت خدا

روز اول: فصل ۱۶، بخش ۱

فصل ۱۶، بخش ۲، نکته‌های اصلی ۱-۳

روز دوم: فصل ۱۶، بخش ۲، نکته اصلی ۴

فصل ۱۷، بخش ۱

فصل ۱۷، بخش ۲، زیربخش ۱

روز سوم: فصل ۱۷، بخش ۲، زیربخش‌های ۲-۳

روز چهارم: فصل ۱۸

روز پنجم: فصل ۱۹

هفته ششم: خدای واحد حقیقی

روز اول: فصل ۲۰؛ نکته‌های اصلی ۱-۳

روز دوم: فصل ۲۰، نکته‌های اصلی ۴-۶

روز سوم: فصل ۲۱

روز چهارم: فصل ۲۲، بخش‌های ۱-۲

روز پنجم: فصل ۲۲، بخش‌های ۳-۳

هفته هفتم: امین بودن و وفاداری خدا

روز اول: فصل ۲۳

روز دوم: فصل ۲۴، بخش ۱

روز سوم: فصل ۲۴، بخش‌های ۲-۳

روز چهارم: فصل ۲۵، بخش‌های ۱-۲

روز پنجم: فصل ۲۵، بخش‌های ۳-۴

هفته هشتم: محبت خدا

روز اول: فصل ۲۶

روز دوم: فصل ۲۷

روز سوم: فصل ۲۸

روز چهارم: فصل ۲۹

روز پنجم: فصل ۳۰

هفته نهم: خدای خالق

روز اول: فصل ۳۱، بخش ۱

روز دوم: فصل ۳۱، بخش ۲

روز سوم: فصل ۳۲، بخش ۱

روز چهارم: فصل ۳۲، بخش ۲

فصل ۳۳

روز پنجم: فصل ۳۴

هفته دهم: خدای حاکم مطلق

روز اول: فصل ۳۵

روز دوم: فصل ۳۶

روز سوم: فصل ۳۷

روز چهارم: فصل ۳۸، بخش ۱، نکته‌های اصلی ۱-۳

روز پنجم: فصل ۳۸، بخش ۱، نکته اصلی ۴

فصل ۳۸، بخش ۲

هفته یازدهم: خدای قانون‌گذار و داور

روز اول: فصل ۳۹، بخش‌های ۱-۲

روز دوم: فصل ۳۹، بخش‌های ۳-۳

روز سوم: فصل ۴۰

روز چهارم: فصل ۴۱، بخش ۱

روز پنجم: فصل ۴۱، بخش ۲

هفته دوازدهم: خدای نجات‌دهنده، بخش ۱

روز اول: فصل ۴۲، بخش ۱

روز دوم: فصل ۴۲، بخش ۲

روز سوم: فصل ۴۳

روز چهارم: فصل ۴۴، بخش ۱

روز پنجم: فصل ۴۴، بخش ۲

هفته سیزدهم: خدای نجات‌دهنده، بخش ۲

روز اول: فصل ۴۵، بخش‌های ۱-۲

روز دوم: فصل ۴۵، بخش‌های ۳-۴

روز سوم: فصل ۴۶

روز چهارم: فصل ۴۷

روز پنجم: پی‌نوشت

شناخت خدای زنده

فصل ۱: شناخت خدا

برترین شناخت

یک ایماندار باید از کجا مطالعه خود را درباره مسیحیت آغاز کند؟ پاسخ ساده است، هرچند این پاسخ همیشه برای همه واضح و روشن نیست: مسیحیت، پیش از هر چیز دیگر و مهم‌تر از هر چیز دیگر، درباره خدا و کار خدا است. بنابراین، باید مطالعه‌مان را با خدا آغاز نماییم!

۱. به گفته کتاب ارمیا ۹: ۲۳-۲۴، مهم‌ترین و اساس‌ترین شناختی که انسان می‌تواند به آن دست یابد چه شناختی است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: وقتی صحبت از صفات‌های خدا به میان می‌آید، ویژگی‌ها و خصوصیات زیربنایی، ماندگار، و تغییرناپذیر خدا منظور است، یعنی آن کسی که واقعاً هست. باید بر همگان واضح و بدیهی باشد که برای ما شناخت خدا مهم‌ترین شناخت است. ما، ایمانداران به مسیح، باید زندگی‌مان را وقف شناخت خدا نماییم و خود را متعهد و سرسپرده گردانیم که خدا را به جهان بشناسانیم.

۲. شناخت خدا با شناخت صفات‌های او آغاز می‌گردد. اما شناخت خدا با شناخت صفات‌های خدا پایان نمی‌یابد. شناخت خدا شناخت اراده او را نیز شامل می‌گردد. رساله افسسیان ۱۷:۵ در خصوص این حقیقت به ما چه اندرزی می‌دهد؟

الف. از این جهت، _____ مباحثید، بلکه _____ که _____ خداوند چیست.

نکته: وقتی صحبت از اراده خدا به میان می‌آید، هدف‌ها، برنامه‌ها، و خواسته‌های خدا منظور است. ما خوانده شده‌ایم که جویای اراده خدا باشیم و بر مبنای اراده خدا زندگی کنیم. در کلام خدا، واژه «بی‌فهم» یا «احمق» واژه‌ای است گویای حقیقتی اخلاقی. منظور کلام خدا از شخص احمق این نیست که آن شخص کودن یا بی‌عقل است. منظور شخصی است که اهمیت شناخت خدا را تشخیص نمی‌دهد و بنا بر اراده خدا زندگی نمی‌کند.

۳. به فرموده عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۳:۱۷، حیات جاودان چیست؟ هدف اصلی و برجسته ارتباط تازه ایماندار با خدا چه می باشد؟

نکته: حیات ابدی فقط به مقدار و میزان حیات اشاره ندارد (یعنی حیاتی که پایان نداشته باشد)، بلکه کیفیت حیات منظور است: هدف اصلی زندگی شناخت خدا است، شناختی که از رابطه‌ای صمیمی سرچشمه می‌گیرد.

برکت‌های شناخت خدا

برکت‌های شناخت خدا بسیار گسترده‌اند و توضیح جزئیات آنها در این کتاب نمی‌گنجد. با این حال، از چند برکت اصلی و اساسی که مستقیم در کتاب مقدس به آنها اشاره شده نام می‌بریم. در ادامه، چهار برکت مهم که از شناخت خدا بر مبنای کتاب مقدس ناشی می‌شوند عنوان می‌گردند.

۱. بینش

الف. کتاب امثال سلیمان ۱۰:۹ درباره شناخت خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

(۱) ترس خداوند [یهوه] ابتدای _____ است و شناخت آن قدوس _____ .

نکته: برای آنکه در مورد هر چیز دیگر دیدگاه صحیح داشته باشیم، قبل از هر چیز، ابتدا لازم است درباره خدا دیدگاهمان صحیح باشد. فقط در پرتو شناخت صحیح از خدا می‌توانیم به درستی به مفهوم واقعیت پی ببریم، به ویژه اینکه خودمان که هستیم، نیازمان چیست، و هدف از هستی مان چه می‌باشد.

۲. توکل یا ایمان

الف. مزمور ۱۰:۹ درباره کسانی که خدا را می‌شناسند چه می‌فرماید؟

(۱) آنانی که _____ تو را می‌شناسند بر تو _____ خواهند داشت، زیرا ای خداوند [یهوه] تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای.

نکته: در کتاب مقدس، نام خدا به خود خدا اشاره دارد. هرچه بیشتر درباره خدا بدانیم (درباره شخصیت کامل و قدرت بی‌کران او)، بیشتر قادر خواهیم بود خدا را باور کنیم و در هر جنبه از زندگی مان به او توکل نماییم.

۳. قوت روحانی

الف. کتاب دانیال ۳۲:۱۱ درباره آنانی که خدا را می‌شناسند به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

(۱) آنانی که خدای خویش را می‌شناسند _____ خواهند کرد.

نکته: زندگی مسیحی از برکت قوتی برخوردار است که فراسوی قوت ما است. هرچه بیشتر خدا را می‌شناسیم، از لحاظ روحانی قوی‌تر می‌گردیم. بنابراین، این تمایل و توانایی بیشتر در ما تقویت می‌شود که بی‌توجه به موانع بر سر راهمان، فعال و پویا، برای خدا زیست نماییم. به فرموده کتاب مقدس، داوود، در اوج سختی و گرفتاری که گریبانگیرش بود، «بسیار مضطرب شد»، اما «خویشتن را از یهوه، خدای خود، تقویت نمود» (اول سموئیل ۳۰:۶).

۴. ثبات قدم

الف. در رساله دوم تیموتائوس ۱:۱۲، پولس رسول چه حقیقتی را اعلام می‌نماید؟

(۱) و از این جهت این زحمات را می‌کشم، بلکه عار ندارم، چون _____ به که ایمان آوردم و مرا _____ که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند.

نکته: پولس رسول این حقیقت را دقیقاً پیش از آنکه به دست حکومت فاسد امپراتوری رومیان به خاطر مسیح به شهادت برسد اعلام می‌نماید. او به مسیح وفادار می‌ماند و ایمانش را انکار نمی‌کند. او دلیرانه می‌ایستد، عار ندارد، یقین دارد، زیرا شخصیت و قدرت آن کسی را که به او ایمان آورده است می‌شناسد.

خطرهای نشناختن خدا

همانند برکت‌های شناخت خدا، عواقب ویرانگر نشناختن خدا نیز بسیار گسترده‌اند و توضیح جزییات آنها در این کتاب نمی‌گنجد. با این حال، در اینجا، به شش مورد از اصلی‌ترین خطرهایی می‌پردازیم که در کتاب مقدس مستقیم به آنها اشاره گشته است.

۱. در تصورات خودمان خدایی خلق می‌کنیم

الف. به گفته مزمور ۲۱:۵۰، اسرائیلیان در دیدگاهشان به خدا چه اشتباهی مرتکب شدند؟

(۱) این را کردی و من سکوت نمودم. پس _____ لیکن تو را _____ و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد.

نکته: بدون شناخت حقیقی خدا، انسان دیدگاه و عقیده خودش را شکل می‌دهد و خدایی را به تصور خودش خلق می‌کند. نتیجه این می‌شود که دیدگاهی کج و معوج و بیراهه رفته در مورد خدا پدید می‌آید و در پی آن داوری خدا از راه می‌رسد!

۲. پرستش کاذب

الف. در انجیل یوحنا ۴:۲۲، عیسی مسیح در کنار چاه یعقوب در مورد زن سامری و همشهریانش و مذهبشان به او چه می‌فرماید؟

(۱) شما آنچه را که _____ .

نکته: بت پرستی یعنی چیزی یا کسی را جز خدای زنده پرستیم. حتی کسانی که خودشان را مسیحی می‌دانند اگر خدا را به معنای واقعی نشناسند، در دام این اشتباه گرفتار می‌شوند. آنها در ذهن خود خدای کاذبی خلق می‌کنند و آن خدای خودساخته را می‌پرستند.

۳. بی‌ایمانی یا عدم توکل

الف. در رساله رومیان ۱۰:۱۴، پرسش‌های پولس رسول درباره شناخت خدا چه کاربردهایی دارند؟

(۱) پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه _____ به کسی که _____ ؟
و چگونه بشنوند بدون واعظ؟

نکته: کاربرد مستقیم این آیه مربوط به بشارت و موعظه انجیل است، اما در خصوص شناخت خدا نیز کاربردی بس گسترده دارد، بدین معنا که چگونه کسی که خدا را نمی‌شناسد به او ایمان آورد؟ این پرسش علاوه بر اینکه ایمان آوردن گناهکاری را که به نجات ختم می‌شود نشانه می‌گیرد، به ایمان یا توکل ایمانداران به خدا نیز مربوط است، چرا که ایمان و توکل لازمه زندگی مسیحی است. بنا بر آنچه از مزمور ۹:۱۰ یاد گرفتیم، فقط آنانی که نام خدا را می‌شناسند به او توکل خواهند نمود.

۴. بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی به گناه. در رساله اول قرنتیان ۳:۱۵، پولس رسول کلیسای قرنتس را به این دلیل توبیخ می‌نماید که شماری از کسانی که خود را ایماندار به مسیح می‌دانستند واقعاً خدا را نمی‌شناختند. این بی‌اعتنایی به خدا دو پیامد خطرناک و شرمسارانه به همراه داشت.

الف. آنها آن‌طور که باید _____ باشند _____ نبودند. «هشیار بودن» می‌تواند «بیدار بودن» ترجمه شود: «بیدار شده، گناه مکنید.» چون خدا را نمی‌شناختند، همچون خواب‌زدگان و مستان زندگی می‌کردند، از خطرهای گناه غافل بودند و به اهمیت زندگی در راستای اراده خدا اعتنا نداشتند.

ب. آنها _____ بودند. این واژه در زبان یونانی *hamartano* «هامارتانو» می‌باشد که به معنای «به هدف نزدن» است. آنها در مورد ذات خدا (او عادل است) از هدف غافل ماندند. آنها در خصوص زیستن در حضور خدا (در راستی و پاکی) نیز به هدف نزدن.

۵. یاغی. این واژه به زندگی بدون قانون یا جدا از اراده خدا اشاره دارد، به گونه‌ای که انگار خدا قانونی ندارد و یا شریعتش را به انسان نداده است. این بی قانونی یکی از زنده‌ترین عواقب جهالت در مورد خدا است.

الف کتاب امثال سلیمان ۱۸:۲۹ درباره پیامدهای نشناختن خدا چه دیدگاهی دارد؟

(۱) جایی که _____ نیست قوم گردنکش می‌شوند، اما _____ کسی که شریعت را نگاه می‌دارد.

نکته: در این آیه، «رویا» به مکاشفه شخصیت و اراده خدا از طریق کتاب مقدس اشاره دارد، نه خواب و رویایی فراطبیعی. وقتی از ذات و شریعت خدا آگاهی وجود نداشته باشد، مردم گردنکش می‌شوند. واژه «گردنکش» در زبان عبری کلمه «پارا» می‌باشد و به معنای «لگام گسیختن» یا «سروری کردن» است. کسانی که خدا یا اراده خدا را نمی‌شناسند لگام گسیخته در گناه می‌تازند و رهبران خودخوانده‌ای هستند که می‌خواهند بدون خدا آقا و ارباب زندگی خودشان باشند. در کتاب داوران، با نمونه‌ای از این خودمختاری روبه‌رو هستیم: «در آن ایام، در اسرائیل پادشاهی نبود و هر کسی آنچه در نظرش پسند می‌آمد می‌کرد» (۱۷:۶؛ ۲۱:۲۵).

ب. در کتاب هوشع ۱:۴-۲، خداوند امت اسرائیل را به سبب عدم شناخت خدا توبیخ می‌نماید و یاغیگری‌ها و گردنکشی‌هایی را به آنها نسبت می‌دهد که همواره سوغات یا نتیجه نشناختن خدا هستند. فهرست این گناهان خاص را نام ببرید.

(۱) نه _____ (آیه ۱)

(۲) نه _____ (آیه ۱)

(۳) _____ (آیه ۲)

(۴) _____ (آیه ۲)

(۵) _____ (آیه ۲)

(۶) _____ (آیه ۲)

(۷) _____ (آیه ۲)

(۸) _____ (آیه ۲)

نکته: آیا میان گناهان اسرائیل، که نتیجه عدم شناخت خدا است، و رفتار و کردار حاکم در جامعه‌مان نقطه مشترکی می‌یابیم؟ شریعت خدا همان شریعت است و انسان هم همان انسان گناهکار. هر قدر بیشتر در مقابل شناخت خدا مقاومت کنیم، گردنکش‌تر و بی‌اخلاق‌تر می‌شویم!

۶. داوری الهی و هلاکت. این هولناک‌ترین پیامد نشناختن خدا است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد چه نکته‌ای را درباره این حقیقت به ما تعلیم می‌دهند؟

الف. هوشع ۶:۴

نکته: عدم شناخت خدا ویرانگر است. نشناختن خدا موجب می‌شود شخص در دستان خدا به ابزار بیهوده و بی‌استفاده‌ای تبدیل شود و سرانجام افراد جامعه و کل جامعه هلاک شوند. اگر ما خدا را نشناسیم، عواقب ویرانگری گریبانگیر نسل‌های بعد از ما خواهد شد.

ب. رومیان ۱:۱۸

نکته: غضب خدا به خشم عادلانه خدا به انسان گناهکار اشاره دارد. توجه به این نکته مهم است که انسان یک قربانی نیست. این تعلیم کتاب مقدس است که انسان سقوط کرده از خدا متنفر است (رومیان ۱:۳۰) و دشمن شریعت خدا است (رومیان ۷:۸). به سبب بی‌خدایی و ناپاکی انسان است که او به حقیقت درباره ذات و اراده خدا پشت می‌کند، آن را نادیده می‌گیرد، و حتی آن را سرکوب می‌کند.

شناخت خدای زنده

فصل ۲: رشد نمودن در شناخت خدا

چگونه زندگی کنیم؟

اکنون، که از این امر بسیار مهم و برجسته آگاه شده‌ایم که در کتاب مقدس می‌توان خدا را شناخت، باید از خود بپرسیم: «چگونه زندگی کنیم؟» به بیان دیگر، «واکنش سنجیده ما باید چه باشد؟» باید همواره به یاد داشته باشیم که در زندگی مسیحی، علاوه بر اینکه باید دغدغه‌مان این باشد که دانسته‌ها و دانشمان در چه اندازه‌ای است، باید این دل‌مشغولی را هم داشته باشیم که در پرتو دانسته‌هایمان چگونه زندگی می‌کنیم!

۱. مزمور ۱۰۵: ۴-۵، به زیبایی و به تأکید، اندرز می‌دهد جویا و طالب خداوند باشیم. این آیات را به دقت مطالعه نمایید. سپس دیدگاه خود را بنویسید. چگونه می‌توانیم این اندرز را به زندگی‌مان ربط دهیم؟

۲. فقط در ابتدا جویای خداوند بودن کافی نیست. جویای خداوند بودن باید عادت همه عمرمان گردد. کتاب هوشع ۳: ۶ درباره این حقیقت ما را چه اندرز می‌دهد؟ این آیه به همه کسانی که در شناخت خدا ثابت قدم هستند چه وعده‌ای می‌دهد؟

نکته: «تعاقب» در زبان عبری واژه راداف می‌باشد و به این معنا است: «از پی آمدن، دنبال کردن، پیگیری نمودن، تعقیب کردن.» ما در پیگیری شناخت خدا و اراده‌اش نباید بی‌حال و بی‌توجه و بی‌ثبات باشیم، بلکه باید در این خصوص قاطع و مصمم و پویا و فعال، حتی بلندپرواز، باشیم.

۳. علاوه بر اینکه خدا به ما حکم می‌نماید جویای او باشیم، وعده‌های بسیار فراوان و ارزشمندی به ما داده است تا ما را تشویق نماید. در کتاب امثال سلیمان ۲:۲-۵، با یکی از تأثیرگذارترین وعده‌های کلام خدا در مورد شناخت خدا روبه‌رو می‌شویم. این آیات را مطالعه نمایید و دیدگاه خود را بنویسید.

نکته: میان کلام خدا و دعا پیوندی ناگشودنی وجود دارد. باید به درگاه خدا دعا کنیم تا شناخت خودش و درک اراده‌ی خویش را به ما عطا نماید. همچون تلاش برای یافتن نقره و گنج نهان در دل غاری عمیق یا معدنی ژرف، باید جویای این شناخت و طالب آن باشیم. توجه داشته باشید که میان شناخت خدا و حرمت و احترام و ترس ما از خدا نیز رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. هرچه بیشتر خدا را می‌شناسیم، بیشتر او را در زندگی مان حرمت می‌نهیم و احترام می‌گذاریم.

۴. بنا بر آیاتی از کتاب مقدس که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، یکی از آشکارترین و بدیهی‌ترین ویژگی‌های عادلان چه می‌باشد (کسانی که رابطه‌شان با خدا صحیح و سالم است)؟

الف. مزمور ۲۷:۸

ب. فیلیپیان ۳:۷-۸

نکته: یکی از آشکارترین و بدیهی‌ترین ویژگی‌های عادلان این است که جويا و طالب شناخت خدا و اراده او هستند. اگرچه حتی بالغ‌ترین و غیرتمندترین ایمانداران نیز با گناه و بی‌حسی در کشمکش هستند، ما باید در شناخت خدا پیگیر و کوشا باشیم. شناختن خدا و خشنود نمودن خدا باید دل مشغولی حاکم در زندگی ما باشد. شناختن خدا و خشنود نمودن خدا باید حقیقتی باشد که اختیاردار زندگی مان شود.

۵. بنا بر آیاتی از کتاب مقدس که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، یکی از آشکارترین و بدیهی‌ترین ویژگی‌های شریان چه می‌باشد؟

الف. ایوب ۲۱: ۱۴-۱۵

ب. مزمور ۱۴: ۱-۳

نکته: همواره باید به یاد داشته باشیم که ما هم قبلاً همان کسی بودیم که در کتاب ایوب ۲۱: ۱۴-۱۵ و مزمور ۱۴: ۱-۳ توصیف می‌گردد و اگر فیض خدا در میان نبود، هنوز هم همان آدم می‌بودیم. اکنون، خدا را دوست داریم، چون او ابتدا ما را محبت نمود (اول یوحنا ۴: ۱۹). ما جويا و طالب خدا نبودیم، خدا جويای ما گشت (رومیان ۳: ۱۱؛ لوقا ۱۵: ۱-۱۰). ما خدا را انتخاب نکردیم، خدا ما را برگزید (یوحنا ۱۵: ۱۶)! هر نیکویی که به جا می‌آوریم و هراشتیاقی که برای خدا داریم نتیجه کاری است که خدا در ما انجام داده است (افسیان ۲: ۱۰)! بنابراین، «هر که فخر کند در خداوند فخر نماید» (اول قرنتیان ۱: ۳۱).

منبع عظیم شناخت خدا

تاکنون، سه حقیقت مهم را فرا گرفته‌ایم: خدا ما را اندرز می‌دهد تا جویای او باشیم. خدا وعده داده است خودش را به آنانی که جویای او هستند مکشوف نماید. عادلان جویا و طالب خدا خواهند بود. اینها حقایقی بس عظیم می‌باشند. با این حال، یک پرسش باقی می‌ماند: «چگونه باید جویای شناخت خدا باشیم؟» پاسخ این پرسش شالوده و زیربنای زندگی مسیحی است: ما با مطالعه کلام خدا، کتاب مقدس، همراه با دعا، جویای شناخت خدا می‌گردیم. این حقیقت را با عمق و ژرفای بیشتری در فصل‌های بعد مطالعه خواهیم نمود. اما، در این مقطع، مهم‌ترین حقیقتی که باید متوجه آن باشیم این است که کتاب مقدس منبع عظیم شناخت خدا برای ایمانداران است.

۱. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چرا کتاب مقدس تنها منبع حقیقی و معتبر و قابل اعتماد برای شناخت خدا است؟

الف. رساله دوم تیموتائوس ۱۶:۳ درباره کلام خدا چه حقیقتی را اعلام می‌نماید؟

(۱) _____ کتب _____ خدا است و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است.

نکته: واژه «الهام» به مفهوم واقعی کلمه بدین معنا است: «دَم یا نَفَس خدا». این واژه در زبان یونانی *theopneustos* «تئوپنوستوس» می‌باشد [*theos* = خدا + *pneo* = دمیدن]. واژه «تمامی» نیز بسیار مهم است. کل کتاب مقدس از دهان خدا صادر شده است. از این رو، تمامی کتاب مقدس بدون خطا است و کاملاً معتبر و قابل اعتماد می‌باشد.

ب. مزمو ۶:۱۲ درباره قابل اعتماد بودن کلام خدا چه حقیقتی را به ما اعلام می‌نماید؟

نکته: مراحل خالص نمودن یا پالایش نقره از این قرار است: نقره را با حرارت شدید ذوب می‌کنند. در این زمان، ناخالصی‌ها در سطح شناور می‌شوند. آن‌گاه ناخالصی‌ها را از سطح برمی‌دارند و نقره با ناخالصی کمتر باقی می‌ماند. این کار را چندین بار تکرار می‌کنند. «هفت مرتبه» نماد خالص و ناب و معتبر بودن کلام خدا است.

۲. نظربه اینکه فقط کتاب مقدس منبع خطاناپذیر شناخت خدا و اراده‌اش است، پاسخ ما باید چه باشد؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم تیموتائوس ۱۵:۲

ب. عزرا ۱۰:۷

نکته: عزرا کاری را انجام می‌دهد که بعدها پولس در رسالهٔ دوم تیموتائوس ۱۵:۲ به ما حکم می‌نماید: عزرا در مطالعهٔ کلام خدا جدی و کوشا بود. به جامع و کامل بودن پاسخ عزرا به کلام خدا توجه نمایید: (۱) او کلام خدا را مطالعه می‌نماید؛ (۲) او از کلام خدا اطاعت می‌کند و آن را در زندگی‌اش عملی می‌سازد؛ (۳) او کلام خدا را به دیگران تعلیم می‌دهد. ما هم باید همانند عزرا باشیم!

۳. پیش از این، اشاره نمودیم که نه فقط باید با مطالعهٔ دقیق کلام خدا او را بشناسیم، بلکه باید با دعا نیز در شناخت خدا بکوشیم. دعا عاملی حیاتی در زندگی مسیحی ما است، به ویژه در خصوص شناخت خدا و مطالعهٔ کلام خدا. این دو آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دو نمونه از دعا به درگاه خدا است تا او و اراده‌اش را بیشتر بشناسیم. این آیات چه وعده می‌دهند؟ این آیات در کندوکاو ما برای شناخت بیشتر خدا چه کاربردی دارند؟

الف. مزمور ۱۱۹:۱۸

ب. ارمیا ۳۳:۲-۳

شناخت خدای زنده

فصل ۳: خدا واحد و در سه شخص است

خدا واحد است

این شهادت کتاب مقدس است که فقط یک خدای واحد حقیقی وجود دارد. اعتقاد به خدای واحد اعتقاد به «یکتاپرستی» است [در زبان یونانی: *monos* = یک، واحد + *theos* = خدا]. این اعتقاد که بیش از یک خدا وجود دارد به «چندخداپرستی» معروف است. ایمان مسیحی یکتاپرستی را باور دارد.

۱. کتاب تثنیه ۴:۶ یکی از مهم‌ترین اعلامیه‌ها در کل کتاب مقدس است. این اعلامیه چه حقیقتی را تصدیق می‌نماید؟

نکته: فقط یک خدای واحد حقیقی وجود دارد. این سنگ زیربنای ایمان و باور عهدعتیق و عهدجدید می‌باشد. درک این نکته مهم است که واژه «واحد» در زبان عبری واژه *ایحاد* است که معمولاً به وحدت و اتحاد بیش از یک نفر اشاره دارد. برای نمونه، در کتاب پیدایش ۲۴:۲ چنین می‌خوانیم: «و یک‌تن خواهند بود» (یعنی مرد و زن). کتاب عزرا ۱:۳ می‌فرماید: «تمامی قوم مثل یک مرد جمع شدند.» اهمیت خاص این حقیقت در بخش بعدی بسیار مشهود خواهد بود. در بخش بعدی، به بررسی این حقیقت می‌پردازیم که منظور چیست که خدای واحد حقیقی خدای تثلیث می‌باشد: پدر، پسر، روح‌القدس.

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد چه حقیقتی را درباره ذات خدا تصدیق می‌نمایند؟ آیا جز خدای کتاب مقدس خدایان دیگری وجود دارند؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

الف. تثنیه ۴:۳۹

نکته: اعتقاد به خدای واحد حقیقی و زنده که کتاب مقدس او را معرفی می‌نماید باید در عمق دل و فکر ما ریشه بگیرد. این حقیقت سنگ زیربنای سایر جنبه‌های ایمان ما است. تشخیص این نکته نیز بسیار مهم است که خدای کتاب مقدس خدایی نیست که صرفاً آفریننده مکان‌ها و قلمروها و سیطره‌ها باشد (در مورد بسیاری از خدایان بت پرستان چنین باوری وجود دارد). «آسمان و زمین» نمودار کل جهان هستی است، هم جهان مادی و هم جهان معنوی.

ب. اشعیا ۴۳:۱۰

نکته: در این آیه، سه واژه مهم وجود دارد که ما را به رابطه‌مان با خدا پیوند می‌دهد. (۱) دانسته: معنای این واژه فراتر از دانستن‌ها درباره خدا است. این واژه گویای رابطه شخصی با خدا می‌باشد. (۲) ایمان آورید: فقط دانستن لازمه رابطه ما با خدا نیست، بلکه توکل یا ایمان نیز واجب و ضروری است. (۳) بفهمید: وقتی به خدای واحد حقیقی ایمان می‌آوریم، باید در پی این باشیم که ثمره و نتیجه این ایمان را درک نماییم. حال، چگونه باید زندگی کنیم؟

ج. اشعیا ۴۵:۱۸

۳. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، در پرتو این حقیقت که فقط خدای کتاب مقدس خدای واحد حقیقی و زنده است، زندگی آدمیان باید چگونه باشد؟

نکته: عبارت «غیر از من» (آیه ۳) به مفهوم واقعی کلمه به معنای «پیش روی من» می باشد. این اصطلاح بدین معنا است که خداوند باید خدای ما باشد و ذره ای حس وفاداری یا پیروی از غیر خداوند نباید در دلمان وجود داشته باشد. هر چیزی یا هر کسی را که بیش از خدا ارزش نهیم یا او را خدمت نماییم یک بت به حساب می آید. غیرت خدا (آیه ۵) را نباید با حس حسادت انسان گناهکار اشتباه گرفت. حس حسادت انسان ها ناشی از غبطه خوردن و خودخواهی است. خدا بدان معنا غیرتمند است که از آنچه به حق و بجا متعلق به خودش است چشم پوشی نمی کند. خدا نمی تواند خدا بودن خود را انکار کند. خدا نمی تواند انکار کند که خدای واحد حقیقی است، که آفریننده آسمان ها و زمین است.

ب. مرقس ۱۲: ۲۸-۳۰

خدا تثلیث است

واژه «تثلیث» در زبان لاتین واژه *trinitas* «ترینیتاس» است که به معنای «سه گانه» یا «سه در یک» می باشد. کتاب مقدس تصدیق می نماید که خدای واحد حقیقی خدای تثلیث است: پدر، پسر، روح القدس. آنها سه شخص قابل تفکیک می باشند، اما هر سه از یک ذات یا ماهیت الهی برخوردارند و با یکدیگر مشارکتی جدایی ناپذیر دارند. توجه به این نکته مهم است که واژه «تثلیث» در کتاب مقدس وجود ندارد و نخستین بار ترتولیان (یکی از پدران اولیه کلیسا) این واژه را بر زبان آورد تا توضیح دهد که کتاب مقدس درباره ذات و ماهیت سه گانه خدا چه حقیقتی را تعلیم می دهد.

۱. انجیل متی ۱۹: ۲۸ حکمی از زبان خداوند عیسی مسیح است که به هنگام تعمید ایمانداران در آب بیان می شود. این اعلان نمونه ای عالی و برجسته از حقیقت تثلیث و اتحاد میان اعضای تثلیث می باشد.

الف. خداوند عیسی به ما حکم می فرماید _____ پدر، پسر، و روح القدس تعمید بیابیم.

نکته: توجه داشته باشید که «نام» به شکل مفرد است، حال آنکه، سه شخص مختلف را مد نظر دارد. این آیه نمی‌فرماید به نام‌های پدر، پسر، روح‌القدس، بلکه به نام آنها، زیرا این سه شخص دارای یک ذات می‌باشند.

۲. خدای تثلیث را که در انجیل متی ۱۹:۲۸ مشاهده می‌نماییم در سراسر کتاب مقدس با او روبه‌رو هستیم. رسالهٔ دوم قرنتیان ۱۴:۱۳ را بخوانید و این جمله‌ها را کامل نمایید.

الف. فیض خداوند _____ .

ب. محبت _____ .

ج. و مشارکت _____ با جمیع شما باد.

نکته: ساختاری که در آیهٔ نامبرده بیان می‌شود به صراحت گویای تساوی و برابری مطلق است. نکتهٔ شایان توجه اینجا است که به پسر حتی پیش از پدر اشاره می‌گردد. اگر پسر و روح‌القدس با پدر برابر نبودند، کفر می‌بود که پسر و روح‌القدس را هم‌دم و هم‌نفس پدر قرار دهیم (اول قرنتیان ۱۲:۴-۶؛ افسسیان ۴:۴-۶؛ اول پطرس ۱:۲).

۳. پدر، پسر، و روح‌القدس از یک ذات الهی برخوردار می‌باشند و کاملاً با هم برابر و با هم متحد هستند. با این حال، پدر، پسر، روح‌القدس سه شخص قابل تفکیک می‌باشند، نه اینکه یک شخص خودش را به سه شکل یا سه بُعد مختلف مکشوف سازد. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، این حقیقت به روشنی تأیید می‌شود. جای‌های خالی را پر نمایید.

الف. مرقس ۱:۱۰-۱۱

(۱) _____ تعمید می‌یابد (آیهٔ ۱۰).

(۲) _____ نازل می‌شود (آیهٔ ۱۰).

(۳) _____ از آسمان سخن می‌گوید (آیهٔ ۱۱).

ب. یوحنا ۱۴:۱۶-۱۷

(۱) _____ به نزد پدر دعا می‌کند (آیهٔ ۱۶).

(۲) _____ تسلی‌دهنده یا روح‌القدس را می‌فرستد (آیات ۱۶-۱۷).

(۳) _____ در ایمانداران به مسیح زندگی می‌نماید (آیهٔ ۱۷).

نکته: از همهٔ این آیات کلام خدا به روشنی مشخص است که پدر، پسر، و روح‌القدس سه شخص قابل تفکیک می‌باشند. خدا سه وجود مستقل یا سه خدای مختلف نیست. خدا یک شخص نیست که سه نقاب مختلف به چهره زند و یا خودش را به سه شکل و قالب مختلف نمایان سازد. خدای کتاب مقدس سه شخص قابل تفکیک اما برابر است که هر سه یکسان دارای ذات و ماهیت الهی می‌باشند و هر سه با یکدیگر کاملاً برابر و متحد هستند.

۴. اگرچه پدر، پسر، و روح القدس با یکدیگر کاملاً برابر و متحد هستند، عملکردهایشان مجزا است و خود را به طریق‌های مختلف آشکار می‌سازند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد چه نکته‌ای را درباره‌ی این حقیقت به ما تعلیم می‌دهند؟ جای‌های خالی را با پاسخ صحیح پُر نمایید.

الف. _____ خدای نادیده است که کسی او را ندیده است (یوحنا ۱: ۱۸).

ب. _____ خدا است که جسم گردید و مکاشفه‌ی کامل پدر می‌باشد (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸؛ ۹: ۱۴).

ج. _____ خدا است که در ایمانداران زندگی می‌کند (رومیان ۸: ۹؛ یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷، ۲۳).

چکیده حقایق درباره‌ی تثلیث

با توجه به آیاتی که از کلام خدا در این فصل مطالعه نموده‌ایم، اکنون، این حقایق را درباره‌ی خدا از نظر می‌گذرانیم.

۱. **خدا واحد است.** در حقیقتِ تثلیث، سه خدای مختلف وجود ندارد. اعتقاد به سه خدای مختلف بدعتی است که به «سه خداپرستی» معروف است.

۲. **خدا در سه شخص.** یک خدا در سه شخص وجود دارد: پدر، پسر، روح القدس.

۳. **کتاب مقدس هر دو حقیقت مهم را روشن و شفاف تأیید می‌نماید: خدا واحد و خدا در سه شخص است.** ما نمی‌توانیم این دو حقیقت را کاملاً و همه‌جانبه درک نماییم. اما باید آن را باور کنیم و با ایمان و اعتقاد راسخ آن را تعلیم دهیم. بدعت (تعلیم دروغ) زمانی پدید می‌آید که یکی از این حقایق را تأیید کنیم و دیگری را انکار کنیم و یا بریکی از این حقایق بیشتر از دیگری تأکید ورزیم. باید هر دو حقیقت را یکسان باور نماییم و به اصطلاح نه از این سوی بام بیفتیم و نه از آن سوی بام.

۴. **سه شخص تثلیث واقعی هستند و از یکدیگر قابل تفکیک می‌باشند.** تثلیث به این معنا نیست که یک شخص سه نقاب مختلف به چهره می‌زند یا خودش را در سه شکل و قالب مکشوف می‌سازد. این بدعتی است که به «یگانه‌انگاری» معروف است.

۵. **سه شخص تثلیث کاملاً با هم برابر می‌باشند.** پسر پایین‌رتبه‌تر از پدر نیست و روح القدس پایین‌رتبه‌تر از پسر نیست.

۶. **سه شخص تثلیث خود را به طریق‌های مختلف نمایان می‌سازند و عملکردهای مختلفی دارند.** هیچ انسانی پدر را ندیده است. پسر جسم گردید و در میان آدمیان ساکن گشت. روح القدس درون تک‌تک ایمانداران به مسیح ساکن است.

۷. **تثلیث یک سرّ است.** اما نباید این آموزه را به سبب سرّ بودن آن نادیده گرفت. عده‌ای می‌گویند نمی‌توانند چیزی را که نمی‌فهمند باور کنند. منظورشان این است که اگر موضوعی قابل توضیح نیست، پس نمی‌تواند حقیقت داشته باشد. اگر بخواهیم این منطق را در کل کتاب مقدس به کار ببریم یا حتی به تجربه‌های خودمان ربط دهیم، پس چیزی برایمان باقی نمی‌ماند که آن را باور نماییم. حتی ساده‌ترین حقایق کلام خدا و واقعیت‌ها درباره‌ی آدمیزاد ورای درک و فهم بشر می‌باشند. ایمان ما بر پایه‌ی درک و فهم ما بنا نمی‌باشد، بلکه بر شهادت راستین کتاب مقدس استوار می‌باشد.

۸. **بیشتر تصویرها و مثال‌هایی که برای توضیح تثلیث به کار می‌روند اصلاً نمی‌توانند حق مطلب را درباره‌ی این آموزه بیان کنند.** اغلب، دانشجویان کتاب مقدس برای توضیح آموزه‌ی تثلیث به تصویرها و مثال‌های گوناگونی متوسل می‌شوند. دریغا که

این تصویرها و مثال‌ها معمولاً زیان‌بارند تا مفید و مؤثر! برای نمونه، گاه، تثلیث را به آب تشبیه می‌کنند که در سه حالت مایع، جامد، و بخار وجود دارد. چنین تشبیهی کج و معوج جلوه دادن تثلیث و تحریف این آموزه است (همانند باور یگانه‌انگاران که پیش از این به آن اشاره شد). در این تشبیه، نشان داده می‌شود خدا یک شخص است که می‌تواند در سه شکل و قالب مختلف ظاهر شود. چه بسا بهتر است فقط تصدیق کنیم خدا هم خدای واحد و هم یک خدا در سه شخص است و از توضیح‌ها و تشبیه‌ها و مثال‌هایی خودداری نماییم که باعث می‌شوند آموزه تثلیث به بیراهه برده شود. حتی نباید توضیحاتمان را تا جایی ادامه دهیم که تثلیث را به مرز یک بدعت برسانیم.

کاربردهای تثلیث

آموزه تثلیث صرفاً یک گمانه‌زنی الهیاتی نیست، بلکه آموزه‌ای است که کتاب مقدس آن را واضح و روشن تعلیم می‌دهد. با این حال، فقط کفایت نمی‌کند تأیید کنیم تثلیث آموزه‌ای است که در کتاب مقدس ریشه دارد. ما باید شماری از کاربردهای آموزه تثلیث را نیز درک نماییم. در ادامه، به چندین مورد از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین کاربردها اشاره می‌نماییم.

۱. تثلیث به ما تعلیم می‌دهد خدا خدای رابطه است. پدر، پسر، و روح القدس از ازل کنار یکدیگر وجود داشته و با هم مشارکت داشته‌اند، مشارکت و رابطه‌ای بر مبنای اتحاد و محبت تمام‌عیار. ایمانداران به این مشارکت دعوت شده‌اند (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۳).

۲. تثلیث به ما تعلیم می‌دهد خدا بی‌نیاز است. این‌گونه نبود که خدا از شدت تنهایی و نیاز انسان را بیافریند و یا قومی را برای خود نجات بخشد. خدا برای جلال خویش و بنا بر وفوری که از آن لبریز بود انسان را آفرید و قومی را برای خود نجات بخشید. هر سه شخص تثلیث کاملاً در یکدیگر خشنود و سیرابند. خدا به چیزی یا کسی خارج از خودش نیاز ندارد تا به عبارتی خدا کامل شود.

۳. تثلیث به ما تعلیم می‌دهد خدا محبت است. محبت فقط یک عمل نیست، بلکه صفت خدا نیز می‌باشد. این صفت ازلی و ابدی است. محبت صفتی نیست که با آفرینش جهان به وجود آمده باشد. پیش از بنای عالم، خدا محبت بود و ابراز این محبت، کامل و تمام‌عیار، در میان سه شخص تثلیث نمایان بود.

۴. تثلیث به ما تعلیم می‌دهد نجات ما کار خدا است. پدر، که نجات ما را تدبیر و مقرر کرد و جزء به جزء آن را مدیریت نمود، خدا می‌باشد. پسر، که نجات ما به شخصیت و کاری که بر صلیب به انجام رساند وابسته است، خدا می‌باشد. روح القدس، که در ما ساکن است و ما را برای روز رستگاری مَهْر نموده است، خدا می‌باشد (افسیان ۴:۳۰). هر سه شخص که در نجات ما نقش دارند خدای کامل می‌باشند. بنابراین، می‌توانیم با قاطعیت خاطر جمع باشیم خدا، که آن کار نیکو را در ما شروع نمود، آن را تا به آخر به انجام خواهد رساند (فیلیپیان ۱:۶).

۵. تثلیث سرمشق روابط ما، انسان‌ها، است. سه شخص تثلیث کاملاً با هم برابرند و در اتحاد کامل با یکدیگر وجود دارند، اما عهده‌دار نقش‌ها و عملکردهای مختلف هستند. این امر به طور خاص در تسلیم بودن پسر به پدر مشهود می‌باشد. پسر با پدر برابر است، ولی پسر تسلیم اراده پدر گشت و با مطیع شدن، حتی تا به مرگ، خود را فروتن نمود (فیلیپیان ۲:۶-۸). این ثابت می‌کند تسلیم شدن در بافت و زمینه مناسب به معنای خوار و خفیف شدن شرافت و بزرگواری شخص و یا نشانه پایین‌رتبه بودن او نیست. این حقیقت در مورد جنبه‌های مختلف روابط انسان‌ها نیز کاربرد دارد، به ویژه در کلیسا (رهبران و اعضای کلیسا)، در پیوند ازدواج (زن و شوهر)، در خانواده (والدین و فرزندان)، در محل کار (کارفرما و کارمند).

شناخت خدای زنده

فصل ۴: الوهیت پسر و روح القدس

واژه *deitas* «دی‌ایتاس» در زبان لاتین به معنای «الوهیت» می‌باشد و بیانگر الهی بودن یا خدا بودن است. الوهیت پسر و روح القدس دو آموزه از مهم‌ترین آموزه‌ها در مسیحیت هستند. کسی که باور نکند پسر و روح القدس خدا هستند، یعنی شخص دوم و سوم تثلیث هستند، نمی‌تواند ایماندار به مسیح به حساب آید. پسر برای نجات و رستگاری ما انسان گشت و روح القدس در تک‌تک ایمانداران ساکن می‌گردد.

معمولاً، در خصوص الوهیت پدر بحث و گفتگویی وجود ندارد. حتی بسیاری از بدعت‌ها و تعالیم کاذب، که الوهیت پسر و روح القدس را منکر می‌شوند، خدا بودن پدر را قبول دارند (اول قرن‌تین ۸: ۶). از این جهت، دلیلی نمی‌بینیم در اینجا آیاتی را بررسی نماییم که به تصدیق الوهیت پدر اختصاص دارند. از سوی دیگر، الوهیت پسر و الوهیت روح القدس طی دو هزار سال تاریخ مسیحیت همواره هدف حمله و تاخت و تاز قرار گرفته است. بنابراین، قطعاً، لازم و واجب است که هر پیرو راستین مسیح با مراجعه به کتاب مقدس بیاموزد که پسر و روح القدس به معنای واقعی کلمه از الوهیت کامل برخوردار می‌باشند.

پسر خدا است

۱. انجیل یوحنا ۱: ۱ یکی از مهم‌ترین آیات کتاب مقدس درباره الوهیت پسر خدا است. این آیه را با دقت بخوانید و تمرین‌های زیر را انجام دهید.

الف. در _____ این عبارت اشاره‌ای به ابتدای آفرینش جهان است (پیدایش ۱: ۱).

ب. _____ بود. این واژه ترجمه واژه‌ای است که در زبان یونانی *logos* «لوگوس» می‌باشد. در فلسفه یونان، «لوگوس» به نیرو یا علتی اشاره دارد که موجب یکپارچگی و نظم و ترتیب در عالم هستی است. در عهدعتیق، این واژه گویای گفتار خدا یا ابراز وجود خدا است. خدا همه چیز را با کلام خویش آفرید (پیدایش ۱: ۳، ۹). خدا خودش را به وسیله «کلمه» به انسان مکشوف نمود. یوحنا تا آیه ۱۴ «کلمه» را معرفی نمی‌کند. در آیه ۱۴ متوجه می‌شویم «کلمه» پسر است که جسم گردید و در میان ما ساکن شد. پولس رسول می‌گوید پسر پیش از همه چیزهای دیگر وجود داشت (کولسیان ۱: ۱۷) و خدا همه چیز را به وسیله پسر آفرید (آیه ۱۶). یوحنا رسول می‌گوید به وسیله پسر بود که خدا خودش را شناسانید و مکشوف نمود (یوحنا ۱: ۱۸).

ج. و کلمه _____ خدا بود. در اینجا، دو حقیقت برجسته می‌آموزیم: (۱) پسر شخصی قابل تفکیک از خدای پدر است؛ (۲) پیش از آنکه چیزی یا کسی آفریده شود، پسر وجود داشت و با خدای پدر در مشارکت کامل و تمام‌عیار بود.

د. و کلمه _____ بود. دیگر از این واضح‌تر امکان نداشت که یوحنا الوهیت پسر را اعلام نماید. شماری از بدعت‌ها و تعالیم کاذب مدعی هستند که در این آیه پسریکی از خداوندگاران است، نه خدا. دلیل ادعای آنها این است که قبل از واژه «خدا» حرف تعریف به کار نرفته است (در زبان اصلی عهدجدید به زبان یونانی: *theos* «تئوس»). استدلال این بدعت‌ها به دو دلیل مردود است. دلیل اول این است که در انجیل یوحنا ۱: ۶، ۱۲، ۱۳ و ۱۸ واژه یونانی *theos* (خدا) بدون حرف تعریف به کار رفته است، در حالی که این واژه، شفاف و روشن، به خدای حقیقی اشاره دارد. معنا و مفهوم یک واژه یا عبارت را همیشه باید در بافت و محتوا و زمینه متن تعریف نمود. دلیل دوم این است که

اگر بگوییم پسریکی از خداوندگاران است، با سایر آیات کتاب مقدس در تضاد خواهد بود، زیرا کل کتاب مقدس اعلام می نماید جز خداوند حقیقی خدای دیگری وجود ندارد (اشعیا ۴۴: ۶، ۸؛ ۴۵: ۵، ۲۱؛ ۴۶: ۴؛ اول قرنتیان ۸: ۴).

۲. انجیل یوحنا ۱۸: ۱ آیه مهم دیگری درباره الوهیت پسر است. این آیه را بخوانید و با دقت به حقایق آن توجه نمایید. سپس با پر کردن جای های خالی تمرین های زیر را انجام دهید.

الف. _____ را هرگز کسی ندیده است. این جمله اشاره ای واضح به خدای پدر است که در نوری که نمی توان نزدیک آن شد ساکن می باشد (اول تیموتائوس ۱۶: ۶). همه مکاشفه های خدا از خودش در عهد عتیق مکاشفه هایی محدود بودند. هیچ کس نتوانسته است و نمی تواند خدا را در جلال کامل او به چشم ببیند (اول تیموتائوس ۱۶: ۶).

ب. پسر _____ . واژه «یگانه» می تواند «تنها» یا «یکی یک دانه» ترجمه شود. این واژه در زبان یونانی *monogenes* «مونوگِنِس» می باشد [monos = یک، تنها + genos = نوع یا گونه] که گویای بی همتا و بی مانند بودن ذات و ماهیت چیزی است. این واژه بدان معنا نیست که پسر زاده شد یا متولد گشت، بلکه بدین معنا است که او یکی یک دانه و بی نظیر است.

ج. که در _____ . این جمله حتی حقیقت مکشوف در انجیل یوحنا ۱: ۱ را زیباتر هم توصیف می نماید: «کلمه نزد خدا بود.» پسر همیشه با مشارکت و صمیمیت کامل و با محبت تمام عیار نزد پدر و روح القدس ساکن بود. بی همتا و بی مانند بودن پسر از اینجا مشخص است که او با خدای پدر رابطه بی نظیر و منحصر به فرد دارد، رابطه ای که همانندش وجود ندارد.

د. همان او _____ . فقط خدا می تواند خدا را کاملاً درک نماید و کاملاً خودش را بشناساند. فقط در پسر، پُری خدا ساکن است (کولسیان ۱۹: ۱). فقط پسر صورت نادیدنی خدا است (کولسیان ۱۵: ۱). فقط پسر قادر است خدا را به انسان بشناساند.

۳. رساله فیلیپیان ۶: ۲ درباره پسر خدا پیش از آنکه جسم گردد و انسان شود چه حقیقتی را تعلیم می دهد؟

نکته: واژه «صورت» در زبان یونانی واژه *morphe* «مورفه» می باشد که علاوه بر اینکه به ظاهر و بُرون چیزی یا کسی اشاره می کند، ماهیت درونی و ذاتی یا شالوده و بنیان آن را نیز در نظر دارد. واقعیت این نیست که پسر فقط در ظاهر به نظر رسد که خدا است. واقعیت این است که پسر واقعاً خدا است. واژه «برابر» در زبان یونانی واژه *isos* «ایسوس» می باشد و بدین معنا است: «برابر بودن در کمیّت و کیفیت.» این «برابر بودن» بی چون و چرا به الوهیت مسیح اشاره دارد. مسیح از ازل وجود داشت، او صورت خدا است، و از هر نظر با خدا برابر است. حتی، زمانی که مسیح خود را خالی نمود و انسان گشت، از خدا بودن بازناستاد (آیه ۷). مسیح خودش را از امتیازها و حقوق خاص الوهیت خالی نمود، اما خودش را از الوهیت و خدا بودن خالی نکرد.

۴. رساله کولسیان ۱۵:۱ درباره الوهیت پسر خدا و متعال بودن او بر جمیع مخلوقات چه حقیقتی را به ما تعلیم می دهد؟

نکته: واژه ای که در این آیه «صورت» ترجمه شده است در زبان یونانی *eikon* «ایکن» می باشد و به معنای «تصویر» یا «شبهت» است. چه کسی جز خدا می تواند دقیقاً به تصویر و صورت خدا باشد؟ هیچ موجود و مخلوقی نمی تواند تصویر واقعی کمالات بی کران خدا باشد. مخلوقات فقط می توانند نمایی سطحی و چه بسا کج و معوج را نشان دهند که تصویر دستکاری شده است. پسر تصویر و صورت خدا است، به این دلیل «که فروغ جلالش و خاتم جوهرش» می باشد (عبرانیان ۱:۳). واژه «نخست زاده» در زبان یونانی *prototokos* «پروتوتوکاس» است [*protos* = نخست + *tikto* = آشکار گشتن]. معمولاً، به اشتباه از واژه «نخست زاده» سوءاستفاده می شود تا الوهیت مسیح را انکار کنند. پولس رسول این واژه را به کار نمی برد تا نشان دهد پسر یک مخلوق است، بلکه قصد دارد نشان دهد پسر متعال از جمیع مخلوقات و مجزا از مخلوقات است. مفهوم صحیح «نخست زاده» در خصوص پسر به روشنی و شفافی در مزمور ۲۷:۸۹ شرح داده می شود. مزمور نامبرده واژه «نخست زاده» را به کار می برد تا مقام و رتبه و جایگاه را نشان دهد، نه سرآغاز یا تولد را. در اشاره به داوود، خدا می فرماید: «من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان». بدیهی است که داوود فقط به این معنا نخست زاده خدا است که از جمیع پادشاهان و الامقام تر است. به همین نسبت (البته به مفهومی بس فراتر)، پسر خدا به این معنا نخست زاده است که او متعال بر جمیع مخلوقات می باشد.

۵. در رساله کولسیان ۱۹:۱ با تأییدی دیگری درباره الوهیت پسر و به رو می شویم. این آیه بیانگر کدام حقایق عظیم و برجسته است؟ این حقایق به چه شکلی نشان می دهند پسر خدا می باشد؟

نکته: یک اقیانوس را نمی توان در کاسه ای که یک نفر به دست می گیرد جای داد. محال است پُری خدا در وجودی جز خدا ساکن باشد.

۶. این بخش را با بررسی چند آیه مهم پایان می دهیم که در آنها مستقیم به خدا بودن پسر اشاره می گردد. توجه به این نکته مهم است که این آیات در خصوص الوهیت پسر پس از جسم گشتن او نوشته شدند. حقیقت این است که وقتی پسر ازلی و ابدی خدا انسان گشت، به هیچ عنوان از خدا بودن باز نایستاد.

الف. ای _____ من و ای _____ من (یوحنا ۲۰:۲۸). نخستین لقب در زبان یونانی به نام *kurios* «کورئوس» است که در سراسر ترجمه هفتادتنان (ترجمه عهدعتیق به زبان یونانی) در اشاره به یهوه به کار رفته است. دومین لقب در زبان یونانی برای نام بردن از خدا استفاده می‌شود: *theos* «تئوس». اگر کلام توما ناشی از غیرتی بیراهه رفته می‌بود، مسیح قطعاً اشتباه او را اصلاح می‌نمود. اگر عیسی خداوند و خدا نیست، پس هم توما و هم مسیح کفر گفته‌اند، یعنی کلامی را بر زبان آورده‌اند که بدترین و زنده‌ترین توهین و اهانت به خدا است.

ب. _____ عظیم و _____ ما (تیطس ۲:۱۳). این آیه اشاره مستقیم دیگری به خدا بودن پسر است. با این حال، نباید این نکته را نادیده بگیریم که لقب «نجات‌دهنده» نیز گواه برجسته‌ای است که بر الوهیت پسر شهادت می‌دهد. خدا در کتاب اشعیا ۴۳:۱۰، ۱۱ می‌فرماید: «من، من یهوه هستم و غیر از من نجات‌دهنده‌ای نیست.» اگر مسیح نجات‌دهنده ما است، پس او خدا هم هست. اگر مسیح خدا نیست، پس نمی‌تواند نجات‌دهنده ما باشد. پطرس در اشاره به پسر می‌گوید: «در هیچ‌کس غیر از او نجات نیست» (اعمال رسولان ۴:۱۲). بنابراین، مسیح باید خدا باشد!

ج. که فوق از همه است، _____ متبارک، تا ابدالابد (رومیان ۹:۵). پس از آنکه پولس جسم گشتن پسر را بیان می‌کند («مسیح به حسب جسم»)، آن‌گاه اعلام می‌نماید مسیح خدا است. این عبارت می‌تواند بدین شکل هم ترجمه شود: «که خدای همه است، متبارک، تا ابدالابد.»

د. ای _____ (عبرانیان ۱:۸). در این آیه، پدر خودش پسر خویش را خدا می‌نامد. پسر خدا پس از مرگ و رستاخیزش، بار دیگر، به دست راست پدرش سرفراز گردید و از آن جایگاه، در حالی که هم خدا و هم انسان است، سلطنت می‌نماید.

روح القدس خدا است

۱. در کتاب اعمال رسولان ۵:۳-۴، پطرس رسول حنانيا و زنش را با طمع و نیرنگ آنها روبه‌رو می‌کند. در این رویارویی، پطرس ذات و الوهیت روح القدس را به ما ثابت می‌نماید. این آیات را مطالعه کنید تا معنا و محتوای آنها را درک نمایید. سپس جای‌های خالی را پُر کنید.

الف. به گفته آیه ۳، پطرس اعلام می‌کند حنانيا به _____ دروغ گفته است.

ب. به گفته آیه ۴، پطرس اعلام می‌کند حنانيا به _____ دروغ گفته است.

نکته: این آیات، علاوه بر اینکه تأییدیه‌ای محکم در مورد الوهیت روح القدس هستند، برای حقیقت نیزمهر تأیید می‌زنند که روح القدس یک شخص است، نه یک نیرو یا قدرت. دروغ گفتن به روح القدس دروغ گفتن به خدا است، چون روح القدس خدا می‌باشد.

۲. در رساله اول قرن‌تینان ۳:۱۶ و ۶:۱۹، پولس رسول به ما تعلیم می‌دهد ایمانداران معبد خدا هستند. در این راستا، او درباره الوهیت روح القدس ما را به درک عظیم‌تری می‌رساند. هر دو آیه را بخوانید و تمرین‌های زیر را انجام دهید.

الف. در رساله اول قرن‌تینان ۳:۱۶، ایمانداران معبد _____ نامیده می‌شوند.

ب. در رساله اول قرن‌تینان ۶:۱۹، ایمانداران معبد _____ نامیده می‌شوند.

نکته: در این دو آیه، با تأییدیه‌ای محکم درباره‌ی الوهیت روح القدس روبه‌رو هستیم. در رساله‌ی اول قرنتیان ۱۶:۳، ایمانداران معبد خدا نامیده می‌شوند. ولی در اول قرنتیان ۱۹:۶ ایمانداران معبد روح القدس می‌باشند. اگر پولس رسول روح القدس را خدای کامل و یکی از سه شخص تثلیث نمی‌دانست، محال بود بتواند این دو عبارت را به جای یکدیگر به کار برد.

۳. در رساله‌ی رومیان ۹:۸، علاوه بر اینکه الوهیت روح القدس اعلام می‌گردد، تصویری زیبا و برجسته از تثلیث ارائه می‌شود. با توجه به اشاره به روح القدس در این آیه، جای‌های خالی را پُر نمایید.

الف. در _____ . روح القدس یک شخص واقعی است و قابل تفکیک از پدر و پسر.

ب. روح _____ . خدای پدر و روح القدس یکی هستند.

ج. روح _____ . خدای پسر و روح القدس یکی هستند.

شناخت خدای زنده

فصل ۵: خدا روح است

خدا ماده نیست و جسم ندارد (دارای کالبد جسمانی نیست). دو نتیجه مهم و برجسته حاصل از این حقیقت بدین قرارند: (۱) خدا به هیچ مانع یا بازدارنده فیزیکی محدود نمی‌باشد، برعکس آدمیزاد که محدود به سیطره فیزیکی است؛ (۲) خدا نادیدنی است. بنابراین، نباید خدا را با تصویرها و شمایل‌های ساخته و پرداخته انسان نزول داد. گاه، کتاب مقدس در توصیف خدا او را صاحب کالبد جسمانی نشان می‌دهد و به بازو، پشت، نفس، گوش، چشم، چهره، پا، انگشت، و غیره اشاره می‌نماید. با توجه به این حقیقت که خدا روح است، چگونه این اشاره‌ها را توضیح می‌دهیم؟ در الهیات، این اشاره‌ها *anthropomorphic* «آنتروپومورفیک» نام دارند [در زبان یونانی: *anthropos* = انسان + *morphe* = قالب]. به بیان دیگر، خدا ویژگی‌ها و خصوصیت‌های انسان را به خودش نسبت می‌دهد تا حقیقتی را درباره خودش به شکلی که برای انسان قابل فهم باشد توضیح دهد. برای نمونه، کتاب مقدس از «بال‌های» خدا سخن می‌گوید که قومش در سایه آنها پناه می‌گیرند (خروج ۴:۱۹؛ روت ۲:۱۲؛ مزمور ۸:۱۷؛ ۳۶:۷؛ ۵۷:۱؛ ۶۱:۴؛ ۶۳:۷؛ ۹۱:۴). حماقت و بی‌عقلی است که این اشاره‌ها و عبارت‌ها را به معنای واقعی کلمه تفسیر نماییم.

۱. چگونه کلام خدا در انجیل یوحنا ۴:۲۴ خدا را توصیف می‌نماید؟

الف. خدا _____ .

ب. با توجه به توضیحات مقدمه این فصل، معنا و مفهوم عبارت «خدا روح است» را خلاصه شرح دهید.

۲. چگونه باید در پرتو این حقیقت که خدا روح است زیست نماییم؟ با توجه به آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، دیدگاه خود را درباره این حقایق توضیح دهید.

الف. باید خدا را خالصانه و بی‌ریا پرستیم (یوحنا ۴:۲۴)

نکته: پرستش خدا «در روح» دو معنا دارد: (۱) باید با همه وجودمان خدا را پرستیم، خالصانه و بی‌ریا، ژرف و عمیق؛ (۲) باید خدا را با قدرت و قوت و هدایت روح القدس پرستیم. پرستش خدا «در راستی» نیز دارای دو معنا است: (۱) باید خدا را درست و خالصانه و صادقانه پرستیم؛ (۲) باید خدا را بر پایه حقیقت پرستیم، یعنی بر مبنای اراده خدا که در کتاب مقدس مکشوف است.

ب. باید از این اتفاق پرهیز کنیم که مبادا خدا را به یک بنا یا عمارت مذهبی محدود نماییم و یا محدودیت‌ها و نیازهای انسان را به خدا نسبت دهیم (اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۵).

نکته: این واقعیت که خدا بی‌نیاز است به شکلی عالی و برجسته در مزمور ۱۰: ۵۰-۱۲ توصیف گشته است: «زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن منند و بهایمی که بر هزاران کوه می‌باشند. همه پرندگان کوه‌ها را می‌شناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند. اگر گرسنه می‌بودم، تورا خبر نمی‌دادم، زیرا ربع مسکون و پُری آن از آن من است.»

۳. چگونه کلام خدا در رساله عبرانیان ۱۱: ۲۷ خدا را توصیف می‌نماید؟

الف. خدا _____ .

نکته: اگر خدا نادیدنی است، چگونه آیاتی را از کلام خدا توضیح می‌دهیم که خدا خودش را به شکل مشهود و قابل مشاهده مکشوف می‌نماید؟ برای پاسخ به این پرسش، باید ابتدا دو اصل را در تفسیر کتاب مقدس درک نماییم. نخست، کتاب مقدس خودش را نقض نمی‌کند. دوم، آیاتی از کتاب مقدس را که به آسانی نمی‌توان با قطعیت تفسیر نمود باید با توجه به آیاتی تفسیر کرد که توضیح و تفسیرشان واضح و شفاف است. کتاب مقدس به روشنی می‌فرماید خدا نادیدنی است. بنابراین، ظهور قابل مشاهده خدا در کتاب مقدس (به استثنای جسم گشتن پسر خدا) را باید در قالب «رویاهای» تفسیر نمود که نمودار واقعیتی روحانی هستند. حزقیال (۱: ۱) به ما می‌گوید «آسمان گشوده گردید و رویاهای خدا را دیدم». در آیه ۲۸، حزقیال نبی رویاها را «منظر شباهت جلال یهوه» توصیف می‌نماید. در کتاب دانیال ۷: ۹-۱۵، دانیال در رویا خدای پدر را «قدیم‌الایام» می‌نامد. در انجیل لوقا ۳: ۲۲، یحیی تعمید دهنده در رویا آسمان را می‌بیند که گشوده می‌گردد و روح القدس با ظاهر یک کبوتر نازل می‌شود (نمادین بودن این رویدادها واضح و بدیهی است).

۴. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد کدام حقیقت را دربارهٔ خدا، به ویژه نادیدنی بودن او، تأیید می‌نمایند؟

الف. اول تیموتائوس ۱:۱۷

ب. اول تیموتائوس ۶:۱۵-۱۶

نکته: نادیدنی بودن خدا یکی از صفت‌های خدا است که او را از خلقت و مخلوقاتش جدا و مجزا می‌گرداند. درک شخصیت وجود خدا ورای فهم انسان است. خدا را فقط می‌توان تا اندازه‌ای شناخت که خودش اراده می‌نماید خویشتن را مکشوف سازد.

۵. بر مبنای آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه باید در پرتو این حقیقت که خدا نادیدنی است زیست نماییم؟

الف. تثنیه ۴:۱۱-۱۲؛ ۱۵-۱۶

نکته: هر تلاش و تقلا برای ساخت تصویر یا شمایل خدای زنده نتیجه‌ای جز کج و معوج نمودن و دستکاری تصویر خدا ندارد و بی‌جلوه نشان دادن جلال او است. بنابراین، به همان شدت که از بلا و مصیبت و فاجعه دوری می‌کنیم، باید از هرگونه بت‌پرستی به هر شکل و شیوه‌ای پرهیز نماییم. علاوه بر این، باید طرز تفکر و بینش ما دربارهٔ خدا فقط و فقط در کتاب مقدس ریشه داشته باشد و پشتوانه‌اش کلام خدا باشد.

ب. اول تیموتائوس ۱:۱۷؛ ۶:۱۵-۱۶

۶. خدا ماده نیست (خدا روح است). خدا نادیدنی است. پس چگونه می‌توانیم چنین خدایی را بشناسیم؟ بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه خدا خود را به انسان مکشوف نموده است (یعنی خودش را شناسانیده است)؟
الف. به فرموده عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۴:۶، آیا انسانی هرگز پدر را دیده است؟ چه کسی پدر را دیده است؟

ب. اگر کسی جز پسر هرگز خدای پدر را ندیده است، چگونه پدر خویشتن را به انسان مکشوف نموده است؟ چگونه می‌توانیم بفهمیم خدا کیست؟ چه کسی می‌تواند چنین حقایقی را برای ما توضیح دهد؟ انجیل یوحنا ۱:۱۸ به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: عبارت «ظاهر کرد» در زبان یونانی *exegeomai* «اکسیگئومای» می‌باشد و به این معنا است: «تفسیر نمودن، توضیح دادن، شرح دادن، اظهار نمودن.» پسر با زندگی و تعالیم خود خدا را برای ما توضیح می‌دهد.

ج. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چرا فقط عیسی مسیح صلاحیت دارد خدای پدر را به ما نشان دهد؟

(۱) کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۳:۱

نکته: واژه «صورت» در زبان یونانی *eikon* «ایکن» می‌باشد و به معنای «تصویر» یا «شباهت» است. چه کسی جز خدا می‌تواند دقیقاً به تصویر و صورت خدا باشد؟ هیچ موجود و مخلوقی نمی‌تواند تصویر واقعی کمالات بی‌کران خدا باشد. مخلوقات فقط می‌توانند نمایی سطحی و چه بسا کج و معوج را نشان دهند که تصویر دستکاری شده است. پسر تصویر و صورت خدا است، چون «که فروغ جلالش و خاتم جوهرش» است (عبرانیان ۱:۳).

(۲) یوحنا ۹:۱۴

نکته: این مهم است که تشخیص دهیم کلام عیسی مسیح کفر به حساب می‌آید، اگر که او به معنای واقعی کلمه خدای کامل نبود. این حقیقت شالوده و زیربنای مسیحیت است که هر آنچه قصد داریم درباره خدا درک نماییم و درباره خدا به کشف و شهود برسیم فقط با شناخت مسیح عیسی، که انسان کامل است، امکان‌پذیر می‌باشد.

شناخت خدای زنده

فصل ۶: خدا شخص است

یکی از مهم‌ترین حقایق کتاب مقدس این است که خدا یک نیرو نیست که در سراسر این عالم و در کائنات در جریان باشد. خدا یک قدرت تخیلی نیست که سرد و بی‌روح و عاری از احساسات خلقت خود را با انگیزه ناشی از خودخواهی اداره کند و یا به اصطلاح خلقتش را دست بیاندازد. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا شخص است (یعنی صاحب شخصیتی مشخص است). خدا از وجود خویش آگاه است. خدا صاحب خرد و اراده است، و می‌تواند شخصاً با انسان ارتباط برقرار نماید.

خدا از وجود خویش آگاه است

شاید لازم نباشد عنوان کنیم خدا از وجود خویش آگاه است. اما این آگاه بودن یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها و مشخصه‌های کسی است که صاحب شخصیت می‌باشد. بسیاری از مذاهب در تعریف خود از آن به اصطلاح خدایی که ساخته و پرداخته ذهنشان است خدا را یک نیرو می‌دانند (دین بودا، فلسفه تائو، و سایر مذاهب) و یا خدا را ماده یا نیرویی به حساب می‌آورند که در همه چیز وجود دارد (باور معروف به «همه‌خدایی» [در زبان یونانی: *pas* = همه + *theos* = خدا]). اما، در نقطه مقابل، خدای کتاب مقدس وجودی است که صاحب شخصیت است، از وجود خویش آگاه است، و از جمیع مخلوقات جدا و مجزا می‌باشد.

۱. این حقیقت که خدا از وجود خویش آگاه است به شفافیت در کتاب مقدس مشخص می‌باشد. چگونه خدا در کتاب خروج ۱۴:۳ خودش را توصیف می‌نماید؟

الف. _____ .

نکته: این اعلان تأییدی قدرتمند است که خدا از وجود خویش آگاه است. او می‌داند که وجود دارد و از کل مخلوقات مجزا می‌باشد.

۲. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا نه فقط از وجود خویش آگاه است، بر متمایز و بی‌همتا بودن خویش نیز دانایی دارد (خدا از جمیع مخلوقات و از انسان‌ها متمایز است). به فرموده کتاب مقدس، خدا درباره وجود منحصر به فرد خویش و متمایز بودنش از همه مخلوقات و همه انسان‌ها چه حقیقتی را اعلام می‌نماید؟

الف. _____ خدایی دیگر نیست (اشعیا ۴۵:۲۱).

ب. سوای _____ (اشعیا ۴۵:۲۱).

ج. مرا به که _____ (اشعیا ۴۰:۲۵).

د. تا با وی _____ (اشعیا ۴۰:۲۵).

نکته: هریک از این اعلام‌ها ثابت می‌نمایند که خدا مستقل و متمایز از همه انسان‌ها و از جمیع مخلوقات است.

خدا صاحب خِرَد است

هوش و خِرَد یکی از ویژگی‌های اصلی کسی است که شخص است و صاحب شخصیت می‌باشد. این واژه در زبان لاتین *intellegere* «اینتلگر» می‌باشد [inter = بین یا میان + legere = گزینش یا انتخاب] و به توانایی استدلال نمودن، درک کردن، یا فهمیدن اشاره دارد. به فرموده کتاب مقدس، خدا صاحب خِرَد است، خِرَدی که از درک و فهم انسان خارج است. فراتر از دانش و بینش و فهم و خِرَد متعال خدا دانش و بینش و فهم و خِرَدی وجود ندارد.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد کدام حقیقت را درباره هوش و خِرَد خدا به ما تعلیم می‌دهند؟

الف. مزمور ۵:۹۲

ب. رومیان ۱۱:۳۳-۳۶

۲. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، خِرَد یا فهم انسان در مقایسه با خِرَد و فهم خدا چگونه توصیف می‌گردد؟

الف. مزمور ۱۱:۹۴؛ اول قرن‌تیا ۳:۲۰

ب. اشعیا ۸:۵۵-۹

ج. اول قرن‌تیاں ۲۰:۱، ۲۵

۳. دانش و درک بی‌کران خدا و رای قدرت درک و فهم انسان فانی و محدود است. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه انسان می‌تواند (دست‌کم، تا اندازه‌ای) امور بی‌کران و نامحدود الهی را درک نماید؟

الف. به واسطهٔ پسر خدا (یوحنا ۱:۱۸)

ب. به واسطهٔ روح خدا (اول قرن‌تیاں ۲:۱۱-۱۲)

نکته: این آیه به رابطه ایمانداران با روح القدس اشاره دارد. اصلی ترین وسیله ای که روح القدس به واسطه آن قوم خدا را تعلیم می دهد این است که در مورد حقایق کتاب مقدس به آنها روشنگری می بخشد و ذهن آنها را روشن می سازد.

ج. به واسطه کلام خدا (مزمور ۹۷:۱۱۹-۱۰۰)

۴. در کتاب تثنیه ۲۹:۲۹، کلام خدا اعلام می نماید: «چیزهای مخفی از آن یهوه، خدای ما، است و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است ...» به گفته مزمور ۱۳۱:۱-۳، چگونه باید در پرتو دانش بی کران و نامحدود خدا زیست نماییم (نگرش ما باید چگونه باشد)؟

خدا صاحب اراده است

کتاب مقدس به روشنی مکشوف می نماید خدا صاحب اراده است، یعنی قدرت دارد عملکردهایش را تعیین نماید (آنچه انجام خواهد داد) و هدف و مقصودی را که برای خلقت و مخلوقاتش مقرر می نماید به انجام رساند (یعنی آنچه تصمیم می گیرد در مورد مخلوقاتش انجام دهد می تواند به جا آورد). تصمیم های خدا از شخصیت او سرچشمه می گیرند. اراده خدا جلوه وجود و خوی و منش خدا است. درک نمودن این نکته مهم است که اراده خدا و اراده انسان را نباید با هم مقایسه نمود. فقط خدا کاملاً آزاد و خودمختار است که آنچه در نظر دارد و هدف و مقصودش است انجام دهد، بدون ذره ای محدودیت و یا ذره ای احتمال به خطا رفتن و نزدن به هدف. قاطع ترین تصمیم های قدرتمندترین انسان ها معمولاً هیچ و پوچ است.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد کدام حقیقت را درباره اراده خدا به ما تعلیم می دهند؟ آیا اراده خدا محدودیت دارد؟ آیا قدرتی می تواند مانع از اراده خدا گردد؟

الف. امثال سليمان ۲۱:۱۹

ب. اشعيا ۲۷:۱۴

ج. اشعيا ۹:۴۶-۱۰

د. دانيال ۴:۳۴-۳۵

ه. افسسيان ۱:۱۱

۲. اگرچه اراده خدا را نمی‌توان به انسان یا نیرویی خارج از خدا محدود نمود، برخی کارها را خدا انجام نمی‌دهد، چون با ذات و شخصیت بی‌نهایت قدوس و عادل خدا در تضاد هستند. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چه کارهایی را خدا انجام نخواهد داد؟ چگونه این حقیقت به ما تسلی و برکت می‌بخشد؟

الف. تیطس ۱:۲

ب. دوم تیموتائوس ۲:۱۳

ج. یعقوب ۱:۱۳

نکته: این آیه بیانگر دو حقیقت برجسته است. نخستین حقیقت این است که خدا وسوسه نمی‌شود، چون خدا از کمال صفت‌های اخلاقی برخوردار است و حتی از ذره‌ای بدی و شرارت بیزار است. دومین حقیقت این است که خدا هیچ‌کس را وسوسه نمی‌کند. ممکن است خدا قوم خود را بنا بر خیر و صلاح آنها آزمایش نماید و محک بزند، اما آنها را وسوسه نمی‌کند یا ایشان را به گناه نمی‌کشاند.

شناخت خدای زنده

فصل ۷: خدا مشتاق برقرار نمودن رابطه است

این شهادت کتاب مقدس است که خدا مشتاق است با انسان، که به تصویر خدا آفریده شده است، شخصاً رابطه برقرار نماید (پیدایش ۱: ۲۷). این یکی از چشمگیرترین حقایق مسیحیت است. خدا یک نیرو یا ماده نیست که نتواند با دیگران رابطه برقرار کند. انسان نیز موجودی نیست که حاصل یک اتفاق در کائنات باشد و یکه و تنها در کیهان پرسه زند. خدا انسان را آفرید تا انسان خدا را بشناسد و نیکویی خدا شامل حالش گردد. وقتی به خاطر گناه رابطه انسان با خدا قطع شد، خدا پسرش را به جهان فرستاد تا دوباره آن رابطه را برقرار نماید. خدا با آنانی که به پسر خدا ایمان می‌آورند آشتی می‌کند و آنها کاملاً یقین دارند که خدا جوای ایجاد رابطه شخصی و زنده و روزافزون با ایشان است.

۱. از کتاب پیدایش تا کتاب مکاشفه، کتاب مقدس خدا را کسی معرفی می‌نماید که مشتاق ایجاد رابطه با انسان می‌باشد، هرچند که انسان گناهکار است. به مفهوم واقعی کلمه، کتاب مقدس از خدایی سخن می‌گوید که در پی انسان گناهکار می‌آید و اراده می‌نماید دوباره با انسان رابطه برقرار کند. این حقیقت به روشنی حتی در سقوط آدم و حوا به چشم می‌آید.

الف. به گفته کتاب پیدایش ۳: ۸-۱۰، چگونه گناه آدم در خلق و خوی و نگرش او به خدا تأثیر گذاشت؟

ب. چگونه گناه آدم در رابطه خدا با او تأثیر گذاشت (پیدایش ۳: ۲۳-۲۴)؟

نکته: در کتاب پیدایش ۳: ۲۱-۲۴، هم از داوری خدا و هم از رحمت خدا به انسان گناهکار باخبر می‌شویم. داوری خدا این بود که آدم و حوا را از باغ بیرون راند که نمودار جدایی یا قطع رابطه خدا و انسان گناهکار است. رحمت خدا به دو شکل نمایان است. ابتدا، خدا راه دسترسی آدم به درخت حیات را بست تا مبادا او از میوه آن درخت بخورد و تا ابد در فساد و تباهی گناه و دور از خدا زنده بماند (آیات ۲۲-۲۴). دوم، خدا حیوانی را قربانی نمود تا گناه آدم و حوا را بپوشاند (آیه ۲۱). این ریخته شدن خون نمودار قربانی بی‌گناهی است که به جای انسان گناهکار تقدیم می‌گردد. قربانی پسر یگانه خدا بر صلیب جلجتا برای گناه جهان تحقق نهایی این قربانی بود.

۲. چگونه کتاب اشعیا ۱:۵۹-۲ تغییر رابطه خدا با آدم را توضیح می دهد؟ این آیه درباره گناه خودمان به ما چه تعلیم می دهد و چگونه در رابطه ما با خدا تأثیر می گذارد؟

نکته: در اینجا، سازش نکردن خدا با گناه مشخص است. چون خدا قدوس و عادل است، گناه همواره موجب جدایی خدا و گناهکار می گردد. در کتاب حبقوق ۱:۱۳، حبقوق نبی درباره قدوسیت خدا و دیدگاه خدا به گناه چنین می گوید: «چشمان تو پاک تر است از اینکه به بدی بنگری و به بی انصافی نظر نمی توانی کرد.» به همین دلیل است که خدا پسر یگانه اش را فرستاد تا بدهی گناه ما را پرداخت نماید و ما با ایمان به پسر خدا با خدا مشارکتی همیشگی داشته باشیم (رومیان ۱:۵).

۳. بنا بر کتاب پیدایش ۳:۸-۹، پس از سقوط آدم و حوا در گناه، چه کسی بی درنگ به سراغ آنها آمد؟ این اتفاق چه حقیقتی را درباره شخصیت خدا و اشتیاقش برای ایجاد رابطه با انسان سقوط کرده به ما تعلیم می دهد؟

۴. به گفته کتاب اعمال رسولان ۱۷:۲۶-۲۷، چرا خدا در حاکمیت و اقتدار خویش زمان و مکان تولد و سکونت آدمیان را تعیین نمود؟ چگونه این امر نشان می دهد خدا خدای ایجاد رابطه است و مشتاق برقراری رابطه با انسان سقوط کرده می باشد؟

۵. بنا بر انجیل لوقا ۱۰:۱۹، چرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد؟ هدف انسان گشتن پسر خدا چه بود؟ چگونه این حقیقت نشان می‌دهد خدا ایجاب رابطه است و مشتاق برقراری رابطه با انسان سقوط کرده می‌باشد؟

نکته: توجه به این نکته مهم است که آیه نامبرده مربوط به زمانی است که مسیح به خانه زکی می‌رود. زکی با جگیر و گناهکاری رسوا و بی‌آبرو بود. به اعتراف خودش، او از دیگران کلاهبرداری می‌کرد تا مال و ثروت بیندوزد. کلام لوقا درباره ملاقات مسیح و زکی نمودار حقیقتی است که خداوند عیسی در انجیل لوقا ۱۰:۱۹ اعلام می‌فرماید: او «آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

۶. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، دستاورد پسر خدا چه بود تا به وسیله آن رابطه خراب انسان با خدا ترمیم گردد؟

الف. رومیان ۵: ۸-۱۰

ب. کولسیان ۱: ۱۹-۲۲

۷. به گفته انجیل یوحنا ۳:۱۷، حیات جاودان چیست؟ چگونه این حقیقت نشان می‌دهد خدا خدای ایجاد رابطه است و مشتاق برقراری رابطه با قوم خود می‌باشد؟

نکته: معنای واژه «شناختن» فراتر از دانش و آگاهی است. این واژه گویای رابطه‌ای شخصی و صمیمی می‌باشد. منظور از حیات جاودان صرفاً این نیست که طول حیات بی‌پایان و نامحدود باشد. این حیات جاودان به کیفیت برتر و ممتاز حیات اشاره دارد که مشخصه‌اش مشارکت جاودان با خدا می‌باشد. این حیات جاودان یکی از هدف‌های اصلی خدا است که به میانجیگری پسرش با ما آشتی می‌نماید.

۸. ما، ایمانداران به مسیح، به واسطه کار بی‌نقص مسیح بر صلیب، به نیابت از ما، رابطه‌مان با خدا برقرار گشته است. این رابطه ناگسستنی است. این حقیقت نباید ما را ذره‌ای نسبت به گناه بی‌حس کند، بلکه باید سبب شود تا از هر آنچه سد راه مشارکت ما با خدا است دوری نماییم. آیتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم قرن‌تیا ۶: ۱۴-۱۸

نکته: این آیات به ما نمی‌گویند با همه بی‌ایمانان قطع رابطه نماییم. پولس در نامه اولش به قرن‌تیا می‌نویسد: «در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. لکن نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت‌پرستان، که در این صورت می‌باید از دنیا بیرون شوید» (اول قرن‌تیا ۵: ۹-۱۰). نکته رساله دوم

خدا مشتاق برقرار نمودن رابطه است

قرنتیان ۱۴:۶-۱۸ این است که باید از هر آنچه مستقیم در کتاب مقدس منع شده است و یا هر آنچه می‌تواند ما را به گناه بکشاند دوری نماییم.

ب. دوم تیموتائوس ۱۹:۲

نکته: عبارت «کناره جوید» در زبان یونانی *aphistemi* «آفیستی» می‌باشد که به این معنا است: «دست کشیدن، از میان برداشتن، دور شدن، ترک نمودن.» ما خوانده شدیم تا از شرارت دوری کنیم و از آن فاصله بگیریم.

۹. چنان که عنوان شد، ایمانداران به مسیح به واسطه کار بی‌نقص مسیح بر صلیب رابطه‌شان با خدا ترمیم شده است. اما این حقیقت نباید موجب بی‌حسی و بی‌توجهی ایمانداران شود. این حقیقت نه فقط باید ما را از گناه دور نماید، بلکه باید در ما شور و هیجان ایجاد کند تا با پویایی و پشتکار طالب خدا و جویای رابطه عمیق‌تر با او باشیم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. هوشع ۳:۶

ب. مزمور ۴:۲۷

ج. مزمور ۸:۲۷

۱۰. ما، ایمانداران به مسیح، علاوه بر آنکه باید مراقبت رابطه‌مان با خدا باشیم، این مسوولیت را هم بردوش داریم که انجیل را به دیگران بشارت دهیم تا آنها نیز رابطه‌شان با خدا برقرار گردد. رسالهٔ دوم قرن‌تیان ۵:۱۸-۲۰ دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

شناخت خدای زنده

فصل ۸: خدا بزرگ است

فقط یک خدا وجود دارد و فقط او بزرگ و عظیم است. کل مخلوقات کاملاً به نیکویی و قدرت خدا وابسته‌اند. هرگز نباید خدا را با مخلوقی مقایسه کرد. خالق قائم به ذات بی‌نهایت متعال از مخلوقاتش است که محدود و وابسته به او هستند. از نیرومندترین ارشد فرشتگان تا کوچک‌ترین میکروب، حتی سرسوزنی نمی‌توانند همانند خدا باشند. خدا قابل قیاس نیست. او بی‌مانند است! این حقیقت در خصوص ایمانداران به مسیح نیز بی‌نهایت مهم است. در کلام خدا یا در تاریخ کلیسا، هیچ مرد خدا یا زن خدا بزرگ و عظیم لقب نمی‌گیرد، بلکه مردان و زنان ضعیف و گناهکار و عهدشکن را می‌بینیم که مردان و زنان خدایی هستند که بزرگ و رحیم است!

۱. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه خدا توصیف می‌شود؟

الف. خداوند _____ است و _____ عظیم (مزمور ۳:۹۵).

ب. خداوند _____ و _____ (دانیال ۴:۹). واژه «مهیّب» در زبان عبری یار می‌باشد و به این معنا است: «ترسیدن، حرمت نهادن، هراسان گشتن». حتی گوشه‌چشمی از مکاشفه عظمت و قدوسیت خدا موجب بهت و حیرت، حرمت و احترام، و حتی ترس و هراس مخلوقاتی می‌گردد که خود را پر قدرت و پرشکوه می‌بینند. خدا مهیب و پرابهت است. پس او شایسته حرمت و احترام بی‌کران می‌باشد.

ج. خداوند بی‌نهایت _____ . او به عزت و جلال ملبّس است (مزمور ۱۰۴:۱). شکوه و ابهت خدا صفت‌های ظاهری نیستند که خدا آنها را به خود گیرد. این صفت‌ها گوهر وجود خدا هستند. خدا مانند انسان نیست که ویژگی یا صفتی را به خود اضافه کند تا بر عظمت و زیبایی خویش بیفزاید.

۲. چگونه عظمت خدا در مزمور ۳:۱۴۵ توصیف می‌گردد؟

الف. عظمت او را _____ .

نکته: عظمت خدا را نمی‌توان کندوکاو نمود. عظمت خدا را نمی‌توان موشکافی نمود یا اندازه گرفت. شمردن شن‌های همه اقیانوس‌ها و صحراهای جهان یا شمردن جمیع ستارگان آسمان بسی آسان‌تر از اندازه گرفتن عظمت و بزرگی خدا است.

۳. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد چه حقیقتی را درباره عظمت و بزرگی خدا تأیید می‌نمایند؟ خدای واحد حقیقی با سایر به اصطلاح خدایان چه تفاوت‌هایی دارد؟

الف. مزمور ۱۳:۷۷

ب. مزمور ۱۰:۸۶

ج. مزمور ۳:۹۵

د. مزمور ۵:۱۳۵

۴. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، واکنش و نگرش ما به عظمت و بزرگی خدا باید چگونه باشد؟ چگونه باید در پرتو عظمت کاوش ناپذیر خدا زیست نماییم؟

الف. تثنیه ۳:۳۲

ب. اول تواریخ ۲۵:۱۶

ج. مزمور ۱:۱۰۴

نکته: واژه «متبارک» در زبان عبری بارک می‌باشد. وقتی این واژه در مورد خدا به کار می‌رود، گویای بانگ شادمانه تمجید و ستایش، حمد و شکرگزاری، و پرستش و نیایش است.

د. مزمور ۲:۱۱۱

ه. مزمور ۵:۱۳۸

شناخت خدای زنده

فصل ۹: خدا کامل است

کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا کامل است و شخصیت و اعمال او کم و کاستی ندارد. محال است ذره‌ای عیب و نقص در خدا وجود داشته باشد. کامل بودن و کمال خدا کاربردهای بسیار مهمی دارد. نخست، ما را خاطر جمع می‌نماید که خدا تغییر نخواهد کرد. خدا از آن کسی که هست کامل‌تر نمی‌گردد، زیرا خدا همواره کامل بوده است. شخصیت خدا نمی‌تواند نزول یابد، چون، در این صورت، دیگر خدا نخواهد بود. دوم، ما را خاطر جمع می‌نماید که خدا شایسته است با همه وجود به او اعتماد و توکل نماییم.

کارهای خدا کامل می‌باشند

شخصیت خدا از هر نظر کامل است. کارهای خدا نیز که جلوه شخصیتش هستند کامل می‌باشند. این حقیقت کاربردهای عالی و شایان توجهی دارد و باید به ما یقین و اطمینان بخشد و بر شک و تردید و دودلی‌های ما چیره شود. هر کاری که خدا تاکنون در این جهان و در زندگی تک‌تک ما انجام داده است و یا در آینده انجام خواهد داد کامل و بی‌نقص است.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد چه حقیقتی را درباره کامل بودن کارهای خدا به ما تعلیم می‌دهند؟

الف. تثنیه ۳۲:۳-۴

ب. مزمور ۱۸:۳۰

نکته: واژه‌ای که در این آیه «کامل» ترجمه شده است در زبان عبری تامیم می‌باشد. توجه به این نکته مهم است که میان شخصیت خدا و کارهای خدا و کلام خدا ارتباطی مستقیم وجود دارد. چون شخصیت خدا کامل است، طریق‌های خدا و کلام خدا نیز کامل می‌باشند.

ج. جامعه ۱۴:۳

نکته: کامل بودن و عالی بودن کارهای خدا باید حس ترس آمیخته با حرمت و احترام به خدا در دل ما پدید آورد.

۲. خدا هم در خلقتش و هم در قوم خود مشغول به کار است. هر ایماندار به مسیح ثمره کار خدا است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. افسسیان ۱۰:۲

ب. فیلیپیان ۱۳:۲

ج. فیلیپیان ۶:۱

۳. خدایی که کل این خلقت آفریده دست او است در زندگی تک تک ایمانداران به مسیح مشغول به کار است. کار خدا کامل است و بی عیب و بی نقص به انجام خواهد رسید. این حقیقت و رای قوه تفکر انسان است. خدای کامل کار کامل و بی نقصی را در ما به انجام می‌رساند تا ما را کامل گرداند. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، پاسخ ما به این حقیقت باید چه باشد؟

الف. مزمور ۴:۹۲

ب. مزمور ۲۲:۱۰۷

ج. فیلیپیان ۱۲:۲-۱۳

نکته: ما، ایمانداران به مسیح، نباید برای نجات یافتن و رستگار گشتن اعمال خاصی را به جا آوریم، اما باید برای نجاتمان جدّ و جهد نماییم. باید با توکل به خدا و ترس آمیخته با احترامی که در کتاب مقدس ریشه دارد زندگی خود را در ایمان سپری نماییم. واژه «ترس و لرز» هم بیانگر جدی بودن زندگی مسیحی است و هم نیاز به متواضع و فروتن بودن را نشان می‌دهد که موجب می‌شود از قدرت و حکمت خودمان دل بکنیم و با تکیه و توکل به خدا زیست نماییم.

ارادهٔ خدا کامل است

ارادهٔ خدا کامل است، چون بر شخصیت کامل و قدوس خدا استوار می‌باشد. این حقیقت کاربردهای عالی و شایان توجهی دارد. شایسته است که تمام و کمال به هدف و تدبیری که خدا برای ما در نظر دارد اعتماد نماییم. هرگز نباید به درک و بینش خود تکیه کنیم و یا بخواهیم کاری را انجام دهیم که فقط در نظر خودمان درست است. باید به خدا توکل نماییم و مطیع کلامش، کتاب مقدس، باشیم.

۱. ارادهٔ خدا در رسالهٔ رومیان ۲:۱۲ با چه واژگانی توصیف می‌گردد؟

الف. _____ . این واژه در زبان یونانی «آگاتوس» *agathos* می‌باشد و به آنچه خوب و مفید و درست است اشاره دارد.

ب. _____ . این واژه در زبان یونانی «یوآرستوس» *euarestos* می‌باشد و به آنچه خوشایند، تأیید شده، یا پذیرفتنی است اشاره دارد.

ج. _____ . این واژه در زبان یونانی «تلئوس» *teleios* می‌باشد و به آنچه کامل است و عیب و نقصی ندارد اشاره دارد.

د. چگونه توصیف ارادهٔ خدا در رسالهٔ رومیان ۲:۱۲ انگیزه‌بخش ما خواهد بود تا زندگی‌مان مطیع ارادهٔ خدا باشد؟

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما دیدگاهی ارائه می‌دهند که چگونه به ارادهٔ نیکو و پسندیده و خوشایند خدا، صحیح و سنجیده، پاسخ دهیم. این آیات را بخوانید و دیدگاه خود را بنویسید.

الف. به گفتهٔ انجیل متی ۹:۶-۱۰، چگونه باید در مورد ارادهٔ خدا دعا کنیم؟

ب. بر مبنای آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه باید اراده خدا را به جا آوریم؟

(۱) مزمور ۸:۴۰

(۲) افسسیان ۶:۶

نکته: در بافت این آیه، کلام پولس درباره خدمت بردگان ایماندار به اربابشان است. اما حقایقی که پولس بیان می‌کند کاربرد گسترده‌تری دارند و به هر جنبه از زندگی ایمانداران مربوط می‌گردند.

ج. چگونه زندگی خداوند عیسی مسیح نمودار نگرش و پاسخ صحیح به اراده خدا است؟ چگونه باید از مسیح سرمشق بگیریم؟

(۱) یوحنا ۴:۳۲-۳۴

(۲) یوحنا ۵:۳۰

۳. یکی از مهم‌ترین حقایق در مسیحیت این است که اراده خدا در کلام خدا (کتاب مقدس) مکشوف است. کلام خدا نیز همچون اراده خدا کامل است، چون خدا نویسنده و نگهدار کلامش است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ پاسخ ما باید چگونه باشد؟

الف. مزمور ۷:۱۹

نکته: واژه «کامل» در زبان عبری تامیم می‌باشد و گویای بی‌کم و کاستی بودن، بی‌نقص بودن، درست بودن، یا بی‌عیب بودن می‌باشد. واژه «امین» در زبان عبری آمان می‌باشد و حاکی از تأیید شده، معتبر، و قابل اطمینان است.

ب. مزمور ۶:۱۲

نکته: کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا قطعاً منبعی کاملاً معتبر و قابل اطمینان است. در روزگاران قدیم، برای خالص نمودن و پالایش نقره روشی بسیار مفید و کارآمد به کار می‌بردند. نقره را با حرارت شدید ذوب می‌کردند. در این زمان، ناخالصی‌ها در سطح شناور می‌شدند. آن‌گاه ناخالصی‌ها را از سطح برمی‌داشتند. اینکه بگوییم کلام خدا همچون نقره‌ای است که هفت مرتبه پالایش گشته است حاکی از خالص و ناب بودن مطلق کلام خدا و در نهایت معتبر و قابل اعتماد بودن آن است.

ج. دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷

نکته: واژه «الهام» در زبان یونانی *theopneustos* «تئوپنوستوس» می باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «دم یا نفس خدا» می باشد. کتاب مقدس شهادت و گواهی معتبر و قابل اعتماد به اراده خدا است، زیرا کتاب مقدس کلامی است که از دهان خداوند صادر می شود (تثنیه ۸: ۳؛ متی ۴: ۴).

۴. کلام خدا اصلی ترین منبعی است که اراده خدا در آن مکشوف است. بنا بر آیتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، نگرش و پاسخ ما به این حقیقت باید چه باشد؟

الف. مزمور ۱: ۱-۲

ب. مزمور ۱۱۹: ۴۷-۴۸

ج. مزمور ۱۱۹: ۱۲۷-۱۲۸

د. عزرا ۱۰:۷

ه. دوم تیموتائوس ۱۵:۲

شناخت خدای زنده

فصل ۱۰: خدا ازلی و ابدی است

یکی از حیرت‌انگیزترین صفت‌های خدا (و یکی از صفت‌های خدا از میان بسیاری از صفت‌هایش که او را از مخلوقات متمایز می‌سازد) وجود ازلی و ابدی او است، یعنی خدا نه آغازی داشته است و نه پایان خواهد داشت. زمانی نبوده است که خدا وجود نداشته باشد. هرگز زمانی هم نخواهد آمد که هستی خدا به پایان رسد. خدا پیش از همه چیز وجود داشته است و پس از آنکه همه چیز پایان یابد، خدا وجود خواهد داشت. ازلی و ابدی بودن خدا فقط به این معنا نیست که او همواره وجود داشته است و سال‌های بی‌شمار، تا بی‌نهایت، وجود خواهد داشت. مفهوم عمیق‌تر ازلی و ابدی بودن خدا این است که او فراسوی زمان است. خدا جاودانه است. خدا همیشه وجود دارد و جاودانگی خدا هرگز تغییر نمی‌یابد. انسان یا مخلوقی وجود ندارد که در این صفت با خدا شریک باشد. ما یک لحظه هستیم، ما یک آه و یک دم هستیم؛ خدا ابدی و جاودانه است. خدا ما را آفرید. اما هیچ‌کس خدا را نیافرید. هستی و وجود ما به خدا وابسته است. ولی خدا به هیچ چیز و هیچ‌کس وابسته نیست. عمر ما همچون ساعت شنی سپری می‌شود و به پایان می‌رسد. اما خدا جاوید می‌ماند. او خدا بود، خدا است، و خدا خواهد بود، تا ابد.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرفت شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، خدا چه نام‌هایی دارد؟ این نام‌ها دربارهٔ ازلی و ابدی بودن خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. هستم _____ (خروج ۳: ۱۴). مفهوم عبارت نامبرده این است که وجود داشتن صفتی است که گوهر وجود خدا و ذات خدا می‌باشد. برعکس انسان، خدا برای وجود داشتن و بقا نه همتی به خرج می‌دهد و نه تلاشی می‌کند که زنده بماند. خدا صرفاً وجود دارد.

ب. خدای _____ (اشعیا ۴۰: ۲۸). آن کسی که جاودانه است «تا ابد» وجود خواهد داشت. این صفت، که توصیفگر خدا است، علاوه بر آنکه به هستی خدا در آینده اشاره می‌کند، وجود خدا در گذشته را نیز در نظر دارد. خدا همیشه وجود داشته است و همیشه وجود خواهد داشت.

ج. قدیم _____ (دانیال ۹: ۷). وقتی واژه «قدیم» اشاره به انسان باشد، معمولاً دوران کهن‌سالی و یا ضعف حافظه و جسم منظور می‌باشد. وقتی واژه «قدیم» در اشاره به خدا به کار می‌رود، گویای عظمت، شکوه، قدرت، و حکمت آن یکتا وجودی است که پیش از بنای عالم وجود داشته است و پس از پایان جهان نیز وجود خواهد داشت.

د. الف و _____ (مکاشفه ۸: ۱). به عبارتی، «آلفا و امگا» که اولین حرف و آخرین حرف در الفبای یونانی می‌باشند. این عبارت با قاطعیت اعلام می‌نماید خدا اول و آخر است (اشعیا ۴۴: ۶). خدا پیش از همه چیز وجود داشته است و پس از آنکه همه چیز پایان یابد، خدا همچنان وجود خواهد داشت.

۲. پس از آنکه نام‌های خدا را که گویای ذات ازلی و ابدی او هستند بررسی نمودیم، اکنون، به شماری از اعلان‌های مهم در کلام خدا می‌پردازیم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ ذات ازلی و ابدی خدا و رابطه‌اش با خلقتش چه حقیقتی را به ما تعلیم می‌دهند؟ چگونه این حقایق عظمت خدا را نمودار می‌سازند؟

الف. ایوب ۲۶:۳۶

ب. مزمور ۲:۹۰

ج. مزمور ۴:۹۰؛ دوم پطرس ۸:۳

۳. خدا ازلی و ابدی است، نه آغاز دارد و نه پایان. ازلی و ابدی بودن خدا برای جمیع خلقتش، به ویژه برای قوم خدا، چه کاربردی خواهد داشت؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ دیدگاه خود را توضیح دهید.

الف. سلطنت خدا جاودانه است.

(۱) ارمیا ۱۰:۱۰

(۲) مزمور ۶:۴۵

(۳) مزمور ۱۳:۱۴۵؛ دانیال ۳۴:۴

ب. کلام خدا جاودانه است (اشعیا ۴۰:۶-۸؛ اول پطرس ۱:۲۴-۲۵).

ج. نجات خدا و مراقبت خدا از قومش جاودانه است.

(۱) تثنیه ۲۷:۳۳

نکته: واژه «مسکن» به خدا اشاره دارد که پناهگاه قوم خدا و محل امن برای ایشان است. اشاره به «زیر بازوی خدا» حاکی از پشتیبانی و قوتی است که خدا به قوم خود می‌بخشد.

(۲) مزمور ۱۴:۴۸

(۳) مزمور ۱۰۲:۲۵-۲۸

نکته: این آیه مقایسه‌ای است میان خلقت (آسمان و زمین) و مراقبت خدا از قوم خود. آسمان و زمین از بین می‌روند، اما قوم خدا جاودان می‌مانند.

(۴) اشعیا ۲۶:۳-۴

(۵) اشعیا ۴۰:۲۸-۳۱

(۶) متی ۲۸:۲۰

۴. واکنش ما به حقیقت ازلی و ابدی بودن خدا باید چگونه باشد؟ نگرش ما باید چگونه باشد؟ زندگی مان باید در حضور خدا چگونه باشد؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. اول تواریخ ۱۶:۳۶

ب. دانیال ۴:۳۴

ج. اول تیموتائوس ۱:۱۷

شناخت خدای زنده

فصل ۱۱: خدا قائم به ذات و بی نیاز است

یکی از حقایق ستایش برانگیز درباره خدا، که موجب می‌گردد خاکسار خدا گردیم، این است که او کاملاً از همه چیز بی نیاز است، کاملاً خودکفا است، و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست. وجود خدا، انجام اراده خدا، خوشحالی و خشنودی خدا به هیچ کس و هیچ چیز خارج از خودش وابسته نیست. خدا تنها وجودی است که به معنای واقعی قائم به ذات و بی نیاز است. خدا تنها وجودی است که مستقل و خودکفا و آزاد است و خودش نگهدار وجود خویش می‌باشد. حیات و برکت همه مخلوقات به خدا وابسته است. حال آنکه، هر آنچه لازمه وجود خدا و خوشحالی و خرسندی کامل خدا است در وجود خودش نهفته است. خدا هیچ‌گونه کمبود یا نیازی ندارد و به هیچ کس وابسته نیست. هر تعلیم یا نظریه که مدعی است خدا چون تنها بود یا کامل نبود انسان را آفرید ادعایی زشت و زننده و متضاد با کتاب مقدس است. خدا جهان یا انسان را به خاطر نیاز خود نیافرید. خدا جهان و انسان را آفرید، چون مشتاق بود فراوانی کمالات و جلال و نیکویی خویش را به همگان بشناساند.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرفت شخصیت آنها است. در کتاب خروج ۱۴:۳، خدا خودش را چه می‌نامد؟ این نام خدا درباره بی نیاز بودن خدا چه حقیقتی را به ما بیان می‌کند؟

الف. هستم _____ (خروج ۱۴:۳).

نکته: این نام نشان می‌دهد وجود و هستی خدا به هیچ علت و معلولی وابسته نیست. خدا به چیزی یا کسی خارج از خودش وابسته نمی‌باشد. وجود داشتن گوهر و ذات خدا است. در نتیجه، خدا صرفاً وجود دارد. خدا هیچ نیازی ندارد که باید برآورده شود. در وجود خدا جای خالی و شکافی وجود ندارد که لازم باشد پُر شود. خدا برای انجام هدف و مقصود خود به کمک کسی نیاز ندارد. پولس رسول در رساله اول قرنتیان ۱۰:۱۵ کلامی را بیان می‌کند که در مورد همه انسان‌ها صادق است: «به فیض خدا، آنچه هستم هستم.» فقط خدا می‌تواند به سبب کمالات و قدرت خویش اعلام نماید: «هستم آن که هستم.»

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره قائم به ذات و بی نیاز بودن خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چگونه این صفت‌ها نمودار عظمت و بزرگی خدا می‌باشند؟

الف. مزمور ۹:۳۶

نکته: حیات یا وجود خدا از کسی یا چیزی خارج از وجود خدا سرچشمه نمی‌گیرد. خدا خودش حیات است. وجود داشتن گوهر و ذات خدا است. وجود همه چیز - دیدنی و نادیدنی، جاندار و بی جان - به خدا وابسته است. فقط خدا واقعاً بی نیاز و خودکفا است.

۳. بی نیاز بودن خدا نمودار عظمت بی کران خدا و متعال بودن او بر خلقت و مخلوقاتش است. هستی همه چیز به خدا وابسته است. اما خدا به کسی وابسته نیست. در کتاب اعمال رسولان ۱۷:۲۲-۳۱، پولس رسول در کوهی به نام مریخ خطاب به فیلسوفان فلسفه اپیکورین و رواقیین موعظه می‌نماید. در آیات ۲۴-۲۵، پولس با سه اعلان بسیار مهم درباره خدای زنده و حقیقی دیدگاه ناشی از بت پرستی آنها را مردود اعلام می‌نماید. آن اعلان‌ها درباره بی نیاز بودن خدا و رابطه خدا با خلقتش به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. خدا در معبدهای ساخته دست انسان‌ها ساکن نمی‌باشد (آیه ۲۴).

نکته: خدا در کتاب اشعیا ۱:۶۶-۲ می‌فرماید: «آسمان‌ها کرسی من و زمین پای انداز من است، پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجا است؟ و مکان آرام من کجا؟ خداوند [یهوه] می‌گوید: دست من همه این چیزها را ساخت، پس جمیع اینها به وجود آمد.» در کتاب اول پادشاهان ۸:۲۷، سلیمان چنین دعا می‌کند: «اما آیا خدا فی الحقیقه بر زمین ساکن خواهد شد؟ اینک فلک و فلک الافلاک تورا گنجایش ندارد، تا چه رسد به این خانه‌ای که من بنا کرده‌ام!»

خدا قائم به ذات و بی‌نیاز است

ب. خدا به دست انسان خدمت نمی‌شود (آیه ۲۵).

ج. خدا بی‌نیاز است (آیه ۲۵).

۴. در پایان مطالعه‌مان در مورد قائم به ذات و بی‌نیاز بودن خدا، مزمور ۸:۵-۱۵ را بررسی می‌نماییم. آیات نامبرده درباره این صفت‌های خدا و درباره رابطه ما با خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ آیا خدا نیازمند ما است؟ خدا از قومش چه می‌خواهد؟

نکته: خدا به کمک ما یا حتی به قربانی‌های ما نیاز ندارد. توکل، تشکر، و تسلیم منشی است که خدا از قومش می‌خواهد. در کتاب اول سموئیل ۲۲:۱۵، سموئیل نبی می‌فرماید: «آیا خداوند [یهوه] به قربانی‌های سوختنی و ذبایح خشنود است یا به اطاعت فرمان خداوند [یهوه]؟ اینک، اطاعت از قربانی‌ها و گوش گرفتن از پیه قوچ‌ها نیکوتر است.»

شناخت خدای زنده

فصل ۱۲: خدا تغییرناپذیر است

واژه «تغییرناپذیر» در زبان لاتین *immutabilis* «ایمیوتابیلیز» می باشد [*in* یا *im* = حرف نفی + *mutabilis* = دگرگونی یا تغییر]. واژگانی از جمله «بی تغییر»، «تضاد»، و «امین» نیز می توانند ما را در درک این صفت الهی کمک نمایند. تغییرناپذیری خدا بدین معنا است که صفت های خدا یا رأی و نظر خدا هرگز عوض نمی شوند. خدا به رشد و بلوغ نمی رسد، تکامل نمی یابد، متحول نمی شود. خدا همواره کامل است. شخصیت خدا نزول نمی یابد. خدا کیفیت خود را از دست نمی دهد. خدا پسرقت نمی کند. زیرا، اگر چنین باشد، او دیگر خدا نیست. خدا همواره همان است که همیشه بوده است و همواره همان خواهد ماند. خدا تغییر عقیده نمی دهد. خدا حکم و دستوری را که صادر نموده است باطل نمی کند تا به جای آن حکم و دستور دیگری صادر کند. این گونه نیست که خدا وعده ای دهد و بعد به اصطلاح زیر قول و وعده خود بزند. چنین نیست که خدا تهدیدی کند، هشداری دهد، اما آن را جامه عمل نپوشاند. این حقایق به ما تسلی می بخشند، چون تصورش هم هولناک است که با خدای قادر مطلق روبه رو باشیم که به ناگه شرارت ورزد یا به ناگه تغییر عقیده دهد. تغییرناپذیر بودن خدا یکی از مهم ترین صفت های او است، زیرا به ما تضمین می دهد خدا و کلامش دیروز، امروز، و تا ابد همان است (عبرانیان ۸:۱۳). فقط خدا در این عالم هستی بی تغییر و ثابت و پایدار است. فقط خدا شایسته اعتماد و توکل مطلق است.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، نام های خدا چه می باشند؟ این نام ها درباره تغییرناپذیر بودن خدا به ما چه تعلیمی می دهند؟

الف. هستم _____ (خروج ۳:۱۴). این نام در زبان عبری در فعلی به نام هایاه ریشه دارد که به معنای «بودن» یا «وجود داشتن» می باشد. این نام هم به ذات ازلی و ابدی خدا و قائم به ذات بودن خدا اشاره دارد و هم به تغییرناپذیر بودن خدا. او همیشه وجود دارد و همیشه همان است.

ب. او _____ است (تثنیه ۳۲:۴). این نام را باید اندکی توضیح داد. سنگ و صخره و کوه مخلوقاتی هستند که نسبت به سایر آفریده های خدا پایدارترند و کمتر دچار تغییر و دگرگونی می شوند. اما چه حقیقت دلگرم کننده و تسلی بخشی است که بدانیم حتی این نمادهای ثابت و پایداری نیز حق مطلب را بیان نمی کنند. وقتی جملگی صخره های زمین به خاک تبدیل شوند، خدا همچنان ثابت و پایدار و تغییرناپذیر خواهد بود.

۲. پس از بررسی نام های خدا که نمودار تغییرناپذیر بودن او هستند، اکنون، شماری از اعلان های مهم در کتاب مقدس را در خصوص این صفت خدا مرور می نماییم. این اعلان ها درباره ذات تغییرناپذیر خدا و رابطه خدا با خلقتش به ما چه تعلیمی می دهند؟ چگونه این حقایق نمودار عظمت و بزرگی خدا می باشند؟

الف. مزمور ۱۰۲:۲۵-۲۷

ب. ملاکی ۶:۳

نکته: این آیه به صراحت نشان می‌دهد چگونه تغییرناپذیر بودن خدا در رابطه خدا با قومش تأثیر می‌گذارد. حتی، در بحبوحه بی‌وفایی قوم اسرائیل به خدا، او امین و وفادار می‌ماند، زیرا خدا تغییر نمی‌کند و به وعده‌هایش وفادار می‌ماند.

ج. یعقوب ۱۷:۱

د. عبرانیان ۸:۱۳

نکته: چون خدای عظیم و نجات‌دهنده‌مان، عیسی مسیح، تغییرناپذیر است (تیطس ۲:۱۳)، نجات ما ایمن می‌باشد. شخصیت کامل و بی‌نقص خدا، نجاتی که او مهیا می‌نماید، و جمیع وعده‌هایش دیروز، امروز، و تا ابد همان هستند.

۳. پس از بررسی آیات بسیاری که از ذات تغییرناپذیر خدا سخن می‌گویند، اکنون، به آیاتی می‌پردازیم که به طور خاص به تغییرناپذیر بودن کلام خدا و رأی و نظر خدا اشاره دارند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره تغییرناپذیر بودن کلام خدا و رأی و نظر خدا چه حقیقتی را به ما تعلیم می‌دهند؟ این آیات درباره رابطه خدا با انسان به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. اول سموییل ۲۹:۱۵

نکته: این آیه اعلام می‌نماید خدا «انسان نیست که به اراده خود تغییر دهد.» از این آیه و آیات دیگر مشخص است که تغییرناپذیر بودن خدا حتی شامل تغییرناپذیری رأی و اراده خدا نیز می‌باشد. حکمت خدا کامل و بی‌نقص است، از این رو، خدا در حکمی که صادر می‌نماید اشتباه نمی‌کند. خدا قادر مطلق است، از این رو، قادر است هرچه تصمیم می‌گیرد به انجام رساند. اما چگونه این تعلیم را با سایر آیاتی هماهنگ سازیم که به نظر می‌رسند خلاف این حقیقت را تعلیم می‌دهند؟ در کتاب پیدایش ۶:۶، خدا «پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود.» در کتاب خروج ۹:۳۲-۱۴، گویی خداوند در خصوص هلاک نمودن امت نامطیع اسرائیل تغییر عقیده می‌دهد. در کتاب یونس ۳:۱۰، خدا از بلایی که فرموده بود بر اهالی شهر نینوا نازل می‌کند صرف نظر می‌نماید. آیا کتاب مقدس خودش را نقض می‌کند؟ آیا خدا واقعاً تغییر عقیده می‌دهد؟ پاسخ این پرسش آن طور که برخی تصور می‌کنند پیچیده یا اسرارآمیز نیست. کتاب مقدس به شفافیت تعلیم می‌دهد کمالات، هدف‌ها، و وعده‌های خدا هیچ‌گاه تغییر نمی‌کنند. اما این بدان معنا نیست که رابطه خدا و نگرش و طرز برخورد او با مخلوقاتی که تغییر و بی‌ثباتی عادتشان است همواره یکسان خواهد بود. کتاب پیدایش ۶:۶ به واکنش پاک و قدوس خدا به گناه انسان اشاره دارد و به عزم راسخ خدا که انسان را از روی زمین محو سازد - آیه ۷ (همین اصل در کتاب اول سموییل ۱۱:۱۵، ۲۶ صادق است). در کتاب خروج ۹:۳۲-۱۴، خدا، در پاسخ رحیمانه و دلسوزانه به دعای موسی (که خدا او را به دعا هدایت می‌نماید و قوت می‌بخشد)، در خصوص هلاکت قوم اسرائیل تغییر عقیده می‌دهد. در کتاب یونس ۳:۴-۱۰، وقتی نینوا از گناه صرف نظر می‌کند، خدا هم از هلاکت نینوا صرف نظر می‌نماید. این آیات به ما یادآور می‌شوند که تغییرناپذیر بودن خدا به معنی خنثی و بی‌گنش بودن نیست. خدا تغییر نمی‌کند، اما در طرز برخورد با مخلوقاتش راکد و بی‌حس و بی‌توجه نیست. خدا پویا و پرتکاپو است. خدا با مخلوقاتش در گنش و واکنش است. خدا همیشه همان خدا است، اما رابطه‌اش و طرز برخوردش با انسان متغیر و بی‌ثبات بنا بر واکنشی که انسان‌ها به او نشان می‌دهند متفاوت خواهد بود (ارمیا ۱۸:۷-۱۰؛ حزقیال ۲۱:۱۸-۲۴). این امر با تغییرناپذیر بودن خدا تضادی ندارد، بلکه گواهی است بر تغییرناپذیر بودن خدا! خدا همواره به گونه‌ای به عملکردهای انسان‌ها پاسخ می‌دهد که با صفت‌های تغییرناپذیرش هماهنگ باشد.

ب. اعداد ۱۹:۲۳

ج. مزمور ۱۱:۳۳

۴. درک این نکته مهم است که تغییرناپذیر بودن خدا هم با کمال خدا و هم با قدرت خدا رابطه مستقیم دارد. خدا تغییرناپذیر نمی‌بود اگر قدرت یا وجودی برتر از خدا وجود می‌داشت که می‌توانست بر خدا اقتدار داشته باشد یا به اصطلاح به خدا گلک بزند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره حاکمیت و قدرت خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ آیا مخلوقی وجود دارد که بتواند به اصطلاح خدا را تغییر دهد؟

الف. اشعیا ۲۴:۱۴

ب. اشعیا ۹:۴۶-۱۰

ج. دانیال ۴: ۳۴-۳۵

شناخت خدای زنده

فصل ۱۳: خدا قادر مطلق است

واژه «قادر مطلق» در زبان لاتین *omnipotents* «اُمنیپُتِنس» می‌باشد [omnis = همه + potens = قدرتمند] و به قدرت بی‌نهایت یا نامحدود اشاره می‌کند. در توصیف خدا، این صفت بدین معنا است که خدا قادر است هر آنچه اراده می‌کند انجام دهد و انسان یا نیرویی نمی‌تواند مانع خدا شود یا او را مجبور کند خلاف اراده‌اش عمل نماید. اینکه می‌گوییم خدا قادر است همه‌کار انجام دهد معنی‌اش این است که او می‌تواند هر کاری را که با ذات قدوس و عادل و سرشار از محبتش سازگار است انجام دهد. خدا نمی‌تواند خودش را نقض کند، یعنی خدا نمی‌تواند بی‌رحم یا خودخواه باشد. خدا نمی‌تواند دروغ بگوید. خدا نمی‌تواند قول و وعده خود را زیر پا بگذارد. خدا نمی‌تواند نامعقولانه عمل کند (مثلاً یک دایره مربع شکل بسازد، مثلثی با چهار زاویه بسازد، یا سنگ‌هایی چنان سنگین بیافریند که خودش نتواند آنها را حرکت دهد). قادر مطلق بودن خدا ایمانداران به مسیح را یقین و اطمینان مطلق می‌بخشد. خدا قادر است و قدرت دارد جمیع وعده‌هایش را به انجام رساند. اما قادر مطلق بودن خدا برای بی‌ایمانان موجب ترس و وحشت است، چون هیچ انسانی نمی‌تواند در مقابل اراده خدا مقاومت کند یا از داوری خدا بگریزد.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌ها و لقب‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. خدای _____ (پیدایش ۱:۱۷؛ مکاشفه ۸:۴؛ ۶:۱۹).

ب. خداوند _____ و _____ (مزمور ۸:۲۴).

ج. _____ قوی (مزمور ۲:۳۱).

د. _____ قوی (مزمور ۳:۶۱).

ه. خدای _____ (اشعیا ۶:۹؛ ۲۱:۱۰).

و. آن _____ (لوقا ۴۹:۱).

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره قادر مطلق بودن خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ آیا قدرتی ورای قدرت خدا وجود دارد؟

الف. ارمیا ۳۲:۱۷، ۲۷

ب. متی ۲۶:۱۹ (لوقا ۱:۳۷)

۳. یکی از مهم‌ترین ثمره‌های قادر مطلق بودن خدا این است که به ما یقین می‌بخشد خدا قادر است هرچه اراده نموده است به انجام برساند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. ایوب ۱:۴۲-۲

ب. مزمور ۱۱۵:۳

ج. مزمور ۱۳۵:۵-۶

د. اشعیا ۱۴:۲۴، ۲۷

ه. دانیال ۴:۳۵

و. افسسیان ۱:۱۱

۴. در کتاب مقدس، قادر مطلق بودن خدا یکی از صفت‌هایی است که خدا را به طور مشخص از بت‌های بی‌جانی که ساخته دست انسان است متمایز می‌گرداند. مزمور ۱۱۵:۳-۱۱ را مطالعه نمایید و پرسش‌هایی را که در ادامه عنوان گشته‌اند پاسخ دهید.

الف. در مزمور ۱۱۵:۳-۸، چگونه خدای قادر مطلق کتاب مقدس با بت‌های بی‌ارزش انسان‌ها مقایسه می‌گردد؟

ب. به گفتهٔ مزمور ۹:۱۱۵-۱۱، واکنش ایمانداران به این حقیقت باید چه باشد؟

۵. قادر مطلق بودن خدا برای ایمانداران به مسیح که به خدا و ارادهٔ خدا و وعده‌های خدا توکل دارند کاربردی بس عظیم دارد. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، قادر مطلق بودن خدا برای ما، ایمانداران، چه معنایی دارد؟

الف. یوشع ۱۴:۲۳

ب. مزمور ۴:۱۲۱-۵

ج. رومیان ۳۱:۸

د. فیلیپیان ۶:۱

ه. دوم قرن تیان ۵-۴:۳

و. فیلیپیان ۱۳:۴

۶. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، ایمانداران به مسیح باید به قادر مطلق بودن خدا با ایمان و اطاعت پاسخ دهند. با توجه به این آیات و تأکیدی که در آنها مشهود است، دیدگاه خود را توضیح دهید.

الف. ایمان (رومیان ۴: ۱۹-۲۱)

ب. اطاعت (پیدایش ۱: ۱۷)

شناخت خدای زنده

فصل ۱۴: خدا حاضر مطلق است

واژه «حاضر مطلق» در زبان لاتین *omnipraesens* «اُمنیپراسِنس» می‌باشد [omnis = همه + praesens = حاضر] و به همزمان حاضر بودن در همه جا اشاره دارد. وقتی کتاب مقدس خدا را حاضر مطلق معرفی می‌نماید، معنی‌اش این است که خدا همیشه در همه جا کاملاً حضور دارد. حاضر مطلق بودن خدا بدین معنا نیست که بخشی از وجود خدا در کشور چین باشد و بخشی دیگر از وجودش در انگلستان حاضر باشد. حاضر مطلق بودن خدا به این معنا است که همه وجود خدا همزمان همه جا حضور دارد. هرچند این عالم هستی گنجایش وجود خدا را ندارد، پُری وجود خدا در همه جا حاضر است. حاضر مطلق بودن خدا ایمانداران به مسیح را یقین و تسلی عظیم می‌بخشد. تک‌تک ایمانداران، از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین آنها، از برکت حضور بی‌تبعیض خدا بهره می‌برند. اما حاضر مطلق بودن خدا برای بی‌ایمانان موجب ترس و وحشت است، چون محال است کسی بتواند خود را از حضور خدا پنهان کند یا از حضور خدا بگریزد.

۱. کتاب اول پادشاهان فصل ۸ مراسم تقدیس معبد خدا را که به دست سلیمان ساخته شد شرح می‌دهد. سلیمان در کتاب اول پادشاهان ۸:۲۷ چه حقیقتی را اعلام می‌نماید؟ کلام سلیمان درباره‌ی حاضر مطلق بودن خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ بنا بر آیه نامبرده، آیا به نظرمان حضور خدا به عبارتی امروز به ساختمان‌های کلیساهای ما محدود است؟

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد شامل چندین متن مهم درباره‌ی حاضر مطلق بودن خدا و کاربردهایش برای کل انسان‌ها می‌باشد. خلاصه‌ای از شرح این آیات را مختصر توضیح دهید.

الف. مزمور ۱۳۹: ۷-۱۰

ب. ارمیا ۲۳:۲۳-۲۴

ج. اعمال رسولان ۱۷:۲۴-۲۸

نکته: عبارت «در او زندگی و حرکت و وجود داریم [یعنی هستیم]» عبارتی بی‌نهایت مهم می‌باشد (آیه ۲۸). خواه انسان بپذیرد یا نپذیرد، واقعیت وجود خدا امری گریزناپذیر است. مکانی وجود ندارد که خدا آنجا حضور نداشته باشد. علاوه بر این، همه چیز آفریده دست خدا است و خدا نگهدار و عامل بقای همه چیز است. خدا جهان را هستی بخشید و خودش هم نگهدارش است. از بزرگ‌ترین ستاره تا کوچک‌ترین ذره وجودشان را مدیون خدا هستند. حیات همه مخلوقات، بزرگ و کوچک، به خدا وابسته است.

۳. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره حاضر مطلق بودن خدا بیانگر حقایق مهم و اساسی می‌باشند و به اهمیت این صفت خدا برای قوم خدا تأکیدی ویژه می‌نمایند. خلاصه‌ای از حقیقت موجود در هر آیه را مختصر توضیح دهید.

الف. تثنیه ۷:۴

ب. مزمور ۱:۴۶

ج. مزمور ۱۴۵: ۱۸-۱۹

د. اشعیا ۴۳: ۱-۲

ه. متی ۲۸: ۲۰

شناخت خدای زنده

فصل ۱۵: خدا دانای مطلق است

واژه «دانای مطلق» در زبان لاتین *omnisciens* «امنیسینز» می‌باشد [omnis = همه + scire = دانستن] و به دانایی و همه‌چیزدان بودن اشاره دارد. دانای مطلق بودن خدا حاکی از آن است که خدا کاملاً از همه چیز آگاه است، از گذشته، حال، و آینده همزمان باخبر است، مستقیم و بی‌واسطه، تمام و کمال، بی‌آنکه برای دست یافتن به دانش و آگاهی تلاش و تکاپو نماید. هیچ چیز از خدا پنهان نیست. میان دانش خدا و آنچه واقعیت است ذره‌ای تفاوت وجود ندارد. خدا از جمیع واقعیت‌ها خبر دارد و آنها را با حکمت کامل و بی‌نقص خود تفسیر می‌نماید. دانای مطلق بودن خدا ایمانداران به مسیح را یقین و تسلی عظیم می‌بخشد. خدا از تک‌تک نیازهای ما آگاه است. خدا تک‌تک سختی‌ها و دشواری‌های زندگی‌مان را درک می‌نماید. خدا کلام خطاناپذیر خود را به ما بخشیده است تا راهنمای زندگی‌مان باشد. اما دانای مطلق بودن خدا برای بی‌ایمانان موجب ترس و وحشت است، چون خدا تک‌تک انسان‌ها را بنا بر دانایی مطلق خود از جمیع واقعیت‌ها داوری می‌نماید. گناهی از چشم خدا پنهان نمی‌ماند یا فراموش نمی‌شود. هر مخلوق، هر کردار، و هر پندار برای خدا چون کتابی گشوده است.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در کتاب اول سموئیل ۳:۲، نام خدا چه می‌باشد؟

الف. خدای _____ .

ب. این نام درباره‌ی دانای مطلق بودن خدا چه حقیقتی را به ما بیان می‌کند؟

نکته: خداوند خدایی است که همه چیز را می‌بیند و همه چیز را می‌داند. خدا دانش نمی‌آموزد. خدا در پی دانش آموختن نمی‌رود. خدا برای خود دانش نمی‌اندوزد. خدا همواره، همزمان، مستقیم و بی‌واسطه، تمام و کمال، بی‌آنکه برای دست یافتن به دانش و آگاهی تلاش و تکاپو نماید، صاحب دانایی و دانش است.

۲. کتاب دانیال ۲:۲۰-۲۲ یکی از زیباترین توصیف‌ها درباره‌ی دانایی خدا است. این آیات به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

۳. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چندین واژه در توصیف دانایی مطلق خدا به کار رفته است. با درک معنای این واژگان، می‌توانیم درباره عظمت دانایی خدا حقیقتی بیاموزیم. با توجه به آیات نامبرده، واژگان مورد نظر را مشخص نمایید.

الف. علم خدا _____ (ایوب ۱۶:۳۷). واژه مورد نظر در اینجا در زبان عبری نامیم می‌باشد و گویای کل و همه است، گویای بی نقص بودن، درست بودن، بی عیب بودن، کم و کاستی نداشتن.

ب. حکمت [درک] خدا _____ (مزمور ۴:۱۴۷-۵). واژه مورد نظر در زبان عبری آیین می‌باشد و گویای بی شمار بودن و شمارش ناپذیر بودن است. سایر واژگان هم معنا از این قرارند: بی پایان، درک ناپذیر، نافهمیدنی، کاوش ناپذیر.

ج. فهم خدا _____ (اشعیا ۴۰:۲۸). واژه مورد نظر در زبان عبری آیین می‌باشد (توضیح نکته قبل را مشاهده نمایید).

۴. درک این نکته مهم است که دانش و دانایی خدا به زمان حال محدود نیست. او از همه چیز در گذشته و حال و آینده باخبر است. کتاب اشعیا ۶:۴۴-۸ و ۹:۴۶-۱۰ درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

۵. مزمور ۱۳۹:۱-۴، ۱۱-۱۲ یکی از زیباترین و کامل‌ترین توصیف‌ها درباره دانایی مطلق خدا و آگاهی او از کردار انسان‌ها است. بنا بر سرخط‌هایی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، گستره دانایی مطلق خدا را توضیح دهید.

الف. آیه ۱

نکته: خدا از عمق وجود انسان آگاه است. اعماق دل و فکر انسان و نهان‌ترین خلوتگاه دل و فکر انسان برای خداوند چون کتابی گشوده است.

ب. آیه ۲

ج. آیه ۳

نکته: واژه «تفتیش» در زبان عبری زاراه می‌باشد که به معنای «پراکندن، باد زدن، غربال کردن» است. در فرآیند غربال کردن، گندم را از پوسته‌اش جدا می‌کنند. به همین شکل، اما در معنایی بسیار مهم‌تر، خدا قادر است دل انسان را غربال نماید و با دقت و موشکافی کامل هر فکر و اندیشه انسان را تشخیص دهد.

د. آیه ۴

ه. آیات ۱۱-۱۲

۶. به فرموده کتاب مقدس، در دل انسان مخفیگاه یا رازی نهان وجود ندارد که خدا از آن باخبر نباشد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. خدا به تنهایی _____ جمیع بنی آدم است (اول پادشاهان ۳۹:۸).

ب. زیرا _____ خدای عادل است (مزمور ۹:۷).

ج. خداوند _____ می‌داند (مزمور ۱۰:۹۴).

د. خدا _____ مردم را _____ (رومیان ۱۶:۲).

۷. دانای مطلق بودن خدا ایمانداران به مسیح را یقین و تسلی و شادی عظیم می‌بخشد. می‌توانیم خاطر جمع باشیم که خدا همواره ناظر و مراقب ما است، از تک تک نیازهای ما آگاه است، و تک تک سختی‌ها و دشواری‌های زندگی‌مان را درک می‌نماید. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم تواریخ ۹:۱۶

ب. متی ۶:۷-۸، ۳۱-۳۲

ج. متی ۱۰: ۲۹-۳۱

۸. بنا بر آنچه آموختیم، می‌دانیم که واکنش همه انسان‌ها به دانایی مطلق خدا یکسان نیست. همه چیز به رابطه شخص با خدا بستگی دارد. دانای مطلق بودن خدا برای بی‌ایمانان موجب ترس و وحشت است، چون خدا تک‌تک انسان‌ها را بنا بر دانایی مطلق خود از جمیع واقعیت‌ها داوری می‌نماید. گناهی از چشم خدا پنهان نمی‌ماند یا فراموش نمی‌شود. هر مخلوق، هر کردار، و هر پندار برای خدا چون کتابی گشوده است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. ایوب ۲۱: ۳۴-۲۳

ب. مزمور ۱۳: ۳۳-۱۵

ج. امثال سلیمان ۲۱: ۵

د. امثال سلیمان ۳:۱۵

ه. ارمیا ۱۰:۱۷؛ ۱۹:۳۲

و. عبرانیان ۱۳:۴

شناخت خدای زنده

فصل ۱۶: خدا قدوس است

معنای واژه «قدوس»

واژه «قدوس» در زبان عبری کادوش می‌باشد و به این معنا است: «جداشده، نشان‌گشته، کنار گذاشته شده، منع شده برای استفاده امور معمولی.» این واژه در مورد خدا دو مفهوم دارد: خدا بر خلقت خویش متعال و از فساد مخلوقات جدا می‌باشد.

خدا متعال بر خلقت خویش است

واژه «متعال» در زبان لاتین *transcendere* «تَرَنسِنْدِرِ» می‌باشد [trans = بر + scandere = بالا رفتن] که به معنای «فراتر رفتن، فراز یافتن، افزون شدن» است. خدای خالق بر خلقت خویش متعال است و از تک تک مخلوقات کاملاً جدا و مجزا می‌باشد. خدا از مخلوقاتش صرفاً از نظر کمیّت مجزا نیست (یعنی وجودش از جنس مخلوقاتش باشد، اما از آنها بزرگ‌تر باشد). خدا از نظر کیفیت از مخلوقاتش مجزا است (ذات و وجود خدا با ذات و وجود مخلوقاتش کاملاً فرق دارد). جمیع مخلوقات این کره خاکی و جمیع مخلوقات آسمان، اگرچه از شکوه و شوکت برخوردارند، صرفاً مخلوق هستند. خدا فقط خدا است، جدا، متعال، که نمی‌توان به او نزدیک شد.

قدوسیت صفت ممتاز خدا و برجسته‌ترین حقیقتی است که می‌توانیم درباره خدا یاد بگیریم. هر یک از صفت‌های الهی که تاکنون مطالعه نموده‌ایم و در آینده مطالعه خواهیم کرد جلوه‌ای از قدوسیت خدا هستند که نشان می‌دهند خدا کاملاً از خلقتش جدا و مجزا می‌باشد. ذات و وجود خدا با ذات و وجود مخلوقاتش کاملاً فرق دارد. تثلیث بودن خدا جلوه قدوسیت خدا است - آیا مخلوقی وجود دارد که وجودش یک سر باشد و چنین شگفت‌آور و خارج از قوه درک انسان؟ اینکه خدا روح است جنبه دیگری از قدوسیت خدا را جلوه‌گر می‌سازد - آیا مخلوقی وجود دارد که چنین رها از قید و بند باشد و چیزی و کسی نتواند سد راهش شود؟ کامل بودن خدا، ذات ازلی و ابدی خدا، قائم به ذات بودن خدا، تغییرناپذیر بودن خدا، قادر مطلق بودن خدا، حاضر مطلق بودن خدا، و دانای مطلق بودن خدا، جملگی، جلوه قدوسیت او هستند - آیا مخلوقی وجود دارد که چنین عظیم باشد و شایسته حرمت و ترس آمیخته با احترام؟ در ادامه مطالعه‌مان درباره صفت‌های خدا و گام برداشتن در حضور او باید این حقیقت عظیم را به یاد داشته باشیم که خدا قدوس است و وجود او و عملکردهایش جلوه قدوسیتش می‌باشند!

خدا از فساد و تباهی مخلوقات خویش جدا می‌باشد

قدوسیت خدا بدین معنا است که خدا از فساد اخلاقی مخلوقات خویش و از هرچه نامقدس و گناه‌آلود است جدا می‌باشد. خدا نمی‌تواند گناه کند، خدا نمی‌تواند از گناه خشنود باشد، خدا نمی‌تواند با گناه مشارکت داشته باشد. هر قدر بر اهمیت قدوسیت خدا تأکید نماییم باز هم کم است. هر آنچه از این صفت درک نماییم، در همه ابعاد رابطه ما با خدا تأثیر خواهد گذاشت. کلام خدا در کتاب امثال سلیمان ۱۰:۹ می‌فرماید: «معرفتِ قدوس فطانت می‌باشد.»

قدوسیت خدا

بسیار مهم است درک نماییم که قدوسیت خدا ذاتی و فطری است (یعنی درونی و وابسته به ماهیت و ذات خدا است). قدوسیت صفتی نیست که خدا تصمیم بگیرد آن را به دست آورد یا آن را به جا آورد. قدوسیت ذات و گوهر وجود او است،

یعنی خدا قدوس است. خدا، اگر قدوس نباشد، دیگر خدا نیست. خدا ذات خود را انکار خواهد کرد اگر که بخواهد کاری نامقدس انجام دهد. این حقیقتی است بس شگفت‌انگیز که موجب یقین و اطمینان به خدا می‌گردد.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرفت شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشد و این نام‌ها چه حقیقتی را دربارهٔ قدوسیت خدا به ما بیان می‌کنند؟

الف. هستم _____ (خروج ۳: ۱۴). خدا قدوس است. خدا جدا و مجزا از جمیع مخلوقات است. تصویر، نمونه، یا مثالی وجود ندارد که همه‌جانبه حق مطلب را بیان کند و نشان دهد خدا واقعاً کیست. اگر از یک نفر بخواهیم خودش را برای ما توصیف نماید، او می‌تواند به آدم‌های دیگر اشاره کند و بگوید: «من مانند این شخص یا آن شخص هستم.» اما خدا قابل قیاس نمی‌باشد. حتی ممتازترین ارشد فرشتگان هم نمی‌تواند نمونهٔ درخوری باشد که نشان دهد خدا کیست. وقتی موسی از خدا می‌پرسد: «تو کیستی؟» خدا فقط به خودش اشاره می‌نماید و می‌فرماید: «هستم آن که هستم.» این حقیقت به ما کمک می‌کند تا اهمیت عظیم مکاشفهٔ خدا در مسیح را درک نماییم. عیسی خدا است که ذات انسان به خود گرفت. او تنها تصویر یا نمونهٔ حقیقی است که به ما نشان می‌دهد خدا کیست (یوحنا ۱۴: ۹؛ کولسیان ۱: ۱۵). اکنون، خدا با اشاره نمودن به پسرش به هر پرسشی دربارهٔ خودش پاسخ می‌دهد و اعلام می‌نماید: «من مانند او هستم!»

ب. نام او _____ (مزمور ۹: ۱۱۱). واژهٔ «مهیّب» در زبان عبری یار می‌باشد و به معنای «ترسیدن» است. در بافت آیهٔ نامبرده، این واژه گویای آن است که خدا موجب ترس آمیخته به احترام می‌گردد. وقتی قدوسیت خدا درست و سنجیده درک شود، نتیجه‌اش همواره حرمت و ترس آمیخته با احترام در حضور خدا خواهد بود.

ج. او که _____ و ساکن در ابدیت می‌باشد و اسم او _____ (اشعیا ۵۷: ۱۵).

د. در آیات نامبرده، واژگان «قدوس»، «مهیّب» و «بلند» توصیفگر خدا می‌باشند. این واژگان چه حقیقتی را دربارهٔ قدوسیت خدا به شما بیان می‌نمایند؟

۲. در کلام خدا، متوجه می‌شویم قدوسیت خدا صفتی ممتاز و متعال است. قدوسیت خدا از آن جهت ممتاز است که هیچ‌یک از صفت‌های الهی به این میزان در کتاب مقدس اعلام و توصیف نگشته‌اند. قدوسیت صفتی متعال است، چون قدوسیت خدا منحصر به خودش است و هیچ مخلوقی دارای قدوسیت نیست که با قدوسیت خدا قابل قیاس باشد.

الف. قدوسیت خدا صفتی ممتاز است [در زبان لاتین: *prae* = پیش + *eminere* = افشاندن]. محال است بتوان شخصیت خدا را بدون توجه به قدوسیت او درک نمود. از همه مهم‌ترین است که خدا قدوس است! چگونه این حقیقت در کتاب‌های اشعیا ۳:۶ و مکاشفه ۸:۴ نشان داده می‌شود؟

نکته: در ادبیات عبری، برای تأکید نمودن بر واژه یا عبارتی آن را تکرار می‌کنند. این امر که قدوسیت خدا سه بار تکرار می‌شود [*trihagion* یونانی: *tris* = سه بار + *hagios* = قدوس] گویای این واقعیت است که خدا قدوس مطلق است، خدا بی‌نهایت قدوس است. صفت الهی دیگری با چنین تأکید برجسته‌ای اعلام نمی‌گردد. هیچ‌گاه در کتاب مقدس نمی‌خوانیم که خدا «محبت، محبت، محبت» است یا «رحیم، رحیم، رحیم» است. ولی می‌خوانیم که او «قدوس، قدوس، قدوس» است. قدوسیت شالوده و زیربنای کیستی خدا است و هر آنچه که خدا انجام می‌دهد. اگر یک صفت خدا وجود داشته باشد که هر قدر بر آن تأکید نماییم باز هم کم باشد، آن صفت قدوسیت خدا خواهد بود.

ب. قدوسیت خدا صفتی متعال است [در زبان لاتین: *trans* = در آن سوی یا ورای + *scandere* = بالا رفتن]. قدوسیت خدا بی‌نهایت فراتر و ورای همه مخلوقات است. هیچ‌کس مانند خداوند قدوس نیست! آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

(۱) خروج ۱۱:۱۵

(۲) اول سموئیل ۲:۲

(۳) ایوب ۱۵:۱۵

نکته: منظور این نیست که در آسمان گناه یا فساد وجود دارد. این آیه بیانگر دو حقیقت عظیم است: (۱) هیچ‌کس، حتی آسمان یا ساکنان آسمان، مانند خدا قدوس نیست؛ (۲) فقط قدوسیت خدا ذاتی و فطری است (یعنی درونی و وابسته به ماهیت و ذات خدا است). قدوسیت صفتی نیست که خدا تصمیم بگیرد آن را به دست آورد یا آن را به‌جا آورد. قدوسیت ذات و گوهر وجود او است، یعنی خدا قدوس است. حال آنکه، پاکی و قدوسیت همه مخلوقات (حتی آسمان و فرشتگان مقدس آسمان) از خدا سرچشمه می‌گیرد. آنها در وجود خودشان قدوس نیستند، بلکه قدوسیتشان از خدا سرچشمه می‌گیرد و هدیه فیض خدا به ایشان است. اگر خدا از آنها روی گرداند و فیض خود را دریغ نماید، از پاکی و قدوسیت در گناه و فساد سقوط می‌کنند.

(۴) اشعیا ۲۵:۴۰

۳. قدوسیت خدا نه فقط به این معنا است که خدا نسبت به مخلوقاتش یکتا و بی همتا است، بلکه خدا از هرآنچه ناپاک و گناه‌آلود است جدا می‌باشد. خدا نمی‌تواند گناه کند، خدا نمی‌تواند از گناه خشنود باشد، خدا نمی‌تواند با گناه مشارکت داشته باشد. محال است خدا وسوسه شود یا ذاتش ناپاک گردد. خدا همیشه همان که هست باقی می‌ماند - قدوس و فسادناپذیر. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۴:۵

نکته: واژهٔ «ساکن» در زبان عبری گنور می‌باشد و به معنای «غریبه بودن» است. خدا با پلیدی و شرارت غریبه است. خدا با ناپاکی اخلاقی مشارکتی ندارد.

ب. ایوب ۱۰:۳۴

ج. اشعیا ۱:۵۹-۲

نکته: در اینجا، عدم مدارای خدا با گناه مشخص است. چون خدا قدوس و عادل است، گناه همواره موجب جدایی خدا و گناهکاران می‌باشد. به همین دلیل، خدا یگانه پسر قدوس خود را فرستاد تا بدهی گناهان ما

را پرداخت نماید و به این وسیله وقتی ما به پسر یگانه خدا ایمان می‌آوریم، خدا با ما مشارکتی ماندگار برقرار خواهد نمود (رومیان ۱:۵).

د. حبقوق ۱۳:۱

ه. یعقوب ۱۳:۱

نکته: این حقیقت که خدا وسوسه نمی‌شود بدین معنا نیست که خدا از لحاظ اخلاقی خویشتن‌دار است و از هر گونه وسوسه شدن به شرارت پرهیز می‌کند. وسوسه نشدن خدا به این معنا است که وقتی شرارت خودش را به خدا نمایان می‌کند، خدا نیازی ندارد در مقابل شرارت مقاومت و ایستادگی نماید. چون ذات خدا قدوس مطلق است، پلیدی و شرارت در نظرش مکروه و زننده است و برای خدا به هیچ شکل گیرایی ندارد. خدا اصلاً مجذوب شرارت نمی‌گردد. خدا نیازی ندارد در مقابل شرارت مقاومت و ایستادگی کند، زیرا خدا کاملاً از شرارت بیزار است.

و. یعقوب ۱۷:۱

نکته: یک عمر هم که کسی شخصیت خدا، کلام خدا، یا عملکردهای خدا را بررسی و کندوکاو نماید - حتی با موشکافانه‌ترین و سختگیرانه‌ترین معیارهای قدوسیت و عدالت - محال است سرسوزنی ایراد و عیب و نقص در آنها بیابد. خدا در نوری ساکن است که به آن نمی‌توان نزدیک گشت. ذره‌ای شرارت یا سایه‌ای کم‌رنگ از بدی و ناپاکی در خدا وجود ندارد.

۴. قدوسیت خدا به این معنا است که خدا نسبت به مخلوقاتش یکتا و بی‌همتا است و خدا از هر آنچه با ذات او در تضاد است (یعنی از گناه) جدا می‌باشد. اما قدوسیت خدا به این معنا هم می‌باشد که خدا نمی‌تواند از گناه خشنود باشد. خدا نسبت به شرارت بی‌طرف یا بی‌حس نیست. شرارت در نظر خدا مکروه و زننده است (یعنی در نظرش چندان آزار است و باعث می‌شود خدا از گناه متنفر باشد و حالش از گناه به هم بخورد). خدا با اشتیاق و غیرتی پاک و مقدس از هر بدی و شرارت بیزار است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف تثنیه ۱۶:۲۵

نکته: در این آیه، واژه «مکروه» در زبان عبری تعایوا می‌باشد و به چیزی یا کسی اشاره دارد که نفرت برانگیز (یعنی زننده و ناخوشایند)، حال به هم زن، چندان آزار، یا وقیح است (مزمور ۸۸:۸).

ب. مزمور ۵:۴-۵

نکته: معروف است که می‌گویند: «خدا گناهکار را دوست دارد، اما از گناه بیزار است.» حال آنکه، این گفته را باید با توجه به مزمور ۵:۵ تفسیر نمود. بله، خدا از گناه بیزار است. اما از کسانی که مرتکب گناه می‌شوند هم بیزار است! چگونه می‌توان این حقیقت را با سایر آیاتی سازگار نمود که از محبت خدا به گناهکاران سخن می‌گویند؟ هرچند غضب خدا بر گناهکاران قرار دارد (یوحنا ۳:۳۶)، خدا محبت خود را به این شکل آشکار نمود که پسر

خود را فرستاد تا به جای مردمانی که فقط سزاوار داوری هستند جان خود را فدا نماید (رومیان ۸:۵، ۱۰). محبت خدا به جمیع آدمیان محبتی خالص و ناب، اصیل و واقعی است. این محبت به روش‌های بی‌شماری نمایان می‌باشد. با این حال، خدا قدوس است و غضبش (یعنی ناخشنودی مقدس و عادلانه‌اش) سرانجام بر جمیع کسانی نازل خواهد گشت که رستگاری و نجاتی را که به وسیله کفاره و قربانی مسیح فراهم است نمی‌پذیرند.

ج. امثال سلیمان ۸:۱۵-۹

نکته: همانند کتاب تثنیه ۱۶:۲۵، در این آیات نیز واژه «مکروه» در زبان عبری تعابیر می‌باشد.

شناخت خدای زنده

فصل ۱۷: پاسخ ما به قدوسیت خدا

خدا قدوس، قدوس، قدوس است! اگرچه ما به خدا گناه کرده و خودمان را در نظر خدا مکروه نموده‌ایم، خدا با ما که به میانجیگری مرگ پسر خدا به او ایمان آورده‌ایم آشتی نموده است. خدا ما را نجات بخشیده و ما را خوانده است تا قوم خاص او در این کرهٔ خاکی باشیم. در پاسخ به این حقیقت عظیم، زندگی مان باید چگونه باشد؟ چگونه باید در حضور خدای قدوس زیست نماییم؟

اهمیت قدوسیت

هر قدر هم بر ضرورت درک اهمیت قدوسیت خدا و کاربردهای آن برای زندگی مان تأکید شود، باز هم کم است. خدا قدوس است و ما خوانده شده‌ایم مقدس باشیم، چون خدا قدوس است (اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶).

۱. به گفتهٔ کتاب امثال سلیمان ۱۰:۹، چقدر مهم است که قدوسیت خدا را تشخیص دهیم و آن را درک نماییم؟ چقدر مهم است که خودمان در پاکی و قدوسیت رشد نماییم؟

نکته: در کتاب امثال سلیمان ۱۰:۹ می‌آموزیم که عظیم‌ترین حقیقتی که پیش‌روی انسان قرار دارد این است که خدا قدوس است و شایستهٔ حرمت و احترام و ستایش و پرستش مطلق. اگر این حقیقت به درستی درک نشود، هرچه دانش و حکمت در این دنیا وجود دارد (علمی، فلسفی، تاریخی، قضایی، و غیره) بی‌ارزش و بیهوده و بی‌فایده خواهد بود.

۲. به گفتهٔ رسالهٔ عبرانیان ۱۲:۱۴، چقدر مهم است که خودمان در پاکی و قدوسیت رشد نماییم؟

نکته: واژهٔ «تقدس» در زبان یونانی *hagiasmos* «هاگی آسموس» می‌باشد که «قدوسیت» یا «تقدیس» هم ترجمه می‌شود. بنا بر کتاب مقدس، قدوسیت مطلق که برای دیدن خداوند یا بودن در حضورش لازم است با شایستگی انسان یا با اعمال مذهبی و نیکویی که انسان‌ها به‌جا می‌آورند به دست نمی‌آید، بلکه انسان فقط می‌تواند با ایمان به عیسی

مسیح و مرگ مسیح بر صلیب صاحب چنین قدوسیتی گردد. به همین دلیل، نویسندۀ رسالۀ عبرانیان می‌نویسد: «از آن‌رو که به یک قربانی [عیسی مسیح] مقدسان را کامل گردانیده است.» اما حقیقتی که رسالۀ عبرانیان ۱۴:۱۲ اعلام می‌نماید این است که جمیع کسانی که به راستی به وسیلۀ خون مسیح کامل یا تقدیس گشته‌اند در پی این هستند که زندگی پاک و مقدسی داشته باشند. ما چون در پی قدوسیت هستیم رابطه‌مان با خدا اصلاح نمی‌شود، بلکه، چون با فیض و از طریق ایمان نجات می‌یابیم، موجب می‌گردد جوای زندگی پاک و مقدس باشیم.

۳. به گفته رسالۀ عبرانیان ۵:۱۲-۱۱، چگونه خدا تضمین می‌نماید همه فرزندان در قدوسیت خدا شریک باشند (یعنی مقدس شوند، چون خدا قدوس است)؟

نکته: درباره این امر که خدا فرزندان را تنبیه می‌نماید باید به چند حقیقت مهم توجه کنیم. (۱) تنبیه خدا نشانه محبت خدا است و همواره به خیر و صلاح ایمانداران می‌باشد. (۲) تنبیه خدا به معنی کیفر و مجازات نیست. هدف تنبیه خدا این است که از ما مراقبت نماید، ما را به بلوغ برساند، و ما را به شباهت مسیح تبدیل گرداند. (۳) تنبیه خدا ممکن است نتیجه وجود گناه در زندگی ایماندار باشد. در چنین مواردی، هدف اصلاح ایماندار است. هدف این است که خطرات گناه به ایماندار نشان داده شود و او یاد بگیرد خدا را با ترس آمیخته با احترام حرمت نهد. (۴) تنبیه خدا ممکن است شامل حال بالغ‌ترین و درست‌کارترین ایمانداران هم بشود. در چنین مواردی، آن ایماندار در فرآیند شبیه شدن به مسیح به مرحله بالاتری می‌رود. (۵) تنبیه خدا ممکن است بسیار دردناک باشد. اما، پس از آن، ثمرۀ عدالت و قدوسیت بیشتری پدید می‌آورد. (۶) تنبیه خدا در زندگی‌مان گواهی می‌دهد ما فرزندان خدا هستیم. عدم تنبیه خدا گواهی می‌دهد ما فرزندان خدا نیستیم. (۷) هدف اصلی خدا برای زندگی ما در این کره خاکی این نیست که در ثروت و رفاه و کامیابی و کامروایی مادی و حتی در سلامتی جسمانی غرق باشیم، بلکه تا شریک قدوسیت او گردیم (۱۰:۱۲).

پاسخ ما به قدوسیت خدا

خدا قدوس، قدوس، قدوس است! در پرتو این واقعیت عظیم، باید از خود پرسیم: «حال، زندگی‌مان باید چگونه باشد؟» در مطالبی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، بر مبنای کلام خدا، چندین پاسخ مهم به قدوسیت خدا را بررسی می‌نماییم. همواره باید به یاد داشته باشیم که مطالعه صفات‌های خدا به این منظور نیست که فقط دانش بیندوزیم، بلکه باید در حال هوای ستایش و نیایش و پرستش ما و در رفتار و کردارمان تأثیری عظیم بگذارد.

حرمت و ترس خداپسندانه

۱. مزمور ۹:۹۶ یکی از زیباترین حکم‌های کتاب مقدس در مورد مسوولیت ایمانداران در مقابل خداوند است. معنای این حکم را خلاصه توضیح دهید.

نکته: واژه «زینت» در زبان عبری هِداره می‌باشد که «زیبایی» یا «شکوه» هم ترجمه می‌شود. همین واژه در این آیات نیز به کار رفته است: مزمور ۹:۹۶؛ ۳:۱۱۰؛ اول تواریخ ۲۹:۱۶؛ دوم تواریخ ۲۱:۲۰. در این مورد بحث و تبادل نظر وجود دارد که آیا نویسنده مزمور به قدوسیت خدا اشاره دارد یا به قدوسیت کسی که خدا را می‌پرستد و می‌ستاید. اگر قدوسیت خدا منظور باشد، از ما خواسته می‌شود خدا را به سبب زیبایی قدوسیتش بپرستیم. اگر قدوسیت شخصی که خدا را می‌پرستد مد نظر باشد، از ما خواسته می‌شود با دلی پاک و زندگی مقدس به حضور خدا بیاییم. زیبایی حقیقی در نظر خدا همین است. دلیل لرزیدن از حضور خدا این نیست که خدا به اصطلاح دمدمی مزاج است یا قابل اعتماد نیست، بلکه به سبب عظمت بی‌کران قدوسیت و قدرت خدا باید از حضور او لرزید.

۲. در کتاب اشعیا ۲:۶-۳، گوشه‌چشمی از تخت سلطنت خدا را می‌بینیم. از این صحنه پرستش آسمانی چه می‌آموزیم؟

نکته: کتاب مقدس درباره فرشتگانی که «سرافین» نامیده می‌شوند جزئیات گسترده‌ای را مکشوف نمی‌سازد. اما، به خاطر نزدیکی آنها به تخت سلطنت خدا، منطقی است که فرض را بر این قرار دهیم که احتمال دارد قدوسیت و قدرت سرافین از همه مخلوقات عظیم‌تر باشد. با این حال، آنها در حضور خدا فقط سر خم می‌کنند و خدا را می‌پرستند. در خصوص نماد بال‌های سرافین نظرها و دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد. ممکن است آنها به سبب حرمت و ترس آمیخته با احترام چهره‌های خود را می‌پوشانند. شاید هم نمی‌توانند پُری جلال خدا را تاب آورند. سرافین پای‌هایشان را به نشانه تواضع و فروتنی می‌پوشانند، چرا که تشخیص می‌دهند آنها مخلوق هستند و فقط خداوند خدا می‌باشد.

۳. در کتاب اشعیا ۸:۱۳، ایمانداران در خصوص رابطه‌شان با خداوند سه وظیفه بردوش دارند. آیه نامبرده را بخوانید و با توجه به این سه وظیفه جای‌های خالی را پُر نمایید.

الف. یهوه _____ عبارتست که «تقدیس نمایید» ترجمه شده است در زبان عبری واژه کاداش می‌باشد و به معنای «جدا کردن یا وقف نمودن» است. ما باید در دل‌مان جای مشخص و مجزایی را به خدا اختصاص دهیم و او را از همه‌کس و همه‌چیز جدا نماییم. خدا باید در زندگی‌مان اولین و برترین باشد و وفاداری و اشتیاق به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نباید با وفاداری و اشتیاق ما به خدا برابری کند.

ب. خدا باید _____ ما باشد. واژه «ترس» در زبان عبری موراه می‌باشد و گویای هراس، وحشت، و ترس آمیخته با حرمت و احترام می‌باشد. ترس و وحشت معمولاً با شرارت و ناراستی همراه است. شیر و شیران در ما وحشت ایجاد می‌کنند. اما، وقتی این واژه در مورد خدا به کار می‌رود، منظور ترسی است ناشی از ابهت، زیبایی، قدوسیت، عدالت، و قدرت خدا.

ج. خدا باید _____ ما باشد. واژه «خوف» در زبان عبری آراتز می‌باشد و به این معنا است: «باعث وحشت، هراس، یکه خوردن، ترس آمیخته با احترام شدن.» با توجه به بافت متن (آیه ۱۲)، متوجه می‌شویم خدا قومش را اندرز می‌دهد از انسان نترسند و کم‌ایمان نباشند، بلکه از خدا بترسند و از صمیم قلب خدا را پیروی نمایند. آن‌گاه، خدا مکان مقدس قوم خود خواهد بود و ایشان را از دشمنانشان در امان نگاه خواهد داشت (آیه ۱۴).

۴. کتاب‌های حبقوق ۲:۲۰ و جامعه ۵:۱-۲ دو متن بسیار مهم هستند که به ما خاطرنشان می‌سازند وقتی برای دعا یا پرستش به حضور خدا می‌آییم، با حفظ حرمت و ترس آمیخته با احترام به نزد خدا آییم. معنا و مفهوم آیات نامبرده را خلاصه نمایید و توضیح دهید چگونه حقایق این آیات در زندگی‌مان کاربرد خواهند داشت.

نکته: مقصود آیات نامبرده این نیست که ما را از دعا و پرستش دلسرد کنند. قصد خدا هم این نیست که چنان ترسان و وحشت‌زده شویم و کلامی اشتباه بر زبان آوریم که باعث شود در جایمان خشکمان زند و نتوانیم دست به دعا یا نیایش و پرستش برافزاییم. این آیات هر دو کتاب مورد نظر از نیاز به حرمت و ترس آمیخته با احترامی سخن می‌گویند که در کتاب مقدس ریشه دارد و لازمه آمدن به حضور خدا است. ما باید از این واقعیت که خدا پدر ما است دلگرم و خاطر جمع باشیم. اما باید این را هم به یاد داشته باشیم که پدرمان خدا است. ما در دعا یا پرستش

به حضور چنین خدایی می‌آییم: «پادشاه سَرمَدی و باقی و نادیده را، خدای حکیم و حید را اکرام و جلال تا ابدالابد باد» (اول تیموتائوس ۱: ۱۷).

پرستش، شادمانی، شکرگزاری

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد در واکنش به قدوسیت خدا به ما چه اندرزی می‌دهند؟ چگونه باید در زندگی روزانه‌مان از این اندرزها اطاعت نماییم؟

الف. مزمور ۴: ۳۰

ب. مزمور ۱۲: ۹۷

ج. مزمور ۳: ۹۹، ۵، ۹

نکته: کوه مقدس خدا (آیه ۹) اشاره به شهر اورشلیم است (۳: ۴۳؛ ۱: ۴۸؛ ۱: ۸۷). در دوران عهد عتیق، این کوه مکانی بود که برای بنای معبد خدا مقرر گشت. ایمانداران مسیح دیگر به این مکان کاری ندارند. مسیح به زن سامری می‌فرماید: «ساعتی می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد... لیکن ساعتی می‌آید، بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است» (یوحنا ۴: ۲۱-۲۳). قدمگاه خدا (آیه ۵) می‌تواند اشاره به اورشلیم (اول

تواریخ (۲:۲۸) یا اشاره به کل جهان باشد. در کتاب اشعیا ۱:۶۶، خدا می‌فرماید: «آسمان‌ها کرسی من و زمین پای‌انداز من است، پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجا است؟»

د. اشعیا ۶:۱۲

۲. در کتاب مکاشفه ۳:۱۵-۴، سرود موسی و سرود بَرّه ثبت شده است. به چه دلایلی جمیع مردمان باید خدا را پرستند؟ چگونه این حقیقت در زندگی ما، ایمانداران مسیح، کاربرد دارد؟

قدوسیت و اطاعت

۱. کتاب لاویان ۲۶:۲۰ یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین حقایق دربارهٔ رابطهٔ ایماندار با خدا می‌باشد. خدا برای ما چه کرده است و پاسخ ما باید چه باشد؟

نکته: خدا ما را از بقیهٔ مردمان جهان جدا نموده است تا قوم خدا باشیم. در پاسخ، ما نیز باید خودمان را از هر آنچه موجب ناخشنودی خدا است جدا گردانیم و با پرستش خدا و خدمت به او خود را وقف خدا نماییم.

۲. در کتاب لاویان ۲۲:۳۱-۳۳ همان حقایق لاویان ۲۶:۲۰ با عمق و ژرفای بیشتری به ما مکشوف می‌گردد. خدا برای ما چه کرده است و پاسخ ما باید چه باشد؟

نکته: واژه «تقدیس» در زبان عبری کاداش می‌باشد و به معنای «جدا کردن یا وقف نمودن» می‌باشد. خدا ما را تقدیس نموده است تا قوم خاص او باشیم. ما هم باید با رعایت احکام و دستورهای خداوند او را تقدیس نمایم (یعنی او را بالاتر و برتر از همه چیز قرار دهیم). واژه‌ای که در اینجا «بی‌حرمت» ترجمه شده است در زبان عبری چالال می‌باشد که به معنای «نجس یا آلوده کردن» است. نافرمانی از احکام خدا مساوی با بی‌حرمت نمودن نام خدا است. زیربنای ادعای خدا بر قوم اسرائیل و دلیل اینکه چرا قوم اسرائیل باید خدا را حرمت نهند این واقعیت است که خدا آنها را از اسارت و بردگی در سرزمین مصر آزاد نموده بود. ما، که با خون پسر خدا از اسارت گناه آزاد گشته‌ایم، چقدر بیشتر باید خدا را حرمت بنهیم؟

۳. درک این نکته مهم است که بدانیم اندرز و گوشزد برای پاکی و قدوسیت فقط معیار یا نظر عهدعتیق نیست، در سراسر عهدجدید نیز با این اندرز و گوشزد روبه‌رو هستیم. دیدگاه خود را درباره آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد توضیح دهید. چگونه باید به قدوسیت خدا پاسخ دهیم؟

الف. دوم قرن‌تیان ۱۶:۶-۱۸

ب. دوم قرن‌تیان ۱:۷

نکته: واژه «جسم» در زبان یونانی *sarx* «سارگس» می باشد که در بافت این آیه به بدن ما اشاره دارد. عبارت «جسم و روح» اشاره به کل وجودمان است. ما می کوشیم خود را از هرگونه گناه در هر جنبه از زندگی مان پاک سازیم، در پندار، گفتار، کردار، و خوی و منش. عبارت «به کمال رساندن» در زبان یونانی *epiteleo* «اپیتلیئو» می باشد که به معنای «کامل نمودن یا به انجام رساندن» است. عبارت «قدوسیت را به کمال رساندن» به رشد ما در پاکی و قدوسیت اشاره دارد. ما خود را از گناه که ما را نجس می سازد پاک می نماییم. ما می کوشیم به مرحله بالاتری از قدوسیت برسیم یا مرحله به مرحله به شباهت خدا تبدیل گردیم. علاوه بر اینکه محبت خدا که در نجاتمان نمایان است در این مسیر انگیزه بخش ما است، ترس آمیخته با احترام به خدا نیز به ما انگیزه می بخشد.

ج. اول پطرس ۱: ۱۴-۱۷

شناخت خدای زنده

فصل ۱۸: خدا عادل است

واژه «عادل» در زبان عبری **صادیک** و در زبان یونانی *dikaios* «دیکایوس» می‌باشد و بیانگر درست و بی‌کم و کاست بودن، یا کمال اخلاقی خدا است. به فرموده کتاب مقدس، خدا عادل مطلق است و همواره هر آنچه انجام می‌دهد کاملاً با ذات و شخصیتش هماهنگ می‌باشد. ذات خدا و اعمال خدا عاری از هر گونه اشتباه و نادرستی است. نه ذات خدا چنین است و نه خدا هرگز کاری انجام می‌دهد که به اصطلاح بتوان او را به ناراستی و نادرستی متهم کرد. اعمال خدا، احکام خدا، و داوری‌های خدا کاملاً بی‌عیب و بی‌نقص هستند. روزی که خدا جمیع مردمان را بنا بر اعمالشان داوری نماید، حتی محکومان در مقابل خدا سر خم می‌کنند و اعلام می‌نمایند که حق با خدا است!

عدالت خدا

درک این نکته مهم است که عدالت خدا ذاتی و فطری است (یعنی درونی و وابسته به ماهیت و ذات خدا است). عدالت صفتی نیست که خدا تصمیم بگیرد آن را به دست آورد یا آن را به جا آورد. عدالت ذات و گوهر وجود او است، یعنی خدا عادل است. خدا، اگر عادل نباشد، دیگر خدا نیست. خدا ذات خود را انکار خواهد کرد اگر که بنخواهد کاری ناعادلانه انجام دهد. این حقیقتی است بس شگفت‌انگیز که موجب یقین و اطمینان به خدا می‌گردد.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. نام خدا در مزمور ۹:۷ چه می‌باشد؟

الف. خدای _____ (مزمور ۹:۷).

ب. این نام چه حقیقتی را درباره شخصیت و اعمال خدا به ما بیان می‌کند؟

نکته: شاید دوباره‌گویی باشد، اما حقیقت مهمی که در آیه نامبرده بیان می‌شود این است که خدا عادل است. بنابراین، جمیع حکم‌ها و کلام و اعمال خدا عدالت مطلق می‌باشند و شایسته اعتماد کامل.

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد یکی از مهم‌ترین اعلان‌ها درباره عدالت خدا و اعمال خدا هستند. خلاصه‌ای از هر آیه را توضیح دهید. به یاد داشته باشید که میان ذات عادلانه خدا و اعمال و داوری‌های عادلانه خدا رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. خدا درست‌کار است و به عدل و انصاف داوری می‌نماید، چون خدا عادل است.

الف. تثنيه ۴:۳۲

ب. ایوب ۲۴-۲۲:۳۶

ج. مزمور ۶:۳۶

نکته: تشبیه‌هایی که در این آیه به کار رفته‌اند شفاف و روشن هستند. عدالت خدا عظیم‌تر از بلندترین کوه‌ها و ژرف‌تر از عمق دریاها است.

د. مزمور ۲:۹۷؛ ۱۴:۸۹

نکته: در اینجا، دو حقیقت برجسته را مشاهده می‌کنیم. حقیقت اول این است که عدالت خدا تغییرناپذیر است، عدالت خدا جاودانه و بی‌تغییر است. خدا همیشه عادل است و از هر نظر کاملاً قابل اعتماد. حقیقت دوم این است که حقیقت داشتن و برحق بودن کلام خدا در شخصیت و ذات عادل خدا ریشه دارد. می‌دانیم کلام خدا حقیقت است، چون می‌دانیم نویسنده‌اش عادل است.

و. ارمیا ۲۴:۹

۳. درک این نکته مهم است که عدالت خدا (همانند قدوسیتش) متعال است [در زبان لاتین: *trans* = در آن سویا و رای + *scandere* = بالا رفتن]. عدالت خدا بی‌نهایت ماورای همه است. هیچ‌کس مانند خداوند عادل نیست. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. اشعیا ۱۶:۵

نکته: کتاب مقدس نشان می‌دهد خدای قدوس به سبب عدالتش خود را جدا و مجزا از مخلوقات معرفی می‌نماید. قدوسیت خدا (یعنی جدا و مجزا بودن از مخلوقات) از طریق اعمال عادلانهٔ خدا به روشن‌ترین شکل به چشم می‌آید. هیچ‌کس مانند خداوند قدوس و عادل نیست.

ب. اشعیا ۲۱:۴۵

۴. درک این نکته مهم است که عدالت خدا، همچون قدوسیت خدا، در طرز برخورد خدا نسبت به رفتار و کردار انسان‌ها و فرشتگان بازتاب می‌یابد. خدا در مقابل اصول اخلاقی بی‌طرف یا بی‌تفاوت نیست. خدا دوستدار عدالت است و از هر ناعدالتی بیزار است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۱۱:۷-۱۲

ب. مزمور ۷:۱۱

نکته: هر دو آیه نامبرده گویای نیاز عمیق تک‌تک انسان‌ها به مسیح و کار مسیح بر صلیب جلجتا می‌باشند. خدا عادل مطلق است و همهٔ کسانی را که از معیاری که خودش بنا گذاشته است قاصر می‌مانند داوری می‌کند. فقط زندگی مسیح کامل و بی‌نقص بود، کمالی که همهٔ ما از آن قاصریم. مسیح گناهان ما را بردوش گرفت و خشم خدا را که در مزمور ۱۱:۷-۱۲ توصیف گشته است متحمل گشت. مزمور ۷:۱۱ اعلام می‌نماید فقط راست‌کرداران روی خدا را خواهند دید. دستیابی به چنین راستی و عدالتی فقط به واسطهٔ ایمان به مسیح و کار او بر صلیب امکان‌پذیر است. پولس رسول در رسالهٔ دوم قرنتیان ۲۱:۵ می‌نویسد: «او را که گناه شناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.»

۵. عدالت خدا تضمین می‌نماید خدا هرگز اشتباه نمی‌کند. خدا بی‌تبعیض بر خلقتش فرمانروایی می‌نماید، بدون ذره‌ای ناعدالتی، بی‌آنکه دمدمی مزاج باشد و هر لحظه نظرش را تغییر دهد. این تسلی عظیمی است برای ایماندارانی که خدا امیدش است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم تواریخ ۷:۱۹

ب. ایوب ۳:۸؛ ۲۳:۳۶

ج. مزمور ۷:۹-۸

شناخت خدای زنده

فصل ۱۹: پاسخ ما به عدالت خدا

خدا عادل است و جمیع اعمالش بی‌عیب و بی‌نقص می‌باشند. در پاسخ به این حقیقت عظیم، چگونه باید زندگی کنیم؟ باید ترس خداوند را در دل داشته باشیم و در حضور او در راستی و درستی زیست نماییم. باید با یقین و اطمینان کامل به مشیت الهی زندگی کنیم. باید خود را وقف دعا و پرستش نماییم. باید عدالت خدا را به مردم اعلام نماییم.

باید در حضور خدا در راستی و درستی زیست نماییم

۱. رسالهٔ اول یوحنا ۲:۲۹ و ۳:۷ یکی از اساسی‌ترین حقایق زندگی مسیحی است. به گفتهٔ این دو آیات، یکی از چشمگیرترین شواهدی که ثابت می‌کند ما به راستی فرزند خدا هستیم چه می‌باشد؟

نکته: «به‌جا آوردن عدالت» یعنی زیستن بر مبنای معیار عدالت خدا، یعنی زیستن در راستای ارادهٔ خدا و سازگار با ذات خدا. بسیار مهم است که درک نماییم با به‌جا آوردن عدالت نمی‌توانیم رابطه‌مان را با خدا اصلاح نماییم، بلکه به‌جا آوردن عدالت نشانه‌ای است که ثابت می‌کند ما به راستی تولد دوباره یافته‌ایم. ایماندار اصیل و واقعی نیز هراز گاه مرتکب گناه می‌شود، اما گناه عادت زندگی‌اش نیست و روزگارش را در گناه و سرکشی سپری نمی‌کند. اگر کسی خود را مسیحی می‌نامد، اما مداوم و بی‌وقفه از کلام خدا ناطاعتی می‌کند و توبه نمی‌کند و از تنبیه و توبیخ الهی در زندگی‌اش خبری نیست، قطعاً ایمان و اعترافش اصیل و واقعی نمی‌باشد.

۲. در رسالهٔ افسسیان ۴:۲۲-۲۴، کلام خدا راهی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که چگونه در حضور خدا در پاکی و قدوسیت زیست نماییم. آیات نامبرده را مطالعه نمایید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس تمرین‌های زیر را انجام دهید.

الف. ما باید انسانیت کهنه را _____ (آیهٔ ۲۲). در این آیه، «انسانیت کهنه» (انسان قدیمی) به شخصیت گذشته‌مان و به سبک زندگی گناه‌آلود گذشته‌مان پیش از آنکه تولد تازه بیابیم اشاره دارد. نظر به اینکه ما واقعاً در مسیح خلقت تازه گشته‌ایم (دوم قرنتیان ۵:۱۷)، باید رفتار و کردار گناه‌آلود انسانیت کهنه‌مان را از تن درآوریم.

ب. ما باید به روح _____ (آیهٔ ۲۳). با قدرت روح‌القدس که به وسیلهٔ کلام خدا در ما کار می‌کند، ذهن ما تازه می‌گردد. در رسالهٔ رومیان ۲:۱۲ با اندرز مشابهی آشنا می‌شویم: «و همشکل این جهان مشوید، بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید.» هرچه بیشتر ذهن خود را در کلام خدا تازه می‌گردانیم و طرز فکر مسیح بیشتر در

ما پرورش می‌یابد، بیش از پیش انسان کهنه را با عادت‌های گناه‌آلودش کنار می‌گذاریم و انسان تازه‌ای را می‌پوشیم که جلوه‌گر عدالت و قدوسیت خدا می‌باشد.

ج. ما باید انسانیت تازه را _____ (آیه ۲۴). انسان کهنه را که با اعمال گناه‌آلودش از تن درآوردیم، اکنون باید اعمالی را بپوشیم و در خود پرورش دهیم یا خود را به آنها زینت دهیم که با زندگی تازه ما که فرزند خدا هستیم متناسب می‌باشند.

د. به گفته آیه ۲۴، این انسان تازه به شباهت چه کسی است؟ این شباهت را توصیف نمایید.

نکته: شخصیت خدا سرمشق ما است و اکنون باید ساختار زندگی مان را شکل دهد. این زندگی نشانه‌اش عدالت و قدوسیت است. شناخت ما از حقیقت و تسلیم ما به حقیقت ریشه و سرچشمه این زندگی است.

باید با یقین و اطمینان کامل به خدا زندگی کنیم

۱. عدالت مطلق خدا یکی از انگیزه‌بخش‌ترین حقایقی است که موجب می‌شود حتی در میانه آزمایش‌ها و سختی‌ها کاملاً به خدا تکیه و توکل نماییم. چون خدا عادل است، می‌توانیم زندگی مان را به کلام و اعمال خدا بسپاریم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمو ۹۲:۱۵

نکته: واژه «صخره» در کتاب مقدس معمولاً در اشاره به خدا به کار می‌رود (تثنیه ۳۲:۴؛ مزمو ۱۸:۲؛ ۹۴:۲۲). در این موارد، این واژه گویای قابل اعتماد بودن، مستحکم و استوار بودن، و قوی و پر قدرت بودن است. خدا برای قومش صاحب جمیع این صفات‌ها است، زیرا او «خدای امین و از ظلم مبرّ، عادل و راست است او» (تثنیه ۳۲:۴).

ب. اشعیا ۴۱:۱۰

۲. عدالت خدا که موجب توکل ما به او است شالوده و انگیزه بخش دعا نیز می باشد. آیاتی از عهدعتیق و عهدجدید که در ادامه به آنها اشاره می گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می دهند؟

الف. مزمور ۱۴۵:۱۷-۱۹

ب. لوقا ۱۸:۷-۸

نکته: «چون پسرانسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟» پرسشی بسیار مهم است و ثابت می کند دعا و ایمان ثابت قدم شرطی لازم است تا وعده های خداوند شامل حالمان گردند.

باید زندگی مان وقف پرستش خدا باشد

۱. مزمور ۹۶:۱۱-۱۳ یکی از محکم ترین گوشزدهای کتاب مقدس در خصوص پرستش خداوند است. به گفته این آیات، پاسخ ما به عدالت خدا باید چه باشد؟

۲. کتاب مکاشفه ۳:۱۵-۴ اندرزی شبیه مزمور ۹۶:۱۱-۱۳ می باشد. به گفته این آیات، پاسخ ما به عدالت خدا باید چه باشد؟

باید عدالت خدا را به دیگران اعلام نماییم

۱. به فرموده کتاب مقدس، ما نه فقط باید در راستی و درستی در حضور خدا زیست نماییم و به عدالت خدا توکل نماییم و خدا را به سبب اعمال عادلانه اش پرستیم، باید به جمیع مردم در دوردست ها و کسانی که نزدیکمان هستند نیز عدالت خدا را اعلام نماییم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد در خصوص این حقیقت به ما چه تعلیمی می دهند؟ چگونه باید این حقایق را به زندگی مان ربط دهیم؟

الف. مزمور ۴۰:۱۰

ب. مزمور ۷۱:۱۵-۱۶

نکته: دو حقیقت عظیم پیش روی ما قرار دارد. نخستین حقیقت این است که اگرچه عدل و انصاف خدا را تمام و کمال درک نمی‌کنیم، این عدم درک کامل نباید مانع شود تا همان اندازه هم که می‌دانیم به دیگران نگوییم. دومین حقیقت این است که بیشتر باید از عدل و انصاف خدا سخن بگوییم، نه از اعمال نیک خودمان. نویسندهٔ مزمور می‌گوید: «ما را نی، ای خداوند [یهوه]، ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده!» (مزمور ۱۱۵:۱).

ج. مزمور ۱۴۵:۶-۷

د. ارمیا ۲۳:۹-۲۴

نکته: همان‌طور که در مزمور ۷۱:۱۵-۱۶ آموختیم، نباید به اعمال نیک یا کارهایی که انجام داده‌ایم فخر نماییم، بلکه باید به عدالت خدا و عدل و انصاف خدا و اعمال عادلانه‌اش بر زمین فخر نماییم.

۲. به گفتهٔ رسالهٔ اول پطرس ۲:۹-۱۰، یکی از بزرگ‌ترین هدف‌های کلیسا و تک‌تک ایمانداران به مسیح در دوران عهدجدید چه می‌باشد؟ چگونه باید در پرتو این حقیقت زندگی کنیم؟

نکته: ما در این کرهٔ خاکی هستیم تا کمالات اخلاقی خدا را به جمیع مردم اعلام نماییم. ما با شهادت به ایمانمان، با تعلیم دادن کلام خدا، و با زندگی‌مان که جلوه‌گر قدرت خدا است این امر را به جا می‌آوریم. اعلام کمالات خدا فقط یک وظیفه نیست، بلکه افتخاری بس عظیم است.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۰: خدا حقیقی است

صداقت خدا

واژه «صداقت» در زبان لاتین *integer* «اینتر» می‌باشد که به آنچه کامل یا سالم است اشاره دارد. وقتی این واژه در توصیف خدا به کار می‌رود، بدین معنا است که شخصیت خدا کامل و بی‌عیب و بی‌نقص است. سه واژه می‌توانند توصیفگر صداقت خدا باشند: (۱) خدا حقیقی است، یعنی خدا واقعی است، یعنی خدا ساخته نشده، اختراع نشده، یا از وجودی دیگر تقلید نشده است؛ (۲) خدا راستگوست، یعنی کلام و اعمال خدا حقیقت محض است و دروغ با ذات او در تضاد می‌باشد؛ (۳) خدا امین است، یعنی خدا همیشه به همه وعده‌های خود وفا می‌نماید.

خدا حقیقی و اصیل است

واژه‌ای که در کتاب مقدس «حقیقی» ترجمه شده است در زبان عبری *עֵמֶת* و در زبان یونانی *alethinos* «آلتینوس» می‌باشد. این واژه در هر دو زبان گویای حقیقت بودن و اصالت داشتن خدا است. خدا اصیل و واقعی است. او دقیقاً همان است که خودش را مکشوف می‌نماید. خدا تقلبی و ساختگی نیست. خدا یک اختراع نیست. خدا صرفاً از وجودی دیگر تقلید نشده است. او خدای واحد حقیقی و زنده است، جدا و مجزا از بت‌های ساخته دست انسان‌ها و خدایان دروغینی که زاده خیالات و ذهن فاسد انسان می‌باشند.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیه‌ای که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟ این نام‌ها چه حقیقتی را درباره اصالت خدا مکشوف می‌نمایند؟ دیدگاه خود را توضیح دهید.

الف. اما یهوه خدای _____ است و او خدای _____ و پادشاه _____ می‌باشد (ارمیا ۱۰:۱۰).

نکته: واژه «حق» در زبان عبری *עֵמֶת* می‌باشد و گویای این است که خدا حقیقی است و خدا امین است. صفت «حیّ یا زنده» در زبان عبری *חַי* می‌باشد و معمولاً زمانی به کار می‌رود که خدای حقیقی در مقابل بت‌های بی‌جان معرفی می‌گردد.

ب. خدای _____ (یوحنا ۳:۱۷).

نکته: عیسی مسیح اصالت خدا را با دو صفت برجسته نشان می‌دهد. خدا واقعاً خدا است و او خدای واحد حقیقی است. توجه به این نکته مهم است که مسیح در اینجا الوهیت خودش را انکار نمی‌کند، بلکه در مقام کسی سخن می‌گوید که میانجی خدا و انسان است. این واقعیت که مسیح از خودش در کنار پدر نام می‌برد و اعلام می‌نماید حیات جاودان این است که او را بشناسیم، در اصل، گواهی است بر الوهیت مسیح. اگر مسیح خدا نمی‌بود، چنین کلامی از زبان او بسیار ناپسند و نسنجیده و حتی کفر می‌بود.

ج. خدای _____ (اول تسالونیکیان ۹:۱).

د. ای خداوند _____ (مکاشفه ۱۰:۶).

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ منحصر به فرد بودن اصالت خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ آیا جز خدای کتاب مقدس خدای حقیقی و زنده دیگری وجود دارد؟

الف. دوم سموئیل ۲۲:۷

ب. اول پادشاهان ۶۰:۸

نکته: سلیمان در مراسم تقدیس معبد که خودش آن را بنا نموده بود، پس از پایان دعایش، این حقیقت را اعلام می‌نماید. این کلام نمودار انگیزه درست سلیمان است که از خدا تقاضا می‌نماید قوم خود را برکت دهد - تا تمامی قوم‌های جهان بدانند که یهوه خدا است و دیگری نیست.

ج. اشعیا ۹:۴۶

۳. برای آنکه مفهوم و اهمیت حقیقتی را که فرا گرفته‌ایم درک کنیم، باید آیاتی از کتاب مقدس را بررسی نماییم که خدای زنده را مقابل بت‌های بی‌جان و خدایان دروغین ساخته ذهن انسان‌ها قرار می‌دهد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره بی‌همتا بودن و اصالت خدای حقیقی در مقایسه با خدایان دروغین و بت‌های بی‌جان به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۱۱۵:۳-۹

ب. اشعیا ۴۶:۵-۱۰

۴. کتاب ارمیا ۱۰:۳-۱۶ یکی از مقایسه‌های عالی میان خدای زنده و واحد حقیقی و بت‌های بی‌جان و خدایان دروغین زاده تخیلات انسان‌ها می‌باشد. آیات نامبرده را مطالعه نمایید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس تمرین‌های زیر را انجام دهید.

الف. در این آیات، چگونه بت‌های بی‌جان و خدایان دروغین ساخته ذهن انسان توصیف می‌شوند؟

(۱) بت‌ها چیزی نیستند، جز تأدیب _____ (آیات ۳، ۸). این واژه در زبان عبری *جول* می‌باشد که در مفهوم واقعی کلمه به معنای «بخار» یا «نفس» است. بنابراین، بر بطلت یا خیال و توهم دلالت دارد. بت‌ها بطلت و خیال و توهم هستند، چون قرار است به اصطلاح وجودی الهی و قدرتمند باشند، در حالی که در واقع حتی زنده نیستند و جان ندارند.

(۲) بت‌ها چیزی نیستند، جز _____ از جنگل که با تبر می‌برند (آیات ۳، ۸). کسی که بت پرست است در واقع درختی بی‌جان را می‌پرستد. اشرف مخلوقات خدا به جایی رسیده است که در مقابل گیاهی بی‌جان و بی‌شعور سر خم می‌کند.

(۳) بت‌ها چیزی نیستند، جز _____ نجار و عمل دست‌های زرگر (آیات ۳، ۹). انسان‌ها نمی‌خواهند خدا را که خالق آنها است پرستند. در عوض، در مقابل بت‌هایی سر خم می‌کنند که ساخته دست خودشان است (رومیان ۱: ۲۱-۲۳).

(۴) بت‌ها را به _____ زینت می‌دهند (آیات ۴، ۹). بت فقط یک تکه چوب است، بدون هیچ‌گونه جلوه و درخششی. به همین دلیل، باید آن را تزئین کنند و ظاهرش را بیارایند. زیبایی و شکوه خدا جعلی و ظاهری نیست. زیبایی و شکوه خدا درونی و ذاتی است و از شخصیت حقیقی خدا سرچشمه می‌گیرد.

(۵) بت‌ها را با میخ و چکش محکم می‌کنند تا _____ (آیه ۴). واژه‌ای که در اینجا «متحرک» ترجمه شده است در زبان عبری *پوک* می‌باشد که به این معنا است: «تلوتلو خوردن، لرزان بودن، یا سست بودن که به افتادن ختم می‌شود». بت‌ها با کوچک‌ترین تکان *تلوتلو* می‌خورند و می‌افتند، اما خدای واحد حقیقی به کلمه قوت خود کل جهان را برقرار نگاه داشته است (عبرانیان ۱: ۳).

- (۶) بت‌ها مثل _____ در بوستان خیار می‌باشند (آیه ۵). معمولاً، با کاه، پوشال، یا برگ‌های نخل مترسک می‌سازند. مترسک خشک و زودشکن و بی‌جان است. مترسک یک تقلید بسیار بد و به عبارتی یک تصویر دروغ از آدمیزاد است که فقط می‌تواند ساده‌لوح‌ترین و ضعیف‌ترین حیوانات را فریب دهد. وقتی یک مترسک اصلاً نمی‌تواند تصویری از آدمیزاد باشد، چگونه یک بت می‌تواند نمودار خدا باشد؟
- (۷) بت‌ها سخن _____ و آنها را می‌باید _____، چون که راه نمی‌توانند رفت (آیه ۵). بت‌ها لال و فلج هستند. حتی شریکان و بدکاران می‌توانند به قدرت نداشته‌شان فخر بفرروشند، اما بت‌ها حتی نمی‌توانند پوچ و توخالی هم فخر بفرروشند. این واقعیت که بت‌ها باید حمل شوند نشانه ناتوانی و بیهودگی و بی‌فایده بودن آنها است. خدای حقیقی قوم خود را حمل می‌نماید. در کتاب تثنیه ۳۱:۱، موسی اعلام می‌کند: «یهوه، خدای تو، مثل کسی که پسر خود را می‌برد، تو را در تمامی راه که می‌رفتید برمی‌داشت» (تثنیه ۳۲:۱۱).
- (۸) بت‌ها ضرر _____ و قوت _____ (آیه ۵). به همین دلیل، نه باید از بت‌ها ترسید و نه آنها را ستود. نباید از بت‌ها ترسید که مبادا مریدان خود را مجازات کنند، حال آنکه، کسانی که خود را تسلیم بت‌ها کرده‌اند وانمود می‌کنند بت‌ها توانایی مجازات نمودن دارند. نباید بت‌ها را به خاطر خیریت و برکتی که به اشتباه به آنها نسبت داده می‌شود ستایش نمود یا از آنها تشکر کرد.
- (۹) بت _____ است و در آن _____ نیست (آیه ۱۴). واژه‌ای که در اینجا دروغ ترجمه شده است در زبان عبری شکر می‌باشد و به معنای «فریب، ناامیدی، کج‌اندیشی، یا دروغ» است. بتی که جان ندارد نمی‌تواند به انسان حیات بخشد. اما خدای زنده و حقیقی به جمیع انسان‌ها جان و حیات می‌بخشد (ایوب ۳۳:۴؛ ۳۴:۱۴-۱۵). به همین دلیل، هر که جان در بدن دارد باید خداوند را بستاید (مزمور ۱۵۰:۶).
- (۱۰) بت‌ها _____ می‌باشند (آیه ۱۵). این واژه در زبان عبری حوله می‌باشد که در مفهوم واقعی کلمه به معنای «بخار» یا «نفس» است. بنابراین، بر بطلت یا خیال و توهمی بیهوده دلالت دارد.
- (۱۱) بت‌ها کار _____ می‌باشند و در نتیجه داوری خدا هلاک خواهند شد (آیه ۱۵). واژه «مسخره‌گی» در زبان عبری تاعتواویم می‌باشد. این واژه در اینجا دو معنا دارد: (۱) بت‌ها را باید به تمسخر گرفت؛ یا (۲) کسانی که به بت‌ها توکل می‌کنند در خیال و توهم و فریب و گمراهی به سر می‌برند. هر دو مورد صحیح است.
- ب. بت پرستان (کسانی که به بت‌ها توکل می‌کنند و به آنها احترام می‌گذارند) چگونه در آیات نامبرده توصیف می‌شوند؟

(۱) آیه ۸

نکته: واژه‌ای که در این آیه «وحشی» عنوان شده است در اصل واژه «نادان» است که در زبان عبری و عار می‌باشد و می‌تواند «بی‌شعور» یا «ابله» هم ترجمه شود. واژه «احمق» در زبان عبری خاسال می‌باشد که

می‌تواند «نادان» هم ترجمه شود. این هر دو واژگانی زنده و ناخوشایند می‌باشند، اما توصیفی درست و بیجا از مردمانی هستند که بت‌های بی‌جان را که خودشان آنها را ساخته‌اند می‌پرستند و خدمت می‌کنند و همه دغدغه‌شان است.

(۲) آیه ۱۴

نکته: واژه‌ای که در این آیه «وحشی» عنوان شده است در اصل «نادان» است که در زبان عبری و عاری می‌باشد (به توضیح نکته قبلی مراجعه نمایید). بت پرستان ناآگاه هستند، بی‌فهم هستند، از دانایی بویی نبرده‌اند. آنها در شناخت حقیقت جاهل هستند و سرسوزنی حقیقت را درک نکرده‌اند.

ج. خدای زنده و حقیقی کتاب مقدس چگونه در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد توصیف گشته است؟ چگونه خدای زنده و حقیقی با بت‌ها و خدایان خیالی انسان‌ها مقایسه می‌گردد؟

(۱) آیات ۶-۷

(۲) آیه ۱۰

(۳) آیات ۱۲-۱۳

۵. با توجه به آنچه درباره جلال خدای واحد حقیقی و بطالت بت‌های لال و خدایان بی‌زبان و دروغین آموخته‌ایم، چگونه باید زندگی کنیم؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. خروج ۳:۲۰؛ ۱۳:۲۳

ب. خروج ۴:۲۰-۵، ۲۳؛ لاویان ۴:۱۹

ج. اول تسالونیکیان ۹:۱

د. اول یوحنا ۵:۲۰-۲۱

۶. بی‌نهایت مهم است که درک نماییم بت پرستی می‌تواند به شکل‌ها و شیوه‌های مختلفی صورت گیرد. اگر کسی یا چیزی را به خدا ترجیح دهیم، بت پرست می‌شویم. خوشی‌ها و شادی‌های این دنیا، شغل و حرفه، خدمت روحانی، تفریح‌ها و سرگرمی‌ها، و به خصوص خودمان، از جمله بت‌های متداول در میان مردم هستند. درباره این حقیقت دعا کنید، سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید. چه چیزی یا چه کسی برای شما از همه عزیزتر است؟ بیشترین دغدغه ذهنی شما چیست؟ آیا بیشتر مواقع به کمالات و جلال خدا می‌اندیشید؟ آیا در خانواده‌تان خدا را حرمت می‌نهدید؟ آیا در حرفه و پیشه خود اراده خدا را به جا می‌آورید؟ یا اینکه بیشتر مواقع به خودتان می‌اندیشید؟ به موفقیت، به دارایی، به تفریح، به سرگرمی، و به سایر امور دنیوی؟ آیا ما هم به یک شکل‌هایی تا اندازه‌ای بت پرست نیستیم؟ آیا نباید همه ما توبه کنیم و از خدا تقاضای رحمت و فیض نماییم؟

شناخت خدای زنده

فصل ۲۱: خدا راستگو است

پس از مطالعه مقوله اصالت خدا، اکنون، به موضوع راستگویی خدا می‌پردازیم. خدا دقیقاً همان است که خودش را مکشوف می‌نماید (یعنی خدا حقیقی است). علاوه بر این، همه چیز هم همیشه دقیقاً همان است که خدا می‌فرماید (یعنی خدا راستگو است). کلام و اعمال خدا حقیقت محض است. دانش و دانایی خدا کامل و بی‌نقص است. بنابراین، خدا هرگز اشتباه نمی‌کند. شخصیت خدا قدوس و عادل است. بنابراین، خدا نمی‌تواند دروغ بگوید یا حقیقت را تحریف کند. محال است سوءتعبیر و اشتباه و دروغ با ذات خدا سازگار باشد. این حقیقت باید ما را به بالاترین یقین و اطمینان به خدا و به کلامش برساند!

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص معمولاً معرّف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. خدای _____ (اشعیا ۱۶:۶۵؛ مزمور ۵:۳۱). در کتاب اشعیا ۱۶:۶۵، واژه‌ای که «حق» ترجمه شده است در زبان عبری آمین می‌باشد. به معنای واقعی کلمه، خدا خدای آمین است، خدایی که به همه وعده‌های خود آمین می‌گوید («چنین باد!»). در مزمور ۵:۳۱، واژه «حق» در زبان عبری عِمّت است که می‌تواند گویای امانت‌داری نیز باشد.

ب. خدا _____ است (یوحنا ۳:۳۳). این واژه در زبان یونانی *alethes* «آلتِس» می‌باشد و بیانگر این حقیقت است که خدا واقعی و اصیل یا خدا راستگو است. در بافت این آیه، راستگویی خدا منظور می‌باشد.

ج. این نام‌ها چه نکته‌ای را درباره حقیقت و راستی خدا برای ما آشکار می‌سازند؟ این حقایق در زندگی ما چه تأثیری دارند؟ دیدگاه خود را خلاصه توضیح دهید.

۲. کتاب‌های اعداد ۱۹:۲۳ و اول سموئیل ۲۹:۱۵ درباره راستگویی خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

نکته: خدا هرگز دروغ نمی‌گوید، هرگز توبه نمی‌کند، هرگز هدف و مقصود خود را تغییر نمی‌دهد. خدا مانند انسان نیست که پی در پی تغییر عقیده دهد و اغلب اشتباه کند و دایم حقیقت را تحریف گرداند. خدا حق است و کلامش حقیقت تغییرناپذیر (یعنی بی‌تغییر است و قابل عوض شدن نیست).

۳. راستگویی خدا ثمره‌های بسیار عظیم و چشمگیری دارد. یکی از مهم‌ترین ثمره‌هایش این است که می‌توانیم به خدا و به تک‌تک وعده‌هایش اعتماد نماییم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. خدایی که دروغ _____ (تیطس ۲:۱). خدا نمی‌تواند دروغ بگوید، چون خدا نمی‌تواند کاری انجام دهد که با ذات قدوس و عادل او در تضاد باشد.

ب. _____ خدا در آنها _____ (عبرانیان ۱۸:۶). واژه «ممکن نیست» در زبان یونانی *adunatos* «آدوناتوس» می‌باشد [a = حرف نفی + *dunatos* = قوی، نیرومند، پر قدرت] که می‌تواند «ناتوان» یا «بی‌قدرت» هم ترجمه شود.

ج. آیات نامبرده در زندگی مان چه تأثیری دارند؟ در پرتو این حقایق باید چگونه زندگی کنیم؟

۴. خدای ما خدای حقیقت است. بنابراین، طبیعی است که کلام خدا و اعمال خدا حقیقت است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این اصل به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. کارهای خدا _____ است (دانیال ۴:۳۷). واژه‌ای که در اینجا «حق» ترجمه شده است در زبان عبری *کشوت* می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «حقیقت» می‌باشد. نبوکدنصر، پادشاهی که فروتن گشته بود، تشخیص می‌دهد اعمال خدا، حتی داوری‌های خدا، حق و حقیقت است.

ب. کارهای _____ (مزمور ۷:۱۱۱). واژه‌ای که در اینجا «راستی» ترجمه شده است در زبان عبری *عمت* است که گویای استوار بودن و امین بودن نیز می‌باشد.

ج. شریعت _____ (مزمور ۱۱۹:۱۴۲). واژه‌ای که در اینجا «راست» ترجمه شده است در زبان عبری *عمت* می‌باشد (به توضیح قبلی مراجعه نمایید).

د. جمیع _____ (مزمور ۱۱۹:۱۵۱). واژه‌ای که در اینجا «راست» ترجمه شده است در زبان عبری *عمت* می‌باشد (به توضیح قبلی مراجعه نمایید).

ه. جمله _____ (مزمور ۱۱۹:۱۶۰). واژه‌ای که در اینجا «راستی» ترجمه شده است در زبان عبری *عمت* می‌باشد (به توضیح قبلی مراجعه نمایید).

و. کلام خدا _____ (یوحنا ۱۷:۱۷). این واژه در زبان یونانی *aletheia* «آلیتیا» می باشد که گویای حقیقت بودن و امین بودن است.

۵. خدای ما خدای حقیقت است. خدا حقیقتش را به شکل های گوناگون به انسان ها مکشوف نموده است. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، سه طریق اصلی که خدا به وسیله آنها حقیقت را به جمیع انسان ها، به ویژه به قومش، مکشوف نموده است چه می باشند؟

الف. خدا به وسیله کلام خدا حقیقتش را مکشوف می نماید. رساله دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می دهد؟

نکته: واژه «الهام» در زبان یونانی *theopneustos* «تئوپنوستوس» می باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «دم و نفس خدا» می باشد. چون کلام خدا «از دهان خدا صادر می گردد» (متی ۴: ۴)، کاملاً معتبر و قابل اعتماد است. توجه به این نکته مهم است که کتاب مقدس نه فقط آموزگار حقیقت است، بلکه، وقتی از حقیقت منحرف می شویم، ما را نکوهش می نماید و ما را اصلاح می گرداند تا به راه راست و به حقیقت بازگردیم. کلام خدا ما را در مسیر عدالت تربیت می کند.

ب. خدا به وسیله پسرش حقیقت خود را مکشوف می نماید. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می دهند؟

(۱) یوحنا ۱: ۱۴، ۱۷

نکته: واژه «رسید» در آیه ۱: ۱۷ در زبان یونانی *ginomai* «گینوماي» می باشد که به معنای «آمد» است - «فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح آمد.» منظور یوحنا این نیست که شریعت عهد عتیق بد بود یا بدون فیض و راستی بود. یوحنا می گوید نسبت به شریعتی که موسی عطا نمود، عیسی مسیح مکاشفه عالی تری از فیض و راستی است.

نکته: این اعلان بسیار مهم است. عیسی مسیح والاترین مکاشفه حقیقت خدا به انسان است، چون عیسی مسیح حقیقت است. او صرفاً معلم حقیقت نیست. او تجسم حقیقت است. او ذات حقیقت است و سرچشمه حقیقت است. او حقیقت مجسم است. گوش سپردن به مسیح گوش سپردن به حقیقت است. دیدن مسیح دیدن حقیقت است. پولس رسول در رساله افسسیان ۲۱:۴ شهادت می دهد حقیقت «در عیسی» است.

ج. خدا به وسیله روح القدس حقیقتش را مکشوف می نماید. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می دهند؟

(۱) روح القدس روح _____ است (یوحنا ۱۴:۱۶-۱۷؛ ۲۶:۱۵؛ ۱۳:۱۶). همانند پدر و پسر، حقیقت صفت روح القدس است و هر آنچه از روح القدس سرچشمه می گیرد حقیقت است. به همین دلیل، یوحنا رسول در رساله اول یوحنا ۴:۶ روح راستی و روح دروغ را با هم مقایسه می نماید.

(۲) روح القدس قوم خدا را به جمیع _____ هدایت خواهد نمود (یوحنا ۱۳:۱۶). بی نهایت مهم است که بافت و محتوای این آیه را درک نماییم. در اینجا، خداوند عیسی روی سخنش با رسولانش است که با الهام روح القدس کلام خدا را می نویسند (دوم پطرس ۱:۲۱). کار روح القدس در رسولان مسیح تضمین می نماید عهد جدید الهام یا دم و نفس خدا است و کاملاً معتبر و قابل اطمینان می باشد (دوم تیموتائوس ۳:۱۶). به همین نسبت، روح القدس قوم خدا را در مسیر حقیقت هدایت خواهد نمود و به ایشان روشنگری می بخشد تا کلام خدا را درک نمایند (اول قرنتیان ۲:۱۲-۱۳). بسیار مهم است به یاد داشته باشیم که روح القدس هرگز ایمانداران را به سمتی هدایت نمی کند که به اصطلاح نامش حقیقت باشد، اما ساختار و دستور زبانش با ساختار و دستور زبان روح القدس در کتاب مقدس متضاد باشد.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۲: پاسخ ما به راستگویی خدا

خدای ما خدای حقیقت است و همهٔ طریق‌هایش و همهٔ اعمالش و همهٔ کلامش حقیقت محض است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، به این موضوع می‌پردازیم که ما، ایمانداران به مسیح، چگونه باید در پرتو این حقیقت زیست نماییم.

باید کلام حقیقت را مطالعه نماییم

۱. پولس رسول در رسالهٔ دوم تیموتائوس ۱۵:۲ به شاگرد جوانش، تیموتائوس، در خصوص ارتباطش با کلام خدا اندرزی مهم می‌دهد. این اندرز را شرح دهید و تأثیر آن را در زندگی خودمان توضیح دهید.

۲. به گفتهٔ مزمور ۱-۳، یک ایماندار باید به کلام خدا چگونه پاسخ دهد که بجا و سنجیده باشد؟ خدا به کسانی که کلام خدا را در جایگاه شایسته‌ای در زندگی‌شان قرار می‌دهند چه وعده‌ای می‌دهد؟

۳. در زندگی عزرای کاتب، نمونه برجسته‌ای از پاسخ به حقیقت خدا را مشاهده می‌نماییم. به گفته کتاب عزرا ۱۰:۷، عزرا در دلش قصد می‌کند سه امر را به جا آورد. آن سه امر کدامند؟ چگونه باید از عزرا سرمشق بگیریم؟

باید دعا کنیم تا حقیقت خدا را درک نماییم

۱. داوود در مزمور ۴:۲۵-۵ چه دعایی می‌کند؟ چگونه باید از داوود سرمشق بگیریم؟

۲. مزمور ۴۳ دعای رهایی است. اما، در میانه این دعا، تقاضایی شگفت‌انگیز در خصوص حقیقت خدا مطرح می‌شود. این تقاضا در مزمور ۳:۴۳ چه می‌باشد؟ چگونه باید این تقاضا را در روال دعای روزانه مان و مطالعه کلام خدا به کار ببریم؟

۳. علاوه بر اینکه باید برای درک حقیقت خدا دعا کنیم، باید برای اطاعت از حقیقت خدا نیز دست به دعا برافرازیم. مزمور ۱۱:۸۶ درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ چگونه باید این حقیقت را در زندگی مان به کار ببریم؟

باید مطیع حقیقت خدا باشیم

۱. علاوه بر اینکه باید کتاب مقدس را مطالعه نماییم و دعا کنیم تا حقیقت خدا را درک نماییم، باید از حقیقت خدا اطاعت کنیم و در حقیقت خدا سلوک نماییم و وقتی دیگران هم در همین راستا گام برمی‌دارند، خوشحال شویم و وجد و شادی نماییم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم یوحنا ۴

نکته: واژه‌ای که در اینجا «رفتار» ترجمه شده است در زبان یونانی *peripateo* «پریپاتئو» می‌باشد [*peri* = پیرامون + *pateo* = گام برداشتن]. این واژه‌ای معمول در قلم یوحنا رسول است تا سبک زندگی یا رفتار و کردار روزانه شخص را توصیف نماید. گام برداشتن در حقیقت از این جهت است که زندگی روزانه مان را در راستای حقیقت خدا، که به طور خاص در کتاب مقدس مکشوف است، پیش ببریم.

ب. سوم یوحنا ۳-۴

۲. در رسالهٔ رومیان ۷:۲-۸، شخص صالح و پاداش او با شخص ناصالح و کیفر او مقایسه می‌گردد. با توجه به آیات نامبرده، این تمرین‌ها را انجام دهید.

الف. بنا بر این آیات، چقدر مهم است که علاوه بر شناخت حقیقت خدا مطیع آن هم باشیم؟ اگر از حقیقت خدا اطاعت نکنیم، مطیع چه چیز خواهیم بود؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

ب. در آیهٔ ۸، شخص ناصالح هم با آنچه انجام نمی‌دهد و هم با آنچه انجام می‌دهد توصیف می‌شود. با توجه به این آیه، جای‌های خالی را پر کنید و جمله‌ها را کامل نمایید.

(۱) آنچه انجام نمی‌دهند: ناصالحان _____ نمی‌کنند.

(۲) آنچه انجام می‌دهند: ناصالحان _____ می‌باشند.

۳. اطاعت ما از حقیقت خدا فقط به رفتار و کردار ظاهری مان محدود نمی‌باشد، بلکه باطن و حالت دلمان مهم است. در دل باید مطیع باشیم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۵۱:۶

نکته: خواست خدا این است که اطاعت ما از حقیقت ثمرهٔ حقیقتی باشد که در باطنمان حک شده است، ثمرهٔ وفاداری بی‌ریا و صمیمانه به خدا. اطاعتی جز این پسندیده و پذیرفتنی نخواهد بود.

نکته: پرستش خدا «در روح» دو معنا دارد: (۱) باید خدا را خالص و بی‌ریا، ژرف و عمیق، پرستیم؛ (۲) باید خدا را با قدرت و هدایت روح القدس پرستیم. پرستش خدا «در راستی» نیز دو معنا دارد: (۱) باید خدا را درست و بی‌ریا و با صداقت پرستیم؛ (۲) باید خدا را با تکیه بر حقیقت پرستیم، یعنی در راستای اراده خدا که در کتاب مقدس مکشوف می‌باشد.

باید حقیقت خدا را با دیگران در میان بگذاریم

۱. حقیقت فقط برای ما نیست. دغدغه‌مان هم فقط نباید مطیع بودن خودمان باشد. اگر واقعاً سایر ایمانداران و اطرافیانمان را دوست داریم، باید حقیقت خدا را با آنها در میان بگذاریم تا ایشان نیز در راستای اراده خدا زندگی کنند. این حقیقت در مزمور ۹: ۴۰-۱۰ با قاطعیت و به زیبایی در زندگی داوود نمایان است. چگونه باید از منش و خُلق و خوی داوود سرمشق بگیریم؟

۲. بر مبنای آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، با چه منش و خُلق و خویی باید حقیقت خدا را با دیگران در میان بگذاریم؟

الف. افسسیان ۴: ۱۵

ب. دوم تیموتائوس ۲:۲۵

نکته: واژه‌ای که در اینجا «حلم» ترجمه شده است در زبان یونانی *prautes* «پراتیس» می‌باشد که گویای مهربانی، ملایمت، و بردباری است. این صفت نقطهٔ مقابلِ خشن و ناملایم بودن می‌باشد.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۳: خدا امین است

واژه «امین» در زبان عبری آمان و در زبان یونانی *pistos* «پیسٹس» می‌باشد. این واژه در هر دو زبان بیانگر یقین و قطعیت یا ثبات است. ستون محکمی که وزن یک ساختمان را تحمل می‌کند یا بازوان پدری که کودک خود را در آغوش می‌گیرد و او را در خود پناه می‌دهد نمونه‌های مناسبی هستند که توصیفگر این واژه می‌باشند. وقتی واژه «امین» در اشاره به خدا به کار می‌رود، بدین معنا است که خدا شایسته توکل کامل است و قوم خدا می‌توانند بدون ذره‌ای تردید و دودلی به خدا تکیه نمایند. درک این نکته مهم است که امین بودن خدا به این معنا نیست که او فقط به مراد دل قوم خود عمل کند و صرفاً خواسته‌های آنها را برآورده سازد، امین بودن خدا به این معنا است که او به همه وعده‌هایش وفا می‌نماید.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص معمولاً معرّف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. خدای _____ (تثنیه ۹:۷). خدای ما خدای قابل اطمینان است. او خدایی است درخور بالاترین حد توکل و اطمینان که ما در مورد موضوعی که برای ما بی‌نهایت مهم است به او اعتماد کنیم.

ب. خدای _____ و _____ مبرّا (تثنیه ۴:۳۲). امین بودن فقط به این معنا نیست که خدا خودش را متعهد بداند. امین بودن صفت خدا است. خدا امین و وفادار است. از این‌رو، در همه اعمال و کلامش امین می‌باشد. توجه داشته باشید که میان عدالت خدا و امین بودن خدا رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. امین بودن خدا از عدالت مطلق او سرچشمه می‌گیرد.

ج. با خدا و با _____ (هوشع ۱۱:۱۲). در اینجا، رابطه مستقیم میان قدوسیت خدا و امین بودن خدا مشهود است. هیچ‌کس مانند خداوند قدوس نیست (اول سموئیل ۲:۲)؛ هیچ‌کس مانند خداوند امین نیست.

د. خالق _____ (اول پطرس ۴:۱۹). عدالت و قدوسیت خدا زیربنا و شالوده اخلاقی امین بودن خدا می‌باشند. اشاره به خالق بودن خدا نمودار آن است که خدا قدرت دارد و قادر است به جمیع وعده‌هایش وفا نماید.

۲. خدای ما خدای امین است که عدالت و قدرتش او را بی‌نهایت شایسته می‌گرداند تا بی‌نهایت به او اطمینان داشته باشیم. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه امین بودن خدا توصیف می‌شود؟ این آیات گویای چه حقیقتی هستند؟

الف. مزموور ۵:۳۶

نکته: واژه «امانت» در زبان عبری *Imona* می‌باشد که بیانگر استوار بودن، باثبات بودن، و پایبند بودن است.

ب. مزمور ۵:۱۰۰

نکته: امانت خدا نه فقط در آسمان‌ها استوار است، نسل بعد از نسل نیز به قوت خود باقی می‌باشد. از زمان نیاکان قوم اسرائیل در عهدعتیق تا زمان شاگردان مسیح در کلیسای قرن اول میلادی، و حتی تا زمانی که آخرین ایمانداران در کره زمین باقی باشند، امین بودن خدا مانا و پاینده خواهد بود.

ج. مزمور ۱۴۶:۵-۶

نکته: اینکه خدا مداوم و پیوسته نگهدار زمین و دریا است یادآوری امانت پایدار و ماندگار خدا به قوم خود است. او، که «به کلمه قوت خود حامل همه موجودات» است (عبرانیان ۱:۳)، قادر است به وعده‌هایش به قوم خود نیز وفادار باشد. به هزاران هزار دلیل می‌توانیم به خدا اعتماد کنیم و به او امیدوار باشیم.

۳. بسیار مهم است که درک نماییم امین بودن خدا علاوه بر شخصیت خدا از قدرت خدا و تغییرناپذیر بودن خدا نیز سرچشمه می‌گیرد. خدایی که قدرتش محدود باشد توانایی‌اش هم در وفا به وعده‌هایش محدود خواهد بود. خدایی که تغییرپذیر باشد می‌تواند نظرش را عوض کند و به عبارتی زیر قولش بزند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره خدای زنده و ذات تغییرناپذیر او به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ آیا خدای حقیقی تغییر خواهد کرد؟ پاسخ کتاب مقدس به این پرسش‌ها چگونه در زندگی ما تأثیرگذار خواهد بود؟

الف. خدا قادر است و قدرت دارد به همه وعده‌هایش وفا نماید.

(۱) مزمور ۱۳۵:۵-۶

(۲) اشعیا ۱۴:۲۴، ۲۷

(۳) افسسیان ۱:۱۱

ب. خدا و وعده‌هایش تغییرناپذیرند.

(۱) مزمور ۱۰۲:۲۵-۲۷

(۲) ملاکی ۳:۶

نکته: این آیه با قاطعیت نشان می‌دهد چگونه تغییرناپذیر بودن خدا در رابطه خدا با قومش تأثیر می‌گذارد. حتی در هنگامه بی‌وفایی قوم اسرائیل به خدا، او امین و وفادار می‌ماند، چون خدا تغییر نمی‌کند و به وعده‌هایش پایبند می‌باشد. امانت خدا به وعده‌هایش به عملکرد ما بستگی ندارد، امانت خدا به وعده‌هایش به شخصیت خدا تکیه دارد که عادل است و باثبات.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۴: پاسخ ما به امین بودن خدا

امین بودن خدا در سراسر کتاب مقدس مشهود می‌باشد. در طول تاریخ، حتی یک نمونه هم وجود نداشته است که خدا به کلامی که از دهانش صادر شده است امین نبوده باشد. در این فصل، به ثمره‌های امانت و وفاداری خدا می‌پردازیم. در پرتو پایبندی و وفاداری مطلق خدا، چگونه باید زیست نماییم؟

باید به خدا اعتماد نماییم

۱. مزمور ۱۴:۳۱ یکی از مختصرترین و برجسته‌ترین اعتراف‌های ایمان در سراسر کتاب مقدس است. این اعلان گویای چه حقایقی است؟ چگونه باید ایمان نویسنده مزمور را سرمشق قرار دهیم؟

نکته: این آیه حامل دو حقیقت چشمگیر است. حقیقت اول این است که میان ایمان و اعتراف رابطه‌ای مستقیم وجود دارد - ایمان موجب اعتراف می‌گردد. حقیقت دوم این است که ایمان داشتن یعنی رابطه شخصی داشتن. ایمان راستین فقط محدود به این نیست که باور داشته باشیم خدا وجود دارد. ایمان زمانی واقعی است که خدا را خدای خودم بدانم، نه اینکه صرفاً قبول داشته باشم یک خدایی وجود دارد یا به عبارتی به وجود خدا اعتقاد داشته باشم.

۲. کتاب اشعیا ۲۶:۳-۴ هم گوشزد می‌نماید به خدا توکل نماییم و هم به مطیعان وعده می‌دهد. این دو مورد را خلاصه توضیح دهید. چگونه این دو مورد باید در زندگی مان تأثیرگذار باشند؟

الف. گوشزد (آیه ۴)

نکته: توکل ما به خدا در این واقعیت ریشه دارد که او خود را صخره جاودانی معرفی نموده و ثابت کرده است که صخره جاودانی است!

ب. وعده (آیه ۳)

نکته: توکل به خدا محصول نایاب و پرتقاضایی را به بار می‌آورد که انسان‌ها بیشتر از هر چیز دیگر دلشان می‌خواهد آن را داشته باشند: آرامش. آرامش نعمت خدا به کسانی است که توکل به خدا را باور خود قرار داده‌اند.

۳. مزمور ۳:۵۶-۴ آیه‌ای مهم در خصوص توکل ایمانداران به خدا است. بنا بر این مزمور، چگونه آگاهی ما از امین بودن خدا ما را حتی در تاریک‌ترین اوضاع و شرایط پایدار و برقرار نگاه می‌دارد؟ چگونه آگاهی ما از امین بودن خدا به یاری مان می‌آید تا در میانه آزمایش‌ها و سختی‌ها ایستادگی نماییم و ثابت قدم بمانیم؟ آیا میان توکل و کلام خدا ارتباطی وجود دارد؟

۴. مزمور ۵:۶۲-۸ آنچه تاکنون یاد گرفته‌ایم به درستی جمع‌بندی می‌نماید. مزمورنویس در این آیات ایمان خود را اعتراف می‌کند و سپس اندرز می‌دهد. معنا و اهمیت این دو مورد را خلاصه توضیح دهید.

الف. اعتراف به ایمان (آیات ۵-۷)

نکته: مزمورنویس تکیه و توکل مطلق خود را به خدا اعلام می‌نماید. خدا امید او است، خدا صخره او است، خدا نجات او است، خدا پناه او است. امید مزمورنویس به نجات و جلالش در امانت و قدرت خدا ریشه دارد.

ب. اندرز (آیه ۸)

باید به حکمت و هدایت خدا اعتماد نماییم

۱. توکل به خدا فقط نباید در فکر و دلمان محدود باشد، توکل به خدا باید در هر جنبه از زندگی مان تأثیر بگذارد. توکل به خدا موجب می‌گردد مسیر زندگی مان را به سمت خدا تغییر دهیم و کلام خدا راهنمایمان باشد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه می‌فرمایند؟

الف. مزمور ۳۷: ۵

نکته: واژه‌ای که در اینجا «بسپار» ترجمه شده است در زبان عبری گالال می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «انداختن» است. منظور این می‌باشد که باید کل زندگی مان را به دوش خداوند بیندازیم. عبارت «طریق خود» به مسیر و فعالیت‌های زندگی مان اشاره دارد.

ب. امثال سلیمان ۳: ۵-۶

۲. کتاب مقدس بارها حکمت توکل به خدا را با حماقت توکل به خود مقایسه می‌نماید. کتاب ارمیا ۱۷: ۵-۸ را مطالعه نمایید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس تفاوت میان شخصی را که به قدرت و حکمت خودش توکل می‌کند با شخصی که به امین بودن خدا توکل دارد توضیح دهید.

الف. شخصی که به خودش توکل می‌کند (آیات ۵-۶)

ب. شخصی که به خدا توکل دارد (آیات ۷-۸)

باید امین بودن خدا را به همه اعلام نماییم

۱. فقط بسنده نیست که از صمیم قلب به خداوند توکل نماییم و زندگی‌مان را با تکیه به کلامش شکل دهیم، بلکه باید امانت و وفاداری خدا را به همگان نیز اعلام نماییم. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۱۰:۴۰

ب. مزمور ۱:۸۹

۲. فقط بسنده نیست بپذیریم که باید امانت و وفاداری خدا را با دیگران در میان بگذاریم، زیرا باید واقعاً این حقیقت را در عمل نشان دهیم. باید از خودمان پرسیم آیا امانت و وفاداری خدا را به اطرافیانمان اعلام نموده‌ایم یا اینکه آن را فقط در دل خودمان مُهر و موم کرده‌ایم. بنا بر آیات نامبرده، توضیح دهید چگونه می‌توانیم برای امانت و وفاداری خدا شاهدان بهتری باشیم.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۵: جلوه‌های وفاداری خدا

کتاب مقدس سرشار از نمونه‌های فراوان از وفاداری خدا به قومش است. اگر این نمونه‌ها با همه جزئیاتشان ثبت می‌شدند، جهان گنجایش آن نوشته‌ها را نمی‌داشت (یوحنا ۲۱: ۲۵). با این حال، ما در این فصل به همین بسنده می‌کنیم که فقط چهار مورد از جلوه یا گواه امانت و وفاداری خدا را کوتاه و مختصر توضیح دهیم: (۱) عهدهای خدا؛ (۲) کلام خدا؛ (۳) اعمال خدا؛ (۴) آمدن پسر خدا. تک تک موارد نامبرده را در این فصل بررسی خواهیم نمود.

عهدهای خدا

واژه «عهد» در زبان لاتین *convenire* «کانونیره» می‌باشد [com = با هم + venire = آمدن]. در بافت کتاب مقدس، واژه «عهد» که در عهدعتیق به کار رفته است در زبان عبری بریت می‌باشد و واژه‌ای که در عهدجدید به کار رفته است در زبان یونانی *diatheke* «دی‌آتکه» می‌باشد. وقتی کتاب مقدس از عهد میان خدا و قومش سخن می‌گوید، به وعده‌های خدا به قومش اشاره دارد، یعنی تعهداتی که خدا خودش را متعهد نموده است آنها را حتماً و قطعاً به انجام رساند.

۱. در کتاب تثنیه ۷: ۷-۹، موسی از امانت و وفای خدا به عهدش سخن می‌گوید. چکیده‌ای از حقایق این آیات را بیان کنید و سپس توضیح دهید چگونه این حقایق در زندگی نسل به نسل ایمانداران کاربرد دارند.

نکته: خدا به خاطر وعده‌هایش به ابراهیم و بقیه نیاکان قوم اسراییل ایشان را نجات داد و به آنها محبت نمود (پیدایش ۱۲: ۱-۳). اینکه با وجود بی‌وفایی و عهدشکنی قوم خدا، حتی پس از صدها سال، خدا هنوز به وعده‌هایش پایبند است و آنها را به انجام می‌رساند گواهی عظیم برامین و وفادار بودن خدا است.

۲. در مراسم تقدیس معبد، سلیمان پادشاه در دعای طولانی خود امانت و وفاداری خدا را می‌ستاید (اول پادشاهان ۸: ۲۲-۵۳). در آیات ۲۳-۲۴، سلیمان چگونه خدا و وفاداری به عهد خویش را توصیف می‌نماید؟ توصیف سلیمان چگونه باید در زندگی ما تأثیر بگذارد؟

نکته: اگرچه سلیمان به طور خاص به عهد خدا با داوود اشاره می‌نماید (دوم سموئیل ۷:۸-۱۷)، همین حقیقت می‌تواند در خصوص رابطه خدا با سایر مردم صادق باشد. خدا در همه موارد نشان داده است خدایی است که بر سر حرفش می‌ماند. حتی یک دلیل هم وجود ندارد که به وفادار ماندن خدا تا به انتها شک نماییم.

۳. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، پایبندی و وفاداری خدا به عهدش چگونه خواهد بود؟ آیا این احتمال وجود دارد که خدا عهدشکنی کند، کوتاهی کند، یا به وعده‌هایش به قومش وفا نکند؟ پاسخ خود را توضیح دهید و بگویید چگونه این اصل باید بر زندگی مان تأثیرگذار باشد؟

الف. اشعیا ۱۰:۵۴

ب. ارمیا ۳۱:۳۵-۳۷؛ ۳۳:۲۰-۲۱

کلام خدا

کلام خدا (یعنی وعده‌های خدا و حکم‌ها و فرمان‌های خدا) گواه عالی دیگری از امانت و وفاداری خدا است. حتی یک کلمه از کلامی که از دهان خدا صادر شده است ناتمام نمانده است. خدا در وفا به همه وعده‌هایش امین است و جمیع حکم‌ها و فرمان‌هایش را اجرا می‌نماید. کلام خدا امین است و شایسته اعتماد تمام و کمال، زیرا خدا امین است، خدا عادل است، خدا قدوس است، و خدا تغییرناپذیر است.

۱. به گفته کتاب یوشع ۱۴:۲۳، یوشع در پایان عمر طولانی‌اش درباره امین بودن کلام خدا چه شهادتی می‌دهد؟ امروز، چگونه این حقایق در زندگی ایمانداران به مسیح کاربرد دارند؟

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره امین بودن کلام خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ امروز، چگونه این حقایق باید در زندگی ایمانداران به مسیح به کار آیند؟

الف. اول پادشاهان ۵۶:۸

ب. مزمور ۱۱۹:۸۹-۹۰

۳. یکی از مهم‌ترین حقایق درباره کلام خدا که باید بر آن تأکید گردد تغییرناپذیر بودن آن است. کلام خدا تا ابد بی‌تغییر و پایدار و ماندگار است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ این حقیقت باید در زندگی ما چه تأثیری داشته باشد؟

الف. اشعیا ۴۰:۷-۸

ب. متی ۵:۱۸

اعمال خدا

از قدیم گفته‌اند «گرچه سخندان و مصالح‌گویی، به عمل کار برآید، به سخندانی نیست» یا «بزرگی سراسر به گفتار نیست، دو صد گفته چون نیم کردار نیست.» حال آنکه، در توصیف خدا، می‌دانیم که امانت و وفاداری خدا کامل و مطلق و تمام‌عیار است. موسی در کتاب تثنیه ۴:۳۲ می‌فرماید: «او صخره است و اعمال او کامل.»

۱. مزمور ۴:۳۳ یکی از چشمگیرترین اعلان‌ها درباره امین بودن اعمال خدا است. این آیه گویای چه حقایقی است؟ این حقایق در زندگی روزانه‌مان چه کاربردی دارند؟

نکته: بسیار مهم است که رابطه میان کلام خدا و اعمال خدا را تشخیص دهیم، به این معنا که میان حرف و عمل خدا تفاوت و اختلافی وجود ندارد. حتی انسان‌های صادق و راستگون نیز گاه حرفی می‌زنند یا قولی می‌دهند که نمی‌توانند انجامش دهند. اما خدا هم قادر است و هم امین است که به هر قول و وعده‌اش عمل نماید!

۲. کتاب اشعیا ۱:۲۵ آیه‌ای شایان توجه درباره اعمال خدا است. چکیده‌ای از حقایق این آیه را بیان کنید و توضیح دهید چگونه ایمانداران به مسیح باید در پرتو این حقایق زندگی کنند.

۳. همانند آیات نامبرده، آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد نیز امانت عمل خدا را تمجید می‌نمایند، اما به طور ویژه در زندگی ایمانداران به مسیح کاربردی خاص دارند. این آیات گویای چه حقیقتی برای ما هستند؟ چگونه این آیات باید در ما یقین و اطمینانی عظیم پدید آورند؟

الف. مزمور ۱۳۸:۸

ب. فیلیپیان ۶:۱

ج. اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴

آمدن پسر خدا

عالی‌ترین جلوه یا گواه امانت و وفاداری خدا در آمدن پسر یگانه‌اش نمایان می‌باشد. از همان نخستین فصل‌های کتاب مقدس از وعده‌های آمدن پسر خدا و نجاتی که به ارمغان می‌آورد باخبر می‌شویم. پس از هزاران سال، جمیع این وعده‌ها در شخص عیسی مسیح و کاری که به انجام رساند تحقق یافتند. برای پاسخ به این پرسش که «آیا خدا امین است؟» فقط کافی است به پرسش و کاری که برای ما بر صلیب جلجتا انجام داد بنگریم!

۱. در انجیل لوقا ۱: ۴۶-۵۵ دعای مریم، مادر عیسی، ثبت است که به «سرود نیایش مریم» معروف می‌باشد. بنا بر کلام مریم در آیات ۴۶-۴۷ و ۵۴-۵۵، چگونه آمدن ماشیح (مسیح موعود) گواه امانت و وفاداری خدا می‌باشد؟

۲. در انجیل لوقا ۱: ۶۸-۷۹ نبوت زکریا، پدر یحیی تعمید دهنده، ثبت است. بنا بر آیات ۶۸-۷۵، چگونه آمدن ماشیح گواه امانت و وفاداری خدا می‌باشد؟

۳. رساله رومیان ۸:۱۵-۹ یکی از آیاتی است که شفاف و روشن توضیح می‌دهد آمدن مسیح به جهان تأییدیۀ امانت و وفاداری خدا به جمیع انسان‌ها است. چکیده‌ای از این آیات و معنای آنها را توضیح دهید.

نکته: فعلی که در اینجا «ثابت گرداند» ترجمه شده است در زبان یونانی *bebaioo* «ببایئو» می‌باشد که به معنای «تأیید نمودن، تضمین کردن، برقرار ساختن» است. آمدن پسر خدا مُهر تأیید همهٔ وعده‌های خدا به قومش، اسرائیل، می‌باشد. پولس در آیات ۹-۱۱ از امت‌ها یا غیریهودیان نام می‌برد. توجه نمایید که پولس از آیات مختلفی از عهدعتیق نقل قول می‌کند که خدا وعده می‌دهد حتی امت‌های غیریهودی را هم نجات می‌بخشد. خدا با فرستادن پسرش به همهٔ وعده‌هایش در خصوص امت‌ها نیز وفا نمود.

۴. رسالهٔ دوم قرن‌تیاں ۱۹:۱-۲۰ یکی از زیباترین و عالی‌ترین آیات کتاب مقدس دربارهٔ آمدن مسیح است. این آیات به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چگونه آمدن مسیح تأییدیۀ امانت و وفاداری خدا است؟

نکته: به زبان بسیار ساده: همهٔ وعده‌های خدا به قومش در شخص مسیح و کاری که به انجام رساند تأیید گشتند و به انجام رسیدند.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۶: خدا محبت است

محبت - صفتی الهی

محبت خدا چیست؟ محبت خدا آن صفت الهی است که خدا، به خاطر دیگران و به خیر و صلاح دیگران، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و اجباری، از خود می‌گذرد. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد محبت الهی (یعنی محبت خدا) صرفاً فراتر از یک خُلق و خوی یا یک حس یا یک عمل است. محبت یکی از صفتهای خدا است، محبت ذات و گوهر وجود خدا است. این درست است که خدا محبت می‌ورزد، اما در اصل خدا خودش محبت است. هرچه چیستی و ماهیت محبت را تشکیل می‌دهد چیستی و ماهیت خدا را هم تشکیل می‌دهد. محبت راستین از خدا که سرچشمه اصلی محبت است جاری می‌گردد.

۱. در رساله دوم قرن‌تینان ۱۱:۱۳ نام خدا چه می‌باشد؟ این نام درباره ذات خدا به ما چه می‌گوید؟

الف. خدای _____ .

نکته: حقیقت موجود در عبارت نامبرده این است که محبت صفت خدا یا بُعدی از ذات خدا است. خدا نمی‌تواند محبت نباشد، همان‌گونه که نمی‌تواند عادل نباشد. حتی، در میانه داوری عادلانه و منصفانه‌اش، خدا باز هم خدای محبت است. جمیع اعمال خدا، حتی داوری‌اش، جلوه‌گر محبتش هستند. چون خدا محبت است، خودش معیار سنجش هر چیز و هر کسی است که ادعای محبت دارد.

۲. رساله اول یوحنا ۴:۸، ۱۶ یکی از مهم‌ترین اعلان‌ها در کل کتاب مقدس است درباره شخصیت و ذات خدا. مفهوم این اعلان را توضیح و کاربردهای آن را شرح دهید.

نکته: یوحنا رسول شماری از چشمگیرترین حقایق را درباره خدا برای ما مکشوف می‌نماید: خدا روح است (یوحنا ۴:۲۴)، خدا نور است (اول یوحنا ۱:۵)، خدا محبت است (اول یوحنا ۴:۸، ۱۶). بسیار مهم است تشخیص دهیم که کتاب مقدس اعلام می‌نماید «خدا محبت است»، نه اینکه «محبت خدا است.» نمی‌شود جای این دو جمله را عوض نمود. حس و حالت یا خُلق و خوئی به نام «محبت» این جهان را نیافریده و اداره این جهان را در دست ندارد، بلکه خداوند حاکم مطلق کتاب مقدس که ذات و گوهر وجودش محبت است این جهان را آفریده است و اداره‌اش را در دست دارد.

محبت عادلانه خدا

پیش از آنکه مطالعه‌مان را درباره محبت خدا ادامه دهیم، باید ابتدا مطمئن شویم که طرز تفکرمان با کتاب مقدس شکل گرفته است، نه اینکه دیدگاه کتاب مقدس را درباره محبت خدا با پیش‌فرض‌های اشتباه در فرهنگ غالب بر جامعه‌مان تحریف کنیم. فرهنگ امروزی تعریف تازه‌ای از محبت ارائه می‌کند. بنا بر این تعریف، محبت یعنی اینکه حاضر باشیم بدون قضاوت و پیش‌داوری یا سرزنش و انتقاد همه عقاید و دیدگاه‌ها و رفتارها را بپذیریم و یا دست‌کم با آنها مدارا نماییم. کوچک‌ترین اشاره به اینکه برای اصول اخلاقی معیار مطلق و مشخصی وجود دارد تعصب و کوتاه‌فکری و عقب‌افتادگی حساب می‌شود. تا یک کلمه حرف از سنجش و قضاوت یا نكوهش و انتقاد به میان آید، به گوینده‌اش برچسب بی‌محبتی می‌زنند یا او را شخصی خطاب می‌کنند که حرف‌ها و عقایدش رنگ و بوی تنفر دارد.

تفاوت میان محبت خدا و عقاید اشتباه انسان امروزی را می‌توان در یک واژه خلاصه نمود: عدالت. عدالت صفت خدا است، ذات و گوهر وجود خدا است. بنابراین، خدا نمی‌تواند عادل نباشد، همان‌گونه که نمی‌تواند محبت نباشد. علاوه بر این، خدا نمی‌تواند به قیمت محبت ورزیدن عدالت خود را نادیده بگیرد یا از آن چشم‌پوشی نماید. جمیع طریق‌های خدا کامل است و همه صفت‌هایش با یکدیگر کاملاً هماهنگ هستند، بدون ذره‌ای تضاد یا آشفتگی. از این‌رو، محبت خدا همواره باید محبتی عادلانه باشد. به همین دلیل عظیم و برجسته، مسیح جان سپرد. در مسیح، خدا با طغیان و سرکشی انسان مدارا نمی‌کند، بلکه به آن رسیدگی می‌نماید و راهی مهیا می‌سازد تا با انسان گناهکار آشتی کند. خدا به ما می‌فرماید گناه کرده و به بیراهه رفته‌ایم و ما را هشدار می‌دهد که داوری در راه است. اما خدا راهی را هم مهیا می‌نماید تا بخشیده شویم و به راه راست آییم. با مرگ پسرش، آنچه عدالت خدا از انسان گناهکار مطالبه می‌کند پرداخت گشت و اکنون خدا محبت خویش را به آنانی که به او توکل نمایند سخاوتمندانه و تمام و کمال آشکار می‌سازد.

به خلاصه‌ای مختصر و مفید از نکته‌هایی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد توجه نمایید:

- خدا محبت است و محبتش را در سخاوتمندی‌اش در خلقت آشکار نموده است. این حتی شامل کرم و بزرگواری‌اش به انسان گناهکار نیز می‌باشد.
- خدا عادل است و عدالتش را در پاداش دادن به صالحان و داوری نمودن ناصالحان آشکار می‌سازد.
- همه گناه کرده‌اند؛ عادل‌ی وجود ندارد، حتی یک نفر. از این جهت، داوری خدا و محکومیت در انتظار کل انسان‌ها است.
- محبت و عدالت خدا با هم در صلیب جلجتا آشکار شدند. پسر خدا انسان گشت، گناهان انسان‌ها را بردوش گرفت، و خشم عادلانه خدا را که آنها سزاوارش بودند متحمل گشت. پسر خدا با مرگش مطالبات عدالت خدا را اجرا نمود تا خدا محبت خویش را به آنانی که به او توکل می‌نمایند سخاوتمندانه و تمام و کمال آشکار سازد.

- بنابراین، محبت خدا آن‌گاه آشکار می‌شود که همه کسانی که توبه می‌کنند و به مسیح ایمان می‌آورند در حضور خدا عادل شمرده می‌شوند و با او رابطه‌ای ناگسستنی خواهند داشت. عدالت خدا نیز آن زمان آشکار خواهد شد که آنان که پیغام انجیل را نمی‌پذیرند برای هر پندار و گفتار و کردارشان، بی‌آنکه کفه ترازو به نفع کسی سنگین‌تر از دیگری باشد، با عدل و انصاف مطلق، داوری خواهند شد.

کتاب خروج ۶:۳۴-۷ یکی از مهم‌ترین آیات در کتاب مقدس است که در آن خدا خودش را توصیف می‌نماید. در این آیات، رابطه میان محبت و عدالت خدا نیز به شکلی بی‌نظیر مشخص است. آیات نامبرده را مطالعه نمایید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

۱. در کتاب خروج ۶:۳۴، خدا با چندین واژه خودش و نگرش خویش را به گناهکاران توصیف می‌نماید. این واژگان را نام ببرید. چگونه خدا خودش را توصیف می‌نماید؟

الف. _____ . این واژه در زبان عبری **راخم** می‌باشد و توصیفگر کسی است که دلسوز است و رحمت دارد، به ویژه نسبت به نیازمندان، ضعیفان، یا گناهکاران. این واژه در متن عبری مزمو ۱۰۳:۱۳ توصیفگر رابطه میان پدر و فرزندان نیازمندش می‌باشد: «چنان که پدر بر فرزندان خود رؤف [رحیم] است، همچنان خداوند [یهوه] بر ترسندگان خود رأفت می‌نماید.»

ب. _____ . این واژه در زبان عبری **خانان** می‌باشد و توصیفگر کسی است که به نیازمندان رحمت و دلسوزی نشان می‌دهد. این واژه معمولاً زمانی استفاده می‌شود که یک مافوق لطف خود را شامل حال زیردست خود می‌گرداند که هیچ‌گونه حقی ندارد تا درخواست خود را مطرح نماید. همچنین این واژه می‌تواند در مورد طلبکاری به کار رود که به بدهکار خود که نمی‌تواند بدهی‌اش را پرداخت کند رحم می‌کند و نسبت به او گذشت می‌نماید.

ج. _____ . این واژه می‌تواند «صبور» یا «تحمل» هم ترجمه شود. واژه «خشم» در زبان عبری **آف** می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به بینی یا سوراخ بینی اشاره دارد. معنایی که این واژه به تصویر می‌کشد زبانه کشیدن آتش از سوراخ بینی است که گویای خشم یا غضب می‌باشد. منظور این نیست که خدا می‌تواند مدتی طولانی با گناه سازش کند و یا اینکه با میزانی از گناه مدارا کند و بعد عصبانی شود، زیرا کتاب مقدس می‌فرماید «هر روزه خدا خشنماک می‌شود» (مزمو ۷:۱۱). منظور واژه مورد نظر این است که محبت و رحمت خدا مانع از خشم و غضبش به انسان گناهکار می‌گردد و به گناهکاران سخاوتمندانه مجال می‌دهد تا پیش از فرا رسیدن داوری توبه نمایند.

د. کثیر _____ و _____ . واژه‌ای که در اینجا کثیراحسان ترجمه شده است در زبان عبری **خسد** می‌باشد که معمولاً «رحمت»، «مهربانی»، یا «احسان» ترجمه می‌شود. این واژه می‌تواند «محبت استوار و مستحکم» یا «محبت پایبند و وفادار» ترجمه شود. واژه‌ای که در این آیه «وفا» ترجمه شده است در زبان عبری **عمت** می‌باشد که گویای استواری یا وفاداری می‌باشد.

۲. در کتاب خروج ۶:۳۴ به شکل مختصر با یکی از چشمگیرترین آیات در کتاب مقدس روبه‌رو می‌شویم که در آن خدا خودش را توصیف می‌نماید: او خدای محبت است. به گفته آیه ۷، یکی از ثمره‌های محبت خدا چیست؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: واژه «آمرزش» در زبان عبری ناسا می باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «بلند کردن، حمل نمودن، یا بردن» است. خداوند خدایی است که گناه ما را برمی دارد. در این آیه، در توصیف گناه، سه واژه به کار رفته است: خطا، عصیان، گناه. اگرچه هر یک از این سه واژه معنایی جداگانه دارند، مفهوم اصلی آنها این است که خدا همه گناهان را می آمرزد - هرگونه گناه را. این حقیقت باید برای گناهکاران تسکین و تسلی عظیمی باشد.

۳. خدا در کتاب خروج ۳۴: ۶-۷ اعلام می نماید او خدای محبت است و همه گونه گناهان را می آمرزد. اما این را هم توضیح می دهد که نسبت به کسانی که تقصیر به گردن دارند چه واکنشی خواهد داشت. واکنش خدا در این مورد چیست؟ چگونه این دو حقیقت با هم سازگار می شوند؟

نکته: در اینجا، با موردی به ظاهر متضاد روبه رو هستیم: خدا گناهکاران را دوست دارد و آنها را می آمرزد. اما هشدار می دهد که هیچ گناهکاری از مجازات در امان نخواهد ماند. چگونه این دو امر به ظاهر متضاد به تفاهم می رسند؟ پاسخ در عیسی مسیح است. در عدالتش، خدا تک تک گناهکاران را برای تک تک گناهانشان مجازات می نماید. اما، در محبت، خدا پسر یگانه اش را به جهان فرستاد تا به جای کسانی که به او ایمان می آورند گناهان آنها را بر خود گیرد و مجازاتی را که آنها لایقش هستند متحمل گردد. در مرگ عیسی مسیح، خدا هم عدالت و هم محبت خویش را آشکار می نماید. کسانی که به انجیل ایمان می آورند، بدون انجام اعمال مذهبی، آمرزیده می شوند، زیرا به وساطت رنج و عذاب و مرگ مسیح بر صلیب جلجتا گناهانشان مجازات گشته است. اما کسانی که به مسیح ایمان نمی آورند خودشان مسوول و پاسخگوی گناهان خویش هستند و در پیشگاه تخت داوری خدا مجازات خواهند شد.

۴. با توجه به آنچه در این فصل یاد گرفته ایم، این حقیقت را که محبت خدا محبتی عادلانه است بر مبنای کتاب مقدس خلاصه توضیح دهید.

۵. با توجه به آنچه در این فصل یاد گرفته‌ایم، به طور خلاصه توضیح دهید که چگونه این دو حقیقت می‌توانند به تفاهم برسند:
(۱) خدا همه گونه گناهان را می‌آمرزد؛ (۲) خدا به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهد گناهکاران از مجازات و داوری بگریزند.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۷: جلوه‌های محبت خدا

شمارش کل ستارگان آسمان و تک تک شن‌های روی زمین آسان‌تر است از یافتن حد و مرز محبت خدا یا حتی توصیف آن. بلندا و ژرفا و درازا و پهنا و وسعت محبت خدا ورای درک هوشمندترین و فهمیده‌ترین مخلوقات است. هرچند هیچ‌گاه نمی‌توانیم محبت خدا را کاملاً درک نماییم یا وسعت آن را اندازه بگیریم، می‌توانیم با مشاهده بسیاری از جلوه‌های محبت خدا، که در کتاب مقدس مکشوف است، درک و بینش خود را از محبت خدا بیش از پیش افزایش دهیم.

گرم و سخاوتمندی خدا به جمیع مخلوقات

واژه «گرم یا سخاوتمندی» را می‌توان میل و علاقه یک نفر به خیریت و صلاح دیگران، به برکت دادن دیگران، و به سعادت‌مندی دیگران توصیف نمود. این شهادت پیوسته کتاب مقدس است که خدا خالق مهربان و بامحبت است که به فکر خوشبختی و سعادت و سودمندی جمیع مخلوقاتش است، هم شریبان و هم نیکان. خدای حقیقی نقطه مقابل هر تصویری است که قصد دارد او را یک خدای دمدمی مزاج یا انتقام‌جو معرفی کند، آن به اصطلاح خدایی که فقط دلش می‌خواهد شاهد بدبختی و بیچارگی مخلوقاتش باشد.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره گرم و سخاوتمندی خدا به جمیع مخلوقاتش به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

الف. مزمور ۱۴۵: ۹، ۱۵-۱۶

ب. متی ۴۴: ۵-۴۵

ج. اعمال رسولان ۱۴:۱۶-۱۷

نکته: این سه نمونه از کرم و سخاوتمندی خدا به خلقتش زمانی حیرت‌انگیزتر می‌شود که به یاد آوریم خلقت در گناه و زوال و تباهی سقوط کرده است. اگر خدای بی‌نهایت پر جلال عالم خودش را فروتن می‌نمود تا به فکر مخلوقات صالح و عادل باشد که خدا را با تک‌تک پندار و گفتار و کردارشان حرمت می‌نهند، آن هنگام نیز کرم و سخاوتمندی خدا در وصف نمی‌گنجید، چه برسد اکنون که خدا به انسان سقوط کرده‌ای کرم می‌نماید که زندگی‌اش مالا مال از طغیان و سرکشی به خدا است.

۲. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، پاسخ کل خلقت به کرم و سخاوتمندی خدا باید چگونه باشد؟

الف. مزمور ۱۴۷:۷-۹

ب. مزمور ۱۵۰:۶

۳. با در نظر گرفتن کرم و سخاوتمندی خدا به جمیع خلقت، به ویژه به آدمیان، انسان‌ها باید کرم خدا را با ستایش و شکرگزاری پاسخ دهند. اما، به گفته رساله رومیان ۲۱:۱-۲۳، به طور کلی پاسخ انسان‌ها به کرم و سخاوتمندی خدا چه می‌باشد؟

نکته: از این محکم‌تر گواهی وجود ندارد که سقوط انسان را به این واضحی نشان دهد! چرا انسان به خدای مهربان و سخاوتمندی پشت می‌کند که می‌داند او وجود دارد؟ چرا انسان ترجیح می‌دهد به جای پرستش خدای واحد حقیقی خودش یا حتی حیوانات را بپرستد؟ دلیلش این است که خدا نیکو است و انسان از لحاظ اخلاقی به مخلوقی فاسد و گمراه و منحرف تبدیل گشته است که شیفته ناراستی و نادرستی است. بنابراین، تا بیهوده‌ترین و پوچ‌ترین مرحله، بی‌نهایت، پیش می‌رود تا خدایی را که می‌شناسد انکار کند و او را از ذهن و وجدانش بیرون براند. اما، در پس‌زمینه تیره و تاریک انسان، کرم و سخاوتمندی خدا به چشم می‌آید که آفتاب محبت خود را بر شریران و نیکان می‌تاباند (متی ۵: ۴۴-۴۶).

خدا پسر خود را برای نجات قوم خود تقدیم می‌نماید

ما آموختیم که محبت خدا از قوه درک انسان خارج است و خدا محبت خود را به شکل‌ها و روش‌های بی‌شمار به جمیع مخلوقاتش آشکار می‌سازد. با این حال، کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد جلوه‌ای از محبت خدا وجود دارد که عالی‌ترین و برترین است: خدا پسر یگانه خود را برای نجات قوم خود تقدیم می‌نماید!

۱. رساله اول یوحنا ۴: ۸-۱۰ یکی از مهم‌ترین آیات در کتاب مقدس درباره محبت خدا و عالی‌ترین جلوه‌اش به انسان‌ها است. آیات نامبرده را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. آیه ۸ درباره شخصیت یا ذات خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: آیه نامبرده بیانگر این حقیقت است که محبت صفت خدا یا بُعدی از ذات خدا است. خدا نمی‌تواند محبت نباشد، همان‌گونه که نمی‌تواند عادل نباشد. حتی، در میانه داوری عادلانه و منصفانه‌اش، خدا باز هم خدای محبت است. جمیع اعمال خدا، حتی داوری‌اش، جلوه‌گر محبتش هستند.

ب. به گفته آیه ۹، عالی‌ترین جلوه محبت خدا به قوم خود چه می‌باشد؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

ج. به گفته آیه ۱۰، آیا محبت خدا نتیجه محبت ما به خدا است؟ بله یا خیر؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: این آیه بسیار روشن و شفاف است. محبت ما به خدا نتیجه محبت خدا به ما است و ثمره نجاتی که در زندگی ما به انجام رسانده است. توجه به این نکته مهم است که عالی‌ترین جلوه محبت خدا فقط این نیست که خدا پسر خود را به جهان فرستاد (آیه ۹)، بلکه او پسر خود را فرستاد تا عذاب کشد و جان بسپرد و برای گناه کفاره نماید. واژه «کفاره» در زبان یونانی *hilasmos* «هیلاسْمُس» می‌باشد و به قربانی اشاره دارد که برای فرو نشاندن مطالبات عدالت خدا تقدیم می‌گشت و این امکان را فراهم می‌نمود تا خدای عادل بتواند گناهکاران را کاملاً ببخشد. این دقیقاً همان کاری است که مرگ مسیح به انجام رساند. این عالی‌ترین جلوه محبت خدا است و عالی‌ترین دلیلی که قوم خدا باید خدا را به خاطرش دوست داشته باشند.

جلوه‌های محبت خدا

۲. در رسالهٔ اول یوحنا ۴: ۸-۱۰ می‌آموزیم که خدا با تقدیم پسرش که برای گناهان قومش جان فدا کرد محبت خود را به عالی‌ترین و برترین شکل آشکار نمود، محبتی نامشروط که به شایستگی و اعمال نیکوی قوم خدا وابسته نمی‌باشد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چرا خدا پسرش را فرستاد تا برای گناهان ما جان دهد و ما را از داوری نجات بخشد؟

الف. یوحنا ۳: ۱۶-۱۷

نکته: محبت خدا نه فقط در فرستادن پسرش آشکار است، بلکه در برکتی جلوه‌گراست که ایمانداران به پسر خدا از آن بهره‌مند می‌گردند که همانا برکت حیات جاودان است. مسیح برای داوری گناهکاران به دنیا نیامد، او آمد تا گناهکاران را نجات بخشد. اما مسیح در بازگشت دوباره‌اش نجاتی را که در ایمانداران آغاز نموده است به کمال می‌رساند و دنیای بی‌ایمان را داوری می‌کند.

ب. رومیان ۵: ۶-۸

نکته: این آیات سرشار از عظیم‌ترین حقایق مسیحیت می‌باشند. نخستین حقیقت این است که ما از نجات دادن خودمان عاجز و ناتوان هستیم (آیهٔ ۶). دومین حقیقت این است که می‌فهمیم لیاقت و شایستگی نداریم تا مسیح به جای ما جان خود را فدا نماید (آیهٔ ۷). سومین حقیقت این است که می‌فهمیم فقط و فقط محبت خدا به گناهکاران دلیل و انگیزهٔ مرگ مسیح بود، محبتی که البته گناهکاران لایق آن نیستند و به خاطر لیاقت و شایستگی‌شان به آنها محبت نگشته است (آیهٔ ۸).

۳. وقتی خدا ما را آن قدر دوست دارد که پسر یگانه‌اش را حتی زمانی که دشمن خدا بودیم فدای ما می‌کند، اکنون، که فرزندان خدا هستیم، این محبت باعث می‌شود خدا برای ما چکار کند؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. رومیان ۵: ۸-۱۰

نکته: استدلال این آیات بی نقص است. (۱) محبت خدا به قومش آن قدر عظیم است که حتی زمانی که گناهکار بودیم، او پسر خود را فرستاد تا برای ما جان فدا کند؛ (۲) بنابراین، اکنون، که به واسطه مرگ پسرش عادل شمرده شده ایم، می توانیم کاملاً یقین داشته باشیم از غضب آینده خدا که در روز داوری نهایی بر کل جهان نازل خواهد شد در امان خواهیم بود. خلاصه اینکه وقتی دشمن خدا بودیم، خدا به وساطت مرگ پسرش با ما آشتی نمود. از این رو، می توانیم خاطر جمع باشیم به خاطر شفاعت دایم و پیوسته پسر خدا، که از مردگان قیام نموده است، نجات و رستگاری مان پایدار و ماندگار خواهد بود (عبرانیان ۷: ۲۵)!

ب. رومیان ۸: ۳۲-۳۹

ج. اول یوحنا ۳: ۱-۲

نکته: در این دو آیات آخر، به دو نعمت از عالی‌ترین نعمت‌هایی که به ایماندار به مسیح عطا می‌گردد اشاره شده است: (۱) ما هرگز از محبت خدا جدا نخواهیم گشت؛ (۲) ما به تصویر مسیح تبدیل خواهیم گشت.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۸: رحمت خدا

رحمت، فیض، و صبر خدا یکی از زیباترین و محبوب‌ترین مفاهیم در کتاب مقدس هستند. در این سه قطعه جواهر، به واقع محبت خدا آشکار می‌باشد. در این فصل، به رحمت خدا می‌پردازیم.

واژه «رحمت» به مهربانی، دل‌رحمی، یا دلسوزی خدا اشاره دارد، حتی نسبت به حقیرترین و بینواترین مخلوقاتش. در رحمت خدا محبت خدا، عالی و بی‌نظیر، مشهود می‌باشد. در بسیاری از آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، واژگان «دلسوزی» و «احسان» گویای «رحمت» می‌باشند.

۱. در این آیات، چگونه خدا توصیف می‌گردد؟

الف. خداوند _____ است (مزمور ۸:۱۴۵). این واژه در زبان عبری *raḥm* می‌باشد و بیانگر مهربانی، احسان، و دلسوزی است.

ب. پدر _____ (دوم قرن‌تیاں ۳:۱). این واژه در زبان یونانی *oiktirmos* «ایکتیرموس» می‌باشد که گویای دلسوزی و ترحم است. این واژه که در آیه نامبرده در حالت جمع به کار رفته است احتمالاً بیانگر نماهای گوناگون رحمت یا همه‌گونه و همه‌نوع رحمت می‌باشد.

ج. خدا که در _____ است (افسیان ۴:۲). واژه «دولتمند» در زبان یونانی *plousios* «پلوسیوس» می‌باشد که می‌تواند «توانگر» یا «ثروتمند» نیز ترجمه شود. واژه «رحمانیت یا رحمت» در زبان یونانی *eleos* «الیوس» می‌باشد که گویای ترحم، دلسوزی، و مهربانی است.

د. خداوند _____ است (یعقوب ۱۱:۵). عبارتی که در این آیه «به غایت مهربان» ترجمه شده است در زبان یونانی فقط یک واژه می‌باشد، به نام *polusplagchnos* «پولیسپلاخنوس» [*polus* = زیاد، بسیار + *splogchnon* = اعضای داخل بدن - قلب، کبد، معده و روده، و غیره]. به زبان تشبیه، این واژه به احساسات عمیق و بسیار زیاد اشاره دارد. «بسیار دلسوز و مهربان» نیز می‌تواند ترجمه دیگری از این واژه باشد. «کریم [رحیم]» در زبان یونانی *oiktirmon* «اُکتیرمون» می‌باشد و بر این دلالت دارد که رحمت فراتر از عملی است که خدا تصمیم می‌گیرد آن را انجام دهد. در واقع، خدا رحمان و رحیم است، رحمت ذات و گوهر وجود او است.

۲. چگونه رحمت خدا در مزمور ۱۰:۵۷ توصیف می‌گردد؟ این توصیف به چه معنا است؟ توضیح دهید.

نکته: واژه‌ای که در اینجا رحمت ترجمه شده است در زبان عبری **خَسِد** می‌باشد که گویای احسان، مهربانی، لطف، محبت استوار و مستحکم، یا محبت پایبند و وفادار است. منظور این می‌باشد که لطف و احسان یا رحمت خدا را باید به عالی‌ترین و باشکوه‌ترین شکل توصیف نمود. رحمت خدا با سخاوت است، فراوان است، عالی و والا است. باهوش‌ترین ذهن توانایی درک رحمت خدا را ندارد، بیناترین چشم گنجایش مشاهده رحمت خدا را ندارد، و شیواترین زبان از بیان رحمت خدا قاصر است.

۳. به فرموده انجیل لوقا ۶: ۳۵-۳۶، چگونه رحمت خدا بر جمیع انسان‌ها مکشوف است؟

نکته: رابطه میان محبت و رحمت در این آیات به روشنی بیان می‌شود. یکی از چشمگیرترین جلوه‌های محبت خدا رحمت او نسبت به انسان‌های ناسپاس است که لایق رحمت خدا نیستند.

۴. مزمور ۱۰۳: ۱۰-۱۴ یکی از چشمگیرترین جلوه‌های محبت و رحمت خدا نسبت به قومش است. آیات نامبرده را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس دیدگاه خود را در مورد هر آیه در جای‌های خالی توضیح دهید. چگونه رحمت خدا توصیف گشته است؟

الف. آیه ۱۰

ب. آیه ۱۱

نکته: واژه‌ای که در اینجا رحمت ترجمه شده است در زبان عبری **خِسد** می‌باشد که گویای احسان، مهربانی، لطف، محبت استوار و مستحکم، یا محبت پایبند و وفادار است.

ج. آیه ۱۲

د. آیه ۱۳

نکته: واژه‌ای که در اینجا «رئوف» ترجمه شده است در زبان عبری **راخِم** می‌باشد و بیانگر مهربانی یا احسان است.

ه. آیه ۱۴

۵. کتاب مقدس سرشار از آیه و نمونه و تصویر از رحمت خدا است. اما ما به خاطر گنجایش این کتاب فقط می‌توانیم به چند مورد اشاره کنیم. بنا بر آیه‌ای که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه رحمت (احسان یا دلسوزی و مهربانی) خدا به قومش نشان داده می‌شود؟

الف. مزمور ۵:۸۶

ب. مراثی ارمیا ۳: ۲۲-۲۳

۶. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه باید به رحمت خدا پاسخ دهیم؟ در پرتو این حقیقت کتاب مقدس که خدا رحمان و رحیم است، چگونه باید زندگی کنیم؟

الف. عبرانیان ۴: ۱۶

ب. یهودا ۲۱-۲۲

نکته: یهودا در آیات ۱ و ۲۴ تعلیم می‌دهد که ایمانداران به قدرت خدا محفوظ هستند. ولی در آیات ۲۱ و ۲۲ حکم می‌دهد که ایمانداران خود را در محبت خدا ایمن یا محفوظ نگاه دارند. منظور این نیست که ما باید برای جلب محبت خدا کاری انجام دهیم و تلاش و تکاپو نماییم. خدا محبت و نجات خویش را فقط به واسطهٔ مسیح و کار او بر صلیب به ما هدیه می‌نماید. با چسبیدن به مسیح به وسیلهٔ ایمان است که ما خود را در محبت خدا نگاه می‌داریم. با جدا شدن از مسیح از قلمرو یا محدودهٔ محبت و نجات خدا قدم بیرون می‌گذاریم. مقصود یهودا این است که باید مشتاقانه چشم‌انتظار رحمت خداوندان باشیم. منظور یهودا را باید با توجه به بافت و زمینهٔ سایر آیات درک نماییم. رحمت خدا شامل حال ایمانداران به مسیح گشته است. ولی کمال رحمت خدا هنوز مکشوف نگشته است. پُری رحمت خدا به هنگام بازگشت مسیح و جلال یافتن ایمانداران مکشوف

خواهد شد. «مشتاقانه منتظر بودن» به این معنا نیست که دلواپس باشیم یا تردید داشته باشیم، بلکه باید جدی و کوشا، با چشم‌انتظاری و امید فراوان، منتظر بمانیم.

ج. لوقا ۳۵:۶-۳۶

نکته: این آیات به رابطه ما با مردم می‌پردازند، خواه ارتباط ما با ایمانداران خواه غیرایمانداران. حقیقت اصلی در آیات نامبرده این است که چون خدا به گناهکاران نالایق (از جمله ما) رحم نموده است، ما نیز باید به دیگران رحمت نشان دهیم. آیات دیگری که در خصوص رفتار ما با دیگران به اهمیت رحمت می‌پردازند از این قرار می‌باشند: انجیل متی ۷:۵؛ ۷:۱۲؛ ۱۸:۲۳-۳۵.

شناخت خدای زنده

فصل ۲۹: فیض خدا

واژه «فیض» بیانگر لطفی است که شامل حال انسان می‌گردد، در حالی که انسان لایق و شایسته آن لطف نمی‌باشد. «فیض» به تمایل خدا اشاره دارد که حاضر است بدون توجه به لیاقت مخلوقاتش و بی‌آنکه آنها عمل نیکویی انجام داده باشند لطف خود را شامل حال آنها گرداند، آن هم فقط به خاطر مهربانی بی‌کران و سخاوتمندی خدا که از حد لبریز گشته است. در فیض خدا، محبت خدا به باشکوه‌ترین شکل آشکار می‌باشد.

۱. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه خدا توصیف می‌گردد؟

الف. خداوند _____ است (مزمور ۱۴۵: ۸). واژه‌ای که در اینجا به کار رفته است در زبان عبری **خانان** می‌باشد. در کتاب مقدس، این واژه یکی از صفت‌های خدا می‌باشد. سایر معانی واژه مورد نظر از این قرارند: رحیم، دلسوز، مهربان، بخشنده، باگذشت، بردبار، دل‌رحم، سخاوتمند.

ب. خدای _____ (اول پطرس ۵: ۱۰). این واژه در زبان یونانی *charis* «خاریس» می‌باشد که گویای مهربانی، لطف، و نیکخواهی است، به ویژه نسبت به انسان‌های نالایق. در کتاب مقدس، فیض به معنای لطفی است که خدا شامل حال گناهکاران می‌گرداند، در حالی که گناهکاران لایق آن لطف نیستند. خدا سرچشمه همه فیض‌ها است. همه گونه و همه نوع فیض - فیضی که نماهای گوناگون دارد، فیض بی‌اندازه - فقط در خدا وجود دارد و فقط از او سرچشمه می‌گیرد.

۲. به فرموده کتاب اشعیا ۳۰: ۱۸، نگرش خدا نسبت به همه انسان‌ها، به ویژه نسبت به قوم خود، چگونه است؟ چگونه حقایق این آیه به ما ربط می‌یابند؟ پاسخ ما باید چه باشد؟

نکته: بافت این آیه به سرکشی قوم خدا مربوط است. آنها دیگر به خدا توکل نداشتند و با مصر پیمان دوستی بسته بودند، پیمانی که آلوده به گناه بود. با این حال، خدا در مجازات قوم خود درنگ می‌نماید تا به فراوانی به آنها مجال توبه دهد که به نزد خدا بازگردند. خدا چنین اراده می‌نماید، چون او مانند قوم بی‌ایمانش نیست. او خدای عادل است، خدایی که به وعده‌های خود پایبند است. واژه «رأفت» در زبان عبری **خانان** می‌باشد که به این معنا است: «دلسوز بودن یا لطف نمودن». در بافت رابطه خدا با انسان‌ها، این واژه همواره گویای لطفی است که انسان لایق آن نمی‌باشد. واژه‌ای که در اینجا «ترحم» ترجمه شده است در زبان عبری **راخم** می‌باشد که بیانگر مهربانی یا احسان است.

۳. به فرموده انجیل یوحنا ۱:۱۴، ۱۶-۱۷، چه چیزی یا چه کسی برترین جلوه فیض خدا است (یعنی لطفی که کسی لایق آن نمی‌باشد)؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: خدا از زمان سقوط آدم فیض خود را آشکار نموده است. حتی عطاى شریعت عهدعتیق نیز نتیجه لطفی بود که بنا به شایستگی قوم اسرائیل به آنها عطا نگشت (رومیان ۳:۱-۲). اما فیض خدا در شخص مسیح و کاری که به انجام رساند به قدری عالی و چشمگیر است و چنان بر سایر جلوه‌های فیض خدا سایه می‌افکند که گویی پیش از مسیح اصلاً فیضی آشکار نگشته بود. سایر جلوه‌های فیض خدا صرفاً نمونه یا سایه‌ای از پُری فیض در مسیح هستند. آن فیض‌ها چون شمعی بودند، در مقابل آفتاب درخشان در نیمروز.

۴. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، میان فیض خدا و نجات گناهکاران چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا ما با اعمال نیک و مذهبی و به لیاقت و شایستگی خودمان نجات می‌یابیم یا با فیض خدا؟

الف. افسسیان ۲:۸-۹

نکته: در زبان یونانی، «فیض» و «ایمان» نام‌های مؤنث هستند، ولی ضمیر «این» نه مذکر است و نه مؤنث. بنابراین، ضمیر «این» اشاره به این واقعیت است که کل نجات ما هدیه خدا می‌باشد. در نجات و رستگاری ما، اعمال نیکو و مذهبی انسان نقش ندارد. از این رو، دلیلی وجود ندارد که بخواهیم به خودمان فخر نماییم.

ب. دوم تیموتائوس ۱:۹

نکته: خدا ما را بر مبنای شخصیت و هویتمان یا اعمال و رفتار و کردارمان به نزد خود نخوانده و نجات نداده است، بلکه خدا از آن جهت ما را به نزد خود خوانده و نجات بخشیده است که خودش اراده نموده است حتی پیش از بنیاد عالم ما را نجات دهد. لیاقت و شایستگی یا اعمال نیکو و مذهبی مان ما را نجات نداده است، بلکه فیض خدا به وسیله ایمان به کفارۀ عیسی مسیح ما را رستگار نموده است. کتاب تثنیه ۷:۷-۸ به زیبایی گویای همین حقیقت است. موسی می‌فرماید: «خداوند [یهوه] دل خود را با شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قوم‌ها کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قوم‌ها قلیل‌تر بودید. لیکن از این جهت که خداوند [یهوه] شما را دوست می‌داشت ...» چرا خداوند به قوم اسرائیل محبت نمود؟ چون آنها را دوست داشت! به بیان دیگر، خداوند قوم خود را دوست دارد، زیرا خودش قصد نموده است ما را دوست بدارد. محبت خداوند به ما کار فیض است و بس!

۵. در آیاتی از رسالۀ افسسیان که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، پولس رسول هدف عظیم و ابدی خدا را در نجات گناهکاران توضیح می‌دهد. بر اساس آیات مورد نظر، این هدف را شرح دهید.

الف. افسسیان ۶:۱

نکته: هدف عظیم خدا در نجات گناهکاران این است که لطف خود را آشکار سازد، لطفی که به لیاقت و شایستگی گناهکاران شامل حالشان نمی‌گردد. نجات گناهکاران به ستایش نام خدا می‌انجامد. واژه «فیض» در زبان یونانی *charis* «خاریس» می‌باشد که گویای لطف و نیکخواهی است، به ویژه نسبت به انسان‌های نالایق. عبارت «مستفیض گردانید» در زبان یونانی *charitoo* «خاریتوئو» می‌باشد که به این معنا است: «لطف کردن یا لطف خود را شامل حال نمودن». به شباهت میان واژگان توجه نمایید. به معنای واقعی کلمه، خدا با فیض ما را فیض می‌بخشد! به این جمله‌های مشابه نیز توجه نمایید: «... تا از ما، که اول امیدوار به مسیح می‌بودیم، جلال او ستوده شود» (آیه ۱۲)؛ «... برای فدای آن ملک خاص او، تا جلال او ستوده شود» (آیه ۱۴).

ب. افسسیان ۷:۲

نکته: در سراسر ابدیت، فیض خدا در ایمانداران به میزان کلان افزایش خواهد یافت. در واقع، مهربانی خدا به قومش در مسیح عیسی پیش‌روی کل خلقت آشکار خواهد گشت که همانا عالی‌ترین نمایش و برترین برهان دولت و غنای عالی فیض خدا خواهد بود. در سراسر ابدیت، کل خلقت با مشاهده مهربانی بی‌وقفه خدا به قومش، به واقع، رحمان و رحیم بودن خدا را به چشم خواهد دید. فیض خدا چنان عظیم و چنان سرشار از شگفتی است که حتی ابدیت برای درک آن فیض بسنده نخواهد بود، حتی ابدیت برای ستایش آن فیض کم خواهد بود!

۶. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه باید به فیض خدا که از طریق عیسی مسیح و انجیل مکشوف است پاسخ دهیم؟

الف. رومیان ۶:۱-۲

نکته: عده‌ای ممکن است به این نتیجه برسند که چون ما با فیض خدا نجات می‌یابیم، نه با اعمال خودمان، پس قابل قبول است که در گناه زندگی کنیم و یا حتی بدتر از آن اینکه دایم و بی‌وقفه گناه کنیم تا فیض خدا بیشتر به چشم آید. این طرز تفکر کاملاً خلاف اراده خدا و خلاف هدف و مقصود فیض است.

ب. تیطس ۲:۱۱-۱۳

نکته: پولس رسول در رسالهٔ رومیان ۱:۶-۲ پاسخ نادرست به فیض خدا را که خلاف کتاب مقدس است مشخص می‌نماید. در رسالهٔ تیطس ۲:۱۱-۱۳، او هدف واقعی فیض و پاسخ مناسب به آن را توضیح می‌دهد.

ج. دوم پطرس ۳:۱۸

نکته: خدا سخاوتمندانه به ما فیض بخشیده است (افسیان ۱:۶). حال، چنان که پطرس به ما حکم می‌کند، چگونه در فیض رشد نماییم؟ منظور این نیست که ما به عبارتی کمبود فیض داریم و باید فیض بیشتری به دست آوریم. منظور این است که باید در فیضی که در مسیح به ما عطا شده است رشد نماییم. فیض خدا سیطره‌ای است که ایمانداران اکنون در آن زندگی می‌کنند. به خاطر آشکار شدن فیض خدا در کاری که خدا اینک برای ما انجام داده است، به خاطر کاری که خدا در ما ادامه می‌دهد، به خاطر وعده‌های عظیمی که خدا به ما داده است، و به خاطر حیات و قوتی که خدا برای ما فراهم نموده است، ما می‌توانیم و باید بتوانیم در شباهت پسر خدا رشد کنیم و روز به روز او را خشنودتر نماییم.

د. عبرانیان ۴:۱۶

نکته: تخت داوری خدا (که نتیجهٔ گناهان ما است) به وساطت کار مسیح بر صلیب جلجتا به تخت فیض تبدیل گشته است. به همین دلیل است که می‌توانیم با دلیری و اطمینان به تخت فیض نزدیک آییم. واژه‌ای که در این آیه «دلیری» ترجمه شده است در زبان یونانی *parrhesias* «پارهِسیاس» می‌باشد [pas = همه + rthesis = بیان] که در اصل به آزادی بیان و در نتیجه به اطمینان یا دلیری اشاره دارد. گناهکاری کارگشته و حرفه‌ای در پیشگاه تخت خدا از ترس آب می‌شود، در حالی که یک نوایمان به خاطر مسیح با دلیری و اطمینان به تخت خدا نزدیک می‌آید. به سبب همین اطمینان است که نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان به ما می‌گوید در دعا به تخت خدا نزدیک آییم تا «فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند». البته باز هم این بدین معنا نیست که ما کمبود فیض داریم (افسیان ۱:۶). این بدان معنا است که به سبب فیضی که در مسیح عیسی از آن ما است، باید به حضور خدا آییم و در وقت نیاز از خدا کمک بگیریم و یاری بجوییم. این درست است

که هرچه نیاز داریم به ما داده شده است، اما باید با ایمان و استقامت در دعا به درگاه خدا آن داشته‌ها را به خود اختصاص دهیم. معمولاً، به هنگام نیاز، احساس می‌کنیم بی‌یار و یاور هستیم، چون تقاضایمان را مطرح نمی‌کنیم (یعقوب ۲:۴).

ه. اعمال رسولان ۲۰:۲۴

نکته: این هدف ولای پولس رسول بود. هرچند خواندگی ما، عطایای ما، و خدمت روحانی ما با خواندگی و عطایا و خدمت پولس رسول فرق دارد، ما هم باید همان رویای پولس را داشته باشیم - به انجیل فیض خدا شهادت دهیم.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۰: صبر خدا

واژه «صبر» و «تحمل» به این اشاره دارد که خدا حاضر است ضعف و اشتباه مخلوقاتش را متحمل شود یا ضعف و اشتباه آنها را طاقت آورد. در صبر خدا، محبت خدا به عالی‌ترین شکل آشکار است، به خصوص با توجه به گناهکار بودن انسان. خدا شایسته همه جلال و حرمت و ستایش است. این واقعیت که خدا انسان‌هایی را تحمل می‌کند که دقیقاً خلاف آنچه خدا شایسته‌اش است انجام می‌دهند نشانه عظیمی است که بر بردباری و محبت صبورانه خدا گواهی می‌دهد.

۱. کتاب خروج ۶:۳۴-۷ یکی از چشمگیرترین مکاشفه‌های خدا در عهدعتیق است. در این آیات، خدا نازل می‌شود و اجازه می‌دهد جلالش از موسی گذر نماید. در میانه این رویداد عظیم، خدا درباره خودش و درباره رابطه‌اش با انسان حقایق بسیار اساسی و مهمی را اعلام می‌نماید. در آیه ۶، خدا در مورد صبر و تحمل خودش به موسی و به ما چه می‌فرماید؟

الف. خداوند دیر _____ است.

نکته: اعلان نامبرده در این کتاب‌ها نیز بیان می‌شود: اعداد ۱۴:۱۸؛ نحμία ۹:۱۷؛ مزمور ۸۶:۱۵؛ ۱۰۳:۸؛ ۱۴۵:۸؛ یوئیل ۲:۱۳؛ یونس ۲:۴؛ ناحوم ۱:۳. در کتاب مقدس، تکرار این توصیف درباره خدا هم نشانه اهمیت این صفت است و هم نشانه حقیقت بودن آن - خدا واقعاً صبور است! واژه «خشم» در زبان عبری آف می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «بینی» یا «سوراخ بینی» است. زبانه کشیدن آتش از سوراخ بینی نماد خشم یا غضب است. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که خدا آتش فروبرنده است (تثنیه ۴:۲۴؛ عبرانیان ۱۲:۲۹) و غضب او به سرعت افروخته می‌شود (مزمور ۱۲:۲). با این حال، خشم خدا زمانی به سرعت برافروخته می‌شود که دیگر کاسه صبرش لبریز شده باشد. این وعده‌ها به ما یادآور می‌شوند که اگرچه خدا دیرخشم است، نباید از صبر خدا سوءاستفاده کنیم یا خداوند خدایمان را امتحان کنیم.

۲. به گفته رساله اول پطرس ۳:۲۰، چرا خدا در روزگار نوح در داوری جهان درنگ نمود؟ کدام صفت خدا موجب گشت که او برای داوری قدم پیش نگذارد؟ این اتفاق درباره ذات خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: واژه‌ای که در این آیه «حلم» ترجمه شده است در زبان یونانی *makrothumia* «ماکروتومیا» می‌باشد [*macros* = طولانی + *thumos* = شور، خشم، فوران خشم] و گویای تحمل یا بردباری است. فعل «انتظار می‌کشید» در زبان یونانی ماضی استمراری می‌باشد: خدا منتظر ماند و باز هم منتظر ماند تا مردم توبه کنند. در واقع، در آن صد و بیست سال که نوح به ساختن کشتی مشغول بود، خدا با صبوری بسیار شرارت انسان‌ها را تحمل نمود و سال‌ها به آنها فرصت داد تا توبه کنند.

۳. صبر و تحمل خدا به طور خاص در مهربانی‌اش نسبت به امت اسرائیل به چشم می‌آید. مزمور ۷۸: ۳۶-۴۲ نمونه‌ای قوی در خصوص این حقیقت است. آیات نامبرده را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. به گفته آیات ۳۶-۳۷، چگونه قوم اسرائیل به محبت و مهربانی خدا پاسخ دادند؟

نکته: این متن سه گناه عظیم اسرائیلیان را خاطرنشان می‌سازد. نخست، دلشان با خدا راست نبود. این واژه در زبان عبری کان می‌باشد که به معنای «استوار بودن یا پابرجا بودن» است. آنها در محبت و وفاداری‌شان به خدا ثابت قدم نبودند. دوم، با کلامشان فریب دادند و به خدا دروغ گفتند که احتمالاً عهدشکنی و زیر قول زدن آنها منظور است و به توبه سطحی و ظاهری و ریاکاری‌شان در عبادت و پرستش خدا اشاره دارد. سوم، به عهد خدا پایبند نبودند. عهد خدا با اسرائیل عهدی دوطرفه بود. خدا به وعده‌هایش وفادار ماند، اما قوم اسرائیل به شریعت خدا بی‌اعتنا بودند و از آن اطاعت نکردند.

ب. به گفته آیات ۴۰-۴۲، سایر واکنش‌های اسرائیلیان به محبت و مهربانی خدا چه بود؟

نکته: پنج گناه دیگر به حساب قوم اسرائیل اضافه می‌گردد. نخست، به خدا طغیان کردند. واژه‌ای که برای طغیان به کار رفته است در زبان عبری ماراه می‌باشد که به معنای «ستیزه‌جویی» است. دوم، خدا را محزون کردند. واژه‌ای که برای محزون به کار رفته است در زبان عبری آتساب می‌باشد که به معنای «درد آوردن یا رنجاندن» است. سوم، خدا را آزمودند. واژه‌ای که برای آزمودن به کار رفته است در زبان عبری ناساه می‌باشد. همین واژه در کتاب تثنیه ۱۶:۶ به کار رفته است: «یهوه خدای خود را می‌آزمایید.» چهارم، خدا را رنجاندند. واژه‌ای که برای رنجاندن به کار رفته است در زبان عبری تاواه می‌باشد که به معنای «زخمی کردن» است. پنجم، خدا را فراموش کردند، به دنبال بت‌ها رفتند، و هر کاری که در نظر خودشان درست بود انجام دادند. این گناهان، همراه با گناهان نامبرده در آیات ۳۶-۳۷، چکیده‌ای از ارتداد و رویگردانی قوم اسرائیل از خدا هستند.

ج. به گفته آیات ۳۸-۳۹، چگونه خدا به طغیان و سرکشی تقریباً دایمی قوم اسرائیل پاسخ می دهد؟

نکته: پاسخ خدا به سرکشی قوم اسرائیل در این آیات خلاصه شده است. نخست، خدا به آنها رحم می نماید (آیه ۳۸). دوم، خدا گناهان ایشان را می بخشد (آیه ۳۸). سوم، خدا خشم خود را از آنها باز می دارد (آیه ۳۸). چهارم، خدا دلش به حال ایشان می سوزد و به یاد می آورد آنها انسان های سقوط کرده هستند (آیه ۳۹).

د. با توجه به واکنش های خدا، به زبان ساده توضیح دهید که درباره صبر و تحمل خدا چه می آموزیم؟ چگونه باید این حقایق را در زندگی خودمان به کار ببریم؟

۴. انگیزه خدا از صبوری اش حتی نسبت به کارگشته ترین گناهکاران چه می باشد؟ چرا خدا این قدر صبور است و حاضر است این بشر نامطیع و ناسپاس را تحمل نماید؟ آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد به ما چه تعلیمی می دهند؟

الف. حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲

ب. دوم پطرس ۹:۳

۵. بنا بر رساله رومیان ۴:۲، انسان باید به صبر و تحملی که خدا نسبت به گناهان انسان‌ها نشان می‌دهد چگونه پاسخ دهد؟ گناهکاران در پرتو مهربانی خدا باید چکار کنند؟

نکته: این آیه می‌فرماید خدا در سه امر غنی و دولت‌مند است: (۱) مهربانی. این واژه در زبان یونانی *chrestotes* «خریستوتیس» می‌باشد که بیانگر سخاوت‌مندی، نیکویی، و ملایمت است؛ (۲) صبر. این واژه در زبان یونانی *anoche* «آنوخی» می‌باشد که بیانگر بردباری، تحمل، و تمایل به درنگ نمودن است؛ (۳) حلم. این واژه در زبان یونانی *makrothumia* «ماکروتومیا» می‌باشد که گویای تحمل و بردباری است. همه این صفات‌ها باید دل سخت گناهکاران را آب کنند و آنها را به توبه رهنمون سازند.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۱: خدا خالق است

خدای خالق

یکی از حقایق اساسی و زیربنایی کتاب مقدس و ایمان مسیحی این است که خدا خالق آسمانها و زمین است. خدا قبل از همه چیز وجود داشته است و همه چیز به خاطر خدا هستی دارد. چیزی یا کسی عامل وجود خدا نیست. خدا به دست چیزی یا کسی آفریده نشده است که از خدا بزرگ تر باشد. برعکس، خدا عامل و خالق همه چیز است و هرچه که وجود دارد هستی اش را مدیون خدا است. فقط خدا خالق است. هیچ کس جز خدا خالق نمی باشد.

این باور که خدا همه چیز را در آسمان و بر زمین آفرید باید از اساس و بنیان در هر جنبه از زندگی مان اثر بگذارد. نخست، این باور باید ما را به حیرت وادارد و ما را برانگیزد تا خدا را با ترس آمیخته به احترام بستاییم. این حقیقت که خدای بزرگی وجود دارد که کائنات و مخلوقات بی شمار را آفریده است و بدون آنکه تقلا کند و به اصطلاح عرق بریزد حافظ و نگهدار بقای آنها است از درک و فهم ما خارج است. حرمت و احترام مطلق برانزده چنین خدایی است. اگر گاه به گاه از مشاهده خلقت خدا حیران می مانیم، چقدر بیشتر باید با اندیشیدن به خدا شگفت زده شویم؟ دوم، این باور باید ما را به شکرگزاری و پرستش خدا برانگیزد. اگر خدا ما را نمی آفرید، ما وجود نمی داشتیم. تشکر نکردن از خدا و ستایش نکردن او نهایت غرور و تکبر و ناسپاسی و نمک نشناسی است. سوم، این باور باید ما را فروتن نماید. انسان چیست که خدا او را به یاد آورد؟ ما به این دلیل وجود داریم که خدا ما را آفرید. بدون خدا، ما هیچ هستیم. نمی توان تصورش را نمود که انسان در حضور خدا فروتن نباشد. چهارم، این باور باید به وجود و هستی ما هدف بخشد. ما تصادفی و اتفاقی به وجود نیامدیم. ما حاصل فرضیه تکامل نیستیم. این گونه نیست که طبیعت فرآیندی را طی کرده و انسان به وجود آمده است. خدا بنا بر طرح و تدبیر خود و برای هدف و مقصود و رضامندی خویش ما را آفرید.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در کتاب اشعیا ۴۰:۲۸ نام خدا چیست؟ این نام درباره عظمت خدا به ما چه تعلیمی می دهد؟ این حقیقت باید برای قوم خدا چه مفهومی داشته باشد؟

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد شامل حقایق بسیار مهمی در خصوص خالق بودن خدا می باشند. هر آیه را به دقت مطالعه کنید و به حقایق موجود در آنها توجه نمایید. این آیات درباره خدا به ما چه تعلیمی می دهند؟ این آیات درباره وابستگی و مدیون بودن انسان به خدا به ما چه تعلیمی می دهند؟

الف. پیدایش ۱:۱-۲

نکته: در این آیات واژه «ابتدا» به آغاز خلقت جهان اشاره دارد. سرآغاز خلقت به خدا بازمی‌گردد. بنابراین، این آیه اصل را بر این قرار می‌دهد که خدا از ازل وجود داشته است. واژه «آفرید» در زبان عبری بارها می‌باشد که در کتاب مقدس فقط در مورد خدا به کار می‌رود. حتی والامقام‌ترین فرشتگان در خلقت جهان نقش نداشتند. جهان فقط حاصل طرح و تدبیر خدا است. بنابراین، همه جلال فقط از آن خدا می‌باشد!

ب. نحمیا ۹:۶

نکته: این آیه تأییدیۀ کتاب پیدایش ۱:۱-۲ می‌باشد. آفرینش جهان کار خدا است و بس و پرستش و ستایش برزنده خدا است و بس. اگر لشکرهای آسمان به خاطر آفرینش جهان، که صنعت دست خدا است، در مقابل خدا سر خم می‌کنند، چقدر بیشتر باید انسان فانی در مقابل خدا سر تعظیم و شکرگزاری فرود آورد و با ترس آمیخته با احترام خدا را پرستد!

ج. ارمیا ۱۰:۱۲

نکته: توجه به این نکته مهم است که جهان خلقت نه فقط قدرت خدا را مکشوف می‌نماید، بلکه مکشوف‌گر حکمت خدا نیز می‌باشد. قدرتی که جهان را آفرید و حافظ و نگهدار جهان است قدرتی بی‌نهایت است، اما باید توجه داشت که خدا بی‌آنکه ذره‌ای از قدرت یا قوتش کاسته شود جهان را آفرید. به همین نسبت، پیچیدگی

و ظرافت کوچک‌ترین سلول هوش از سرباهوش‌ترین و فرهیخته‌ترین انسان‌ها می‌برد و آنها را مات و مبهوت وامی‌گذارد. حال آنکه، خلقت کل این عالم فقط نمونه کوچکی از حکمت و بینش خدا است.

د. عبرانیان ۳:۱۱

نکته: الهیدانان معمولاً برای توصیف کار خدا در خلقت جهان این عبارت لاتین را به کار می‌برند: *creatio ex nihilo* «کراتیواکس نیهیلو» که به معنای از نیستی هستی آفریدن است. خدا جهان را با مواد و عناصری که از قبل موجود بودند نیافرید. خدا از نیستی هستی آفرید، به قدرت خودش و برای جلال خودش.

۳. درک این نکته مهم است که خلقت جهان صنعت دست خدای تثلیث است، پدر، پسر، روح‌القدس. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چگونه این آیات درک ما را از این واقعیت افزایش می‌دهند که خدا خالق این جهان و حافظ و نگهدار آن است؟

الف. پیدایش ۱:۱-۲

نکته: واژه «روح» در زبان عبری روآخ می‌باشد که می‌تواند «نفس» یا «باد» هم ترجمه شود. عبارتی که در اینجا «فرو گرفت» ترجمه شده است در زبان عبری راخاف می‌باشد که به معنای «معلق ماندن» است. استدلال شماری از تفسیرگران امروزی این است که در اینجا به باد اشاره می‌گردد، نه به شخص روح‌القدس. حال آنکه، چنین تفسیری با بافت و محتوای متن همخوانی ندارد. باد معلق نمی‌ماند. این آیه به شفافی به صنعت دست شخص روح‌القدس در آفرینش جهان اشاره دارد.

ب. یوحنا ۱:۱-۳

نکته: آیه ۱ این نکته را روشن می‌سازد که کلمه، یعنی پسر خدا، موضوع این آیات می‌باشد. یوحنا از این محکم‌تر نمی‌توانست بر این حقیقت تأکید نماید. هرچه در جهان وجود دارد، بدون استثنا، هستی‌اش را مدیون پسر خدا است.

ج. کولسیان ۱:۱۶

نکته: سه عبارت «در او»، «به وسیله او»، «برای او» در زبان یونانی: (*eis auton*) «ایس آتون» عبارت‌های بسیار مهمی هستند. پسر فقط در آفرینش جهان نقش ندارد، بلکه او هدف و مقصود آفرینش است. هر دو حقیقت به صراحت و روشنی تأیید الوهیت پسر هستند. همه چیز به وسیله پسر و برای حرمت و رضامندی او آفریده شد.

خلقت به وجود خدا شهادت می‌دهد

فرضیه تکامل در تقلا و تکاپو است تا ثابت کند خدا وجود ندارد و این جهان خود به خود و در نتیجه فرآیند طبیعت به وجود آمده است. هرچند فرضیه تکامل در این دوره و زمانه بسیار خریدار دارد، ادعایش با عقل و منطق جور در نمی‌آید و با حقیقتی که کتاب مقدس درباره هستی و وجود ما اعلام می‌نماید در تضاد است. هرگز نباید تقلا کنیم تا میان فرضیه تکامل و دیدگاه کتاب مقدس درباره خالق بودن خدا آتش‌بسی کاذب اعلام نماییم. اگر فرضیه تکامل درست است، پس کتاب مقدس دروغ است. اگر کتاب مقدس حقیقت است، پس فرضیه تکامل چیزی نیست جز تلاش حقارت‌بار انسان برای انکار خدایی که انسان می‌داند وجود دارد. هدف این بخش کوتاه و مختصر این نیست که درباره فرضیه تکامل بحث و گفتگو کند، بلکه حقایق کتاب مقدس را درباره این جهان که خالقش خدا است بیان نماید.

۱. به فرموده مزمور ۱۹:۱-۴، چگونه خلقت به وجود خدا، به قدرت خدا، و به جلال خدا شهادت می‌دهد؟ حقایق مکشوف در این آیات را خلاصه توضیح دهید.

نکته: خلقت زبان ندارد. اما با زیبایی‌ها و پیچیدگی‌هایش اعلام می‌نماید خدا وجود دارد و جلال خدا را بیان می‌نماید. تفسیر عبارت «قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت» آسان نیست. شاید بتوان این‌گونه ترجمه کرد: «صدا یا آوایشان در تمام جهان بیرون رفت.» ترجمه معروف به هفتادتنان (ترجمه قدیمی عهدعتیق به زبان یونانی) به همین شکل ترجمه نموده است.

۲. در رساله عبرانیان ۴:۳ تشبیه بسیار مهمی وجود دارد که می‌تواند در مورد خلقت جهان کاربرد داشته باشد. چگونه این عالم هستی با نظم و ترتیب و با پیچیدگی‌های مخصوص به خودش وجود خدا را ثابت می‌کند؟

نکته: این تفکری پوچ و بی‌معنی است که تصور کنیم یک خانه خود به خود و تصادفی و از روی اتفاق ساخته شده است. خانه‌ای که مراحل ساخت آن به دقت طراحی شده است حتماً معماری هوشمند و بامهارت دارد. پس چقدر بیشتر پیچیدگی‌ها و طراحی ظریف و دقیق این جهان ثابت می‌کند خالق که صاحب حکمتی بی‌نهایت است شخصاً این جهان را با هدفی مشخص آفریده است!

۳. رساله رومیان ۱۸:۱-۲۳ یکی از مهم‌ترین آیات در کتاب مقدس می‌باشد که به حقیقت درباره وجود خدا، آفرینش جهان، و آگاهی انسان از وجود خدا اختصاص دارد. آیات نامبرده را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. رساله رومیان ۱۹:۱-۲۰ درباره شناخت خدا چه شهادتی می‌دهد؟ آیا شواهد و مدارک کافی در دسترس انسان‌ها قرار داده شده است تا آنها به راستی مسوول و پاسخگو باشند؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: کتاب مقدس قبول ندارد و تصدیق نمی‌کند جمعی از مردم بی‌خدا و خدا ناباور هستند، به عبارتی نمی‌دانند یا باور ندارند خدا وجود دارد. کلام خدا به صراحت اعلام می‌نماید همه انسان‌ها می‌دانند خدایی وجود دارد که قدرتش ازلی و ابدی است و او تنها دلیل و توضیح موجه و قابل قبول برای آفریده شدن و وجود داشتن جهان است. این حقیقت در رساله رومیان ۲۱:۱ تأیید می‌شود: «زیرا هر چند خدا را شناختند...» شماری از پژوهشگران معتقدند پولس در اینجا از دو منبع شناخت خدا نام می‌برد. یک منبع این است که همه انسان‌ها در سرشت خود به شکل ذاتی و فطری خدا را می‌شناسند - «آنچه از خدا می‌توان شناخت در ایشان ظاهر است» (آیه ۱۹). منبع دوم این است که با مشاهده اعمال خدا در خلقت می‌توان خدا را شناخت (آیه ۲۰). این منبع دوم عاملی است که منبع اول را تأیید می‌نماید.

ب. بنا بر رساله رومیان ۲۱:۱، به طور کلی، پاسخ بشر به شناخت خدا چیست؟

(۱) او را چون خدا _____ نکردند. این واژه در زبان یونانی *doxazo* «دُکسازو» می‌باشد که به معنای «جلال دادن» یا «محترم و ارجمند شمردن» است. این واژه در وصف تمجید و ستایش و پرستش خدا به کار می‌رود. وقتی انسان نمی‌خواهد وجود خدا را باور کند، محال است بتواند خدا را جلال دهد یا حرمت نهد. توهین و گناه زنده‌تر آنجا است که اعجاب و شگفتی‌های خلقت خدا را یک اتفاق خود به خود و نتیجه فرآیند طبیعت بدانیم. کلام پولس در این آیات مفهوم رومیان ۲۳:۳ را برای ما شفاف‌تر می‌سازد: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» یعنی همه از جلال دادن خدا یا حرمت که براننده خدا است قاصر مانده‌اند.

(۲) تمجید و _____ نکردند. در کتاب اعمال رسولان فصل ۱۷، پولس به اهالی آتن می‌گوید: «خود به همگان حیات و نَفَس و جمیع چیزها می‌بخشد» (آیه ۲۵)؛ «در او زندگی و حرکت و وجود داریم» (آیه ۲۸). به همین دلیل، ناشکری و ناسپاسی انسان به خدا زنده‌ترین و ناخوشایندترین اهانت است.

ج. به گفته رساله رومیان ۲۱:۱-۲۳، پشت کردن انسان به خدا چه نتیجه‌ای دارد؟

نکته: این آیات گویای تاریخ انسان هستند، تاریخ گمانه‌زنی‌های بیهوده، تاریخ حماقت، تاریخ تاریکی اخلاقی و ظلمت عقلانی، تاریخ غرور، تاریخ تکبر، تاریخ بت‌پرستی. ناخوشی و بیماری اخلاقی، عاطفی، روانی، روحانی، و اجتماعی که بلای جان انسان گشته است نتیجه پشت کردن انسان به خدا است.

د. به گفته رساله رومیان ۱۸:۱، دلیل اصلی که انسان به خدا پشت می‌کند و باور ندارد خدا خالق این جهان است چه می‌باشد؟ آیا این مشکلی عقلانی است یا اخلاقی؟

نکته: واژه‌ای که در اینجا «بی‌دینی» ترجمه شده است در زبان یونانی *asebeia* «آسبیا» می‌باشد که بیانگر بی‌حرمتی و بی‌احترامی به خدا است. واژه «ناراستی» در زبان یونانی *adikia* «آدیکیا» می‌باشد که بیانگر انحراف از اراده خدا است. فعلی که در اینجا «بازمی‌دارند» ترجمه شده است در زبان یونانی *katecho* «کاتِخو» می‌باشد که به این معنا است: «محکم نگه داشتن یا عقب نگه داشتن، مانع شدن، محدود کردن، سرکوب کردن». بنابراین، پشت کردن انسان به خدا ریشه اخلاقی دارد. انسان سقوط کرده ناصالح است و در ناراستی زندگی می‌کند و خدای عادل را دوست ندارد. از این رو، حقیقت درباره خدا را سرکوب می‌کند و به اصطلاح خود را به هر آب و آتشی می‌زند که خویشتن را متقاعد کند خدا وجود ندارد.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۲: خدا نگهدار و مالک جهان است

خدا نگهدار است

کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا، علاوه بر اینکه خالق است، حافظ و نگهدار آسمان‌ها و زمین هم می‌باشد. بدون خدا، هیچ چیز وجود نخواهد داشت. اگر خدا حتی یک لحظه از خلقتش روی گرداند، همه چیز نابود خواهد شد. ما هر نفس و هر جنبش خود را مدیون خدا هستیم. همه مخلوقات - از والامقام‌ترین فرشته تا کوچک‌ترین کرم روی زمین - حیاتشان کاملاً به خدا وابسته است. هم انسانی که با تواضع و فروتنی در مقابل خدا سر تعظیم فرود می‌آورد و او را می‌پرستد و هم کسی که مشت خود را به نشانه نافرمانی و سرپیچی از خدا گره می‌کند یک نقطه مشترک دارند: هر دو به قدرت رحیمانه و نگهدارنده خدا زنده هستند و نفس می‌کشند و قدم از قدم برمی‌دارند. هر دو به این دلیل وجود دارند که خدا آنها را آفریده است. هر دو به این دلیل نفس می‌کشند که خدا به آنها نفس بخشیده است. اگر خدا از آنها روی گرداند، جز غباری از آنها باقی نمی‌ماند.

۱. رساله اول تیموتائوس ۱۳:۶ اعلانی بسیار مختصر اما پر قدرت درباره خدا و وابستگی خلقت به او است. این اعلان را نام ببرید و مفهوم آن را توضیح دهید.

الف. آن خدایی که _____ .

ب. این اعلان درباره قدرت خدا و وابستگی مطلق خلقت به خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

۲. کتاب مقدس نه فقط به ما تعلیم می‌دهد خدا جهان را آفرید، این را هم تعلیم می‌دهد که خدا با قدرت خویش، با امانت و وفاداری، نگهدار جهان است. بدون خدا، این عالم هرگز قدم به عرصه وجود نمی‌گذاشت. اکنون نیز اگر خدا حافظ و نگهدار جهان نباشد، این عالم هستی و هر که در این عالم جان در بدن دارد نابود خواهد شد. هستی و وجود همه چیز کاملاً به خدا وابسته است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت عظیم به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. ایوب ۱۰:۱۲

ب. ایوب ۱۴:۳۴-۱۵

ج. مزمو ۲۷:۱۰۴-۳۰

۳. بسیار مهم است که درک نماییم نه فقط آفرینش جهان بلکه بقای جهان در دست خدای تثلیث است، پدر، پسر، روح القدس. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چگونه این آیات درک و بینش ما را از خدای خالق که نگهدار جهان است افزایش می‌دهند؟

الف. کولسیان ۱:۱۷

نکته: واژه «قیام دارد» در زبان یونانی فعلی است به نام *sunistemi* «سونیستی می» [*sun* = با، *hemi* + *histemi* = ایستادن] که می‌تواند به این معنا هم باشد: «متحد گشتن، کنار هم قرار گرفتن، پایدار ماندن». پسر خدا هم خالق همه چیز است و هم حافظ و نگهدار همهٔ مخلوقاتش. او، که کلمهٔ الهی خدا است (یوحنا ۱:۵-۱)، قوام‌بخش وجود همهٔ موجودات و عامل بقای آنها است. از عظیم‌ترین کهکشان تا کوچک‌ترین ذره، همه چیز در پسر پایدار است و قوام و بقا دارد.

ب. عبرانیان ۳:۱

نکته: واژه «حامل» در زبان یونانی *phero* «فرو» می‌باشد که به معنای «به دوش گرفتن یا حمل کردن» می‌باشد. افسانه‌ای یونانی روایت می‌کند که اسطوره‌ای نیرومند به نام «اطلس» به سبب سنگینی وزن جهان که آن را بر دوش گرفته است ناله سر می‌دهد و ما از این داستان حیران و شگفت‌زده می‌شویم. حال آنکه، مسیح فقط با کلامش، با فرمانی ساده، بی‌آنکه تقلا کند و به اصطلاح عرق بریزد، کل عالم هستی را نگه داشته است. جهان با کلمه آفریده شد (پیدایش ۳:۱؛ عبرانیان ۳:۱۱) و با کلمه نیز بقایش حفظ می‌گردد. این است قدرت خدا.

ج. مزمور ۱۰۴:۲۷-۳۰

نکته: در آیه ۳۰، متوجه می‌شویم این جهان ثمره کار پیوسته خدا و قدرت روح خویش است. اگرچه تولد یک نوزاد باید روند و فرآیند طبیعی مخصوص به خود را طی کند، باز هم این تولد صنعت دست خدا می‌باشد. داوود در مزمور ۱۳۹:۱۳ شهادت می‌دهد: «زیرا که تو بردل من مالک هستی؛ مرا در رجم مادرم نقش بستی.» به واسطه قدرت و پویایی و کار حیات‌بخش روح القدس است که پدر و پسر کار خود را در حفظ و نگهداری جهان به انجام می‌رسانند.

۴. در کتاب اعمال رسولان ۱۷:۲۲-۳۱، پولس رسول در کوه معروف به مریخ خطاب به فیلسوفان فلسفه اپیکورین و رواقیین موعظه می‌نماید. این آیات حاوی یکی از عالی‌ترین خطابه‌ها درباره خدا هم در مقام خالق و هم نگهدارنده جهان است. با توجه به آیه‌ای که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، این چهار اعلان برجسته را درباره خدا و وابستگی مطلق انسان به خدا نام ببرید. سپس مفهوم آنها را توضیح دهید.

الف. خدایی که _____ آفرید (آیه ۲۴).

نکته: پولس رسول در ابتدای موعظه‌اش خدا را خالق همه چیز معرفی می‌نماید. خالق بودن خدا شالوده و زیربنایی است که خدا بر مبنای آن می‌تواند بر خلقتش ادعا داشته باشد.

ب. خداوند مالک _____ است (آیه ۲۴).

نکته: خدا، که خالق همه چیز است، حاکمیت و فرمانروایی بر همه چیز حق مسلم او می‌باشد.

ج. به همگان _____ می‌بخشد (آیه ۲۵).

نکته: این حق مسلم خدا است که بر همه چیز ادعای مالکیت داشته باشد، هم به سبب آنکه او خالق همه چیز است و هم به این دلیل که با کرم و سخاوتمندی‌اش حافظ و نگهدار همه مخلوقاتش است. هر نفس، هر ضربان قلب، و «هر بخشندگی نیکو» (یعقوب ۱: ۱۷) از خدا سرچشمه می‌گیرد. در پرتو بخشش سخاوتمندانه خدا و وابستگی مطلق انسان به خدا، هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای برای ناشکری و ناسپاسی انسان پذیرفته نیست.

د. در او _____ داریم (آیه ۲۸).

نکته: گویا این نقل قول از ایپیمینیدس، شاعر اهل کریت، می باشد (حدود ششصد سال قبل از میلاد مسیح) و به سرودی اشاره می کند که مینوس (یکی از شخصیت های اسطوره ای یونان) به پدرش، زئوس، تقدیم می کند. نکته جالب توجه اینجا است که پولس در رساله تیطس ۱:۱۲ دو خط قبل تر از همین سرود را نقل قول می نماید: «اهل کریت همیشه دروغگو و وحوش شریر و شکم پرست بیکاره می باشند.» این درست است که پولس از اشعار یونانیان نقل قول می کند، اما دین و مذهب آنها را که بر پایه پرستش چندین و چند خدا استوار است تأیید نمی کند. او صرفاً با استفاده از زبان و فرهنگی که برای یونانیان آشنا است قصد دارد توجه آنها را به آنچه ناشناخته می پرستند جلب کند (آیه ۲۳) تا از آن روی گردانند و به خدای زنده و حقیقی کتاب مقدس ایمان بیاورند.

خدا، صاحب اختیار همه

خدا خالق و نگهدار همه چیز در آسمان و بر زمین است. بنابراین، اشتباه نیست که خدا بر همه چیز ادعای مالکیت داشته باشد. اگر می خواهیم درباره خدا و جایگاهمان در خلقت خدا درک درستی داشته باشیم، یکی از نخستین حقایق که باید درک نماییم این است که ما صاحب اختیار خودمان نیستیم. ما برای خودمان آفریده نشدیم. ما متعلق به آفریدگارمان هستیم و در پیشگاه خالقمان مسوولیم که در راستای اراده اش و برای جلال و خشنودی او زندگی کنیم.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در کتاب پیدایش ۱۹:۱۴، ۲۲ نام خدا چیست؟ این نام درباره خدا چه حقیقتی را به ما بیان می کند؟

نکته: واژه «مالک» در زبان عبری کانه می باشد که به معنای «گرفتن یا صاحب شدن» می باشد. این واژه در توصیف خدا به کار می رود تا اعلام کند او هم خالق و هم مالک جهان است.

۲. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، دو عبارت از مهم ترین عبارات در کل کتاب مقدس به کار رفته است تا نشان دهد خدا مالک خلقتش است. هر آیه را به دقت مطالعه کنید. سپس حقایق موجود در آنها را توضیح دهید. چگونه این حقایق نمودار ادعای خدا بر خلقتش، به ویژه بر انسان، هستند؟ پاسخ ما باید چه باشد؟

الف. مزمور ۲۴:۱-۲

ب. مزمور ۱۱:۸۹

۳. آیاتی که در ادامه از کتاب ایوب و مزامیر به آنها اشاره می‌گردد کاربردی بسیار مهم را دربارهٔ مالکیت خدا بر جهان به ما نشان می‌دهند. هر آیه را مطالعه نمایید و دیدگاه خود را بنویسید. چگونه باید در پاسخ به حقیقتی که در این آیات تعلیم داده می‌شود زیست نماییم؟

الف. ایوب ۱۱:۴۱

ب. مزمور ۱۰:۵۰-۱۲

خدا نگهدار و مالک جهان است

نکته: حقیقت عظیمی که در آیات این دو کتاب بیان می‌شود این است که چون خدا خالق و نگهدار همه است، از انسان بی‌نیاز است و بدهکار انسان نیست. هرچه ما به خدا بدهیم در اصل از خدا سرچشمه می‌گیرد و خودش صاحب و مالکش است. اینکه خدا از ما می‌خواهد او را عبادت و خدمت کنیم به خاطر نیازمندی‌اش نیست، بلکه تا ما طعم افتخار مشارکت با خدا را بچشیم و شاهد نمایش قدرت او باشیم.

۴. در کتاب تثنیه ۱۰:۱۴-۱۵، هم به عظمت خدا در خصوص خلقتش پی می‌بریم و هم به فیض خدا به قومش. آیات نامبرده را مطالعه نمایید و دیدگاه خود را توضیح دهید.

نکته: یکی از حیرت‌انگیزترین حقایق که در این دو آیه به ما بیان می‌شود شکوه و ابهت خدا در مقام خالق جهان است و فیض شگفت‌انگیز او به قومش. به راستی بس حیرت‌انگیز است که خدای بزرگ به ما ابراز احساسات می‌نماید و ما را دوست دارد!

شناخت خدای زنده

فصل ۳۳: هدف آفرینش

از کتاب مقدس آموختیم که خدا خالق، نگهدار، و مالک برحق خلقتش است. اکنون، به بررسی هدف خدا از آفرینش همه چیز می‌پردازیم. اگر خدا تعهد و الزامی برای آفرینش جهان نداشت، و اگر نیاز نداشت با آفرینش جهان کمبودهای وجودش را پُر سازد، پس هدف الهی آفرینش جهان و خلقت بی‌وقفه انسان‌ها چه بود و چه هست؟ کتاب مقدس به صراحت و بدون هیچ‌گونه عذری اعلام می‌نماید هدف از آفرینش جهان جلال و خشنودی خدا است.

خدای همه کمال‌ها

یکی از حقایق ستایش‌برانگیز درباره خدا، که موجب می‌گردد خاکسار خدا گردیم، این است که او کاملاً از همه چیز بی‌نیاز است، کاملاً خودکفا است، و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست. وجود خدا، انجام اراده خدا، خوشحالی و خشنودی خدا به هیچ کس و هیچ چیز خارج از خودش وابسته نیست. در فصل یازدهم آموختیم خدا تنها وجودی است که به معنای واقعی قائم به ذات و بی‌نیاز است. خدا تنها وجودی است که مستقل و خودکفا و آزاد است و خودش نگهدار وجود خویش می‌باشد. حیات و برکت همه مخلوقات به خدا وابسته است. حال آنکه، هر آنچه لازمه وجود خدا و خوشحالی و خرسندی کامل خدا است در وجود خودش نهفته است. هر تعلیم یا نظریه که مدعی است خدا چون تنها بود یا کامل نبود انسان را آفرید ادعایی پوچ و احمقانه و حتی کفر است. آفرینش جهان نتیجه کمبود خدا نیست. آفرینش جهان ثمره پُری و فراوانی کمالات خدا است.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره قائم به ذات و بی‌نیاز بودن خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ حیات یا وجود خدا از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ آیا خدا به کسی وابسته است؟

الف. مزمو ۹:۳۶

ب. یوحنا ۲۶:۵

نکته: خدا در خودش حیات دارد و خودش برای هر که جان در بدن دارد سرچشمهٔ حیات و نور (یعنی حکمت) است. خدا به کسی وابسته نیست؛ اما همه به خدا وابسته هستند.

۲. بی‌نیاز بودن خدا نمودار عظمت بی‌کران خدا و متعال بودن او بر خلقت و مخلوقاتش است. هستی همه چیز به خدا وابسته است. اما خدا به کسی وابسته نیست. در کتاب اعمال رسولان ۱۷: ۲۲-۳۱، پولس رسول در کوهی به نام مریخ خطاب به فیلسوفان فلسفهٔ اپیکورین و رواقیین موعظه می‌نماید. در آیات ۲۴-۲۵، پولس با سه اعلان بسیار مهم دربارهٔ خدای زنده و حقیقی دیدگاه ناشی از بت‌پرستی آنها را مردود اعلام می‌نماید. آن اعلان‌ها دربارهٔ بی‌نیاز بودن خدا و رابطهٔ خدا با خلقتش به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. خدا در معبدهای ساختهٔ دست انسان‌ها ساکن نمی‌باشد (آیهٔ ۲۴).

ب. خدا از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد (آیهٔ ۲۵).

نکته: نخستین اعلان ثابت می‌کند خدا نیاز ندارد انسان برای او معبد یا خانهٔ خدا بسازد، زیرا خدا خودش جهان را آفریده است و حتی جهان گنجایش خدا را ندارد. دومین اعلان ثابت می‌کند حکم خدا به ما که او را خدمت و عبادت نماییم به این دلیل نیست که خدا نیازمند است. خدمت و عبادت خدا فیض است و بس. خدا به ما این افتخار را می‌دهد که او را بشناسیم، او را خدمت و عبادت نماییم، و کسانی باشیم که خدا لطف خاص خود را شامل حالمان نموده است.

جلال خدا

اگر خدا جهان را به سبب نیازمندی اش نیافرید، پس هدفش چه بود؟ چرا خدا همه چیز را آفرید؟ کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا همه چیز را برای خشنودی و جلال خویش آفرید (یعنی تا عظمت خود را آشکار سازد و مخلوقاتش او را چنان که شایسته و برازنده‌اش است حرمت نهند و پرستش نمایند). شاید این انگیزه در مورد خدا عجیب و حتی کمی خودمحور و خودخواهانه به نظر رسد، اما چنین طرز فکری کاملاً اشتباه است. به این دو گواه توجه نمایید. نخست، خدا باید بر خلقتش متعال باشد. خدا باید در مرکزپندار و فعالیت‌ها و پرستش و نیایش ما قرار داشته باشد. اگر خدا بر ما متعال نباشد، به این معنا است که خدا خدا بودن خویش را انکار می‌کند. دوم، درخشان‌ترین نیکویی خدا به ما و والاترین مهربانی خدا به ما این است که همه چیز را به سمتی هدایت نماید که عظمتش را تمام و کمال به ما آشکار سازد. اگر ارزش، زیبایی، و ابهت خدا بی‌کران است، پس ارزشمندترین، زیباترین، و باابهت‌ترین هدیه‌ای که به ما می‌بخشد این است که جلال خود را به ما نشان دهد.

۱. خدا خالق، نگهدار، و مالک برحق آسمان‌ها و زمین و ساکنان آن است. همه چیز به دست خدا آفریده شده است. همه چیز متعلق به خدا است. همه چیز برای جلال خدا وجود دارد. رساله رومیان ۱۱:۳۶ درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ جمله‌ها را کامل نمایید.

الف. زیرا که _____ او همه چیز است. خدا منشأ آفرینش و سرچشمه حیات است (مزمور ۳۶:۹). جهان هستی‌اش را مدیون خدا است. بدون خدا، هیچ چیز وجود نخواهد داشت. انسان محصول فرضیه تکامل و فرآیند طبیعت نیست که خود به خود به وجود آمده باشد و بدون هدف و مقصودی در جهان پرسیه زند. انسان منشأ و سرچشمه وجود و هستی خویش نیست که بتواند خودکفا و برای خودش زندگی کند. انسان صنعت دست خدا است و باید برای جلال خدا زیست نماید.

ب. زیرا که _____ او همه چیز است. خدا عاملی است که به وسیله او همه چیز آفریده شده است و بقا دارد. اگر خدا حتی یک لحظه از خلقتش روی گرداند، همه چیز آشفته و آشوب می‌گردد. اما با مدیریت و حاکمیتی که کسی بازدارنده‌اش نیست، با حکمت کاوش ناپذیرش، و با قدرت بی‌کرانش، خدا نگهدار همه چیز است و آنها (مولکول‌ها، آدمیزاد، و کهکشان‌ها) را به هدف نهایی که به خاطر آن آفریده شدند هدایت می‌نماید، هدفی که همانا جلال خدا است.

ج. زیرا که _____ او همه چیز است. در این عبارت کوتاه، معنا و مفهوم هستی به چشم می‌آید. خدا برای خشنودی و جلال خویش همه چیز را آفرید و همه چیز را پیش می‌برد، تا عظمت خویش را آشکار سازد و ما چنان که شایسته و برازنده خدا است او را حرمت نهیم و پرستش نماییم.

د. _____ تا ابدالابد _____ . تنها پاسخ مناسب و سنجیده به عظمت خدا این است که او را بالاتراز همه چیز گرامی داریم و بی‌نهایت حرمت نهیم و تمجید و ستایش نماییم. در الهیات، عبارتی مهم به زبان لاتین وجود دارد که توصیفگر این حقیقت است: *solī Deo Gloria* «سلی دئو گلوریا» و به این معنا می‌باشد: «فقط خدا را جلال باد.»

۲. رساله کولسیان ۱:۱۶ نیز بسیار شبیه رومیان ۱۱:۳۶ است، اما به طور خاص اشاره‌اش به پسر خدا است. آیه نامبرده درباره هدف آفرینش به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

الف. زیرا که _____ او همه چیز آفریده شد، همه _____ او آفریده شد. پدر منشأ و سرچشمه همه چیز است (رومیان ۱۱:۳۶). اما پدر همه چیز را به وسیله پسر آفریده است (یوحنا ۱:۳؛ عبرانیان ۱:۲) که واسطه میان پدر و خلقت

می‌باشد. به وسیلهٔ پسر، پدر همه چیز را آفریده است، خودش را به خلقتش مکشوف می‌نماید (یوحنا ۱: ۱۸)، جهان را با خودش آشتی می‌دهد (دوم قرنتیان ۵: ۱۹)، بر جهان سلطنت می‌نماید (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱)، و روزی جهان را داوری خواهد نمود (یوحنا ۵: ۲۲).

ب. همه به وسیلهٔ او و _____ او آفریده شد. تضادی ندارد که بگوییم همه چیز برای جلال و خشنودی پدر و پسر آفریده شده است. به فرمودهٔ کتاب مقدس، پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است (یوحنا ۳: ۳۵) و این ارادهٔ پدر است که پسر را حرمت نهند، همان‌گونه که پدر را حرمت می‌نهند (یوحنا ۵: ۲۳). بنابراین، گفتهٔ رسالهٔ رومیان ۳۶: ۱۱ دربارهٔ هدف آفرینش به پسر نیز مربوط است. کل جهان و قلمروی آن یک هدف اصلی و عظیم دارد: جلال خدا.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۴: پاسخ ما به خالق بودن خدا

فروتنی، و ترس آمیخته با احترام

نخستین پاسخ ما به خالق بودن خدا باید فروتنی و ترس آمیخته با احترام باشد. ما خدا را حرمت می‌نهیم و تشخیص می‌دهیم او در مقام خالق و خداوند و صاحب اختیار همگان بر ما متعال است و نهایت حرمت و ترس آمیخته با احترام برآورنده خدا است. ما خود را فروتن می‌نماییم و جایگاهمان را در حضور خدا تشخیص می‌دهیم و تصدیق می‌نماییم مخلوقی بیش نیستیم، مخلوقی که صاحب و مالکمان خدا است و برای جلال و خشنودی خدا آفریده شدیم. وقتی انسان‌ها رابطه مخلوق را با خالق به درستی درک نمایند، با ترس و لرز آمیخته با حرمت و احترام در حضور خدا به خاک می‌افتند و با همه وجودشان درک می‌کنند واقعاً به کسی که آنها را آفریده است وابسته هستند.

۱. در پرتو قدرت و ابهت حیرت‌انگیز خدا، نخستین واکنش باید حرمت نهادن خدا و ترس آمیخته با احترام به او باشد. مزمور ۳۳: ۶-۹ را مطالعه نمایید. به گفته آیه ۸، ساکنان زمین چگونه باید به قدرت و حکمت بی‌کران خدا که در جهان مکشوف است پاسخ دهند؟

نکته: واژه «ترس» در زبان عبری یارمی باشد. در مورد خدا، این واژه بیانگر نهایت حرمت و احترام برای ذات و شخصیت خدا است، برای آنچه انجام داده است و آنچه انجام می‌دهد. واژه‌ای که در بخش دوم آیه ۸ «بترسند» ترجمه شده است در زبان عبری گارمی باشد که گویای بیم یا هراس است. ترس ما از خدا به این دلیل نیست که گویی در شخصیت یا کارهای خدا تناقض یا مشکل اخلاقی وجود دارد. برعکس، این راستی و درستی ثابت و تغییرناپذیر خدا است - عدالت خدا، قدوسیت خدا، ابهت خدا، قدرت خدا - که از ما می‌طلبد او را با ترس آمیخته با احترام حرمت نهیم.

۲. حرمت و ترس آمیخته با احترام از تواضع و فروتنی جدایی‌ناپذیر است. اگر به راستی ذره‌ای از کمالات بی‌کران قدرت خدا را درک کرده باشیم، خودمان را در حضور خدا فروتن می‌نماییم. مزمور ۸: ۱-۴ را مطالعه نمایید. به گفته آیه ۴، چگونه تفکر و ژرف‌اندیشی مزمورنویس درباره خلقت خدا او را بسی متواضع و فروتن می‌گرداند؟ چگونه این خلُق و خو باید در زندگی تک‌تک انسان‌ها بازتاب یابد؟

پرستش و ستایش

چگونه مخلوق می‌تواند خالق و نگهدار خویش را پرستش نکند؟ بدهی مخلوق به خالق از شمارش خارج است. اگر خدا سخن نگفته بود، آیا چیزی به وجود می‌آمد؟ مگر نه اینکه اگر خدا حافظ و نگهدار خلقتش نبود، همه چیز بی‌درنگ آشفته و آشوب و نابود می‌گشت؟ آیا صورت‌های فلکی و سیاره‌ها بدون خدا می‌توانستند راه خود را پیدا کنند؟ آیا دریاها می‌توانستند حد و مرز خود را نگاه دارند و به خشکی سرازیر نشوند اگر که خدا اختیار آنها را در دست نمی‌داشت؟ اگر خدا اجازه ندهد، آیا انسان می‌تواند حتی یک نفس بیشتر بکشد؟ پس چگونه می‌توانیم خدا را پرستش نکنیم؟ اشتباه نیست که بگوییم هدف اصلی آفرینش، به ویژه آفریده شدن انسان، این است که خدا را که ما را آفریده است پرستیم، خدایی که با قدرت و وفاداری اش حافظ و نگهدار ما است. پرستش خدا بالاترین افتخاری است که به ما داده شده و بزرگ‌ترین مسوولیتی است که بر دوش ما سنگینی می‌کند. وقتی خدا را می‌پرستیم، سرانجام، هدفی را که به خاطرش آفریده شدیم به انجام می‌رسانیم.

۱. به فرموده کتاب مکاشفه ۱۱:۴، چرا خدا شایسته ستایش و پرستش است؟

نکته: صفتی که در این آیه «مستحق» ترجمه شده است در زبان یونانی *axios* «آکسیئوس» می‌باشد که بیانگر چیزی یا کسی بسیار بسیار باارزش است. خدا درخور نهایت ستایش و شکرگزاری و عبادت است.

۲. مزمور ۱۴۸:۱-۱۳ جميع مخلوقات از همه قلمروها را فرا می‌خواند تا خدای خالق خود را بپرستند و بستایند و حرمت نهند و جلال دهند. آیات نامبرده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین‌ها را انجام دهید.

الف. مخلوقات و قلمروهایی را که به پرستش خدا خوانده شده‌اند نام ببرید.

نکته: هدف تمرین مورد نظر این است که نشان دهد زمان و مکان بسنده نیست تا از همه مخلوقات گوناگونی نام برده شود که مدیون ستایش خدا هستند. اگر حیوانات و خزندگان باید خدا را بستایند، چقدر بیشتر، آدمیزاد که بیش از هر مخلوق دیگری به او فیض و جایگاه و امتیاز بخشیده شده است مدیون ستایش و پرستش خدا می باشد؟

ب. به گفته آیات ۵-۶، چرا خلقت باید خدا را بستاید؟

نکته: بنا بر آیه ۶، خدا به حکم مقتدرانه خویش برای خلقتش قانون وضع نموده است. هیچ چیز خارج از اختیار، حکومت، یا فرمانروایی خدا روی نخواهد داد. هیچ بلا و فاجعه‌ای در جهان بدون حکم و فرمان خدا رخ نخواهد داد.

ج. به گفته آیه ۱۳، چرا خلقت باید خدا را بستاید؟

نکته: خلقت خدا شکوه و جلالی وصف ناپذیر دارد. با این حال، ذره‌ای با جلال بی‌کران خود خدا قابل مقایسه نیست. خدا را نه فقط باید (حتی در اصل) به سبب کارهایش ستایش نمود، بلکه باید او را برای ذات و شخصیت و وجودش ستود.

۳. مطالعه‌مان درباره خالق بودن خدا را که حافظ و نگهدار خلقتش است با دو حکم خطاب به همه ساکنان جهان در همه قلمروها پایان می‌دهیم. این حکم‌ها کدامند؟ چگونه باید با توجه به این احکام زیست نماییم؟

الف. مزمور ۲۲:۱۰۳

نکته: واژه «متبارک» در زبان عبری بارک می‌باشد که در کتاب مقدس اغلب گویای بانگ ستایش و شکرگزاری خدا همراه با شور و شوق و شادی است.

ب. مزمور ۶:۱۵۰

نکته: واژه‌ای که در این آیه «تسبیح» ترجمه شده است در زبان عبری هیلل می‌باشد که به معنای «ستایش» است. واژه‌ای هم که «خداوند» ترجمه شده است در زبان عبری یاه یا همان یهوه می‌باشد. واژه «هللوایه» از ترکیب این دو کلمه به وجود آمده است. در زبان عبری، تکرار واژگان و عبارات (همانند این مزمور) امری بی‌نهایت مهم می‌باشد. منظور از تکرارها این است که بر موضوع یا نکته‌ای تأکید ورزد و شدت اهمیت آن را بیان کند.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۵: خدا خداوند و مقتدر بر همگان است

کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا، علاوه بر اینکه خالق و نگهدار جهان است، خداوند و پادشاه مقتدر بر خلقتش نیز می‌باشد. خدا با حکمت کامل خویش، با قدرت بی‌کران خویش، با عدالت مطلق خویش بر همه مخلوقات، عملکردها، و امور و مسایل، از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین آنها، حاکمیت دارد. خدا مختار است بنا بر اراده‌اش و برای جلال و خشنودی خود هر آنچه می‌خواهد انجام دهد. هیچ قدرتی در آسمان و بر زمین نمی‌تواند آنچه خدا اراده و مقرر نموده است باطل کند.

والا بودن خدا

پیش از بررسی حاکمیت و اقتدار خدا، ابتدا باید آموزه‌ای را بررسی نماییم که در درک صحیح ما از خدا نقشی کاملاً مهم و اساسی دارد: والا بودن خدا. واژه «والا» به عالی‌ترین بودن در کمالات، مقام و جایگاه، و اقتدار اشاره دارد. والا بودن خدا به متعال بودن خدا بر خلقتش اشاره می‌نماید.

حقیقتِ والا بودن خدا کاربردهای بسیار مهمی دارد. والا بودن خدا در خصوص شخصیت خدا به این معنا است که خدا نسبت به مخلوقاتش ممتازترین و ارزشمندترین است. والا بودن خدا در خصوص جایگاه خدا به این معنا است که خدا متعال بر جمیع خلقتش است و هیچ‌کس با خدا هم‌رتبه و هم‌جایگاه نمی‌باشد. والا بودن خدا در خصوص هدف خدا به این معنا است که خدا در مرکز و کانون همه چیز قرار دارد و همه چیز را به سوی یک هدف عظیم که همانا جلال خویش است هدایت می‌نماید.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌ها یا لقب‌های خدا چه می‌باشند؟ این نام‌ها درباره‌ی والا بودن خدا و رابطه‌اش با خلقتش، به ویژه با انسان، چه حقیقتی را بر ما مکشوف می‌سازند؟

الف. مزمور ۹:۹۷

نکته: نام «خداوند متعال» در زبان عبری **یهوه الیون** می‌باشد که بیانگر حاکمیت، تعالی، و ابهت یهوه است (مزمور ۱۷:۷؛ مزمور ۲:۴۷). تعلیم کتاب مقدس این است که جز خدای واحد حقیقی خدای دیگری وجود ندارد. در دوران حیات مزمورنویس (همچنین دوران ما)، قوم‌ها و ملت‌ها غرق بت‌پرستی و عبادت خدایان کاذب بودند. پولس رسول می‌گوید در پشت این به اصطلاح خدایان دیوها نهفته‌اند و کسانی که برای این خدایان قربانی تقدیم می‌کنند، در اصل، برای دیوها قربانی می‌کنند (اول قرن‌تین ۲۰:۱۰؛ لایوان ۷:۱۷؛ تثنیه ۱۷:۳۲؛ مزمور ۱۰۶:۳۷).

مزمور ۹۷:۹ می‌فرماید خدا بر همه چیز متعال و مقتدر است، از جمله بر بت‌های ساخته دست انسان‌ها و دیوهای قدرتمندی که خود را پشت آن بت‌ها و به اصطلاح خدایان مخفی کرده‌اند.

ب. اشعیا ۵۷:۱۵

نکته: عبارت‌های «او که عالی و بلند است» و «اسم او قدوس است» هر دو یک حقیقت را درباره خدا بیان می‌کنند. واژه «قدوس» در زبان عبری کادوش می‌باشد که به معنای «جدا شده، نشان‌گشته، کنار گذاشته شده، یا منع شده برای استفاده امور معمولی» است. این واژه در مورد خدا دارای دو مفهوم مهم است: (۱) خدا متعال بر خلقت خویش است و (۲) خدا از فساد و تباهی مخلوقات خویش جدا می‌باشد.

۲. پس از بررسی نام‌های الهی که نمودار والا بودن خدا هستند، اکنون به یکی از زیباترین اعلان‌های کتاب مقدس درباره والا بودن خدا می‌پردازیم. کتاب اول تواریخ ۱۱:۲۹ را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. شش صفت و حقی که متعلق به خدا است کدام هستند؟

- (۱) _____ . این واژه در زبان عبری گِدولاه می‌باشد. عظمت خدا لقبی نیست که به خدا داده شده باشد، بلکه صفتی جاودانه و تغییرناپذیر است. خدا همیشه بی‌نهایت عظیم‌ترین بوده است و عظیم‌ترین خواهد بود.
- (۲) _____ . این واژه در زبان عبری گِووراه می‌باشد که بیانگر قوت و قدرت است. در قلمروی قدرت، هیچ‌کس همتای خدا نیست. اگر کل قدرت‌های جهان یک لشکر گردند تا مقابل تخت سلطنت خدا بایستند، همچون پشه ریزی هستند که می‌خواهد با سر خود به هزاران هزار سنگ خارا ضربه زند. چه بیهوده! چه بی‌فایده!
- (۳) _____ . این واژه در زبان عبری تیغاره می‌باشد که گویای زیبایی است. این واژه اغلب در توصیف شکوه جامه‌ها و درخشش جواهرات به کار می‌رود. مدهوش‌کننده‌ترین زیبایی‌های خلقت در مقایسه با آن کسی که خالق همه چیز است سایه‌ای تاریک بیش نیستند.
- (۴) _____ . این واژه در زبان عبری نِتزاخ می‌باشد که بر اساس بافت و محتوایی که در آن به کار می‌رود می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. در یک متن، می‌تواند به معنای پیروزی یا قوت باشد و در متن دیگر ممکن است گویای چیزی یا کسی باشد که همیشگی یا پایدار است.
- (۵) _____ . این واژه در زبان عبری هُد می‌باشد که بیانگر شکوه، حرمت، زیبایی، یا توان است.

خدا خداوند و مقتدر بر همگان است

(۶) _____ . این واژه در زبان عبری مملخواه می‌باشد که بیانگر مملکت‌داری، حاکمیت، سلطنت، و فرمانروایی است. نبوکدنصر، پادشاهی بت‌پرست، در وصف خدا چنین اعلام می‌نماید: «سلطنت او سلطنت جاودانی و ملکوت او تا ابدالابد است و جمیع ساکنان جهان هیچ شمرده می‌شوند و با جنود آسمان و سکنه جهان بر وفق اراده خود عمل می‌نمایند و کسی نیست که دست او را بازدارد یا او را بگوید که چه می‌کنی؟» (دانیال ۴: ۳۴-۳۵).

ب. به زبان ساده، توضیح دهید چگونه این شش صفت نمودار والا بودن خدا بر همگان می‌باشند؟

ج. پس از آنکه کتاب اول تواریخ ۱۱:۲۹ عظیم و والا بودن خدا را بر همه چیز اعلام می‌نماید، کلام خود را با جمله‌ای بسیار مهم درباره خدا پایان می‌دهد. خدا برای خودش چه می‌کند؟ این حقیقت درباره خدا و والا بودنش بر همه چیز برای ما چه پیغامی دارد؟

نکته: چرا اشکالی ندارد که خدا بر همه سر و متعال باشد؟ پاسخش دو بخش دارد. نخست، خدا لایق‌ترین است که بر خلقتش والاترین و برترین باشد. اگر خدا والایی و متعال بودنش را بر ما انکار کند، گویی خدا بودنش را انکار می‌نماید. دوم، درخشان‌ترین نیکویی خدا به ما و والاترین مهربانی خدا به ما این است که او بر همگان سر و متعال باشد که البته هم چنین است. یک نفر باید بر جهان حاکم باشد. این به سود و خیر و صلاح ما است که قدوس‌ترین، عادل‌ترین، بامحبت‌ترین، و قدرتمندترین وجود در جایگاه برحق خویش حاکم و فرمانروا باشد و این حاکمیت و فرمانروایی را به وجودی کمتر از خودش واگذار نکند.

۳. در پایان مطالعه‌مان درباره‌ٔ والا بودن خدا، آیاتی بسیار مهم را از کتاب مزامیر بررسی می‌نماییم. مزمور ۱۱۳: ۴-۶ درباره‌ٔ والا بودن مطلق خدا بر کل خلقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: در آیه ۶، چنین می‌خوانیم: «و متواضع می‌شود تا نظر نماید بر آسمان‌ها و بر زمین.» این آیه یکی از شکوهمندترین آیات کتاب مقدس است. این آیه بدین معنا است که خدا به قدری پرجلال است، به قدری عالی و برتر است، و به قدری زیبا است که باید نزول نماید (یعنی خودش را فروتن کند) تا چشمان خویش را از زیبایی خویش بردارد و به مخلوقات یا چیزهای دیگر بنگرد. کل زیبایی‌های آسمان و زمین با هم در مقایسه با جلال خدا هیچ هستند.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۶: لقب‌های حاکمیت خدا

در تفکر و لحن بیان کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرّف شخصیت آنها است و گویای حقایق بسیار مهمی دربارهٔ ایشان می‌باشد. کتاب مقدس حاوی نام‌ها و لقب‌های فراوانی است که حقایق مهمی را دربارهٔ صفت‌ها و عملکردهای خدا بیان می‌کنند. با مطالعهٔ این نام‌ها، می‌توانیم خدا را بیشتر و بنیادی‌تر بشناسیم. در ادامهٔ این فصل، مهم‌ترین نام‌ها و لقب‌هایی را بررسی می‌نماییم که نمودار اقتدار و حاکمیت مطلق خدا بر کل جهان می‌باشند.

خداوند

مشخص‌ترین لقبی که در کتاب مقدس در وصف حاکمیت خدا به کار می‌رود **خداوند** است. این لقب توصیف‌گر کسی است که بر دیگری برتری و اقتدار دارد. وقتی این لقب در توصیف خدا به کار می‌رود، به اقتدار و حاکمیت مطلق او بر کل جهان اشاره می‌نماید. مهم است که تشخیص دهیم لقب «خداوند» علاوه بر اینکه گویای حقیقت دربارهٔ خدا است، رابطهٔ انسان با خدا را هم تعریف می‌نماید. اگر خدا خداوند است، پس انسان تابع و گوش به فرمان او است.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرّف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌ها یا لقب‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. _____ تمامی _____ (مزمور ۹۷:۵). لقب «خداوند» در زبان عبری **آدونای** می‌باشد و یک نام جمع است که مفرد آن **آدون** است. این واژه هم گویای ارباب و سرور بودن است و هم صاحب و مالک بودن. در کتاب مقدس، این نام در حالت جمع همواره در مورد خدا به کار می‌رود تا بر این حقیقت تأکید نماید که خدا **خداوند** مطلق همه چیز است، بدون استثنا.

ب. به ضد _____ (دانیال ۵:۲۳). **خداوند** بودن خدا و حاکمیت و اقتدارش فقط به این کرهٔ خاکی محدود نیست، بلکه به دورترین نقاط کائنات می‌رسد و کل جهان را در بر می‌گیرد - جهان مادی و روحانی.

ج. او _____ است (اعمال رسولان ۱۷:۲۴). واژهٔ «خداوند» در زبان یونانی **kurios** «کورئوس» می‌باشد. در طرز تفکر یونانیان، این واژه می‌تواند به شخصی والامقام و صاحب قدرت و یا به وجودی ماورای طبیعی (یعنی یکی از خداوندگاران) اشاره داشته باشد. در ترجمهٔ معروف به هفتادتنان (ترجمهٔ عهدعتیق به زبان یونانی)، به جای نام عبری **یهوه** واژهٔ «خداوند» به کار رفته است. در عهدجدید نیز واژهٔ «خداوند» گویای نام «خدا» می‌باشد. شایان توجه است که واژهٔ **kurios** بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی در اشاره به عیسی مسیح به کار می‌رود.

د. خدای خدایان و _____ (تثنیه ۱۰:۱۷؛ مزمور ۱۳۶:۳؛ اول تیموتائوس ۶:۱۵؛ مکاشفه ۱۷:۱۴؛ ۱۶:۱۹). در آیات نامبرده در عهدعتیق، لقب «خداوند» در زبان عبری **آدونای** می‌باشد. در آیات عهدجدید، واژهٔ «خداوند» در زبان یونانی **kurios** «کورئوس» می‌باشد. خداوندگاران موجود در آسمان‌ها و بر زمین - چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت‌ها و سلطنت‌ها و ریاسات و قوات - خدای حقیقی **خداوند** همهٔ آنها است!

ه. خدای خدایان و خداوند _____ (دانیال ۲: ۴۷). همان تفسیر می‌تواند بارها و بارها به کار رود - هر پادشاه و هر خداوندگاری که در هر گوشه و کنار این عالم وجود داشته باشد، می‌توانیم یقین داشته باشیم که خدا با اقتدار و قدرت مطلق و قاطع خویش بر آنها حکمرانی می‌نماید.

۲. بر اساس حقایقی که با بررسی لقب‌های نامبرده مطرح گشت، حقیقت خداوند بودن خدا را مختصر توضیح دهید و بگویید که خداوند بودن خدا برای همه انسان‌ها، به ویژه برای ایمانداران به مسیح، چه معنا و مفهومی دارد؟ کتاب‌های ملاکی ۱: ۶ و لوقا ۴۶: ۶ آیتی درخور توجه و بررسی در این زمینه می‌باشند.

پادشاه

پادشاه لقبی بسیار نزدیک به لقب خداوند است. شاید هیچ لقب دیگری به این اندازه قدرت نداشته باشد که گویای حاکمیت، قدرت، سلطنت، بزرگ‌منشی، و اقتدار و شکوه و ابهت باشد. در کتاب مقدس، خدا پادشاه کبیر کل عالم است که با والاترین جلال و شکوه سلطنت می‌نماید. تخت پادشاهی خدا در آسمان است، زمین قدمگاه او است، و سلطنتش تا ابد جاوید.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرّف شخصیت آنها است. در آیاتی از عهد عتیق که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. زیرا _____ پادشاه تمامی _____ است (مزمور ۲: ۴۷، ۷؛ ملاکی ۱: ۱۴). خدا یکی از پادشاهان کبیر نیست که بر منطقه‌ای از جهان سلطنت می‌کند. خدا آن پادشاه کبیر است که بر کل جهان سلطنت می‌نماید، بی‌آنکه کسی مانع اقتدارش شود یا حوزه اختیارات او را محدود کند!

ب. _____ را تسبیح و تکبیر و حمد می‌گویم (دانیال ۴: ۳۷). حتی پادشاهی بت پرست، همچون نبوکدنصر، تشخیص می‌دهد وسعت سلطنت خدا به زمین محدود نیست، بلکه به دورترین نقاط عالم می‌رسد و کل جهان را در بر می‌گیرد - جهان مادی و روحانی.

ج. پادشاه _____ بر جمیع _____ (مزمور ۱: ۹۵-۳). تعلیم کتاب مقدس این است که جز خدای واحد حقیقی خدای دیگری وجود ندارد. پولس رسول می‌گوید در پشت این به اصطلاح خدایان دیوها نهفته‌اند و کسانی که برای این خدایان قربانی تقدیم می‌کنند، در اصل، برای دیوها قربانی می‌کنند (اول قرنیتیان ۱۰: ۲۰؛ لایوان ۱۷: ۷)؛

تثنیه ۱۷:۳۲؛ مزمور ۱۰۶:۳۷). مزمور ۹۵ می‌فرماید خدا بر همه چیز سلطنت می‌نماید، از جمله بر بت‌های ساخته دست انسان‌ها و دیوهای قدرتمندی که خود را پشت آن بت‌ها و به اصطلاح خدایان مخفی کرده‌اند.

۲. در آیاتی از عهدجدید که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌ها یا لقب‌های خدا چه می‌باشند؟

الف. ای پادشاه _____ (مکاشفه ۱۵:۳-۴). در سراسرتاریخ بشر، امت‌ها به قدرت رسیده‌اند و با اقتدار مطلق و مسلم بر دیگران سلطنت نموده‌اند (بابِل، روم، و غیره). اما خدا پادشاه کل امت‌ها و ملت‌ها است و با اقتدار مطلق بر آنها سلطنت می‌نماید. اشعیا نبی اعلام می‌نماید که در مقایسه با خدا، «امت‌ها مثل قطرهٔ دلو و مانند غبار میزان شمرده می‌شوند» (اشعیا ۴۰:۱۵).

ب. رب‌الارباب و _____ (اول تیموتائوس ۱۵:۶-۱۶؛ مکاشفه ۱۷:۱۴؛ ۱۶:۱۹). ما، ایمانداران به مسیح، باید پادشاهان جهان و همهٔ دولتمردان و صاحب‌منصبان را احترام بگذاریم و برای آنها دعا کنیم (رومیان ۱:۱۳؛ اول تیموتائوس ۲:۱-۲). با این حال، باید بدانیم این جهان فقط یک پادشاه حقیقی دارد و در نهایت باید به او وفادار باشیم و از او پیروی نماییم. حقایق آیات نامبرده باید موجب گردند کلیهٔ دولتمردان و سیاستمداران خویشان را در حضور خدا فروتن نمایند و تسلیم اراده‌اش شوند.

ج. باری، پادشاه _____، خدای حکیم و حید (اول تیموتائوس ۱:۱۷). در اینجا، پادشاه الهی با سه صفت توصیف می‌گردد که نمودار والایی و برتری او بر همهٔ به اصطلاح پادشاهان است. (۱) سَرْمَدی [جاودانی] - این واژه در زبان یونانی *ton aionon* «تُن آی اُنن» می‌باشد («از دوران‌ها»). منظور این است که خدا پادشاه همهٔ زمان‌ها و دوران‌ها است. هر قدر در تاریخ به عقب بازگردیم یا هر قدر به جلو پیش رویم، می‌بینیم که خدا پادشاه است. (۲) باقی - این واژه در زبان یونانی *aphthartos* «آفتارتوس» می‌باشد که به این معانی است: «فناناپذیر، فسادناپذیر، زوال‌ناپذیر». حتی نام‌آورترین و قدرتمندترین پادشاهان جهان می‌میرند و به خاک بازمی‌گردند. با مرگشان، سلطنتشان به پایان می‌رسد، پیکرشان فاسد می‌شود و از بین می‌رود، و از نوزادی که در فقر و تهیدستی به دنیا می‌آید ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌گردند. اما خدا باقی و جاوید است. خدا نایب سلطنت و جانشین ندارد. دوران سلطنت خدا هیچ‌گاه با رأی‌گیری پایان نمی‌یابد. خدا هرگز نمی‌میرد تا کسی دیگر پس از او پادشاه گردد. خدا جاوید پادشاه خواهد بود و ما باید همواره با او روبه‌رو باشیم. (۳) نادیده - این واژه در زبان یونانی *aoratos* «آئورائس» می‌باشد و بیانگر این واقعیت است که خدا روح است و از این‌رو مانع یا محدودیت فیزیکی ندارد و حتی قدرتمندترین حاکمان و صاحب‌منصبان نمی‌توانند برای او مانع و محدودیت ایجاد کنند.

۳. بر اساس حقایقی که با بررسی لقب‌های نامبرده مطرح گشت، حقیقت پادشاه بودن خدا را مختصر توضیح دهید و بگویید که پادشاه بودن خدا برای همهٔ انسان‌ها، به ویژه برای ایمانداران به مسیح، چه معنا و مفهومی دارد؟

مقتدر، فرمانروا، سرور

سه لقب الهی مقتدر، فرمانروا، و سرور به روشنی و شفافگی گویای اقتدار مطلق خدا بر خلقتش هستند. لقب «مقتدر» در زبان لاتین پیشوندی به نام *super* «سوپر» می‌باشد که به معنای «بر» یا «بالا» است و به کسی اشاره دارد که با اقتدار بر دیگران حکومت می‌نماید. لقب «فرمانروا» در زبان لاتین فعلی به نام *regere* «ریگر» می‌باشد که به معنای «هدایت به راه راست یا راهنمایی کردن» است و به کسی اشاره دارد که معیاری را بنا می‌گذارد و مسیری را با اقتدار خویش تعیین می‌نماید. لقب «سرور» در زبان لاتین *magnus* «مگنوس» می‌باشد که به معنای «عظیم» یا «بزرگ» می‌باشد و به کسی اشاره دارد که بر چیزی اختیار یا سلطه دارد، همانند آموزگاری که در رشته خاص و مشخصی تخصص دارد یا مالکی که صاحب اختیار املاکش است یا حاکمی که بر تابعانش حکمرانی می‌نماید. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، می‌آموزیم که خدا یگانه مقتدر، فرمانروا، و سرور کل جهان است.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟ این نام‌ها درباره حاکمیت و اقتدار خدا چه حقیقتی را به ما بیان می‌کنند؟

الف. آن _____ و _____ وحید (اول تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶). واژه‌ای که در اینجا قادر ترجمه شده است در زبان یونانی *dunastes* «دوناستس» می‌باشد که بیانگر حاکم یا فرمانروای پر قدرت است. این واژه با *dunamis* «دونامیس» هم خانواده است که گویای قدرت یا نیرو می‌باشد. این واژه معمولاً توصیفگر کسی است که با اقتداری که در اختیارش گذاشته شده و به او واگذار گشته است حکومت می‌نماید. اما در مورد خدا چنین نیست. خدا با حق و قدرت خودش سلطنت می‌نماید. واژه «متبارک» در زبان یونانی *makarios* «ماکاریوس» می‌باشد و گویای این حقیقت است که وجود خدا سرشار از برکت، شادی، و رضایت کامل و بی‌وقفه می‌باشد.

ب. بر _____ آدمیان _____ (دانیال ۴: ۱۷). واژه «حکمرانی» در زبان آرامیک شالیت می‌باشد و گویای کسی است که سلطه و تسلط دارد و حکومت می‌نماید. واژه «ممالک» در زبان آرامیک مالکومی‌باشد و بیانگر مملکت یا قلمرو است. خدا فقط بر تک تک افراد یا مملکت‌ها سلطنت نمی‌نماید، فرمانروایی او تا کل قلمرویی که بشر در آن سکونت دارد وسعت می‌یابد. خدا همه چیز را به سوی هدف دلخواه خویش هدایت می‌نماید.

ج. _____ واحد و خداوند ما را (یهودا ۴؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۱؛ دوم پطرس ۲: ۱). واژه‌ای که در اینجا آقا ترجمه شده است در زبان یونانی *despotes* «دِسپِتِس» می‌باشد که بیانگر مالکیت یا سروری مطلق است. این واژه در زبان قدیم یونانی به معنای آقای خانه بود که خانه را با اقتدار مطلق اداره می‌نمود. با گذشت زمان، این واژه توصیفگر کسی شد که صاحب اقتدار نامحدود است یا حتی یک سیاستمدار خودکامه می‌باشد - یک مستبد. امروز، این واژه اغلب در معنای منفی به کار می‌رود، به این دلیل ساده که قدرت مطلق انسان سقوط کرده را به فساد مطلق می‌کشاند (برگرفته از نقل قول تاریخ‌دان انگلیسی، به نام جان دالبرگ آکتون: «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق فساد مطلق»). اما، زمانی که این واژه در ترجمه عهدعتیق به زبان یونانی و در عهدجدید در توصیف خدا به کار می‌رود، اصلاً معنای منفی ندارد، چرا که خدا فسادناپذیر است. خدا صاحب برحق و خداوند آفریده‌هایش است. قدوسیت و عدالت خدا تضمین می‌نمایند که او همواره با انصاف و عدالت مطلق از اقتدار مطلق خویش استفاده

لقب‌های حاکمیت خدا

می‌کند. واژه *despotes* شش بار در عهدجدید در اشاره به خدا به کار رفته است (لوقا ۲:۲۹؛ اعمال رسولان ۴:۲۴؛ دوم تیموتائوس ۲:۲۱؛ دوم پطرس ۲:۱؛ یهودا ۴؛ مکاشفه ۶:۱۰). در رساله دوم پطرس ۲:۱ و یهودا ۴ این واژه به طور خاص به عیسی مسیح اشاره دارد.

۲. براساس حقایقی که با بررسی لقب‌های نامبرده مطرح گشت، حقیقت حاکمیت یا سروری مقتدرانه خدا را مختصر توضیح دهید و بگویید که این حقیقت برای همه انسان‌ها، به ویژه برای ایمانداران به مسیح، چه معنا و مفهومی دارد؟

شناخت خدای زنده

فصل ۳۷: وسعت حاکمیت خدا

معمولاً، پرسیده می‌شود: «محدوده فرمانروایی خدا تا کجا است؟ آیا مخلوق یا عملکردی وجود دارد که در محدوده فرمانروایی خدا جای نداشته باشد؟» پاسخ کتاب مقدس شفاف است: هر آن که جان در بدن دارد، همه مخلوقات، همه رویدادهای تاریخ در قلمروی حکومت مقتدرانه خدا جای دارند. خدا بر همه چیز سلطنت می‌نماید و هیچ چیز، از جمله انسان، خارج از مرزهای سلطنت او قرار ندارد. این حق مسلم و منحصر به فرد خدای خالق و نگهدار خلقت است که بنا بر اراده و خشنودی خویش بر کل قلمروها و کل مخلوقات سلطنت نماید. خدا آنچه دلخواهش است انجام می‌دهد. قدرتی در آسمان و بر زمین یا در جهنم وجود ندارد که بتواند آنچه خدا مقرر نموده است تغییر دهد یا مانع از انجامش گردد.

۱. آنچه در ادامه به آنها اشاره می‌گردد شماری از مهم‌ترین اعلان‌ها در کتاب مقدس درباره اقتدار و حاکمیت مطلق خدا است. هر آیه را به دقت مطالعه نمایید. سپس حقایق موجود در آنها را توضیح دهید. این حقایق درباره وسعت حاکمیت خدا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. مزمور ۱۱:۳۳

نکته: نام بردن از «قلب خدا» آرایه‌ای ادبی است که در آن ویژگی‌های انسان را به خدا نسبت می‌دهند [در زبان یونانی: *anthropos* = انسان + *morphe* = قالب]. به بیان دیگر، خدا ویژگی‌های انسان را به خود نسبت می‌دهد تا حقیقتی را درباره خودش به شکلی بیان نماید که برای انسان قابل فهم باشد. منظور از تدبیرهای دل خدا حکم‌ها و فرمان‌های قطعی و تغییرناپذیر او است.

ب. مزمور ۱۹:۱۰۳

نکته: عبارت «استوار نمود» در زبان عبری فعلی به نام کان می باشد که به معنای «پایدار نمودن، قطعی نمودن، یا مستحکم نمودن» است. تخت سلطنت خدا و حکم‌ها و فرمان‌های مقتدرانه او جنبش‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر هستند.

ج. مزمور ۱۱۵:۳

نکته: عبارتی که در اینجا «اراده نمود» ترجمه شده است در زبان عبری فعلی به نام خافترمی باشد که به این معنا است: «مسرور بودن در، یا رغبت داشتن به». الهیدانان یک صدا بر این باورند که در اینجا خشنودی و رضایت خدا منظور است، بدان معنا که خدا فقط بر مبنای منطق و استدلال و محاسبه و برآورد تصمیم نمی‌گیرد و عمل نمی‌کند. تصمیم‌ها و کارهای خدا هرگز دمدمی مزاج و سبک‌سرانه نیستند. خدا کاری را انجام می‌دهد که با قدوسیتهش و عدالتش و محبتش سازگار باشد. این‌گونه است که او شادمان و مسرور می‌گردد.

د. مزمور ۱۳۵:۶

نکته: با اشاره به آسمان و زمین و دریا، به سبک شاعرانه به کل جهان هستی اشاره می‌شود، تمام و کمال و بدون استثنا. در اینجا، نویسنده مزمور با اشاره به «همه لجه‌ها» در توصیف خود حتی فراتر هم می‌رود. فرمانروایی مقتدرانه خدا به عبارتی هر گوشه و کنار جهان را در بر می‌گیرد.

ه. افسسیان ۱:۱۱

نکته: در اینجا، فعل «می‌کند» در زبان یونانی *energeo* «انرگئو» می‌باشد که هم گویای کار کردن است و هم نیرو و توان و کارایی. خدا همه چیز را بنا بر اراده خود به انجام می‌رساند، با کارایی کامل و نیرو و توانی نامحدود.

۲. این حقیقت که خدا هر آنچه اراده می‌کند و موجب خشنودی اش است در هر نقطه از جهان به جا می‌آورد نه فقط شهادتی بر حاکمیت و اقتدار او است، بلکه بر قادر مطلق بودن خدا هم شهادت می‌دهد. خدا صاحب قدرت مطلق است. بنابراین، مخلوق یا قدرتی وجود ندارد که بتواند رو در روی خدا بایستد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. دوم تواریخ ۶:۲۰

ب. ایوب ۱۳:۲۳

نکته: واژه «واحد» در زبان عبری *ایخاد* می‌باشد که به معنای «یک» است. این واژه احتمالاً در قالب اصطلاحی متداول در زبان به کار می‌رود، نه اینکه بتوان آن را واژه به واژه و به مفهوم واقعی کلمه معنا کرد (برای نمونه، مثل «سگ می‌زند، گربه می‌رقصد» کنایه از شلوغی و آشفتگی و بی‌نظمی است، نه رقصیدن سگ و گربه!). آیه نامبرده گویای این حقیقت است که خدا تغییرناپذیر است. به کار بردن واژه «دل» نیز یک آرایه ادبی است (یعنی به کار بردن ویژگی‌هایی که مخصوص انسان است). برای خدا هیچ چیز محال نیست. برای خدا هیچ چیز وجود ندارد که بنا بر خواست و اراده اش نتواند به آن دست یابد. برای خدا همه چیز در دسترس است.

ج. امثال سلیمان ۲۱:۳۰-۳۱

۳. درک این نکته مهم است که میان حاکمیت خدا و توانایی خدا برای پیش‌دانی و پیشگویی آینده رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. کتاب اشعیا ۹:۴۶-۱۰ درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: بسیاری از ایمانداران، به اشتباه، توانایی خدا را در پیشگویی آینده به دانایی مطلق او ربط می‌دهند، بی‌آنکه به حاکمیت خدا بیندیشند. اما این متن (آیه ۱۰) نشان می‌دهد نه فقط چون خدا دانای مطلق است کاملاً از آینده باخبر است، بلکه چون خدا حاکم مطلق است و اقتدار او مطلق است. خدا از ابتدا تا انتهای هر رویدادی را مشخص نموده و همه چیز را بنا بر آنچه مقرر نموده است پیش می‌برد! دلیل آنکه خدا از آینده باخبر است این نیست که دالان زمان را کندوکاو می‌کند تا ببیند در آینده چه اتفاقی روی می‌دهد و امور چگونه پیش می‌روند. خدا آینده را می‌داند، چون خودش نویسنده آینده است و همه چیز را با برنامه‌ریزی خودش پیش می‌برد!

۴. کتاب دانیال ۴:۳۴-۳۵ یکی از درخشان‌ترین اعلان‌های کتاب مقدس درباره حاکمیت خدا بر خلقتش است. خلاصه‌ای از آیاتی را که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد بیان کنید و توضیح دهید هر یک از این بخش‌ها درباره حاکمیت خدا چه تعلیمی می‌دهند.

الف. سلطنت او سلطنت جاودانی و ملکوت او تا ابدالابد است (آیه ۳۴).

نکته: اگر سلطنت خدا جاودانی نبود یا اگر حتی کم‌ترین احتمالی وجود می‌داشت که از قدرت خدا کاسته می‌شد یا کسی تخت پادشاهی خدا را به زور و اجبار صاحب می‌گشت، چه دشوار می‌بود که قومش به او اعتماد کنند! این واقعیت که شخصیت و حاکمیت خدا تغییرناپذیر هستند باید یقین و اطمینان ما را به وعده‌ها و تدبیرهای خدا بیشتر و بیشتر گرداند. این حقیقت باید دشمنان خدا را وادارد تا پرچم سفید را بالا بگیرند و پیش از آنکه دیر شود، اعلام صلح نمایند.

ب. جمیع ساکنان جهان هیچ شمرده می‌شوند (آیه ۳۵).

نکته: باید حواسمان باشد لحن این کلام را با توجه به بافت کل متن درک نماییم. منظور از عبارت نامبرده این نیست که خدا خلقتش را حقیر می‌شمرد یا به آفریده‌هایش اهمیت نمی‌دهد. یکی از حیرت‌آورترین حقایق کتاب مقدس این است که خدا به قدری بزرگ است که حاضر است به خاطر ما خودش را فروتن نماید. مزمورنویس نیز با شگفتی و حیرت می‌پرسد: «انسان چیست که او را به یاد آوری و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟» نکته آیه ۳۵ در فصل ۴ کتاب دانیال این است که در مقایسه با عظمت و بزرگی خدا، کل جهان هیچ است.

ج. با جنود آسمان و سکنه جهان بر وفق اراده خود عمل می‌نماید (آیه ۳۵).

د. کسی نیست که دست او را بازدارد یا او را بگوید که چه می‌کنی؟ (آیه ۳۵).

نکته: حقیقتی که در این آیه بیان می‌شود حقیقتی بس با قدرت است. نیرویی در آسمان یا بر زمین وجود ندارد که بتواند دست خدا را بازدارد. حکمتی وجود ندارد که بتواند خدا را زیر سوال ببرد یا به اصطلاح به خدا نشان دهد حکمت خدا اشتباه است یا نقصی در آن وجود دارد!

شناخت خدای زنده

فصل ۳۸: پاسخ ما به حاکمیت خدا

خدا خداوند و پادشاه مقتدر جهان است. خدا بر همه مخلوقات، عملکردها، و امور و مسایل، از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین آنها، حاکمیت دارد. خدا مختار است بنا بر اراده‌اش و برای جلال و خشنودی خود هر آنچه می‌خواهد انجام دهد. هیچ قدرتی در آسمان و بر زمین نمی‌تواند جلودار آنچه خدا اراده و مقرر نموده است باشد. پاسخ انسان به چنین خدایی باید چه باشد؟ پاسخ کتاب مقدس شفاف و روشن است: باید او را با ترس آمیخته به احترام حرمت نهیم و پرستش نماییم. وقتی حاکمیت یا سرور و صاحب اختیار بودن خدا به درستی درک شود، همه انسان‌ها در حضور خدا به خاک می‌افتند و تصدیق می‌کنند فقط خدا شایسته است که جهانیان او را با ترس آمیخته به احترام حرمت نهند، از او اطاعت کنند، او را پرستند، او را بستایند، و او را حمد و سپاس گویند.

ترس آمیخته با احترام، و اطاعت نمودن

نخستین پاسخ انسان به حاکمیت خدا باید ترس آمیخته با احترام، و اطاعت نمودن باشد. ترس آمیخته با احترام به خدا به این معنا است که تشخیص دهیم او در مقام خداوندمان والامقام‌ترین است، او را بی‌نهایت حرمت نهیم، و خاکسارش باشیم. چنین منش و خلق و خویی همواره به اطاعت می‌انجامد. حاکمیت و اقتدار پایه‌گذار رابطه‌ای است که بنا بر آن یک نفر بر دیگری اقتدار دارد. اگر به راستی حاکمیت خدا را قبول داریم، با حرمت فراوان و ترس آمیخته با احترام خودمان را تسلیم اراده خدا می‌نماییم.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره حرمت فراوان و ترس آمیخته با احترام خالص و بی‌ریا به خدا، که خداوند و تنها فرمانروای مقتدر بر جهان است، به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

الف. مزمور ۲:۴۷

نکته: در این آیه، خدا سه لقب دارد: خداوند، متعال، خدای بزرگ. هر یک از این سه لقب به تنهایی بسنده هستند تا در ما این حس را برانگیزند که با ترس آمیخته به احترام، بی‌نهایت، خدا را حرمت نهیم. حال، که هر سه با هم به کار رفته‌اند، چقدر بیشتر باید سبب‌ساز این ترس و احترام در ما گردند؟ واژه‌ای که در اینجا «مهیّب» ترجمه شده است در زبان عبری یارمی باشد که در این متن گویای حیرت، هیبت، و ترس آمیخته با احترام است.

نکته: فراخوان برای ترس از خدا (در زبان عبری: یاری)، که شایسته او است، در میان سه انگیزه برجسته دیگر بیان می‌شود: عظمت قوت او (آیه ۶)، عظمت حاکمیت او (آیه ۷)، عظمت حکمت او (آیه ۷). همچنین به این نکته توجه نمایید که این آیات با اعلانی آغاز می‌گردند و پایان می‌یابند که اعلام می‌نماید خدا بی‌مانند است. هیچ‌کس مانند خدا نیست. بنابراین، فقط باید از خدا ترسید. «کیست که از تو نترسد؟» پرسشی است که پاسخ آن واضح و بدیهی می‌باشد. در پرتو ذات و شخصیت خدا، تنها پاسخ منطقی به خدا ترس آمیخته با احترامی است که بسیار برازنده او است.

نکته: داریوش پادشاه بت‌پرست امپراتوری هخامنشیان بود. اما، با مشاهده نجات دانیال نبی به دست خدا، داریوش می‌فهمد که خدای اسرائیل تنها خدای حقیقی است. او از نجات دانیال از چاه شیران به دست خدا چنان به وجد می‌آید که خطاب به کلیه تابعان خود در امپراتوری وسیعش فرمانی صادر می‌کند و به همگان حکم می‌نماید خدای دانیال را حرمت نهند. به فرمان داریوش، مردم باید به این دلایل از خدای دانیال بترسند: (۱) او خدای زنده است، برعکس بت‌های بی‌جان و سنگی که غیریهودیان آنها را می‌پرستیدند؛ (۲) سلطنت مقتدرانه او جاویدان است؛ (۳) او نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و معجزات می‌نماید، برعکس خدایان دروغین امت‌ها که نه خیر و برکت دارند و نه قادرند کسی را مجازات و داوری کنند.

ب. تثنيه ۱۰:۲۷

نکته: در زبان عبری، عبارت «از خداوند اطاعت نما» به مفهوم واقعی کلمه به این معنا است: «صدای خداوند را بشنوا» واژه «بشنو» در زبان عبری *שמع* می باشد که معنایش فراتر از «شنیدن» است. این شنیدن شامل گوش سپردن به کلامی است که شخص شنیده است، به عبارتی، اطاعت کردن از کلامی که شنیده است. ما از طریق کلام خدا و فرمان‌های مشخصی که به ما می دهد صدای خدا را می شنویم.

ج. اعمال رسولان ۲۹:۵

نکته: شورای یهود به پطرس و سایر رسولان حکم می کند دیگر به نام مسیح به مردم تعلیم ندهند. رسولان پاسخ می دهند باید از خدا اطاعت کنند. ایمانداران به مسیح باید به دولت و دولتمردان خود احترام بگذارند و از دستورها و حکم‌های آنها اطاعت نمایند (رومیان ۱۳:۱-۷). ولی، زمانی که حکم و دستور انسان‌ها با حکم و دستور خدا در تضاد است، ایمانداران باید از حکم و دستور خدا اطاعت کنند.

د. یعقوب ۲۲:۱

نکته: واژه «فریب» در زبان یونانی *paralogizomai* «پارالوگیزومای» می باشد [*para* = در مقابل، در تضاد + *logizomai* = شمارش] که به این معنا است: «شمارش اشتباه، محاسبه اشتباه، استدلال اشتباه، یا فریب و نیرنگ».

پاسخ ما به حاکمیت خدا

۴. در ماجراهای کتاب مقدس و در زندگی روزانه خودمان شاهد این خطر هستیم که هرچند اعتراف می‌کنیم خدا خداوندمان است، اما رفتار و کردار و زندگی مان برعکس اعترافمان است. پاسخ خدا به کسانی که پوچ و توخالی به خداوندی او معترفند چیست؟

الف. ملاکی ۶:۱

ب. لوقا ۴۶:۶

ج. متی ۲۱:۷

نکته: این آیه بدین معنا نیست که با انجام اعمال نیکو و مذهبی می‌توان نجات یافت و رستگار شد. حقیقت این است که آنانی که ایمان آورده و نجات یافته‌اند مطیع اراده پدر خواهند بود. ایمان ما باعث نمی‌شود در دوران حیاتمان زندگی کامل و بی‌عیبی داشته باشیم، ایمان ما به زندگی ختم می‌شود که با قدرت خدا تغییر یافته است. به بیان دیگر، اعمال ما ثمره ایمان ما است. از این رو، اعمال ما سند اصالت ایمانمان است (یعقوب ۲:۱۴-۲۶).

پرستش، ستایش، نیایش

اگر انسان‌ها بر این باورند که شایسته است به پادشاهان و حاکمان این جهان، که عمرشان فانی و سلطنتشان آسیب‌پذیر و موقت است، حرمت نهند و احترام گذارند، چقدر بیشتر باید پادشاه جاوید را حرمت نهاد که سلطنتش تا ابد پایدار و جاودانه است! هرچند پادشاهان و آقایان بسیاری وجود دارند، فقط خدا شاهنشاه و خداوند خداوندان است. فقط او والا و متعال بر کل جهان است و با اقتدار مطلق که کسی نمی‌تواند سد راه آن شود سلطنت می‌نماید. ساکنان زمین در حضور خدا همچون ملخ هستند. امت‌ها قطره‌ای در سطل آب و غباری بر کفه ترازو هستند. خدا قدرت حاکمان و پادشاهان را به هیچ می‌رساند و تصمیم‌های قدرتمندترین نیروهای اهریمنی و انسان‌ها را باطل می‌گرداند. هیچ حکمت، ادراک، و تدبیری یارای مقابله با خدا را ندارد. خدا همه چیز را موافق رأی و تدبیر اراده کامل و بی‌نقص خویش پیش می‌برد و مخلوقی در آسمان یا بر زمین وجود ندارد که بتواند دست او را بازدارد یا او را بگوید «چه می‌کنی؟» بنابراین، خدا باید در کانون همه پرستش‌ها و ستایش‌ها و نیایش‌های ما قرار داشته باشد.

مزمور ۱-۹۹: ۵ یکی از باشکوه‌ترین اعلان‌های عهدعتیق درباره پرستشی است که براننده خدا، که خداوند و پادشاه است، می‌باشد. آیات نامبرده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

۱. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه خدا توصیف می‌شود؟ این توصیف‌ها درباره خدا چه حقیقتی را در خصوص سلطنت مقتدرانه او بر جهان به ما بیان می‌کنند؟ جمله‌ها را کامل نمایید.

الف. خداوند _____ (آیه ۱). این واژه در زبان عبری **مالاخ** می‌باشد که به این معنا است: «پادشاه بودن یا سلطنت نمودن در مقام پادشاه». خدا پادشاه کبیر کل عالم است (مزمور ۲: ۴۷، ۷؛ ملاکی ۱: ۱۴)، خدا پادشاه آسمان است (دانیال ۴: ۳۷)، خدا پادشاه کبیر بر جمیع خدایان است (مزمور ۱-۹۵: ۳)، خدا شاه شاهان است (اول تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶).

ب. بر _____ می‌فرماید (آیه ۱). درباره این فرشتگان اطلاعات کمی داریم. ممکن است آنها نیز مانند سرافین (اشعیا ۶: ۲-۳) از فرشتگان والامقام هستند. اما خدا، که خالق، نگهدار، و خداوند آنها است، متعال بر این فرشتگان است.

ج. خداوند در صهیون _____ است (آیه ۲). صفتی که در اینجا به کار رفته است در زبان عبری **گادُل** می‌باشد. معنای این واژه نسبی است. شماری از مردم خودشان را در مقایسه با دیگران بزرگ می‌پندارند. اما خدا بی‌نهایت عظیم‌تر از کل خلقت می‌باشد.

د. او بر جمیع قوم‌ها _____ است (آیه ۲). این واژه در زبان عبری **رام** می‌باشد که می‌تواند «والا، متعال، یا جداگشته» ترجمه شود. اشعیا نبی به ما می‌گوید زمین قدمگاه خدا است (اشعیا ۶۶: ۱) تا چشم‌اندازی به ما نشان دهد که خداوند چقدر متعال است.

ه. اسم او _____ و _____ است (آیه ۳). واژه «مهیّب» در زبان عبری **یارمی** می‌باشد که به معنای «هراس یا ترس آمیخته با احترام» است. ترس از خدا به این دلیل نیست که گویی در شخصیت یا کارهای خدا تناقض وجود دارد، بلکه به سبب عظمت و قدوسیت خدا باید ترس او را در دل داشته باشیم.

پاسخ ما به حاکمیت خدا

و. او _____ است (آیه ۳). این واژه در زبان عبری کادوش می باشد که به این معنا است: «جداشده، نشان گشته، کنار گذاشته شده، یا منع شده برای استفاده امور معمولی.» این واژه در مورد خدا دست کم دارای دو مفهوم مهم است: (۱) خدا متعال بر خلقت خویش است و (۲) خدا از فساد و تباهی مخلوقات خویش جدا می باشد.

۲. چگونه سلطنت خدا در آیه ۴ توصیف می گردد؟ ویژگی های سلطنت مقتدرانه خدا بر جهان چه می باشند؟ چگونه این حقایق باید بر زندگی ما تأثیر بگذارند؟

نکته: مشخصات سلطنت خدا قدرت خدا است و اینکه او دوستدار انصاف است و داوری اش با عدل و راستی نشان می باشد. این حقایق باید یقین و اطمینان و احساس امنیت را در ایمانداران افزایش دهند و یاغیان و سرکشان را به توبه وادارند تا از راه های خود بازگردند و طالب آشتی با خدا باشند.

۳. بنا بر آیاتی که در ادامه از مزمور ۹۹:۱-۵ به آنها اشاره می گردد، چگونه آدمیان باید به آنچه خدا درباره خودش و سلطنت مقتدرانه اش بر خلقتش مکشوف نموده است پاسخ دهند؟

الف. آیه ۱

نکته: تأکید بر این نکته مهم است که این ترس و لرز بدین دلیل نیست که گویی در شخصیت خدا تناقض وجود دارد که باعث شود او دمدمی مزاج باشد و نتوان به او اعتماد نمود. برعکس، ما باید از شگفتی عظمت و ابهت بی کران خدا لرزه بر انداممان افتد! توجه نمایید که فقط انسان ها نباید بلرزند، بلکه کل جهان باید متزلزل گردد!

ب. آیه ۳

نکته: واژه‌ای که در اینجا «حمد» ترجمه شده است در زبان عبری **یاداه** می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «انداختن یا افکندن» می‌باشد. این واژه به معنای اعتراف یا ستایش است. به عبارتی، حمد و ستایش به این معنا است که اعتراف نماییم آنچه خدا دربارهٔ خودش به ما مکشوف نموده است حقیقت می‌باشد.

ج. آیه ۵

نکته: واژه‌ای که در اینجا «تکریم» ترجمه شده است در زبان عبری **رام** می‌باشد که «والا بودن» یا «جداگشته» نیز معنا می‌شود. در آیه ۲ می‌آموزیم که خدا متعال بر آدمیان است. پس چگونه می‌توان او را بیشتر از آن که هست والا گردانیم و تمجید نماییم؟ تمجید نمودن خدا به این معنا است که تشخیص دهیم و اعتراف نماییم او بر کل جهان متعال می‌باشد.

شناخت خدای زنده

فصل ۳۹: خدا قانون‌گذار است

پس از پرداختن به حقیقت خداوند بودن خدا، اکنون، به این مقام او که قانون‌گذار و داور جهان است می‌پردازیم. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا پادشاه قدوس، عادل، و بامحبت است که به فکر خیر و صلاح و سعادت خلقتش می‌باشد. پس بسیار بجا و برحق است که چنین پادشاهی باید بر خلقتش سلطنت نماید، انصاف و عدالت را به جا آورد، نیکوکاری را پاداش دهد، و شرارت را مجازات نماید. به فرموده کتاب مقدس، خدا اراده‌اش را به همه انسان‌ها مکشوف نموده است و همه آدمیان را بنا بر معیاری که برای آنها مشخص کرده است داوری خواهد نمود. کل مخلوقات باید بدانند خدا آنها را بر اساس دقیق‌ترین و موشکافانه‌ترین معیارهای عدل و انصاف داوری خواهد نمود. همواره باید در نظر داشته باشیم که داوری خدا بر انسان‌ها هرگز بی‌توجیه یا بی‌رحمانه نیست. برعکس، داوری خدا بر انسان‌ها قطعاً حاصل شخصیت قدوس و عادل خدا است و این داوری لازمه سلطنت خدا می‌باشد. خدایی که از داوری شرارت و پلیدی صرف نظر کند خدای نیکو و عادل نیست. جهانی که در آن شرارت مهار و داوری نگردد دیری نمی‌گذرد که خودش به دست خودش ویران خواهد شد.

خدای قانون‌گذار

کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خالق و خداوند مقتدر این عالم قانون‌گذار و داور اعظم نیز می‌باشد. خدا قوانین اخلاقی را وضع نموده است و همه انسان‌ها باید زندگی خود را بنا بر آن قوانین شکل دهند. انسان‌ها برای اطاعت یا ناطاعتی‌شان از آن قوانین به خدا پاسخگو هستند. به فرموده کتاب مقدس، انسان آفریده نشد تا خودمختار یا خودفرمان باشد [در زبان یونانی: $autos = خود = autos + nomos = قانون$]، بلکه تا گوش به فرمان خدا باشد، تابع قانون خدا باشد [در زبان یونانی: $theos = خدا + nomos = قانون$].

خدای قانون‌گذار و داور هم قدوس و هم عادل است. قدوسیت خدا حاکی از آن است که خدا از هر آنچه ناپاک و نامقدس و گناه‌آلود است جدا می‌باشد. عدالت خدا به عدل و انصاف بودن جمیع اعمال خدا و داوری‌هایش اشاره دارد. این صفت‌ها تضمین می‌نمایند که قانون خدا همواره صحیح و سنجیده و حق است و داوری‌هایش همواره کامل و بی‌نقص و برحق می‌باشند. کارهای خدا همیشه درست است. در روز داوری، همه انسان‌ها می‌توانند خاطر جمع باشند که خدا آنها را کاملاً منصفانه داوری خواهد نمود. حتی محکومان سر تعظیم فرود می‌آورند و اعلام می‌کنند داور کل عالم آنها را عادلانه داوری نموده است.

۱. در کتاب اشعیا ۲۲:۳۳، خدا صاحب سه مقام بسیار مهم معرفی می‌گردد. هر یک از این سه مقام حقیقتی را درباره شخصیت و عملکرد خدا و رابطه ما با او بیان می‌کنند. این سه مقام را نام ببرید و حقیقت موجود در هر مورد را مختصر توضیح دهید.

الف. خداوند _____ ما است.

نکته: این واژه در زبان عبری شافاط می باشد که اشاره به قاضی یا والی و فرماندار است، کسی که برای قضاوت و داوری تصمیم می گیرد یا حکم داوری را به اجرا درمی آورد. کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد خدا برای عاقبت و ابدیت تک تک انسان ها تصمیم می گیرد.

ب. خداوند _____ ما است.

نکته: این واژه در زبان عبری خاکاک می باشد که به این معنا است: «بریدن، حک کردن، تراشیدن، ثبت کردن.» به عبارتی، این واژه به معنای حکم صادر نمودن، قانون وضع کردن، یا فرمان دادن است. خدا شریعت خود را بر روی سنگ (خروج ۳۱:۱۸) و بر دل انسان حک نمود (رومیان ۲: ۱۴-۱۵). زمین و آسمان از بین می روند، اما حتی کوچک ترین حرف شریعت خدا از بین نخواهد رفت (متی ۵: ۱۸). با همین شریعت خدا همه انسان ها داوری خواهند گشت.

ج. خداوند _____ ما است.

نکته: این واژه در زبان عبری میلخ می باشد که بیانگر حاکم یا پادشاه است. خدا بر اساس شریعتش بر قلمروی پادشاهی خویش سلطنت می نماید و شهروندان پادشاهی اش (یعنی تک تک انسان ها) را بر اساس شریعتش داوری خواهد نمود. خدا پادشاه، قانون گذار، و داور است. همه انسان ها از این پادشاه سرکشی و از قانون او سرپیچی کرده اند و در پیشگاه تخت داوری اش محکوم هستند. حال، برای آنکه نجات بیابیم، به یک کاهن نیاز داریم که به جای ما قربانی تقدیم نماید، به یک نبی نیاز داریم تا ما را از مسیر اشتباهمان به راه راست و به

حقیقت هدایت نماید، به یک پادشاه نیاز داریم تا سرپیچی و خطای ما را ببخشد. فقط مسیح صاحب این سه مقام با هم است. او کاهن ما است، او نبی ما است، او پادشاه ما است.

۲. رسالهٔ یعقوب ۱۲:۴ گویای حقیقتی بی‌نهایت مهم دربارهٔ خدا است. این آیه دربارهٔ خدا و دربارهٔ رابطهٔ ما با او به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: علاوه بر آنکه این آیه تأیید می‌کند خدا قانون‌گذار و داور است، جدی بودن این مقوله را هم به ما نشان می‌دهد. داوری نهایی مشخص می‌نماید کل انسان‌ها چه سرنوشت ابدی خواهند داشت. این موضوع را نباید سطحی نگریست. در روز داوری نهایی، فقط دو حکم یا دو رأی وجود خواهد داشت: (۱) نجات ابدی در آسمان یا (۲) مرگ و هلاکت ابدی در جهنم. اگر قوانین و قضاوت‌های انسان‌ها را جدی می‌گیریم، چقدر بیشتر باید دغدغهٔ قانون و داوری‌های خدا را در دل داشته باشیم! عیسی مسیح ما را چنین هشدار می‌دهد: «و از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نی‌اند بیم مکنید، بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم» (متی ۱۰:۲۸).

زیربنای شریعت خدا

چرا خدا اعلام می‌نماید که برخی امور درست و برخی امور اشتباه هستند؟ آیا مواد شریعت خدا قانون و قاعدهٔ مشخصی ندارد؟ آیا همهٔ این فرمان‌ها و ممنوعیت‌ها به دلیل خاص و مشخصی وضع شده‌اند؟ ماهیت واقعی یا به عبارتی جانِ کلام شریعت چیست؟ اینها پرسش‌هایی بسیار مهم می‌باشند. اگر قرار است شریعت خدا را به درستی درک کنیم، باید آن را به دقت بررسی نماییم. مطالبی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد می‌توانند به درک ما از شریعت خدا کمک نمایند.

۱. **خدا خالق قائم به ذات است، او نگهدار جهان و خداوند همگان است.** این حق مسلم خدا است که بر همهٔ مخلوقاتش که نگهدارشان است سلطنت کند و آنها را داوری نماید. این حق مسلم خدا است که قوانین خود را وضع نماید و مخلوقاتش را به آن قوانین پاسخگو نگاه دارد.

۲. **خدا تنها مبنا و معیار اصول اخلاقی است.** چرا برخی کارها خوب و برخی کارها بد هستند؟ مبنا و معیار اینکه تشخیص دهیم کدام کار درست است و کدام کار اشتباه چه می‌باشد؟ کتاب مقدس می‌فرماید خدا نیکو است. هرچه مانند خدا است (یعنی همخوان و هماهنگ با شخصیت خدا است) خوب و نیکو است و هرچه مانند خدا نیست (یعنی مخالف یا متضاد با شخصیت خدا است) بد و شریر است. بدون خدا قانونی وجود نخواهد داشت، درست و اشتباه وجود نخواهد داشت، و معیاری برای خوبی و بدی وجود نخواهد داشت.

۳. **قوانین خدا جلوه‌گر ذات و شخصیت خدا هستند.** قوانین خدا یک سری اصول و قواعد بی‌نظم و بی‌ترتیب نیستند که خدا تصادفی و بی‌تفکر آنها را وضع نموده باشد. قوانین خدا بازتاب شخصیت او هستند، بازتاب قدوسیتش، عدالتش، گرم و

سخت‌تر از آن است، و بازتاب هزاران صفت دیگر. گاه، حتی وقتی مسیحیان از قانون سخن می‌گویند، گویی مجموعه‌ای از اصول و قواعد جهانی و ابدی را در ذهن دارند که مستقل از خدا هستند و حتی خدا خودش هم تابع آن اصول و قواعد است. اما این طرز تفکر درست نیست! خدا خودش همه قوانین را وضع نموده است و قوانینی که وضع نموده است جلوه‌گر ذات و شخصیت او هستند.

۴. اصل و اساس شریعت خدا این است که بیش از همه چیز و همه‌کس او را دوست داشته باشیم و دیگران را همچون خودمان محبت نماییم. عیسی مسیح به صراحت تعلیم می‌دهد که این حکم جان کلام و هدف اصلی کل قوانین الهی است که به انسان حکم گشته است (مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱). آگاهی از اینکه خدا را باید بالاتر از هر چیز و هر کسی دوست داشته باشیم و همسایه خود را همچون خویشتن محبت نماییم در دل تک‌تک انسان‌ها نوشته شده است و کاربردهای آن (یعنی این محبت نمودن شامل چیست) تمام و کمال و روشن و مشخص در کتاب مقدس شرح داده شده است (یعنی بت پرست نباشیم، دزدی نکنیم، قتل نکنیم، و موارد دیگر).

شریعت در کتاب مقدس مکشوف است

شریعت خدا در کتاب مقدس به انسان معرفی گشته است. در صفحات کتاب مقدس، می‌آموزیم که انسان باید خدا را بیشتر از هر چیز و هر کسی دوست داشته باشد و ممنوع خود را همچون خویشتن محبت نماید. همچنین در کتاب مقدس است که کاربردهای این محبت تمام و کمال و روشن و مشخص شرح داده شده است: ما با نپرستیدن بت‌ها، با دزدی نکردن، با قتل نکردن، و با بسیاری کارهای دیگر محبتمان را به خدا ابراز می‌نماییم (خروج ۱۷: ۱-۲۰). در سراسر کتاب مقدس، این مکاشفه مکتوب شریعت بیشتر و بیشتر آشکار می‌گردد. این مکاشفه از کتاب پیدایش شروع می‌شود و در عهد جدید به کمال می‌رسد. از کتاب پیدایش تا کتاب مکاشفه، اراده خدا هم مکشوف می‌گردد و هم شرح داده می‌شود. به همین دلیل، پولس رسول در رساله دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ می‌نویسد:

«تمامی کتب از الهام خدا است و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است.»

اگرچه مکاشفه خدا از شریعتش در همه بخش‌های کتاب مقدس مکشوف است، اراده خدا برای رفتار و کردار انسان‌ها با قدرت و شفافیت خاص در دو مناسبت در تاریخ کتاب مقدس مشخص می‌باشد: (۱) ده فرمان و عهد و پیمان قدیم که به واسطه موسی در کوه سینا به قوم اسرائیل عطا گشت (خروج ۱۷: ۱-۱۸)؛ (۲) آمدن خداوند عیسی مسیح - واپسین کلام نهایی خدا به بشر (عبرانیان ۱: ۱-۲).

مکاشفه شریعت در دل‌ها

ما آموختیم خدا آن قانون‌گذار اعظم است که همه انسان‌ها را بنا بر شریعت خویش داوری خواهد نمود. اما این حقیقت پرسشی بسیار مهم و دردسرافزین به ذهن می‌آورد: «چگونه خدا می‌تواند همه انسان‌ها را بنا بر شریعت خویش داوری نماید، حال آنکه جماعت انبوهی از مردم هنوز این افتخار را نداشته‌اند کتاب مقدس را که این شریعت در آن ثبت است بشناسند؟» به فرموده کتاب مقدس، خدا معیار اخلاقی ثابت و تغییرناپذیر خود را به دو طریق مجزا به انسان مکشوف نموده است: (۱) او اراده خود را از طریق احکام و فرمان‌های کتاب مقدس، با جزییات، به شماری از انسان‌ها مکشوف نموده است؛ (۲) او اراده خود را از طریق شریعتی که در دل‌ها نوشته است به همه انسان‌ها مکشوف نموده است. در هر دو مورد، مکاشفه شریعت خدا کافی و بسنده است تا همه انسان‌ها بدون استثنا در روز داوری عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. کسانی که این افتخار را داشته‌اند که کتاب مقدس در اختیارشان باشد بنا بر کلام خدا داوری خواهند گشت. آنانی که فقط از تأثیر شریعتی که در

دل‌هایشان نوشته شده است برخوردار بوده‌اند بنا بر همان مکاشفه شریعت داوری خواهند شد. هر انسانی بنا بر آنچه بر او مکشوف گشته است داوری خواهد گشت. کلام خدا در انجیل لوقا ۱۲: ۴۷-۴۸ می‌فرماید:

«اما آن غلامی که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده او عمل نماید تازیانۀ بسیار خواهد خورد. اما آنکه نادانسته کارهای شایسته ضرب کند تازیانۀ کم خواهد خورد و به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.»

۱. همان‌طور که پیش از این عنوان شد، چون خدا قانون‌گذار اعظم است که همه انسان‌ها را بنا بر شریعت خویش داوری می‌نماید، اکنون، با پرسش دشواری روبه‌رو هستیم: «چگونه خدا می‌تواند همه انسان‌ها را بنا بر شریعت خویش داوری نماید، حال آنکه جماعت انبوهی از مردم هنوز این افتخار را نداشته‌اند کتاب مقدس را که این شریعت در آن ثبت است بشناسند؟» رسالۀ رومیان ۲: ۱۲ پاسخ به این مشکل را شفاف و روشن برای ما توضیح می‌دهد.

الف. به گفته رسالۀ رومیان ۲: ۱۲، کل انسان‌ها به دو دسته جداگانه تقسیم می‌شوند. این دو دسته کدامند؟

(۱) آنانی که _____ شریعت گناه کنند. در اینجا، به طور مشخص اشاره به غیریهودیان یا بت‌پرستانی است که از شریعت عهد قدیم که خدا از طریق موسی در تورات (پنج کتاب اول در کتاب مقدس) مکشوف نموده است بی‌خبرند. در بُعد گسترده‌تر، این عبارت به کسانی در سراسر تاریخ اشاره دارد که این افتخار را نداشته‌اند با جزییات شریعت خدا، که در احکام و فرمان‌های مکتوب در کتاب مقدس ثبت است، آشنا باشند و بدون این شناخت روزگار گذرانده و از دنیا رفته‌اند.

(۲) آنانی که _____ شریعت گناه کنند. در اینجا، به طور مشخص اشاره به امت اسرائیل است که خدا شریعت عهد قدیم را از طریق موسی به ایشان مکشوف و عطا نمود. در بُعد گسترده‌تر، این عبارت به کسانی در سراسر تاریخ اشاره دارد که این افتخار را داشته‌اند با جزییات شریعت خدا، که در احکام و فرمان‌های مکتوب در کتاب مقدس ثبت است، آشنا باشند.

ب. به گفته رسالۀ رومیان ۲: ۱۲، پیامدهای گناه برای هر دو دسته چیست؟ یعنی برای کسانی که با شریعت مکشوف در کتاب مقدس آشنا هستند و آنانی که هیچ‌گاه افتخار چنین شناختی را نداشته‌اند؟

نکته: هر دو دسته با شریعتی که در اختیار داشته‌اند داوری خواهند شد، خواه شریعت خدا که در دل آنها مکتوب است یا شریعت خدا که در کتاب مقدس مکشوف می‌باشد.

۲. قابل درک است که خدا به حق و بی‌جا کسانی را محکوم نماید که قوانین مکتوب شریعتش را می‌شناسند، اما از آنها سربلندی می‌کنند. اما چگونه خدا می‌تواند به حق و بی‌جا کسانی را محکوم نماید که بی‌آنکه حتی به کتاب مقدس دسترسی داشته

باشند روزگار می‌گذرانند و عمرشان به پایان می‌رسد؟ در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، دو دلیل عنوان می‌شود تا ثابت کند به حق و بیجا است که خدا همهٔ انسان‌ها را داوری نماید، حتی کسانی را که کتاب مقدس نداشته‌اند.

الف. خدا خودش را در جهان خلقت به کل انسان‌ها مکشوف نموده است. رسالهٔ رومیان ۱: ۱۹-۲۰ دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: این بدان معنا نیست که همهٔ انسان‌ها هر آنچه باید دربارهٔ خدا بدانند می‌دانند یا اینکه به همهٔ انسان‌ها به یک میزان مکاشفه داده شده است. منظور این است که همهٔ انسان‌ها - در هر مکان و هر زمان - خدای زنده و حقیقی را به آن اندازه می‌شناسند که در روز داوری برای گناهانشان عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. هرچند محدود، اما مکاشفهٔ خدا از خودش به همهٔ انسان‌ها مبهم و ناواضح نیست. خدا به همهٔ انسان‌ها نشان داده است که خدای واحد حقیقی وجود دارد و فقط باید او را پرستید. عبارت «در ایشان» حاکی از آن است که شناخت خدای زنده فقط از طریق جهان خلقت مهیا نیست، بلکه خدا خودش این شناخت را در دل تک‌تک انسان‌ها حک نموده است. این گیتی را که خدا آفریده است گواه وجود خدا است و مُهر تأییدی می‌باشد بر آنچه همهٔ انسان‌ها از آن باخبرند: اینکه خدای واحد حقیقی وجود دارد و او درخور و شایستهٔ پرستش و اطاعت است.

ب. خدا شریعت خویش را در دل همهٔ انسان‌ها نهاده است. رسالهٔ رومیان ۲: ۱۴-۱۵ دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: این بدان معنا نیست که شماری از غیریهودیان کاملاً از شریعت خدا اطاعت نمودند و به این دلیل در حضور خدا عادل و بی‌گناه می‌باشند (رومیان ۳: ۹-۱۲). منظور این است که حتی بت‌پرستان نیز در فرهنگ خود به اصول اخلاقی و معیارهایی پایبند هستند که در راستای شریعت خدا می‌باشد (راستگویی را ارج نهادن، احترام گذاشتن به والدین، ممنوع بودن قتل، و سایر موارد). این پایبندی به اصول اخلاقی گواه انکارناپذیری است که ثابت می‌کند خدا اصل و اساس شریعت خویش (یعنی دوست داشتن خدا و محبت به هم‌نوع) را بر دل تک‌تک انسان‌ها نوشته است (ثبت نموده یا حک کرده است). هرچند جمعیت انبوهی از انسان‌ها قوانین مکتوب شریعت را که در کتاب مقدس مکشوف است در دست ندارند، خدا شریعتش را در دل‌ها و ذهن‌هایشان نوشته است. این شریعت بسنده است تا انسان‌ها را به راه راست هدایت نماید، اگرچه همان شریعتی نیست که به طور مشخص در کتاب مقدس نوشته شده است. بنابراین، همه انسان‌ها در روز داوری مسوول و پاسخگو خواهند بود. پولس در آیه ۱۵ از وجدان نام می‌برد که همانا قوه تشخیص خوب و بد از لحاظ اخلاقی است که در باطن هر فردی نهاده شده است. وقتی کسی از شریعت خدا اطاعت می‌کند، وجدانش آسوده است. اما، با هرگونه ناطاعتی از خدا، عذاب وجدان می‌گیرد و وجدانش او را محکوم می‌کند. البته می‌شود ندای وجدان را به قدری خاموش کرد (اول تیموتائوس ۱: ۱۹) که دیگر به اصول اخلاقی حساس نباشد و زنگ خطر را به صدا درنیاورد. پولس این موقعیت هولناک را تسلیم شدن به «هوس‌های خباثت» دل فاسد شخص توصیف می‌نماید (رومیان ۱: ۲۴، ۲۶) و در آیه دیگر عنوان می‌کند که در این حالت وجدان سوخته و به عبارتی بی‌حس می‌شود (اول تیموتائوس ۲: ۴).

شناخت خدای زنده

فصل ۴۰: خدا داور است

به فرموده کتاب مقدس، خدا اراده خویش را به تمامی انسان‌ها مکشوف نموده و تمامی انسان‌ها را بر اساس معیاری که به آنها مکشوف نموده است داور خواهد کرد. همه مخلوقات خاطر جمع باشند که خدا آنها را بر مبنای دقیق‌ترین و موشکافانه‌ترین معیارهای عدالت و انصاف داور خواهد کرد. باید توجه نمود که داور انسان‌ها به دست خدا بی‌توجیه و سنگ‌دلانه نیست، بلکه از شخصیت قدوس و عادل او برمی‌خیزد و هرگز از آن داور چشم‌پوشی نمی‌کند. داور انسان‌ها یکی از ارکان فرمانروایی او است. خدایی که از داور شرارت چشم‌پوشی کند نیکو و عادل نخواهد بود. خلقتی که شرارت در آن مهار و داور نشود دیری نمی‌گذرد که به خودفنایی می‌رسد.

نظاره‌گر دانای مطلق

در فصل‌های قبل، آموختیم که خدا هم قدوس است و هم عادل و این صفت‌ها تضمین ابدی و تغییرناپذیری هستند که داور خدا همیشه بر پایه دقیق‌ترین و موشکافانه‌ترین قوانین انصاف و عدالت خواهد بود. قبل از اینکه به تعلیم کتاب مقدس در مورد داور خدا بپردازیم، باید صفت الهی دیگری را، که به همان اندازه مهم می‌باشد، مرور کنیم، اگر که قرار است داور خدا خطاناپذیر باشد، یعنی دانای مطلق بودن خدا. واژه «دانای مطلق» در زبان لاتین *omnisciens* «امنیسینز» می‌باشد [*omnis* = همه + *scire* = دانستن] و به دانایی و همه‌چیزدان بودن اشاره دارد. دانای مطلق بودن خدا حاکی از آن است که خدا کاملاً از همه چیز آگاه است، بی‌آنکه برای دست یافتن به دانش و آگاهی تلاش و تکاپو نماید. خدا از گذشته، حال، و آینده باخبر است، مستقیم و بی‌واسطه، بدون تلاش و تکاپو، همزمان، و تمام و کمال. هیچ چیز از خدا پنهان نیست: هر مخلوق، هر کردار، و هر پندار برای خدا چون کتابی گشوده است. خدا از جمیع واقعیات خبر دارد و آنها را با حکمت کامل و بی‌نقص خود تفسیر می‌نماید. میان دانش خدا و آنچه واقعیت است ذره‌ای تفاوت وجود ندارد. دانایی مطلق خدا نه فقط ثابت می‌کند که او شایستگی دارد داور خلقت خویش باشد، این را هم تضمین می‌کند که داورهای او همیشه کامل و بی‌نقص خواهد بود. خدا همواره بر مبنای دانش کامل خویش، که همه واقعیات‌ها را در بر می‌گیرد، داور خواهد نمود.

۱. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، سه واژه در توصیف دانایی مطلق خدا آمده است. با درک این واژگان، تا حدودی به عظمت دانش او پی می‌بریم.

الف. علم خدا _____ (ایوب ۳۷: ۱۶). واژه مورد نظر در اینجا در زبان عبری تامیم می‌باشد و گویای کل، و همه است، گویای بی‌نقص بودن، درست بودن، بی‌عیب بودن، کم و کاستی نداشتن.

ب. حکمت [درک] خدا _____ (مزمور ۱۴۷: ۴-۵). واژه مورد نظر در زبان عبری آیین می‌باشد و گویای بی‌شمار بودن و شمارش‌ناپذیر بودن است. سایر واژگان هم معنا از این قرارند: بی‌پایان، درک‌ناپذیر، نافهمیدنی، کاوش‌ناپذیر.

ج. فهم خدا _____ (اشعیا ۴۰: ۲۸). واژه مورد نظر در زبان عبری آیین می‌باشد (توضیح نکته قبل را مشاهده نمایید).

۲. کتاب مقدس تأیید می‌کند که هیچ چیز خارج از دایره دانش خدا هستی ندارد. خدا از گذشته، حال، و آینده باخبر است، مستقیم و بی‌واسطه، بدون تلاش و تکاپو، همزمان، و تمام و کمال. چنین دانشی نه فقط ثابت می‌کند داور برانزده او

است، این را هم تضمین می‌کند که داوری‌های او همیشه کامل و بی‌نقص خواهد بود. خدا همواره بر مبنای دانش کامل خویش، که همهٔ واقعیت‌ها را در بر می‌گیرد، داوری خواهد نمود. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. ایوب ۲۱:۳۴-۲۳

ب. امثال ۲۱:۵؛ ۳:۱۵

ج. امثال ۱۱:۱۵؛ ارمیا ۱۰:۱۷

د. عبرانیان ۱۳:۴

۳. بر اساس کتاب مقدس، ژرفا یا سَری در دل انسان ورای دانش خدا نیست. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. تنها خدا از _____ تمامی انسان‌ها آگاه است (اول پادشاهان ۳۹:۸).

ب. خدا _____ و _____ را _____ (مزمور ۹:۷).

ج. خدا از _____ انسان آگاه است (مزمور ۱۱:۹۴).

د. خدا _____ را _____ خواهد کرد (رومیان ۱۶:۲).

۴. با توجه به آیاتی که مطالعه نمودیم، توضیح دهید چگونه دانایی مطلق خدا نه فقط ثابت می‌کند او شایستگی دارد خلقت خویش را داوری کند، این را هم تضمین می‌کند که داوری خدا همیشه کامل و بی‌نقص خواهد بود.

داور الهی

اکنون که دانایی مطلق خدا را مرور نمودیم، جایگاه او را در مقام داور همگان بررسی می‌کنیم. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد خدا قدوس، عادل، و پادشاه پرمحبت است که برای سعادت و شادکامی خلقتش دل می‌سوزاند. چنین پادشاهی باید عدالت را رعایت کند، آنچه نیکو است پادشاه دهد و آنچه شرارت است مکافات. به دلیل قدوسیت، عدالت، و دانایی خدا تمامی مخلوقات خاطر جمع باشند که خدا آنها را بر پایه دقیق‌ترین و موشکافانه‌ترین معیارهای عدالت و انصاف داوری خواهد کرد. بار دیگر باید یادآور شد که داوری انسان‌ها به دست خدا بی‌توجیه و سنگ‌دلانه نیست، بلکه از شخصیت قدوس و عادل او برمی‌خیزد و هرگز از آن داوری چشم‌پوشی نمی‌کند. داوری انسان‌ها یکی از ارکان فرمانروایی او است. خدایی که از داوری شرارت چشم‌پوشی کند نیکو و عادل نخواهد بود. خلقتی که شرارت در آن مهار و داوری نشود دیری نمی‌گذرد که به خودفناپی می‌رسد.

۱. در کتاب مقدس، نام اشخاص اهمیت و مفهوم خاصی دارد و معمولاً معرف شخصیت آنها است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام خدا چه می‌گردد، نام خدا چه می‌باشد؟

الف. _____ تمامی _____ (پیدایش ۲۵:۱۸). واژه «داور» در زبان عبری شافاط می‌باشد و معنای آن «داوری کردن، حکمرانی کردن، یا رأی به تصمیمی دادن» است. مهم است بدانیم که خدا حوزه داوری محدود ندارد. برای هر انسان ساکن بر کره زمین این خدا است که حکم و رأی نهایی را خواهد داد.

ب. _____ (عبرانیان ۱۲:۲۳). واژه «داور» در زبان یونانی *krites* «کریتس» می باشد که از فعل *krino* «کرینو» ریشه می گیرد و به معنی «داوری کردن یا تصمیم گرفتن» است. بار دیگر، تأکید بر حوزه داوری خدا می باشد که نه از نظر مکان و نه از نظر زمان هیچ گونه محدودیتی ندارد. خدا تمامی مخلوقات را چه در آسمان و چه بر زمین داوری خواهد نمود. هیچ مکانی و هیچ مخلوقی از حوزه داوری خدا بیرون نیست. این داوری حد و مرز ندارد.

۲. لقب هایی که با آنها آشنا شدیم آشکار می کنند که خدا داور همگان است. اکنون، دو لقبی را بررسی خواهیم کرد که صادق بودن خدا را آشکار می نمایند.

الف. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، نام های خدا چه می باشد؟

(۱) داور _____ (مزمور ۷:۱۱؛ دوم تیموتائوس ۴:۸). در مزمور ۷:۱۱، این واژه در زبان عبری صادیک می باشد که به معنای عدالت یا عاری از ملامت بودن است. در آیه دوم تیموتائوس ۴:۸، این واژه واژه یونانی *dikaios* «دیکایوس» می باشد که معنای آن عدالت، راستی، و بی تقصیری است. در روز داوری، خدا در داوری خویش بی ملامت خواهد بود. چنان که موسی اعلام می کند: «او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریق های او انصاف است. خدای امین و از ظلم مبرّا. عادل و راست است او» (تثنیه ۳۲:۴).

(۲) خدای _____ (اشعیا ۳۰:۱۸). این واژه در عبری می شپاط می باشد که به معنای عدالت است، عدالتی که به رأی یک داور، قانون گذار، یا پادشاه صادر می شود. فرمانروایی خدا بر عدالت بنا است، احکام او بر عدالت استوار هستند، و داوری های او بر مبنای عدالت انجام می شوند. همه جنبه های فرمانروایی خدا با عدالت نشان شده اند.

ب. این نام ها در مورد عادل بودن شخصیت خدا و عدل و انصاف داوری او چه حقیقتی را برای ما آشکار می سازند؟ دیدگاه خود را توضیح دهید.

۳. از نام های خدا آموختیم که او داور عادل و منصف است. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می گردد، به بررسی بخش های مهمی در کتاب مقدس خواهیم پرداخت که برحق و منصفانه بودن داوری خدا را تأیید می کنند. حقایق هر یک از این آیات را خلاصه توضیح دهید.

الف. پیدایش ۱۸:۲۵

نکته: پرسش ابراهیم پرسشی است که پاسخش بسیار واضح و روشن می‌باشد، پاسخی که قطعاً مثبت است. در تمامی دوران‌ها، خدا ثابت نموده او خدای باانصاف است که اعمال و داوری‌هایش عاری از هرگونه ملامت و سرزنش است. در اشتباه بودن یعنی ایستادن در سمتی خلاف آنچه خدا حکم و تعیین نموده است که ضدیت با داوری او می‌باشد.

ب. مزمور ۹۶: ۱۰-۱۳

نکته: سه واژه کلیدی در این آیه بیانگر صداقت داوری خدا هستند: (۱) برابری که در زبان عبری واژه *مِشار* می‌باشد، به معنی تساوی، انصاف، و راستی؛ (۲) عدالت که در زبان عبری *صادیک* می‌باشد، به معنی راستی، درست‌ی، و انصاف؛ و (۳) امین که در زبان عبری *امونا* می‌باشد، به معنی پایداری، بی‌ریایی، و امانت‌داری.

ج. اشعیا ۵: ۱۶

نکته: حقیقت مهمی که در این آیه بیان می‌شود این است که آن‌گاه که خداوند به داوری برخیزد، حقانیت او ثابت، راستی او نمایان، و قدوسیت او آشکار خواهد شد. در داوری نهایی، هیچ شک و تردیدی وجود نخواهد داشت که بر شخصیت عادل و قدوس خدا یا بر منصفانه بودن داوری او سایه اندازد.

شناخت خدای زنده

فصل ۴۱: قطعی بودن داوری

فرهنگ امروزی توجه و دغدغه اندکی برای داوری خدا دارد. در عصری زندگی می‌کنیم که اصول و قواعد اخلاقی را نسبی می‌داند و هر اشاره به خدایی که عادل است را به باد تمسخر می‌گیرد که این دیدگاهی عقب‌افتاده است. کوچک‌ترین حرف و نقل از این که انسان‌ها و رویدادهای تاریخ روانه داوری نهایی هستند با ریشخند و نگاهی خشمگین همراه است. این به مانند عصری است که پطرس رسول این‌گونه شرح حال آن را نوشت:

«و نخست این را می‌دانید که در ایام آخر مستهزیین با استهزا ظاهر خواهند شد که بروفق شهوات خود رفتار نموده، خواهند گفت: کجا است وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفتند، هر چیز به همین طوری که از ابتدای آفرینش بود باقی است» (دوم پطرس ۳: ۳-۴).

با وجود وهم و خیال و نکوهش انسان امروزی، شهادت کتاب مقدس محکم و باقی است - روز داوری نهایی بر این دنیا نازل خواهد شد. در آن روز، خدا و عدالتش سربلند خواهد شد و هر انسانی را بر مبنای هر آنچه انجام داده است پاداش خواهد داد.

قطعی بودن داوری

۱. دو متن از کلام خدا در کتاب مزامیر قطعی بودن روز داوری را شیوا و روان بیان می‌کنند. خلاصه‌ای از حقایقی را که این آیات گویای آن هستند بیان کنید.

الف. مزمور ۷: ۹-۸

نکته: واژه «نشسته است» در زبان عبری یا شاو می‌باشد. با توجه به بافت این مزمور (آیه ۴)، این تصویر مد نظر است که خدا بر تخت خویش نشسته است. عبارت «برپا داشته است» در زبان عبری واژه کان می‌باشد که به معنای «پایدار نمودن، قطعی نمودن، یا مستحکم نمودن» است. خدای ابدی، که تغییر نمی‌کند و تا ابد سلطنت می‌نماید، تخت خویش را برای داوری آماده نموده است. داوری واقع خواهد شد.

ب. مزمور ۹۶: ۱۰-۱۳

نکته: داوری نهایی جهان که در آینده رخ خواهد داد امری قطعی است که کتاب مقدس بر آن تأکید می‌ورزد. آن روز برای شخص عادل روز شادی و سرور خواهد بود، چون که خلقت سرانجام از لعنت و قدرت گناه آزاد خواهد شد (رومیان ۸: ۱۹-۲۲). اما آن روز برای شخص شریر روز محکومیت خواهد بود.

۲. کتاب جامعه دربارهٔ قطعی بودن داوری خدا بسیار گواهی می‌دهد. خلاصه‌ای از حقایق موجود در هر یک از آیاتی را که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد بیان کنید.

الف. جامعه ۱۶:۳-۱۷

نکته: در جای جای کل تاریخ انسان، اثر همه گونه ناعدالتی به چشم می‌آید - شریران اغلب کامیاب و کامروا هستند و عادلان بسیاری اوقات محکوم می‌گردند. ناعدالتی‌های موجود در این عصر موجب شده بسیاری تردید کنند که خدا عادل است یا روزی نهایی خواهد رسید که تمامی ناراستی‌ها راست خواهند شد. با این حال، کتاب مقدس پافشاری می‌کند که خدا هم شخص عادل و هم شخص شریر را در پیشگاه عدلش داوری خواهد نمود.

ب. جامعه ۹:۱۱

نکته: منظور اصلی این است که هر عمل و هر کردار در این کرهٔ خاکی عاقبتی ابدی دارد. تمامی انسان‌ها، مخصوصاً جوانان که در نظر آنها مرگ و داوری رویدادی است در دوردست‌ها، باید در پرتو این حقیقت زندگی کنند.

۳. قطعی بودن داوری آموزه‌ای نیست که فقط به عهدعتیق اختصاص داشته باشد، عهدجدید نیز به شفاف‌ترین شکل آن را بیان می‌کند. آیاتی از عهدجدید که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. اعمال رسولان ۳۱:۱۷-۳۲

نکته: واژه «مقرر فرمود» در زبان یونانی *histemi* «هیستیمی» می‌باشد که به این معنا است: «ایستادن، در مکانی قرار دادن، مقرر کردن، بنا گذاشتن، یا تأیید کردن». حقیقتی که این واژه بیان می‌کند واضح است - به حکم و فرمان تغییرناپذیر خدا، روز داوری مقرر گشته است.

ب. عبرانیان ۲۷:۹

نکته: واژه «مقرر است» در زبان یونانی *apokeimai* «آپوکیمای» می‌باشد که به این معنا است: «کنار گذاشتن»، «انبار کردن»، یا «ذخیره کردن». داوری به مانند مرگ قطعی است.

ج. مکاشفه ۱۲:۲۲

نکته: واژه «به زودی» در زبان یونانی *tachu* «تاخو» می‌باشد که می‌توان آن را «به سرعت» یا «بی‌درنگ» نیز ترجمه نمود. توجه به این نکته بسیار مهم است که مفهوم اصلی این واژه آن نیست که عیسی مسیح در چند سال یا چند دهه آینده بازخواهد گشت، بلکه هر لحظه او ممکن است بازگردد. بنابراین، هر نسل از انسان‌ها باید در انتظار آن رویداد باشند. برخی این نبوت را بنا بر این استدلال ناچیز می‌شمارند که دو هزار سال گذشته است، اما هنوز نه نشانی و نه خبری از بازگشت او وجود دارد. اما این مضحک دانستن کلام خدا همان است که پطرس آن را پیش‌بینی می‌کند: «و نخست این را می‌دانید که در ایام آخر مستهزین با استهزا ظاهر خواهند شد که بر وفق شهوات خود رفتار نموده، خواهند گفت: کجا است وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفتند، هر چیز به همین طوری که از ابتدای آفرینش بود باقی است» (دوم پطرس ۳: ۳-۴).

داوری نهایی

این مطالعه داوری خدا را با بخش‌هایی برجسته از کتاب مقدس در مورد داوری نهایی به پایان می‌رسانیم. آیات ۱۱:۲۰-۱۳ از کتاب مکاشفه را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها که در ادامه به آن می‌پردازیم پاسخ دهید.

۱. آیه ۱۱ تخت یا مسند داوری خدا را چگونه توصیف می‌کند؟ این توصیف چه حقایقی را برای ما بیان می‌کند؟

نکته: آن تخت بزرگ و سفید توصیف گشته است. اولین صفت یعنی «بزرگ» در زبان یونانی *mezas* «مگاس» می‌باشد. عظمت و جلال تمامی تخت‌های داوری که از شروع تاریخ به دست انسان برپا شده است در مقایسه با تخت داوری خدا ریز و کوچک می‌باشند. دومین صفت یعنی «سفید» به مفهوم قدوسیت و پاکی آن تخت و آن تخت‌نشین است.

۲. به گفته آیه ۱۱، خدا در چه جایگاهی نشسته است؟ این آیه درباره خدا و رابطه او با مخلوقاتش چه حقایقی را برای ما بیان می‌کند؟

نکته: این امر که خدا بر تخت خویش نشسته است این حقیقت را بیان می‌کند که حاکمیت و اقتدار او مطلق و بی‌چون و چرا است. خدا بی‌تقلا و بی‌تکاپو برای دنیا فرمانروایی می‌کند، بدون ذره‌ای نگرانی از براندازی حکومتش. خدا پراهمیت‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ عالم را بدون قطره‌ای دشواری یا عرق پیشانی هدایت می‌نماید.

۳. در آیه ۱۱، مکتوب است که آسمان و زمین از حضور خدا می‌گریزند و برای آنها جایی یافت نمی‌شود. حقایق اساسی که به آنها اشاره می‌شوند کدام هستند؟

نکته: دو حقیقت بیان می‌شود: (۱) حضور پرشکوه خدا در داوری مکشوف می‌گردد و (۲) آسمان و زمین قدیمی می‌گریزد تا جای خود را به آسمان و زمین جدید دهد.

۴. بر اساس آیه ۱۲، چه کسانی در آن روز عظیم داوری در پیشگاه تخت داوری خدا خواهند ایستاد؟ به گفته آیه ۱۳، آیا کسی می‌تواند در آن روز فرار کند یا خودش را پنهان سازد؟

نکته: واژه «عالم اموات» در آیه ۱۳ به احتمال بسیار به قبر یا مکان مردگان اشاره می‌کند. انسان‌ها هیچ پناهگاهی را در عمیق‌ترین دریاها، در تاریک‌ترین قبرها، یا ته جهنم پیدا نخواهند کرد. تک‌تک انسان‌ها در آن روز عظیم فرا خوانده خواهند شد تا در پیشگاه خدا بایستند.

۵. بر مبنای آیات ۱۲-۱۳، «دفترها» به چه اشاره می‌کنند؟ بر چه مبنایی خدا تک‌تک مردمان را داوری خواهد نمود؟

نکته: تمامی آدمیان بنا بر اعمالشان، آن‌چنان که در حضور خدا ثبت شده است، داوری خواهند شد. در آن روز، فقط آنانی نجات خواهند یافت که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، کسانی که به مسیح و کار عالی نجات او به نیابت ایشان ایمان آورده‌اند (آیه ۱۵).

۶. با توجه به قطعی بودن داوری نهایی در آینده، مردمان چگونه باید زندگی کنند؟ پاسخ خود را خلاصه بنویسید؟

شناخت خدای زنده

فصل ۴۲: خدا یگانه نجات دهنده است

مطالعه آموزه درباره خدا را با نگاهی گسترده به خبر خوش که پادشاه، قانون‌گذار، و داور جهان یگانه نجات دهنده نیز می‌باشد پایان خواهیم داد. در این فصل، خدا را که نجات می‌بخشد و طرح و تدبیرش را برای نجاتمان بررسی خواهیم نمود. در فصل‌های بعدی، به طور مشخص نقش‌های پدر، پسر، و روح‌القدس را در نجاتمان مطالعه خواهیم نمود. این حقیقت را خواهیم آموخت که نجات ما صنعت دست خدای تثلیث است، یعنی پدر، پسر، و روح‌القدس.

خدایی که نجات می‌بخشد

در این بخش، به متن‌هایی از کتاب مقدس خواهیم پرداخت که به کار نجات خدا برای خیر و صلاح گناهکاران گواهی می‌دهند. علاوه بر اینکه این حقیقت را خواهیم آموخت که خدا مشتاق است گناهکاران را نجات بخشد، به این حقیقت نیز پی خواهیم برد که تنها او قادر است گناهکاران را نجات دهد.

۱. در آیاتی از عهدعتیق و عهدجدید که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های خدا چه می‌باشند؟ این نام‌ها درباره خدا چه گواهی می‌دهند؟

الف. _____ (مزمور ۷:۱۷). این نام در زبان عبری **یاشا** می‌باشد که می‌تواند «رهایی دهنده» نیز معنا دهد. توجه کنید که خدا نجات دهنده آنانی است که به او پناه می‌برند.

ب. _____ و _____ (اشعیا ۶۰:۱۶). واژه «نجات دهنده» در زبان عبری **یاشا** می‌باشد (به توضیح آیه قبل توجه کنید). واژه‌ای که در اینجا «ولی» ترجمه شده است در زبان عبری فعل **گاعال** می‌باشد که به معنی «بازخریدن یا به دست به کار شدن به جای یکی از نزدیکان» است، چنان که در کتاب لاویان ۲۵:۲۵ به آن اشاره شده است و زندگی بوعز نمونه زیبایی از آن می‌باشد (روت ۴:۱-۱۵).

ج. _____ ما خدا (تیطس ۳:۴؛ اول تیموتائوس ۲:۳). این واژه در زبان یونانی **soter** «سُتِر» می‌باشد که می‌تواند «رهایی دهنده»، «امدادگر»، یا «نگهدار» نیز معنا دهد.

۲. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، خدا چگونه توصیف شده است؟ هر یک این توصیف‌ها چه حقیقتی را درباره کار نجات خدا به ما می‌آموزند؟

الف. مزمور ۸:۳؛ ۳۷:۳۹

نکته: حقیقت مهم این است که نجات کار خدا می‌باشد. نجات گناهکاران به اختیار خدا است. فقط او مختار است آستین بالا زند و دست به کار شود. تنها کسی که می‌تواند گناهکاران را نجات بخشد و رهایی دهد خدا می‌باشد. در این آیات، اشاره به صالحان منظور مردمانی نیستند که از نظر اخلاقی زندگی بی‌عیب و نقصی دارند. صالحان کسانی هستند که توکل و تکیه‌گاه آنها خدا و نجات او می‌باشد. عادل به ایمان زندگی می‌کند (حقوق ۲:۴).

ب. مزمور ۱۹:۶۸-۲۰

ج. مزمور ۱۲:۷۴

نکته: واژه «نجات» در زبان عبری *ישوعا* می‌باشد.

د. یونس ۹:۲

نکته: به خاطر عصیان‌ش ضد فراخوان خدا، یونس در شکم ماهی عظیمی در قعر دریا مرگ و فنا را به چشم دید. نجات او از نظر انسانی امکان نداشت. تنها خدا می‌توانست یونس را نجات دهد. همین واقعیت نیز برای تک تک انسان‌ها صدق می‌کند.

۳. کتاب مقدس نه فقط به ما تعلیم می‌دهد که خدا نجات‌دهنده است، این حقیقت برجسته را نیز اعلام می‌نماید که او یگانه نجات‌دهنده است و کسی دیگری نیست. درباره این حقیقت، اشعیا ۴۳:۱۱ و اشعیا ۴۵:۲۱ به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

نکته: به دو دلیل، این آیات بسیار اهمیت دارند: (۱) این آیات نشان می‌دهند نجات گناهکاران منحصر به خدا می‌باشد، از این رو (۲) ثابت می‌کنند که عیسی مسیح خدا و خداوند است. عهد جدید نه فقط مسیح را «نجات دهنده» می‌نامد، بلکه او را «نجات دهنده عالم» اعلان می‌کند (یوحنا ۴: ۴۲). اگر مسیح خدا نباشد، پس او نمی‌تواند نجات دهنده باشد. اگر مسیح نجات دهنده است، بنابراین او به واقع خدا می‌باشد!

۴. به گفته کتاب اشعیا ۲۲: ۴۵، فراخوان خدا به همه انسان‌ها چیست؟ آنها چگونه باید به این فراخوان گوش سپارند؟ در خصوص این فراخوان خطاب به جمیع کرانه‌های زمین، نقش ما، ایمانداران به مسیح، چیست؟

۵. بر اساس کتاب اول تواریخ ۲۳: ۱۶-۲۴ و مزمور ۱-۹۶-۳، پاسخ ما، ایمانداران به مسیح، به نجاتی که خدا عطا نموده است باید چه باشد؟

تدبیر خدا برای نجات

در بخشی که از نظر گذرانیم، آموختیم که خدا نجات دهنده است. اکنون، خواهیم آموخت که کار نجات خدا پیش از سقوط انسان، حتی پیش از بنیاد عالم، مقرر گشت و طرح و تدبیر آن پایه‌ریزی شد!

۱. اول پطرس ۱: ۲۰ حقیقتی بسیار مهم درباره مسیح به ما اعلام می‌کند. این آیه درباره تدبیر خدا برای نجات به ما چه می‌آموزد؟

نکته: واژه «پیش از» در زبان یونانی *proginosko* «پروگینوسکو» می باشد [*pro* = قبل + *ginosko* = شناختن]. در کتاب مقدس، این واژه صرفاً به معنی شناختن یا دانستن نیست، گویای گزینش نیز می باشد. این آیه ثابت می کند پدر، پیش از آفرینش این گیتی، معین نمود یا مقرر کرد پسرش را به جهان بفرستد تا برای گناه خاصاناش جان دهد. علاوه بر این، این آیه ثابت می کند پدر زمان دقیق فرستادن مسیح را نیز معین نمود. در رساله غلاطیان ۴:۴، پولس رسول این حقیقت را خاطرنشان می سازد: «لیکن، چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد.»

۲. در رساله افسسیان فصل ۱، با شواهدی دیگری روبه رو می شویم که نشان می دهند تدبیر خدا برای نجات پیش از آفرینش این عالم نقش بست و بنیاد آن گذاشته شد. رساله افسسیان ۱:۳-۶ را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین ها را انجام دهید.

الف. رساله افسسیان ۴:۱ درباره تدبیر نجات خدا به ما چه تعلیمی می دهد؟

(۱) در چه زمانی خدا قوم خویش را برگزید؟

نکته: واژه «برگزید» در زبان یونانی *eklego* «اکلگو» می باشد که به معنی «انتخاب کردن، برگزیدن، یا سوا نمودن» است. این واژه در ترجمه معروف به هفتادتنان (ترجمه عهد عتیق به زبان یونانی) معمولاً برای برگزیده شدن قوم اسرائیل استفاده می شود که خدا بدون توجه به لیاقت و شایستگی آنها ایشان را برگزید (تثنیه ۷:۷-۸). عبارت «پیش از بنیاد عالم» به مصلحت اندیشی خدا از ازل، پیش از خلقت دنیا، اشاره می کند.

(۲) در چه کسی خدا قومش را برگزید؟ معنای آن چیست؟

نکته: خدا چگونه می تواند آدم هایی مثل ما را که از نظر اخلاقی فاسدند و گناهان بی شماری مرتکب شده اند برگزیند؟ او ما را در پسرش و در پرتوکاری که او بر صلیب جلجتا انجام می داد برگزید! پیش از بنیاد عالم، خدا هم قوم خودش را برگزید و هم راهی را معین نمود که از طریق آن با آنها مصالحه می کند.

(۳) به چه هدفی خدا قومش را برگزید؟

نکته: خدا، که در مسیح قومش را پیش از بنیاد عالم برگزید، به دنبال هدف و قصدی اخلاقی است - تا ما در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم. اکنون، ما در مسیح چنین نیز می‌باشیم، یعنی در جایگاهی ایستاده‌ایم که در مسیح به چشم خدا مقدس و بی‌عیب هستیم. با این حال، خدا می‌خواهد ما در زندگی روزانه‌مان نیز مقدس و بی‌عیب باشیم، یعنی در پندار، گفتار، و کردار.

ب. رسالهٔ افسسیان ۵:۱، دربارهٔ تدبیر نجات خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

(۱) خدا هرايمانداري را از قبل به چه تعيين نمود؟

نکته: عبارت «از قبل تعیین نمود» در زبان یونانی *proorizo* «پروآریزو» [*pro* = از قبل + *horizo* = مرزبندی کردن، تعیین نمودن] می‌باشد که به این مفهوم است: «از پیش تعیین کردن یا از قبل مقرر نمودن». پیش از بنیاد عالم، خدا تعیین نمود که قوم برگزیده‌اش را چون پسران و دختران به فرزندی بپذیرد و آنها را وارث خویش گرداند (رومیان ۸:۱۷؛ غلاطیان ۴:۷؛ افسسیان ۳:۶).

(۲) به واسطهٔ چه کسی ما به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌ایم؟ مفهوم آن چیست؟

نکته: فرزندخواندگی ما به لیاقت یا ارزش خودمان نیست، بلکه به واسطهٔ مسیح و کار او به نیابت از ما بر صلیب می‌باشد. این حقیقت هم ما را فروتن می‌سازد و هم سبب می‌شود اعتماد در دل‌هایمان موج

زند. جایگاه و مقام ما در پیشگاه خدا بنا بر تقلا و تکاپوی بس ضعیف و نحیف ما متسحکم و باقی نیست، بر آنچه مسیح به عالی‌ترین شکل برای ما انجام داد و هیچ‌گاه تغییر نمی‌یابد محکم و باقی است.

(۳) انگیزه خدا چه بود که ما را به فرزندخواندگی بپذیرد؟

نکته: عبارت «خشنودی اراده» در زبان یونانی واژه *eudokia* «یدوکیا» می‌باشد که به مفهوم «خشنودی نیکو» است. عبارت «خشنودی اراده خویش» را می‌توان این‌چنین نیز ترجمه کرد: «قصد اراده خویش». خدا به ما محبت ورزید، چون خودش محبت است (اول یوحنا ۴:۸) و چون مصمم بود محبتش را بر ما بباراند (تثنیه ۷:۷-۸). خدا ما را به فرزندخواندگی پذیرفت، چون از این امر خشنود شد!

ج. بنا بر افسسیان ۶:۱، چرا خدا نجات ما را پایه‌گذاری کرد و فرمان آن را صادر نمود؟ هدف بزرگ و نهایی آن چه بود؟

نکته: هدف نهایی که به خاطر آن خدا ما را نجات بخشید جلال خودش است. کار نجات خدا نمایانگر فیض پر جلال او می‌باشد و ثمره آن ستایش بی‌امان انسان‌ها و فرشتگان خواهد بود که تا ابد الاباد حمد خدا را خواهند سرود.

۳. در رساله رومیان ۸: ۲۹-۳۰، زنجیره‌ای از حقایق را می‌خوانیم که به «زنجیره طلایی نجات» شناخته شده است، زیرا در این دو آیه تدبیر نجات خدا را از ابتدا تا انتها می‌بینیم. این آیات را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس هر حلقه از آن زنجیر را نام ببرید.

الف. خدا ما را _____ (آیه ۲۹). این واژه در زبان یونانی *proginosko* «پروگینوسکو» می‌باشد [pro = از پیش + ginosko = شناختن]. در کتاب مقدس، این واژه یونانی صرفاً به مفهوم شناختن نیست، به مفهوم گزینش نیز می‌باشد. همین واژه در رساله اول پطرس ۱: ۲۰ در ارتباط با مسیح به کار رفته است که او «پیش از بنیاد عالم معین شد». این بدان معنا نیست که خدا در دانایی مطلق خویش صرفاً مسیح را از پیش دید که قومش را رهایی می‌بخشد. خدا مسیح را مخصوصاً برای این مهم برگزید.

ب. خدا ما را _____ (آیات ۲۹-۳۰). این واژه در زبان یونانی *proorizo* «پروآریزو» می‌باشد [pro = از پیش + horizo = مرزبندی کردن، تعیین نمودن] که به مفهوم «از پیش تعیین نمودن یا از پیش مقرر کردن» است. قبل از بنیاد عالم، خدا از پیش مقرر نمود تا قوم برگزیده‌اش به شکل پسرش درآیند.

ج. خدا ما را _____ (آیه ۳۰). این واژه در زبان یونانی *kaleo* «کالیئو» می‌باشد که به معنی «فراخواندن، احضار نمودن، یا دعوت کردن» است. خدا پیش از بنیاد عالم ما را برگزید و معین فرمود، ولی در زمانی مشخص از زندگی مان از طریق موعظه انجیل ما را خواند. این حقیقت، واضح و روشن، در رساله غلاطیان ۱: ۱۵-۱۶ بیان می‌شود. در این آیات، پولس اعلام می‌نماید قبل از این که حتی از رحم مادرش متولد شود خدا او را انتخاب نموده بود (آموزه برگزیدگی و از پیش مقرر کردن)، ولی، بعد، در زمانی مشخص از زندگی پولس، زمانی که خدا اراده نمود و از این امر خشنود بود، از طریق موعظه انجیل او را خواند.

د. خدا ما را _____ (آیه ۳۰). تمام کسانی که از طریق موعظه انجیل و تولد تازه‌ای که به دست روح‌القدس است، به شکلی تأثیرگذار و ثمربخش، خوانده شده‌اند واقعاً به مسیح ایمان می‌آورند و عادل شمرده می‌شوند. این واژه در زبان یونانی *dikaioo* «دیکایاعو» می‌باشد که به مفهوم «عادل نشان دادن یا عادل اعلان نمودن» است. در چارچوب مقوله نجات ما، عادل شمردگی واژه‌ای قضایی و حقوقی است. به خاطر کار بی‌نقص و کامل و عالی مسیح برای خیر و صلاح یک ایماندار، خدا می‌تواند از نظر قانونی و حقوقی آن ایماندار را پیشگاه خویش عادل اعلام کند.

ه. خدا ما را _____ (آیه ۳۰). این واژه در زبان یونانی *doxazo* «دکسازو» می‌باشد که به معنی «پرچلال پنداشتن، پرچلال نشان دادن، یا پرچلال شمردن». جلال یافتن یک ایماندار به جایگاه نهایی او در پیشگاه خدا در آن بدن رستاخیز یافته و کامل شده اشاره می‌کند، بدنی که به شباهت مسیح تبدیل شده و برای همیشه از قدرت گناه آزاد گشته است. در این آیه، پولس به جلال نهایی یک ایماندار اشاره می‌کند که گویی هم‌اکنون تکمیل شده است. این گفته پولس ناشی از اعتماد راسخ او به خدا و فرمان‌های مقتدرانه او می‌باشد، زیرا آن خدایی که کاری نیکو را شروع نموده است آن را به کمال خواهد رساند (فلیپیان ۱: ۶). توجه به این نکته مهم است که پولس گویی یک مرحله از سلسله مراحل نجات را از قلم انداخته است: روند تقدیس شدن ما (یعنی رشد روزافزون ما در شبیه شدن به مسیح)، که میانه عادل شمردگی و جلال یافتن صورت می‌گیرد. چون هدف روند تقدیس شدن جلال یافتن می‌باشد، احتمالاً پولس نام تقدیس شدن را از قلم انداخته است تا تأکیدش بر هدف نهایی جلال یافتن باشد که به یقین در زندگی هر ایمانداری، به قدرت مقتدرانه خدا، به کمال خواهد رسید.

شناخت خدای زنده

فصل ۴۳: کار پدر در نجات

خدا، که برای نجات قومش برنامه‌ریزی نمود، طی تاریخ بشر مشغول به کار بوده (و هنوز نیز مشغول به کار است) تا آن طرح و برنامه را پیش ببرد. در ادامه این فصل، به چندین حقیقت بسیار مهم در خصوص نقش پدر در نجات قومش می‌پردازیم: خدای پدر پسر خود را به جهان فرستاد، گناهان ما را به حساب پسرش گذاشت، پسرش را مجازات نمود، پسرش را از مردگان برخیزاند، پسرش را در دست راست خویش سرفراز نمود، و اکنون همه انسان‌ها را به توبه و ایمان فرا می‌خواند.

پدر پسر خود را به جهان فرستاد

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات حتی ایمانداران اصیل و واقعی این است که فقط مسیح را بانی نجات الهی می‌دانند. در برخی موارد، حتی کار مسیح بر صلیب را به شکلی جلوه می‌دهند که گویی ما را از دست پدر نجات داده است! حال آنکه، چنین طرز تفکری به صراحت خلاف کتاب مقدس است. باید همیشه به یاد داشته باشیم که نجات ما با خدای پدر آغاز می‌گردد و چون ما را دوست دارد، پسر یگانه‌اش را به جهان فرستاد.

۱. انجیل یوحنا ۱۶:۳ یکی از محبوب‌ترین آیات کتاب مقدس است. این آیه درباره پدر و نقش او در نجاتمان به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: واژه‌ای که در اینجا «این‌قدر» ترجمه شده است در زبان یونانی *houtos* «هیتس» می‌باشد که گویای وسعت و میزان محبت خدا به جهان است (یعنی خدا جهان را آن‌قدر زیاد دوست داشت که پسر خود را داد) یا شیوه و روشی که خدا جهان را محبت نمود (یعنی خدا به این شکل جهان را محبت نمود: پسر خود را داد).

۲. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد؟ هریک از این آیات درباره پدر و نقش او در نجاتمان به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. یوحنا ۱۷:۳

ب. اول یوحنا ۱۴:۴

پدر گناهان ما را به حساب پسرش گذاشت

خدای پدر پسرش را به جهان نفرستاد تا فقط حقایق را درباره خدا به ما تعلیم دهد یا اصولی را به ما آموزش دهد که با آن اصول در زندگی مان خدا را خشنود سازیم. خدا پسرش را به جهان فرستاد تا جان خود را فدا نماید و برای گناهانمان قربانی شود و به جای ما کفاره گناهانمان را پرداخت نماید. به همین منظور، لازم بود خدا گناهان ما را به حساب پسر بدون گناه خویش بگذارد. عبارت «به حساب گذاشتن یا نسبت دادن» در زبان لاتین فعل *imputare* «ایمپیوتاره» می باشد [*im* = در، به سوی + *putare* = حساب] که به معنای «به حساب کسی گذاشتن» است. بر روی صلیب، پدر گناهان ما را به حساب پسرش گذاشت. این یکی از مهم ترین آموزه های ایمان مسیحی است.

۱. به گفته رساله رومیان ۳:۸، خدا پسر خود را در کدام جسم فرستاد؟

نکته: وقتی پسر خدا انسان گشت، بدنش همچون بدن انسان پیش از سقوط در گناه نبود. اگرچه جسم پسر خدا عاری از گناه بود، هرگونه عواقب و پیامدهای ناگواری که گریبانگیر آدمیزاد است در بدن او هم تأثیر گذاشته بود. زمانی که پسر خدا انسان گشت، همان محدودیتها، همان ضعفها، همان رنجها، و همان دردها و اندوهی که شامل حال انسان سقوط کرده است شامل حال پسر خدا در جسم هم بود. حتی، اگر پسر خدا ذات انسان را پیش از سقوط در گناه به خود می گرفت، باز هم نشانه فروتنی و تواضعی بس عظیم می بود، چه رسد به اینکه حال او «شبییه جسم گناه آلود» به جهان آمد، وه که چه فروتنی و تواضع عظیم ترو چشمگیرتری!

۲. به گفته رساله دوم قرن‌تین ۲۱:۵، خدای پدر با پسرش بر روی صلیب چه کرد؟ این اتفاق درباره آموزه «نسبت دادن یا به حساب گذاشتن» به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: خدا مسیح را به همان شکل گناه ساخت که ایمانداران به مسیح را «عدالت خدا» می‌گرداند. لحظه‌ای که کسی به مسیح ایمان می‌آورد، گناهانش آمرزیده می‌شوند و عدالت مسیح به او نسبت داده می‌شود یا به حسابش گذاشته می‌شود. خدا شخص ایماندار به مسیح را از لحاظ قضایی و قانونی عادل و بی‌گناه اعلام می‌نماید و او را به چشم بی‌گناه می‌نگرد. وقتی مسیح بر صلیب می‌خکوب گشت، به شخصی گناهکار و ناعادل تبدیل نگشت و از لحاظ روحانی تباه و فاسد نشد، بلکه خدا گناهان ما را به مسیح نسبت داد، او را از لحاظ قضایی مقصر اعلام نمود، و او را به چشم گناهکار نگریست.

پدر پسر خود را مجازات نمود

بسنده نبود که پسر فقط گناهان ما را بردوش گیرد، لازم بود که او خشم خدا را نیز متحمل شود، گناهان ما را بردوش گیرد، و به خاطر گناهان ما به جای ما طعم مرگ را بچشد. با رنج و عذاب و مرگ پسر، آنچه عدالت خدا از ما مطالبه می‌نمود پرداخت گشت و غضب خدا که بر ما قرار داشت فروکش نمود. فقط به این طریق، عدالت خدا پابرجا می‌ماند و همزمان گناهکاران عادل و بی‌گناه به حساب می‌آیند.

۱. کتاب اشعیا ۴:۵۳-۵ یکی از مهم‌ترین آیات کتاب مقدس درباره ماهیت رنج و عذاب و مرگ مسیح است. بر صلیب جلجتا، پدر با پسریگانه‌اش چه کرد؟

نکته: رنج و عذاب مسیح در هنگامی که خشم خدا را متحمل گشت با هفت واژه توصیف می‌گردد: زحمت کشیده و مضروب و مبتلا، مجروح، کوفته، تأدیب، زخمی. «ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بر روی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم.»

۲. کتاب اشعیا ۱۰:۵۳ یکی از آیات بی‌نهایت مهم درباره‌ی ماهیت رنج‌های مسیح در جلجتا است. چگونه این آیه حقیقتی را که در اشعیا ۴:۵۳-۵ آموختیم تأیید می‌نماید؟

نکته: عبارت «پسند آمد» در زبان عبری خافِتس می‌باشد که به معنای «مسرور بودن، خشنود بودن، اشتیاق داشتن» است. قصد خدا که آزار و اذیت نبود تا از کوفته و زخمی نمودن پسرش و از انداختن بار سنگین خشم خود بر او لذت ببرد. برعکس، خدا را پسند آمد که با رنج‌ها و با مرگ مسیح اراده‌اش به انجام رسید و راه نجات و رستگاری برای قومش گشوده گشت. واژه «مضروب» در زبان عبری داکا می‌باشد که به معنای «مجروح نمودن، کوفتن، یا خُرد کردن» است. مسیح به دست پدر مضروب و کوفته گشت و زحمت دید و بار غم و اندوه را به دوش کشید تا قومش به واسطه‌ی رنج و عذاب و مرگ او رستگار شوند.

پدر پسر خود را از مردگان برخیزانید و او را سرافراز گردانید

خدای پدر پسر خود را شبیه جسم گناه به جهان فرستاد. او گناهان ما را به حساب پسرش گذاشت و او را زیر بار خشم کامل خویش کوفته و مضروب نمود. با مرگ پسرش، پدر برای گناهان ما کفاره نمود تا به این وسیله بهای گناهانمان کامل پرداخت شود. سپس، در روز سوم، خدا پسر خود را از مردگان برخیزانید و او را با افتخار در مقام خداوند همگان و منجی کسانی که به او ایمان می‌آورند در دست راست خویش سرافراز نمود. پدر، که با برخیزاندن مسیح از مردگان اقتدار خویش را نشان داد و با سرافراز نمودن مسیح اقتدار او را ثابت نمود، اکنون اعلام می‌نماید کل انسان‌ها باید توبه کنند. خدا فرمان می‌دهد که مردم به پسرش، عیسی مسیح، ایمان بیاورند.

۱. پدر پسر خود را از مردگان برخیزانید. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد گواهی می‌دهند رستاخیز مسیح به دست خدای پدر انجام گرفت. خلاصه‌ای از هر آیه را توضیح دهید.

الف. اعمال رسولان ۲:۳۲؛ ۳:۱۵

ب. رومیان ۴:۶

نکته: عبارت «جلال پدر» به احتمال بسیار به قدرت پر جلال پدر اشاره دارد (افسیان ۱۹:۱-۲۰).

۲. پدر پسر خود را به دست راست خویش سرافراز نمود. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد خدا پس از برخیزانیدن پسرش از مردگان او را در مقام خداوند همگان و منجی کسانی که به او ایمان می‌آورند سرافراز نمود. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. فیلیپیان ۲:۹-۱۱

ب. اعمال رسولان ۵:۳۰-۳۱

نکته: در این آیات، روی سخن پطرس به طور مشخص قوم اسرائیل است. اما حقیقتی که پطرس بیان می‌کند می‌تواند شامل حال همه مردم باشد. خدا پسرش را از مردگان برخیزانید و او را در مقام نجات‌دهنده همه کسانی که به او ایمان می‌آورند سرافراز نمود.

۳. پدر اکنون همه انسان‌ها را به توبه و ایمان فرا می‌خواند. خدا پسر خود را از مردگان برخیزانید و او را در مقام خداوند و نجات‌دهنده سرافراز نمود. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، چگونه تک‌تک انسان‌ها باید به این کار عظیم خدا پاسخ دهند؟ حکم و فرمان پدر چیست؟

الف. اعمال رسولان ۱۷:۳۰-۳۱

نکته: عبارت «از زمان‌های جهالت چشم پوشید» به جهالت و بت پرستی درازمدت و دیرینه غیریهودیان اشاره دارد. این بدان معنا نیست که غیریهودیان برای گناهانشان پاسخگو نیستند، بلکه منظور این است که خدا به آنها صبوری نشان داده است. خدا «همه امت‌ها را وا گذاشت که در طرق خود رفتار کنند» (اعمال رسولان ۱۴:۱۶) و غضب خویش را بر غیریهودیان نازل ننمود، چون آمدن مسیح و بشارت انجیل به همگان را مد نظر داشت.

ب. اول یوحنا ۳:۲۳

نکته: ایمان داشتن فقط این نیست که در فکر و ذهنمان با باور و عقیده‌ای موافق و هم نظر باشیم. لازمه ایمان آوردن اعتماد نمودن، توکل نمودن، وابسته و متکی بودن است. ایمان آوردن به مسیح بدین معنا است که شخص زندگی و سعادت ابدی خویش را به خدا، وعده‌های خدا، و اراده خدا در مسیح بسپارد.

شناخت خدای زنده

فصل ۴۴: کار پسر در نجات

بخش اول: ماهیت کار پسر

پس از آنکه کار نجات بخش خدا را با تأکید خاص بر کار پدر بررسی نمودیم، اکنون به کار نجات بخش خدای پسر می‌پردازیم. با مطالعه این موضوع در چند فصل بعد، این حقایق را بررسی خواهیم نمود: (۱) لازم و واجب بودن کار پسر؛ (۲) تمایل و رغبت پسر برای انجام طرح و برنامه‌ای که پدر پیش از بنای عالم تدبیر نموده بود؛ (۳) بی‌همتا بودن شخصیت و کار پسر - نام او تنها نامی است که بدان باید ما نجات یابیم (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

پسر، منجی ما

۱. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نام‌های پسر را مشخص نمایید. این نام‌ها به صراحت و روشنی پسر را نجات‌دهنده معرفی می‌نمایند.

الف. _____ نجات (لوقا ۱: ۶۹). این واژه در زبان یونانی *keras* «کراس» می‌باشد که به معنای «شاخ» است. در قلمروی حیوانات، شاخ هم وسیله دفاعی است و هم وسیله حمله. بنابراین، در عهدعتیق، معمولاً «شاخ» توصیفگر قدرت و قوت و نیرو است (اول سموئیل ۱: ۲، ۱۰؛ دوم سموئیل ۳: ۲۲؛ مزمور ۱۸: ۲؛ ۱۷: ۸۹، ۲۴؛ ۱۷: ۱۳۲). جز خدا، هیچ‌کس نمی‌تواند انسان سقوط کرده را نجات دهد. مسیح، که خدا است، صاحب قوت و قدرت مطلق است تا ما را نجات دهد و نجاتمان را ایمن نگاه دارد.

ب. _____ عالم است (یوحنا ۴: ۴۲؛ اول یوحنا ۴: ۱۴). این واژه در زبان یونانی *soter* «سُتِر» می‌باشد که به معنای «رهاننده» یا «منجی» است. بسیار اشتباه است از این عبارت استفاده کنیم و باوری را که معتقد به رستگاری کل انسان‌های جهان است رواج دهیم (باوری که معتقد است در نهایت کل بشر و تک تک انسان‌ها نجات می‌یابند و به رستگاری می‌رسند). از عبارت «نجات‌دهنده عالم» می‌آموزیم که کار نجات بخش مسیح به یک قوم و ملت یا به یک منطقه مشخص جغرافیایی محدود نیست، بلکه همه انسان‌ها از هر قوم و ملتی در گوشه و کنار جهان می‌توانند به مسیح ایمان آورند.

ج. نجات‌دهنده _____ (تیطس ۳: ۶). هر قدر هم براهمیت این ضمیر مالکیت تأکید شود باز هم کم است. این عبارت، دست‌کم، گویای دو حقیقت است. اول، پسر تنها کسی است که نجات می‌بخشد و این ما هستیم که نجات می‌یابیم. نجات کار پسر است و این ما هستیم که نجات شامل حالمان می‌گردد. دوم، پسر نجات‌دهنده همه نیست، او فقط نجات‌دهنده کسانی است که به او ایمان می‌آورند. ما شخصاً و فرد به فرد باید به او ایمان بیاوریم و از نجاتش بهره‌مند گردیم. پسر باید منجی ما باشد.

د. _____ ظاهر خواهد شد (رومیان ۱۱: ۲۶). این واژه در زبان یونانی فعل *rhuomai* «روهومای» می‌باشد که با فعل *eruo* «اِرُتُو» به معنای «کشاندن» هم خانواده است. منظور این است که یک نفر را از خطر بیرون بکشیم و در نتیجه او را نجات دهیم و از خطر برهانیم. در عهد جدید، پسر خدا آن یگانه کسی معرفی می‌گردد که ما را از غضبی

که در راه است نجات می‌بخشد (اول تسالونیکیان ۱:۱۰)، ما را از جسم مرگ رهایی می‌بخشد (رومیان ۷:۲۴-۲۵)، ما را از هر کار بد می‌رهاند (دوم تیموتائوس ۴:۱۸). فقط پسر خدا، که هم خدا و هم انسان است، قادر است کسانی را که متعلق به او هستند نجات بخشد.

۲. در انجیل لوقا ۴:۱۴-۲۱، لوقا آغاز خدمت عمومی مسیح را ثبت نموده است. در آیات ۱۸-۱۹، عیسی متنی را از اشعیای نبی در توصیف مسیح موعود می‌خواند (اشعیای ۶۱:۱-۲). این آیات درباره هدف پسر خدا از انسان گشتن و مقصود او از خدمت زمینی‌اش و نجات مردمان چه حقیقتی را به ما بیان می‌کنند؟

نکته: واژه «مسح» در زبان یونانی *chrío* «کریو» و در زبان عبری *ماشاخ* می‌باشد که ریشه واژه «مسیح» است (به معنای «مسح شده»). در عهدعتیق، کاهنان و پادشاهان با روغن مسح می‌شدند تا نشانه‌ای باشد مبنی بر اینکه از جانب خدا برگزیده شده‌اند یا رسالتی الهی به آنها سپرده شده است. روح‌القدس پسر خدا را در مقام مسیح موعود مسح نمود تا نجات قوم خدا را بشارت دهد و آن را به انجام برساند.

۳. بنا بر آیاتی که در ادامه از انجیل لوقا به آنها اشاره می‌گردد، عیسی مسیح درباره رسالتش چه تعلیمی می‌دهد؟ چرا پسر خدا جسم گردید و در میان آدمیان ساکن گشت؟

الف. لوقا ۳۱:۵-۳۲

نکته: منظور مسیح این نیست که دو دسته مردم در جهان وجود دارند: گناهکارانی که محتاج نجات و رستگاری‌اند و صالحان و نیکوکارانی که از نجات و رستگاری بی‌نیازند. در اینجا، مسیح هدف از رسالتش را بیان می‌کند: نجات گناهکاران. مشکل اصلی فریسیان و صدوقیان این بود که قبول نداشتند خودشان هم گناهکارند و نیازمند یک طبیب.

ب. لوقا ۱۹:۱۰

نکته: برای درک کامل این آیه مهم است که کل متن را در نظر داشته باشیم. در این متن، از مسیح انتقاد می‌شود که چرا به خانه گناهکاری رسوا و بدنام، به نام زگی، قدم گذاشته است.

۴. در دو پرسش قبل، چندین متن را در مورد رسالت مسیح برای نجات گناهکاران بررسی نمودیم. چگونه این رسالت در حکایت‌های انجیل لوقا فصل ۱۵، که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، نشان داده می‌شود؟

الف. گوسفند گمشده (لوقا ۱۵:۳-۷)

ب. سکه گمشده (لوقا ۱۵:۸-۱۰)

ج. پسر گمشده (لوقا ۱۵:۱۱-۲۴)

نکته: در هیچ‌یک از این مثال‌ها بر ارزش آن که نجات می‌یابد تمرکز نمی‌شود، بلکه بر محبت آن که نجات می‌بخشد تأکید می‌گردد. در مقایسه با صد گوسفند، ارزش یک گوسفند بسیار ناچیز است. یک سکه گمشده معمولاً ارزش آن را ندارد که برای پیدا کردنش وقت و انرژی صرف شود. آن جوان اسراف‌گر لایق محبت پدرش و عزت و احترام نمی‌باشد. به همین نسبت، پسر خدا حاضر شد خود را به چشمگیرترین شکل قربانی نماید و بهای سنگینی بپردازد، اما نه به خاطر ارزش یا شایستگی ما، بلکه به خاطر محبت عظیمش که اراده نمود ما را دوست بدارد!

۵. انجیل یوحنا ۱۰:۱۰-۱۱ یکی دیگر از اعلان‌های قدرتمند دربارهٔ پسر خدا و دلیلی است که او جسم گردید و در میان آدمیان ساکن گشت. حقایق مهم این آیات را خلاصه بیان نمایید.

نکته: «دزد» گویا به انبیای کاذب، مسیحان کاذب، و رهبران مذهبی ریاکار اشاره دارد که پیش از آمدن مسیح راستین در سرزمین اسراییل ظهور کردند. برعکس آنها، مسیح صداقت و خلوص نیت را در رسالتش ثابت می‌نماید و نشان می‌دهد حاضر است با قربانی عظیم برای قومش آنها را نجات بخشد.

بی‌همتا بودن کار نجات بخش پسر

یکی از مهم‌ترین و شوکه‌آورترین ادعاهای ایمان مسیحی این است که عیسی مسیح صرفاً یک نجات‌دهنده نیست، بلکه او یگانه منجی جهان است. کتاب مقدس روشن و صریح می‌فرماید جز مسیح و کار نجات بخش او بر صلیب جلجتا راه دیگری برای نجات و رستگاری وجود ندارد. ایمانداران در عهدعتیق به خدای حقیقی ایمان داشتند و این ایمان برای آنها عدالت به حساب آمد (رومیان ۴:۳؛ غلاطیان ۳:۶). اما این آموزش و این عدالت فقط بدین دلیل به حساب آنها گذاشته شد که روزی مسیح می‌آمد و برای گناهان ایشان کفاره می‌نمود. ایمانداران در عهدجدید (و همهٔ کسانی که از دوران عهدجدید به بعد به مسیح ایمان می‌آورند) به همین شکل نجات می‌یابند: با ایمان به مسیح که با مرگش برای گناهان کفاره نمود و با این اعتقاد که هر که به مسیح ایمان آورد هلاک نمی‌گردد، بلکه حیات جاودان خواهد یافت (یوحنا ۳:۱۶).

۱. بنا بر آیتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، خدا چه طریق‌هایی را تعیین نموده است که به وسیلهٔ آنها انسان‌ها نجات یابند و رستگار شوند؟

نکته: توبه و ایمان نمی‌توانند تقصیر گناه را از دوش گناهکار بردارند، مگر اینکه مطالبات عدالت خدا از گناهکار پرداخت شود. خدا فقط گناهان کسانی را می‌آمرزد که در نام مسیح از گناهانشان توبه می‌کنند و به مسیح که برای گناهانشان بر صلیب جلجتا کفاره نموده است ایمان می‌آورند.

ب. اول تسالونیکیان ۹:۵

نکته: واژه‌ای که در اینجا «تعیین» ترجمه شده است در زبان یونانی *tithemi* «تیتیمی» می‌باشد که به معنای «جای دادن، گذاشتن، قرار دادن» است. به عبارتی، این واژه بدین معنا است: «نصب کردن، تثبیت نمودن، مقرر کردن، تعیین نمودن.» خدا مقرر نموده است که فقط باید با ایمان به مسیح و کفاره او بر صلیب نجات یافت و رستگار گشت. انسان‌ها برای نجات و رستگاری خویش به راه‌ها و روش‌های مختلفی متوسل می‌شوند. اما خدا فقط یک راه رستگاری را تعیین نموده و بنا گذاشته است: زندگی، مرگ، و رستخیز مسیح.

۲. خدا پسر خود را منجی جهان مقرر یا تعیین نموده است. بسیار مهم است که درک نماییم فقط و فقط پسر خدا یگانه نجات‌دهنده است. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد در خصوص این حقیقت که فقط پسر خدا نجات می‌بخشد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. یوحنا ۱۴:۶

ب. اعمال رسولان ۱۲:۴

ج. اول تیموتائوس ۵:۲

نکته: واژه‌ای که در اینجا «متوسط» ترجمه شده است در زبان یونانی *mesites* «مسیتس» می‌باشد که گویای واسطه یا میانجیگراست، یعنی کسی که دو نفر را که با هم دشمنی یا مخالفت دارند آشتی می‌دهد و میانشان صلح برقرار می‌کند و آنها را به توافق می‌رساند.

د. اول یوحنا ۱۱:۵-۱۲

کار پسر در نجات (بخش اول)

۳. کتاب مقدس روشن و صریح می‌فرماید جز مسیح و کار نجات بخش او بر صلیب جلجتا راه دیگری برای نجات و رستگاری وجود ندارد. تأثیر و کاربرد این حقیقت برای انسان‌ها بسیار شایان توجه است، زیرا ابدیت همگان به پاسخ آنها به مسیح بستگی دارد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد به آنانی که به نجاتی که خدا به واسطهٔ پسرش فراهم نموده است بی‌اعتنا هستند چه هشداری می‌دهد؟

الف. یوحنا ۳: ۱۸

نکته: این بدان معنا نیست که کسانی که پیغام انجیل را می‌شنوند و همان لحظه به مسیح ایمان نمی‌آورند بی‌چون و چرا محکوم به داوری هستند. منظور این است که آنانی که در سخت‌دلی و بی‌ایمانی پافشاری می‌کنند محکوم خواهند بود.

ب. عبرانیان ۲: ۱-۳

نکته: نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان کسانی که شریعت را که واسطه‌اش فرشتگان بودند نپذیرفتند (آیهٔ ۲) با کسانی مقایسه می‌کند که نجاتی را که پسر خدا واسطه‌اش است نمی‌پذیرند (آیهٔ ۳). اگر نپذیرفتن شریعت خدا مجازات داشت، چقدر بیشتر ایمان نیاوردن به پسر خدا مجازات دارد!

ج. عبرانیان ۱۰: ۲۶-۳۱

نکته: منظور آیه ۲۶ این نیست که همه به جز کسانی که به کمال بی‌گناهی رسیده‌اند، سرانجام، محکوم به داوری خواهند بود. اگر این‌طور بود، هیچ‌کس نجات نمی‌یافت، چون حتی بالغ‌ترین ایمانداران باز هم با وسوسه و گناه کشمکش دارند. عبارت «عمداً گناهکار شویم» به وضعیتی اشاره دارد که دل نسبت به انجیل سخت و بی‌ایمان می‌شود. این موقعیتی است که شخص به نقطه‌ای می‌رسد که برای همیشه به این حقیقت پشت می‌کند که عیسی پسر خدا، مسیح موعود، و منجی جهان است. در چنین موقعیتی، سخت‌دلی و بی‌ایمانی شخص تا ابد ماندگار است.

شناخت خدای زنده

فصل ۴۵: کار پسر در نجات

بخش دوم: کار تکمیل یافته پسر

خدای پدر طرح و برنامه‌ای را برای نجات قومش تدبیر نمود و خدای پسرانسان گشت و به جهان آمد تا آن طرح و برنامه پدر را عملی نماید. در این فصل، چهار جنبه مهم از کار پسر را بررسی می‌نماییم که وقتی به جهان آمد به خاطر ما به انجام رساند. او خود را خالی نمود، کامل و بی‌عیب زندگی کرد، جان خود را فدا نمود، و از مردگان برخاست.

پسر داوطلبانه خود را خالی نمود

۱. چه بسا رساله فیلیپیان ۲: ۶-۸ چشمگیرترین آیاتی هستند که در کل کلام خدا انسان گشتن پسر خدا را به شفاف‌ترین شکل توصیف نموده‌اند. آیات نامبرده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس معنا و مفهوم این بخش‌ها را توضیح دهید.

الف. چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد (آیه ۶).

نکته: واژه «صورت» در زبان یونانی *morphe* «مورفه» می‌باشد که علاوه بر اینکه به ظاهر و برون چیزی یا کسی اشاره می‌کند، ماهیت درونی و ذاتی یا شالوده و بنیان آن را نیز در نظر دارد. واقعیت این نیست که پسر فقط در ظاهر به نظر رسد که خدا است. واقعیت این است که پسر واقعاً خدا است و با خدا برابر است. واژه‌ای که در اینجا «غنیمت» ترجمه شده است در زبان یونانی *harpagmos* «هارپاگموس» می‌باشد که اشاره به مصادره بی‌اجازه یا به زور گرفتن چیزی به شکل غنیمت است. منظور این می‌باشد که وقتی پسر خدا انسان گشت، حاضر شد داوطلبانه از امتیازها و خصوصیات الوهیتش استفاده نکند تا بتواند اراده پدرش را به جا آورد.

ب. لیکن خود را خالی کرد (آیه ۷).

نکته: عبارت «خالی کرد» در زبان یونانی *kenoo* «کنوئو» می باشد که به معنای «خالی نمودن یا دور کردن» است. وقتی پسر خدا جسم گردید، جلال و امتیازهای الوهیتش را کنار گذاشت و انسان شد. درک این نکته بی نهایت مهم است که خالی شدن پسر خدا به این معنا نیست که او از الوهیت خویش دست کشید یا دیگر خدا نبود، بلکه مسیح از جلال و امتیازهایی که در مقام خدا حق مسلم او است، داوطلبانه، استفاده نکرد (یوحنا ۱۷:۵).

ج. صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد (آیه ۷).

نکته: واژه «صورت» در زبان یونانی *morphe* «مورفه» می باشد که علاوه بر اینکه به ظاهر و بُرون چیزی یا کسی اشاره می کند، ماهیت درونی و ذاتی یا شالوده و بنیان آن را نیز در نظر دارد. مسیح فقط به ظاهر شبیه غلام نشد، او واقعاً از هر نظر به راستی غلام گشت. واژه «شباهت» در زبان یونانی *homoioima* «هوموی اُما» می باشد که می تواند «همانندی» یا «تشابه» نیز ترجمه شود. مسیح واقعاً انسان گشت و صاحب همه ویژگی ها و صفت های انسان شد. انسان شدن مسیح وهم و خیال نبود؛ او یک انسان واقعی شد.

۲. برای جمع بندی این بخش، یک آیه دیگر را هم بررسی می نمایم که انسان گشتن پسر خدا به خاطر قوم خود را به زیبایی توصیف می نماید: دوم قرن ۸:۹. این آیه گویای چه حقایقی است؟

نکته: قطعاً، پسر خدا به هدف نجات و رستگاری آدمیان خود را فقیر نمود. او از جلال و شکوه آسمان دست کشید تا ما پسران و دختران خدا گردیم و به آسمان قدم بگذاریم.

زندگی پسر کامل و بی عیب بود

۱. رسالهٔ دوم قرن‌تینان ۲۱:۵ یکی از اعلان‌های انکارناپذیر در مورد بدون گناه زیستن عیسی مسیح است. آیهٔ نامبرده را بخوانید و جای‌های خالی را پُر نمایید.

الف. او را که گناه _____ .

نکته: این واژه در زبان یونانی *ginosko* «گینوسکو» می‌باشد که در زبان عبری معمولاً بر شناختی شخصی یا حتی خصوصی و صمیمی دلالت دارد. مسیح حتی سر سوزنی با گناه آشنا نبود. مسیح کاملاً و از هر نظر با گناه غریبه بود.

۲. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد گواه واضح و روشنی هستند که ثابت می‌کنند زندگی پسر خدا کامل و بی عیب بود. معنا و مفهوم هر آیه را کوتاه و مختصر توضیح دهید.

الف. عبرانیان ۱۵:۴

ب. اول پطرس ۱:۱۹

ج. اول یوحنا ۳:۵

پسر داوطلبانه جان خود را فدا نمود

۱. با مطالعه رساله فیلیپیان ۲: ۶-۷ در این فصل آموختیم که پسر داوطلبانه جلال و امتیازهای الوهیت را کنار گذاشت و انسان گشت. به گفته آیه ۸، پسر داوطلبانه تا کدام مرحله پیش رفت و خود را تا کجا فروتن نمود؟

نکته: به نظر می‌رسد به صلیب کشیدن افراد یکی از بی‌رحمانه‌ترین وسیله‌های شکنجه‌ای است که انسان اختراع نموده است. اینکه پسر خدا حاضر شد داوطلبانه بر صلیب جان بسپرد نشانه وسعت محبتش به پدر و به ما است.

۲. انجیل یوحنا ۱۰: ۱۷-۱۸ درباره اینکه مسیح حاضر شد برای گناهان قومش داوطلبانه جان خود را فدا نماید گویای چه حقیقتی به ما است؟

۳. به گفته رساله رومیان ۵: ۷-۸، یکی از حیرت‌انگیزترین جنبه‌های این حقیقت که مسیح برای قوم خود جان سپرد چه می‌باشد؟

۴. بنا بر آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، مرگ پسر خدا برای قوم خدا چه ثمری داشت؟

الف. اشعیا ۵۳: ۱۱

کار پسر در نجات (بخش دوم)

نکته: مسیح با تأمل بر کاری که برای نجات خاصان خویش انجام داد بی نهایت خشنود و خرسند است، کاری که نتیجه‌اش عادل شمرده شدن جمعیتی بی‌شمار می‌باشد.

ب. دوم قرن‌تیاں ۲۱:۵

نکته: چون او به خاطر ما گناه گشت، ما در او عدالت خدا گشته‌ایم. گناهان ما به حساب او گذاشته شدند و او به جای ما خشم خدا را متحمل گشت. عدالت او به حساب ما گذاشته شد و ما در پیشگاه خدا بی‌گناه و بی‌ملامت می‌ایستیم و خدا ما را کاملاً به حضور خود می‌پذیرد.

ج. عبرانیان ۱۰:۱۰

نکته: واژه‌ای که در اینجا «مقدس» ترجمه شده است در زبان یونانی *hagiozo* «هاگیازو» می‌باشد که به معنای «مقدس یا تقدیس نمودن» است. در این آیه، واژه نامبرده به فرآیند پیوسته و بی‌وقفه تقدیس شدن اشاره ندارد (یعنی رشد و بلوغ ایمانداران تا روزافزون شبیه مسیح شوند). در اینجا، منظور این است که اشخاص با ایمان آوردن به مسیح، در مسیح، از دیگران جدا می‌شوند یا کنار گذاشته می‌شوند (تقدیس می‌شوند). این واقعیتی

است که با ایمان آوردن ایشان به انجام می‌رسد. ایمانداران به واسطه قربانی مسیح، که یکبار برای همیشه اتفاق افتاد، در حضور خدا مقدس می‌گردند.

د. اول پطرس ۳: ۱۸

پسر خدا خویش را از مردگان برخیزانید

در فصل چهل و سوم آموختیم که پدر پسرش را از مردگان برخیزانید. اما باید این را هم درک نماییم که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد رستاخیز مسیح کار پسر هم بود. پسر با قدرت و اقتدار خویش بر مرگ چیره گشت. این حقیقت کاربردهای بس فراوان دارد. قدرت پسر در رستاخیز خویش گواه قدرت او در رستاخیز قومش است.

۱. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت نامبرده به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ یعنی این حقیقت که رستاخیز پسر هم کار پدر بود و هم کار پسر.

الف. یوحنا ۲: ۱۸-۲۱

ب. یوحنا ۱۰: ۱۷-۱۸

نکته: واژه‌ای که در اینجا «قدرت» ترجمه شده است در زبان یونانی *exousia* «اگسوسیا» می‌باشد که بیانگر قدرت و حق داشتن برای انجام کاری است. چون عیسی، که انسان بود، پسر خدا هم بود، هم قدرت و هم اقتدار داشت تا حکم پدرش را اجرا نماید - جان خود را بدهد و آن را بازگیرد.

۲. در انجیل یوحنا ۵:۲۶، مسیح دربارهٔ خودش حقیقت بسیار مهمی را اعلام می‌نماید که ما را در درک این امر کمک می‌کند که چگونه او می‌تواند هم جان خود را بدهد و هم آن را بازگیرد. آیهٔ نامبرده چه حقیقتی را تأیید می‌نماید؟

نکته: این آیه‌ای دشوار است، اما حقیقتی را که به شفافیت بیان می‌کند این است که مانند پدر پسر نیز خودش صاحب حیات است. حتی بزرگ‌ترین مخلوقات حیاتشان را از کسی دیگر (یعنی از خدا) می‌گیرند. اما حیات پسر خدا ذاتی است. او در خودش حیات دارد. حیات ویژگی است که همیشه در پسر وجود داشته و در ذات وجودش بوده است.

۳. پسر در خودش حیات دارد. بنابراین، هم می‌تواند داوطلبانه جان خود را بدهد و هم آن را بازگیرد. در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، کاربردهای این حقیقت را برای ایمانداران به مسیح توضیح دهید.

الف. یوحنا ۵:۲۷-۲۹

نکته: قدرت مسیح بر مرگ تأثیرها و ثمره‌های مستقیم بر قومش دارد. اگرچه ایمانداران به مسیح از این دنیا چشم خواهند بست، روزی رستاخیز خواهند یافت و تا ابد زنده خواهند بود و دیگر هرگز طعم دردناک مرگ را نخواهد چشید و قدرت مرگ بر آنها سلطه نخواهد داشت.

شناخت خدای زنده

فصل ۴۶: کار پسر در نجات

بخش سوم: کار پسر در حال حاضر

در فصل قبل، چهار جنبه از کار پسر خدا در نجات را بررسی نمودیم که او در زمان زندگی اش در این کره خاکی به انجام رساند. اما درک این نکته بسیار مهم است که کار پسر خدا برای ما با صعودش به آسمان پایان نیافت. در این فصل، دو طریقی را بررسی خواهیم نمود که پسر هنوز در روند نجات قومش مشغول به کار می باشد: خدای پسر به قومش حیات می بخشد و برای ایشان شفاعت می نماید.

پسر به قومش حیات می بخشد

حیاتی که پسر به قوم خود می بخشد فقط به رستخیز یافتن ما منحصر و محدود نیست. مسیح هم منبع رستخیز بدن های ما در آخر زمان است و هم سرچشمه حیات روحانی ما در زندگی روزانه مان در حال حاضر.

۱. در انجیل یوحنا ۶:۱۴، مسیح درباره خودش کلامی شایان توجه بر زبان می آورد. این کلام درباره شخصیت مسیح و وابستگی ایمانداران به او چه حقیقتی را برای ما تأیید می نماید؟

الف. من راه و راستی و _____ هستم.

نکته: اگر مسیح خدا نیست، این آیه کفر است. مسیح نه فقط تجسم حقیقت خدا و راه آشتی خدا با انسان است، بلکه سرچشمه حیات نیز می باشد - حیات جسمانی و حیات روحانی.

۲. در انجیل یوحنا ۱:۱۵-۸، مسیح درباره شخصیت خویش و رابطه ایمانداران با او کلامی بس چشمگیر و شایان توجه، مشابه با آیه ۶:۱۴، بیان می فرماید. آیات نامبرده را چندین بار بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین ها را انجام دهید.

الف. مسیح خودش را در آیه ۱ چه می نامد؟ این آیه درباره مسیح، که سرچشمه حیات ایمانداران است، به ما چه می گوید؟

ب. به گفته آیات ۴-۵، چگونه ایمانداران به مسیح، که سرچشمه حیات روحانی است، وابسته هستند؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: این تشبیهی بسیار زیبا و پر قدرت است. شاخه فقط زمانی می‌تواند میوه دهد که به تکی که منبع حیاتش است متصل باشد. وقتی شاخه بریده شود، پژمرده و بی‌ثمر می‌گردد. دقیقاً، به همین شکل، ایمانداران فقط زمانی حیات روحانی دارند و میوه می‌دهند که دایم و پیوسته به مسیح متصل باشند، از کلامش بیاموزند و از آن اطاعت کنند، و به قدرت مسیح تکیه داشته باشند.

۳. برای جمع‌بندی این بخش، به کلام قاطع پولس در رساله فیلیپیان ۴:۱۳ می‌پردازیم. این آیه درباره مسیح، که سرچشمه حیات و قوت ایمانداران است، به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ در پرتو این حقیقت، چگونه باید زندگی کنیم؟

نکته: واژه «قوت» در زبان یونانی *endunamoo* «اندونامو» می‌باشد که می‌تواند «توانایی» نیز ترجمه شود. این فعل در زمان حال به کار رفته است که حاکی از عملی مداوم و پیوسته است. مسیح دایم و پیوسته قوم خود را حیات و قوت می‌بخشد.

پسر برای قومش شفاعت می‌نماید

مسیح با صعود در دست راست خدا، اکنون، شفیع قوم خود می‌باشد و تا ابد زنده است تا در پیشگاه تخت خدا برای قومش شفاعت نماید. شفاعت دایم مسیح برای قومش بدین معنا نیست که او در پیشگاه تخت خدا زانو زده است و از خدا تمنا می‌کند به ما رحم نماید. مسیح در مقام آن یگانه کسی برای ما شفاعت می‌نماید که در دست راست خدا نشسته است، در مقام آن یگانه کسی که دانای مطلق است و از همه نیازهای قومش باخبر است، در مقام آن یگانه کسی که اقتدار دارد از جانب قومش سخن گوید، در مقام آن یگانه کسی که هر گونه اتهام بر ضد قومش را باطل می‌نماید.

کار پسر در نجات (بخش سوم)

۱. رسالهٔ اول یوحنا ۲:۱-۲ یکی از مهم‌ترین آیات کتاب مقدس دربارهٔ کار پسر و شفاعت او برای ما است. این آیات را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس دیدگاه خود را در مورد این حقایق توضیح دهید.

نکته: این واقعیت که ما در حضور پدر یک شفیع داریم نباید ما را نسبت به زندگی پاک و قدوس بی‌حس و بی‌خیال کند یا موجب شود به گناه بی‌اعتنا باشیم. برعکس، این حقیقت باید به ما انگیزه بخشد تا مطیع باشیم، زیرا پسر خدا برای ما کاری عظیم انجام داده است. با این حال، حتی بالغ‌ترین ایمانداران نیز هنوز با گناه و ضعف اخلاقی کلنجار می‌روند. از این رو، تسلی عظیم ما این است که نزد پدر یک شفیع داریم. واژهٔ «شفیع» در زبان یونانی *parakletos* «پارا‌کلتوس» می‌باشد که به معنای «مددکار» یا کسی است که قرار است به نیابت از کسی دیگر صحبت کند. واژه‌ای که در اینجا «کفاره» ترجمه شده است در زبان یونانی *hilasmos* «هیلاسْمُس» می‌باشد که به معنای «دلجویی» یا «رضایت» می‌باشد. این کفاره به یک قربانی اشاره دارد که تقدیم می‌شود تا از شخصی که رنجیده خاطر گشته است دلجویی شود. پسر خدا کفاره برای گناهان ما است. او به جای ما جان داد و برای گناهان ما قربانی گشت. قربانی مسیح آنچه عدالت خدا از ما مطالبه می‌نماید برآورده ساخت و خشم خدا را فرو نشاند. مسیح به این دلیل می‌تواند شفیع و وکیل مدافع ما باشد که خودش بهای گناهانمان را پرداخته است.

۲. رسالهٔ رومیان ۸:۳۳-۳۴ آیهٔ مهم دیگری دربارهٔ خدمت شفاعت پسر خدا است. این آیات در خصوص ثمرهٔ کار نجات بخش مسیح و شفاعت نمودن او چه می‌فرمایند؟

نکته: پرسش «کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟» و «کیست که بر ایشان فتوا دهد؟» در واقع یک پرسش هستند. گویی خدا با این پرسش‌ها تک‌تک مخلوقات جهان، از جمله شیطان، را مخاطب قرار می‌دهد. به دو دلیل، هیچ‌کس نمی‌تواند قوم خدا را متهم یا محکوم کند. (۱) خدا قوم خود را عادل شمرده است و به آنها حق قانونی داده است که بتوانند در حضورش بایستند. این امر با زندگی کامل و بی‌عیب پسر و مرگ او برای قومش مهیا گشت. (۲) پسر اکنون در دست راست خدا نشسته است و شفیع و وکیل مدافع قوم خود می‌باشد.

۳. در رسالهٔ عبرانیان ۷:۲۳-۲۵، کلام خدا هم قدرت و ثمربخشی خدمت شفاعت پسر را توصیف می‌نماید و هم ماندگار و همیشگی بودن خدمت او را. آیات نامبرده را خلاصه توضیح دهید.

نکته: شفافیت این آیات دلیلی برای توضیح بیشتر باقی نمی‌گذارد. به قدرت حیات بی‌پایان مسیح، او قادر است آنانی را که به وسیله مسیح به خدا نزدیک می‌شوند تا ابد نجات بخشد.

۴. اگرچه کتاب مقدس شفاعت آسمانی پسر در پیشگاه تخت خدا را با جزئیات مکشوف نمی‌نماید، در دعای مسیح در مقام کاهن اعظم برای شاگردانش، می‌توان به سرنخ‌هایی دست یافت (یوحنا ۱۷:۱-۲۶). در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، فهرست تقاضاهایی آمده است که مسیح در آن دعای نامبرده برای قومش مطرح نمود. هر آیه را با گزینه تقاضایی که در آن عنوان شده است تطبیق دهید.

- | | |
|---|----------------------|
| الف. مسیح برای جلال آینده قومش شفاعت می‌نماید. | _____ یوحنا ۱۷:۱۱-۱۲ |
| ب. مسیح برای اتحاد قومش شفاعت می‌نماید. | _____ یوحنا ۱۷:۱۳ |
| ج. مسیح برای تقدیس قومش شفاعت می‌نماید. | _____ یوحنا ۱۷:۱۵ |
| د. مسیح برای شادی قومش شفاعت می‌نماید. | _____ یوحنا ۱۷:۱۷-۱۹ |
| ه. مسیح برای ثبات قدم قومش شفاعت می‌نماید. | _____ یوحنا ۱۷:۲۱-۲۳ |
| و. مسیح برای محافظت قومش از همه نیروهای شیطانی شفاعت می‌نماید (لوقا ۲۲:۳۲). | _____ یوحنا ۱۷:۲۴ |

شناخت خدای زنده

فصل ۴۷: کار روح القدس در نجات

در بررسی کوتاه و مختصر درباره این حقیقت که خدا نجات‌دهنده است، باید نقش شخص روح القدس را نیز با دقت بررسی نماییم. هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که نجات ما کار خدای تثلیث است و روح القدس نیز در کنار پدر و پسر در نجات ما نقش دارد. در این فصل، می‌آموزیم که روح القدس نیز مانند پدر و پسر در نجات ما نقش مهم و حیاتی دارا می‌باشد.

کار روح القدس در کفاره مسیح

۱. روح القدس نطفه پسر را نقش بست. کل کار کفاره مسیح مشروط به الوهیت عیسی و کاملاً عاری از گناه بودن او است. این دو عامل موجب شدند تولد عیسی از باکره امری کاملاً واجب و ضروری باشد. به فرموده انجیل لوقا ۱: ۳۴-۳۵، روح القدس در بسته شدن نطفه عیسی، که یک معجزه مطلق بود، چه نقشی داشت؟ نتیجه چه بود؟

۲. روح القدس پسر را قدرت بخشید. عیسی خدا است، اما، وقتی به این دنیا قدم گذاشت، انسان کامل نیز بود، تسلیم اراده پدرش، و کاملاً وابسته به قدرت روح القدس. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. لوقا ۴: ۱، ۱۴

ب. اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ (متی ۱۲: ۲۸؛ لوقا ۵: ۱۷)

۳. روح القدس در تقدیم قربانی پسر نقش داشت. رسالهٔ عبرانیان ۱۴:۹ دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: هرچند ممکن نیست معنای کاربردهای این آیه را به طور کامل درک نماییم، واضح و روشن است که روح القدس مددکار پسر بود و به هنگام قربانی شدن پسر بر صلیب به او قوت بخشید. همان‌گونه که روح القدس پسر را قدرت بخشید تا زندگی کامل و بی‌عیبی داشته باشد و خدمت خود را به انجام برساند (لوقا ۴:۱۸؛ اعمال رسولان ۱۰:۳۸)، در کفاره نمودن و تقدیم جان خویش نیز پسر را تقویت نمود و قوت بخشید.

۴. روح القدس پسر را برخیزانید. رستاخیز پسر از مردگان علاوه بر اینکه کار پدر و پسر بود، ثمرهٔ کار روح القدس نیز بود. رسالهٔ رومیان ۱۱:۸ دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: اصلی‌ترین نکته‌ای که در آیهٔ نامبرده بیان می‌شود این است که پدر پسر را برخیزاند. با این حال، قطعاً، پدر به قدرت روح القدس پسر را برخیزانید.

کار روح القدس در تولد تازه

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که انسان از اساس و بنیان تباه گشته است و کاملاً و همه‌جانبه به کار روح القدس وابسته است. در ادامه، این حقیقت را بررسی خواهیم نمود که برای نجات یافتن انسان این روح القدس است که باید به او تولد تازه بخشد، او را ملزم نماید، حقیقت را بر او مکشوف گرداند، در او ساکن شود، و او را مَهر نماید.

۱. روح القدس گناهکار را تولد تازه می‌بخشد. عبارت «تولد تازه» یا «خلقت تازه» در زبان لاتین فعلی به نام *regenerare* «ریجنِرا» می‌باشد [re = دوباره + *generare* = خلق نمودن، تولید نمودن]. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد انسان از لحاظ روحانی مرده است (افسیسیان ۲:۱-۳). بنابراین، توانایی ندارد به خواندگی خدا برای نجات و رستگاری اش پاسخ دهد. برای اینکه انسان بتواند به این خواندگی نجات پاسخ دهد، ابتدا روح القدس باید به او حیات روحانی ببخشد. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد دربارهٔ این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

نکته: عبارت «مولود شدن یا تولد دوباره» در زبان یونانی *gennaio* «گنئو» (تولید نمودن، پدید آوردن، موجب شدن) و *anothen* «آنوتین» می‌باشد (بالا یا دوباره). هنگام آفرینش جهان، «روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت» و او نظم و ترتیب و حیات پدید آورد (پیدایش ۱: ۲). همان کار حیات بخشی که روح خدا در زمان آفرینش جهان انجام داد در بطن گناهکاران انجام می‌دهد، حتی پیش از آنکه آنها قادر باشند به پیغام نجات بخش انجیل گوش فرا دهند، قدردان آن باشند، یا از آن اطاعت نمایند.

ب. تیطس ۳: ۴-۶

نکته: «تولد تازه» (در زبان یونانی: *paliggenesia* «پالینگنسیا»: *palin* = دوباره + *genesis* = پیدایش، تولد) و «تازگی» (*anakainosis* «آناکاینوسیس»: *ana* = بالا + *kainos* = تازه) واژگانی هستند که در آیات نامبرده به کار رفته‌اند. هر قدر براهمیت کار روح القدس در تولد تازه ایمانداران تأکید نماییم باز هم کم است. این روح القدس است که پیشقدم می‌گردد و در دل و فکر ما عمل می‌نماید. در نتیجه، این کار نجات بخش روح القدس است که موجب می‌شود ما توبه کنیم و ایمان آوریم.

۲. روح القدس گناهکاران را به گناه ملزم می‌سازد. پیش از آنکه گناهکاران بتوانند نیازشان را به نجات و رستگاری تشخیص دهند، باید وخامت گناهانشان و داوری را که عاقبت گناهانشان است تشخیص دهند. اگر روح القدس عمل نکند، محال است گناهکاران نیاز به نجات و وخامت گناه و داوری را تشخیص دهند. به فرموده انجیل یوحنا ۱۶: ۷-۱۱، یکی از کارهای اصلی روح القدس که مسیح او را به جهان فرستاده است چیست؟

نکته: واژه «ملزم» (آیه ۸) در زبان یونانی *elegcho* «الگخو» می‌باشد که به معنای «آشکار ساختن، ملزم نمودن، نکوهش کردن» است. این واژه توصیفگر کار دادستان است که استدلال و دلیل و برهان می‌آورد تا جرم یک مجرم یا تبهکار را آشکار سازد. شاید چنین کاری شدید و ناخوشایند به نظر رسد، اما به راستی نمودار محبت عظیم خدا است. پیش از آنکه آدمیزادی که به بیماری کشنده و مرگبار مبتلا است به دنبال درمان باشد، ابتدا باید به واقعیت و وخامت اوضاع و شرایطش ملزم شود. روح القدس گناهکار را در این موارد ملزم می‌نماید: (۱) به گناه خویش که به مسیح ایمان ندارد؛ (۲) به عدالت مسیح که در برخیزاندن او از مردگان نمایان است؛ (۳) به داوری آینده. مسیح بر روی صلیب بر شیطان و داوری چیره گشت. صلیب مسیح گواهی است که ثابت می‌کند همه پیروان شیطان به سرنوشت او دچار خواهند گشت.

۳. روح القدس حقیقت را مکشوف می‌نماید. یکی از برجسته‌ترین کارهای روح القدس این است که او پسر خدا را به انسان‌های گناهکار مکشوف می‌سازد تا آنها نجات یابند. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره این حقیقت به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. به گفته رساله اول قرن‌تین ۱۰:۲-۱۲، چگونه حقایق خدا به انسان‌ها مکشوف می‌گردد؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: روح القدس آن عامل و کارگزار است که حقیقت خدا را به انسان‌ها مکشوف می‌سازد. با این حال، بسیار مهم است که تشخیص دهیم روح القدس در اصل به وسیله تعالیم کتاب مقدس حقیقت را بر ایمانداران و غیرایمانداران آشکار می‌سازد. روح القدس ذهن ما را روشن می‌نماید و ما را قادر می‌گرداند کلامی را که خودش نوشته است درک نماییم (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

ب. به گفته انجیل یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۴، چه چیزی یا چه کسی آن موضوع اصلی است که روح القدس در مکاشفه نجات بخش خویش به انسان‌ها آشکار می‌سازد؟ آیا روح القدس توجه را به خودش جلب می‌نماید یا به شخص دیگری؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: عیسی مسیح در اصل و مستقیم این وعده‌ها را به رسولانش می‌دهد که قرار بود عهد جدید را بنویسند. اما حقایق این وعده‌ها در مورد کل ایمانداران به مسیح کاربرد دارند. هر مکاشفه و هر کار روح القدس همواره شخص مسیح و کفاره او را جلال می‌دهد. روح القدس توجه را به خودش جلب نمی‌کند.

۴. روح القدس در ایمانداران به مسیح ساکن می‌گردد و ایشان را مُهر می‌نماید. یکی از زیباترین و قدرتمندترین حقایق درباره روح القدس این است که او در تک تک ایمانداران راستین به مسیح ساکن می‌گردد و ما را در مقام فرزندان رستگار خدا مُهر می‌نماید. به واسطه روح القدس، پدر و پسر در ما ساکن می‌شوند.

الف. آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد درباره سکونت روح القدس در ایمانداران به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

(۱) یوحنا ۷: ۳۷-۳۹

(۲) یوحنا ۱۴: ۲۳

نکته: واژه‌ای که در اینجا «مسکن» ترجمه شده است در زبان یونانی *mone* «مونه» می‌باشد که گویای اتاق، اقامتگاه، یا محل زندگی می‌باشد.

نکته: این آیه را نباید فقط به شکل یک هشدار نگاه کرد، بلکه باید آن را به منزله یک تشویق و دلگرمی برجسته نیز در نظر گرفت. روح القدس در هر ایماندار واقعی و اصیل ساکن است، خواه بالغ‌ترین ایماندار، خواه نوایمان‌ترین ایماندار.

ب. رساله افسسیان ۱:۱۳-۱۴ درباره این حقیقت که روح القدس ایمانداران را مَهر می‌نماید به ما چه تعلیمی می‌دهد؟

نکته: واژه‌ای که در اینجا «مختوم» ترجمه شده است در زبان یونانی *sphragizo* «سِفِرَاگِیزُ» می‌باشد که به این معنا است: «مُهر زدن یا نشان گذاشتن». در کتاب مقدس، این واژه گویای سه مفهوم است: (۱) مالکیت یا صاحب بودن (دوم قرن‌تیا ۱:۲۲؛ مکاشفه ۷:۲-۳)؛ (۲) تضمین و ضمانت (متی ۲۷:۶۶؛ افسسیان ۴:۳۰)؛ (۳) تصدیق و تأیید (یوحنا ۳:۳۳؛ ۶:۲۷). واژه «بیعانه» در زبان یونانی *arrhabon* «آرهابُن» می‌باشد و به سپرده، پیش‌خرید، یا پیش‌پرداخت اشاره دارد که تضمین خرید و پرداخت نهایی است (یعنی با این پیش‌پرداخت قول داده می‌شود کل مبلغ پرداخت شود). روح القدس، که در ایمانداران ساکن است و به آنها بیداری روحانی و قوت می‌بخشد، مَهر مالکیت خدا بر ایمانداران است و ضامن نجات و رستگاری تمام و کمال آنها در حضور خدا! خدای ما خدای نجات‌دهنده است: پدر، پسر، روح القدس. پدر، که نجات ما را برنامه‌ریزی نموده است و جزء به جزء آن را مدیریت می‌نماید، خدا است. پسر، که نجات ما به شخصیت و کار او بر صلیب وابسته است، خدا است. روح القدس، که در ما ساکن است و ما را برای روز رستگاری مَهر می‌نماید، خدا است (افسسیان ۴:۳۰). هر سه شخص تثلیث که در نجات ما نقش دارند کاملاً خدا هستند. بنابراین، می‌توانیم با قاطعیت یقین داشته باشیم خدا که کار نیکورا در ما شروع نمود آن را قطعاً به کمال خواهد رساند (فیلیپیان ۱:۶)!

شناخت خدای زنده

پی نوشت: نام‌های خدا

یک نام چه ماهیتی دارد؟

در فرهنگ عبری، نام شخص فقط یک عنوان نیست، بلکه توصیف یا مکاشفه آن شخص است. در کتاب مقدس، در این خصوص نمونه‌های فراوانی وجود دارد: ابراهیم یعنی «پدر جمعیتی انبوه» (پیدایش ۱۷:۵). یعقوب یعنی «آن که پاشنه می‌گیرد» یا «آن که جای دیگری را می‌گیرد» (پیدایش ۲۶:۲۵؛ ۳۶:۲۷). نابال یعنی «احمق» (اول سموئیل ۲۵:۲۵). برنابا یعنی «پسر تشویق» (اعمال رسولان ۴:۳۶). همه این نام‌ها بازتاب شخصیت صاحب آن نام‌ها هستند. به همین شکل، نام خدا از شخصیت خدا جدایی‌ناپذیر است و مکاشفه‌ای امین از ذات و هویت خدا است. هر یک از نام‌های خدا گویای حقیقتی درباره شخصیت خدا است.

نام‌های خدا

اکنون، به بررسی دقیق تر نام‌های خدا می‌پردازیم. برای این بخش از مطالعه مان انجام تمرین‌های خاصی را در نظر نگرفته‌ایم. دعا می‌کنیم و هر نام را با دقت مطالعه و بررسی می‌نماییم.

خدا (در زبان عبری: **إل**): واژه **إل** یکی از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نام‌های خدا در میان مردمان نژاد سام است (بَابِلِی، فینیقی، آرامیک، عبری). معنای دقیق این واژه مشخص نیست. اما احتمالاً بیانگر قدرت، قوت، عظمت، و ابهت می‌باشد. این نام دویست و هشت بار در کتاب مقدس به کار رفته است (خروج ۳۴:۱۴؛ مزمور ۱۹:۱؛ اشعیا ۴۳:۱۲).

خدا (در زبان عبری: **الوآه**): معنای دقیق واژه **الوآه** مشخص نیست. اما احتمالاً بیانگر همان معنای **إل** می‌باشد - قدرت، قوت، عظمت، و ابهت. این واژه پنجاه و شش بار در عهدعتیق به کار رفته است که از این تعداد چهل و یک بار آن متعلق به کتاب ایوب می‌باشد (ایوب ۲۲:۱۲؛ ۲۷:۳؛ ۲۷:۸؛ ۳۳:۱۲؛ ۳۷:۲۲؛ ۴۰:۲).

خدا (در زبان عبری: **الوهیم**): واژه **الوهیم** نخستین نام خدا است که در کتاب مقدس از آن نام برده می‌شود (پیدایش ۱:۱). در کتاب مقدس، این نام خدا بیش از همه نام‌های دیگر او به کار رفته است (دو هزار و پانصد و هفتاد بار). نام **الوهیم** احتمالاً شکل جمع نام **الوآه** است و همانند آن نام گویای قوت و قدرت می‌باشد. در کتاب مقدس، **الوهیم** بنا بر بافت و محتوای متن اشاره به چهار نام و عنوان مختلف است: (۱) خدا؛ (۲) بت‌ها؛ (۳) فرشتگان؛ (۴) داوران. حالت جمع نام **الوهیم** از اهمیت زیادی برخوردار است و دو تفسیر احتمالی دارد. ابتدا، همه زبان‌های سامی حالت جمع این اسم را به کار می‌برند تا نشان دهند منظورشان اشاره به وجودی استثنا یا منحصر به فرد است. برای نمونه، حجم کوچکی از آب را «آب» می‌نامیم، در حالی که حجم انبوهی از آب را «آب‌ها» می‌نامیم. اما، وقتی نام **الوهیم** در حالت جمع و در اشاره به خدا به کار می‌رود، منظور این نیست که بیش از یک خدا وجود دارد، بلکه منظور این است که خدا خدای بزرگ و قیاس‌ناپذیر است، خدای واحد حقیقی که بر جمیع خدایان متعال است. دوم، نام **الوهیم** در حالت جمع احتمالاً می‌تواند به سه شخص تثلیث اشاره داشته باشد.

خدا (در زبان آرامیک: **إلاه**؛ در زبان یونانی: **Theos**): در این کتاب‌ها، که بخشی از آنها به زبان آرامیک نوشته شده است، واژه آرامیک **إلاه** در اشاره به «خدا» به کار رفته است: عزرا (۴:۸-۶:۱۸؛ ۷:۱۲-۲۶)؛ دانیال (۲:۴-۷:۲۸). واژه یونانی **theos** «تئوس» نیز در سراسر عهدجدید «خدا» ترجمه شده است. هیچ‌یک از این واژگان به درک نام خدا، که در کتاب مقدس ریشه

دارد، مفهوم تازه‌ای را اضافه نمی‌کنند. نویسندگان کلام خدا با به کار بردن این واژگان طرز تفکر اشتباه یونانیان و مردمان آرامیک‌زبان را درباره خدا تأیید نمی‌کنند.

متعال (در زبان عبری: **ایون**؛ در زبان آرامیک: **ایلا**؛ در زبان یونانی: **hupsistos** «هوپسیستوس»): واژه «متعال» در زبان عبری **ایون** می‌باشد که گویای والامقام بودن خدا و ابهت وصف‌ناپذیر او است. در مزمور ۹۷:۹، چنین می‌خوانیم: «زیرا که تو ای خداوند [یهوه] بر تمامی روی زمین متعال هستی. بر جمیع خدایان بسیار اعلا هستی.» در بخشی از متن کتاب دانیال، که به زبان آرامیک نوشته شده است، نام «متعال» از واژه آرامیک **ایلا** ترجمه شده است (دانیال ۳:۲۶؛ ۴:۳۴). در عهدجدید، این نام از واژه یونانی **hupsistos** ترجمه شده است (مرقس ۵:۷؛ لوقا ۱:۳۲، ۳۵، ۷۶؛ ۶:۳۵؛ ۸:۲۸؛ اعمال رسولان ۱۶:۱۷؛ عبرانیان ۱:۷).

قادر مطلق (در زبان عبری: **شادای**؛ در زبان یونانی: **pantokrator** «پانتوکراتور»): واژه «قادر مطلق» در زبان عبری **شادای** می‌باشد که گویای قدرت بی‌کران خدا است. در ترجمه معروف به هفتادتنان (ترجمه عهدعتیق به زبان یونانی)، این واژه **pantokrator** است («قدرت مطلق»). در ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین، که به ترجمه وُلگاتِه معروف است، این واژه **omnipotens** «امنیپتِنس» می‌باشد که دقیقاً به معنای «قادر مطلق» است.

خداوند (در زبان عبری: **آدون**، **آدونای**): نام **آدون** گویای مالکیت و سرور و صاحب بودن است. در کتاب مقدس، وقتی این نام در حالت جمع به کار می‌رود (**آدونای**)، همواره به خدا اشاره دارد. این نام در حالت جمع گویای تأکید و شدت است - خدا خداوند مطلق همه چیز است، بدون استثنا (همانند **الوهیم**). لقب **آدونای** بیانگر خداوندی و سروری خدا بر کل جهان است. این نام در خصوص ارتباط میان خدا و قومش نیز گویای معنا و مفهوم مهمی است. خدا، که مالک و سرور و صاحب اختیار قومش است، خود را متعهد نموده است به فکر آنها و نیازهایشان باشد. ما، که بندگان و خدمتگزاران صاحب و سرورمان هستیم، باید متعهد باشیم بی‌چون و چرا از خدا اطاعت نماییم. نام **آدونای** چهارصد و پنجاه و شش بار در کتاب مقدس در اشاره به خدا به کار رفته است.

خداوند (در زبان عبری: **یهوه**): نام **یهوه** نام شخصی خدا و نامی است که بیش از سایر نام‌های خدا در کتاب مقدس به کار رفته است (شش هزار و هشتصد و بیست و پنج بار). در زبان عبری، این نام را به صورت چهار حرف مجزا می‌نویسند: «ی ه و ه» این نام به شکل «یاهوه» هم تلفظ می‌شود، هرچند قطعیت چنین تلفظی چندان مشخص نیست. شمار زیادی از پژوهشگران کتاب مقدس بر این باورند که نام **یهوه** از فعل **هایاه** (در زبان عبری) ریشه گرفته است که به معنای «بودن» است (خروج ۳:۱۴). این نام گویای ابدی و ازلی بودن، تغییرناپذیر بودن، و بی‌همتا و منحصر به فرد بودن خدا است. بسیار مهم است که حواسمان باشد خداوند عیسی مسیح خودش را به این نام امید (یوحنا ۸:۵۸-۵۹) و به این شکل بر الوهیت خویش تأکید نمود.

خداوند (در زبان عبری: **یاه**): نام **یاه** شکل کوتاه‌شده نام **یهوه** است. این نام چهل و هشت بار در کتاب مقدس، به طور مشخص در کتاب مزامیر و در بانگ **هللویاه**، به کار رفته است (یعنی «ستایش بر یهوه!» یا «ستایش بر خداوند!») واژه **یاه** در ترکیب نام چندین تن از شخصیت‌های کتاب مقدس نیز به کار رفته است (ایلیا - «خدای من یهوه است» یا «یهوه خدا است»).

خداوند (در زبان یونانی: **kurios** «کورئوس» می‌باشد): در طرز تفکر یونانیان، این واژه می‌تواند به شخصی والامقام و صاحب قدرت و یا به وجودی ماورای طبیعی (یعنی یکی از خداوندگاران) اشاره داشته باشد. در ترجمه معروف به هفتادتنان (ترجمه عهدعتیق به زبان یونانی)، به جای نام عبری **یهوه** واژه «خداوند» به کار رفته است. در عهدجدید نیز واژه «خداوند» گویای نام «خدا» می‌باشد. این واژه ششصد و چهل بار در عهدجدید در اشاره به خدا به کار رفته است. شایان توجه است که واژه **kurios** بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی در اشاره به عیسی مسیح به کار می‌رود.

خداوند (در زبان یونانی: *despotes* «دِسپُتِس»): این واژه بیانگر مالکیت یا سروری مطلق است. این واژه در زبان قدیم یونانی به معنای آقای خانه بود که خانه را با اقتدار مطلق اداره می‌نمود. با گذشت زمان، این واژه بار معنایی منفی یافت و توصیفگر کسی شد که صاحب اقتدار نامحدود است یا حتی یک سیاستمدار خودکامه می‌باشد. اما، زمانی که این واژه در ترجمه عهدعتیق به زبان یونانی و در عهدجدید در توصیف خدا به کار می‌رود، اصلاً معنای منفی ندارد، چرا که خدا فسادناپذیر است. خدا صاحب برحق و خداوند آفریده‌هایش است. قدوسیت و عدالت خدا تضمین می‌نمایند که او همواره با انصاف و عدالت مطلق از اقتدار مطلق خویش استفاده می‌کند. واژه *despotes* شش بار در عهدجدید در اشاره به خدا به کار رفته است (لوقا ۲۹:۲؛ اعمال رسولان ۲۴:۴؛ دوم تیموتائوس ۲:۲۱؛ دوم پطرس ۱:۲؛ یهودا ۴؛ مکاشفه ۱۰:۶). در رساله دوم پطرس ۱:۲ و یهودا ۴ این واژه به طور خاص به عیسی مسیح اشاره دارد.

بررسی دقیق‌تر نام یهوه

در مطالبی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، کوتاه و مختصر، به بررسی ترکیبی از نام‌های خدا می‌پردازیم که در آنها نام **یهوه** به کار رفته است. هریک از این نام‌ها دیدگاه و بینش ما را به شخصیت و عملکرد خدا وسیع‌تر می‌گردانند.

خداوند لشکرها (در زبان عبری: **یهوه صباوت**): این نام خدا را جنگجو و پادشاه قادر مطلق معرفی می‌کند که بر قومش سلطنت و از آنها محافظت می‌نماید. واژه «لشکرها» به (۱) فرشتگان یا (۲) اجرام آسمانی - خورشید، ستارگان، و نیروهای طبیعت اشاره دارد. منظور این است که خداوند بر همه چیز و همه کس فرمانروا است - کائنات و زمین و آسمان. خدا اراده کامل و بی‌نقص خود را پیش می‌برد و هیچ‌کس نمی‌تواند سد راه او باشد (مزمور ۱۰:۲۴؛ اشعیا ۱:۶-۵؛ اشعیا ۳۱:۴-۵).

خداوند متعال (در زبان عبری: **یهوه الیون**): این نام گویای اقتدار، حاکمیت، تعالی، و ابهت یهوه است. خدا خداوند همگان است و شایسته همه پرستش‌ها و ستایش‌ها (مزمور ۱۷:۷؛ ۲:۴۷؛ ۹۷:۹).

خداوند مهیا خواهد نمود (در زبان عبری: **یهوه پراه**): ابراهیم، جد قوم اسرائیل، در کتاب پیدایش ۱۴:۲۲ خدا را به این نام می‌نامد. در اطاعت از حکم خدا، ابراهیم پسر خود، اسحاق، را بر مذبح قرار می‌دهد تا او را قربانی نماید. پیش از آنکه ابراهیم بر پسرش ضربه زند، خدا او را از این کار بازمی‌دارد و به جای اسحاق قوچی مهیا می‌نماید. آن رهایی و نجاتی را که خدا آن روز در کوه موریافراهم نمود ابراهیم را بر آن می‌دارد تا آن مکان را **یهوه پراه** بنامد. اگرچه درست است که خدا قادر و توانمند و امین است تا همه نیازهای ما را برطرف نماید، نام **یهوه پراه** برای ثروتمند شدن و رفاه و کامیابی مالی وعده نمی‌دهد. این نام نجات از گناه را وعده می‌دهد. ما باید به گناهان خود بمیریم (رومیان ۶:۲۳)، اما **یهوه پراه** یک قربانی مهیا نموده است تا به جای ما جان دهد - پسر یگانه و محبوب خود را. او آن بزه است که گناه جهان را برمی‌دارد (یوحنا ۱:۲۹). تقریباً کفر است که به جای نجات و رستگاری روحانی بر ثروت و کامیابی مالی تأکید کنیم. مسیح برای پولدار شدن ما خون خود را نریخت، بلکه برای نجات روح و جان ما جان خود را فدا نمود! رستگاری روح و جان بها دارد (مزمور ۸:۴۹).

خداوند معیار یا پرچم من است (در زبان عبری: **یهوه نسی**): پس از آنکه خدا لشکر عملیقیان را شکست می‌دهد، موسی در کتاب خروج ۱۵:۱۷ خدا را به این نام می‌نامد. در روزگاران قدیم، سربازان و سپاهیان پیش از آماده شدن برای نبرد در کنار یک نشان یا پرچم به صف می‌شدند. حقیقتی که در اینجا بیان می‌شود این است که خدا معیار و نشان قومش است. وقتی در حضور او به صف می‌شویم، پیروزی مان قطعی است.

خداوند تقدیس می‌نماید (در زبان عبری: **یهوه کادش**): این نام نخستین بار در کتاب خروج ۱۳:۳۱ عنوان می‌شود و بعدها چندین بار در کتاب لاویان تکرار می‌گردد (۸:۲۰؛ ۸:۲۱، ۱۵، ۲۳؛ ۹:۲۲، ۱۶، ۳۲). واژه تقدیس (در زبان عبری: **کاداش**) به این

معنا است: «جدا نمودن چیزی (یا کسی) از کارهای معمولی و اختصاص دادن یا وقف نمودن آن برای انجام هدفی خاص.» نام **یهوه کادش** بیانگر حقایقی بسیار شگفت‌انگیز به قوم خدا است. خدا ما را از سایر مردم جهان جدا نموده است. او ما را برای خدمت خویش تقدیس نموده است و مشغول به کار است تا ما را به تصویر خویش تبدیل نماید.

خداوند شبان من است (در زبان عبری: **یهوه رآح**): این نام در یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین فصل‌های کتاب مقدس، یعنی مزمور ۲۳، عنوان می‌گردد. نام **یهوه رآح** برای قوم خدا یکی از محترم‌ترین نام‌ها است. خدا شبان قومش است. او آنها را دوست دارد، آنها را خوراک می‌دهد، آنها را هدایت می‌نماید، آنها را از دشمنانشان ایمن نگاه می‌دارد (پیدایش ۱۵:۴۸؛ ۲۴:۴۹؛ مزمور ۹:۲۸؛ اشعیا ۴۰:۱۱؛ حزقیال ۱۲:۳۴؛ میکاه ۷:۱۴؛ یوحنا ۱۰:۱۰؛ مکاشفه ۷:۱۷). در عهد جدید، خدا خودش را در عیسی مسیح در مقام شبان نیکو مکشوف می‌نماید که جان خود را برای گوسفندانش می‌نهد (یوحنا ۱۰:۱۱).

خداوند شفا دهنده تو است (در زبان عبری: **یهوه رافاه**): این نام در کتاب خروج ۲۶:۱۵ عنوان می‌شود که موسی وعده خدا را به قوم اسرائیل اعلام می‌کند: «اگر قول یهوه، خدای خود، را بشنوی و آنچه را در نظر او راست است به جا آوری و احکام او را بشنوی و تمامی فرایض او را نگاه داری، همانا هیچ‌یک از همهٔ مرض‌هایی را که بر مصریان آورده‌ام بر تو نیاورم، زیرا که من یهوه، شفا دهنده تو، هستم.» نام **یهوه رافاه** به ما تضمین می‌دهد می‌توانیم یقین داشته باشیم که خداوند در تدبیر و مشیت خویش به فکر ما است. او ما را از بیماری اخلاقی گناه شفا بخشیده است. خدا قادر است بیماری‌های جسمانی ما را نیز شفا دهد و می‌توانیم یقین داشته باشیم که اگر اراده‌اش باشد و اگر شفای جسمانی ما باعث جلالش شود، حتماً شفای جسمانی را جاری خواهد نمود.

خداوند آرامش است (در زبان عبری: **یهوه شالوم**): این نام، که در کتاب داوران ۶:۲۲-۲۴ عنوان شده است، گویای یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رابطه‌ای است که میان خدا و قومش وجود دارد: آرامش. در آیات نامبرده از کتاب داوران، جدعون شاهد مکاشفه عالی و بی‌نظیر خدا از طریق فرشتهٔ خداوند است و به این دلیل مطمئن می‌باشد که زنده نخواهد ماند. هرگاه انسان گناهکار با خدای قدوس روبه‌رو می‌شود، چنین ترس و هراسی گریزناپذیر خواهد بود. با این حال، هم در مورد جدعون و هم در مورد همهٔ کسانی که قوم خدا هستند، فیض خدا چنین ترس و وحشتی را به تسلی و آرامش تغییر می‌دهد. تحقق عظیم‌تر این حقیقت در خداوند عیسی مسیح، که آرامش ما است، مهیا می‌باشد (افسیان ۲:۱۴).

خداوند اینجا است یا شخصاً حضور دارد (در زبان عبری: **یهوه شماه**): این نام در کتاب حزقیال ۳۵:۴۸ عنوان شده است که در آنجا خدا وعده می‌دهد در روزهای آخر، که قوم خود را به نزد خود بازمی‌گرداند، حضورش با آنها خواهد بود. حضور خدا همواره برای قوم خدا برکت ویژه‌ای بوده است. آدم پیش از سقوط و داوری‌اش، در باغ عدن، با خدا قدم می‌زد (پیدایش ۳:۸). در کتاب خروج ۳۳:۱۲-۱۸، موسی از خدا درخواست می‌نماید که در سفر قوم اسرائیل در بیابان حضور خدا با آنها همراه باشد. در کتاب اول پادشاهان ۸:۱۰-۱۱، خدا با پُر نمودن معبد از حضور خویش قوم خود را برکت می‌دهد. در عهد جدید، وعدهٔ حضور خدا به کامل‌ترین شکل در عیسی مسیح تحقق می‌یابد. در او، خدا انسان گشت و در میان آدمیان ساکن شد (یوحنا ۱:۱۴). در کلیسا، خدا نه فقط در کنار قوم خود حضور دارد، بلکه به واسطهٔ روح القدس در ایشان ساکن است (یوحنا ۱۴:۱۷). در آخر زمان، خدا در آسمان جدید و زمین جدید در کنار قومش حضور خواهد داشت (مکاشفه ۲۱:۱-۳).

خداوند عدالت ما است (در زبان عبری: **یهوه صدقینو**): این نام در کتاب ارمیا ۲۳:۵-۶ عنوان شده است. در این آیات نامبرده، خدا وعده می‌دهد مسیح موعود هم قوم خود را نجات خواهد داد و هم در انصاف و عدالت کامل برایشان سلطنت خواهد نمود. این نبوت تمام و کمال در عیسی مسیح تحقق یافته است. با زندگی کامل و بی‌عیب و با مرگ و کفاره‌اش، مسیح قوم خود را عادل گردانده است و در انصاف و عدالت کامل برایشان سلطنت می‌نماید. عدالت ما عدالت خودمان نیست، خداوند عیسی مسیح عدالت ما است.

نام‌های الهی، لقب‌ها، و تشبیه‌ها

در جمع‌بندی مطالعه‌مان، بسیاری از نام‌ها، لقب‌های خدا، و تشبیه‌هایی را که در کتاب مقدس توصیفگر خدا هستند، کوتاه و مختصر، بررسی می‌نماییم. هریک از این نام‌ها درک و بینش ما را از شخصیت و عملکرد خدا وسیع‌تر می‌گردانند.

نام‌هایی که بازتاب جلال و ابهت خدا هستند (۸)

خدای خدایان: تثنیه ۱۰:۱۷؛ مزمور ۱۳۶:۲؛ دانیال ۲:۴۷؛ ۱۱:۳۶
خدای جلال: مزمور ۲۹:۳؛ اعمال رسولان ۷:۲
خدا، بالا در آسمان و پایین بر زمین: یوشع ۲:۱۱
خدای نادیدنی: کولسیان ۱:۱۵
خدای متبارک: اول تیموتائوس ۱:۱۱
جلال کبریایی: دوم پطرس ۱:۱۷
کبریا در آسمان‌ها: عبرانیان ۸:۱
او که مهیب است: مزمور ۷۶:۱۱

نام‌هایی که بازتاب ازلی و ابدی بودن خدا هستند (۶)

خدای ازلی یا ابدی: پیدایش ۲۱:۳۲؛ تثنیه ۳۳:۲۷؛ اشعیا ۴۰:۲۸؛ رومیان ۱۶:۲۶
قدیم‌الایام: دانیال ۷:۹-۱۰، ۱۳-۱۴، ۲۲
هستم: خروج ۳:۱۳-۱۴؛ یوحنا ۸:۵۶-۵۸
الف و یا: مکاشفه ۱:۸؛ ۲۱:۶؛ ۲۲:۱۳
ابتدا و انتها: مکاشفه ۲۱:۶
اول و آخر: اشعیا ۴۱:۴؛ ۴۴:۶؛ مکاشفه ۲۲:۱۳

نام‌هایی که بازتاب قدوسیت و انصاف خدا هستند (۶)

آن قدوس: امثال سلیمان ۹:۱۰؛ اشعیا ۴۰:۲۵؛ ۴۳:۱۵؛ هوشع ۱۱:۹؛ حبقوق ۱:۱۲
خدای قدوس: اول سموئیل ۲۰:۶
خدای غیور: یوشع ۲۴:۱۹
خدای انصاف: اشعیا ۳۰:۱۸
خدای عادل: اشعیا ۴۵:۲۱
داور عادل: مزمور ۷:۱۱

نام‌هایی که بازتاب قدرت و حاکمیت خدا هستند (۲۸)

خالق: رومیان ۱:۲۵

معمار و سازنده: عبرانیان ۱۰:۱۱
 مالک آسمان و زمین: پیدایش ۱۴:۱۹، ۲۲
 کوزه‌گر: رومیان ۹:۲۰-۲۱
 آن قادر: لوقا ۱:۴۹
 خدای تمامی بشر: ارمیا ۳۲:۲۷
 خدای تمامی جهان: اشعیا ۵۴:۵
 خدای مملکت‌های جهان: اشعیا ۳۷:۱۶
 خدای قدیر: اشعیا ۹:۶
 خدای عظیم و مهیب: نحمیا ۱:۵
 خدای عظیم و قدرتمند و مهیب: تثنیه ۱۰:۱۷
 خدای بزرگ و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان: مزمور ۹۵:۳-۴
 پادشاه کبیر بر تمامی جهان: مزمور ۴۷:۲
 خدای زنده و پادشاه جاوید: ارمیا ۱۰:۱۰
 پادشاه ازلی و باقی و نادیده: اول تیموتائوس ۱:۱۷
 پادشاه از قدیم: مزمور ۷۴:۱۲
 پادشاه تمامی جهان: ۴۷:۷
 پادشاه امت‌ها: ارمیا ۱۰:۷
 پادشاه آسمان‌ها: دانیال ۴:۳۷
 شاه شاهان: اول تیموتائوس ۶:۱۵؛ مکاشفه ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱۶
 خداوند آسمان: دانیال ۵:۲۳
 خداوند تمامی جهان: مزمور ۹۷:۵
 خداوند آسمان و زمین: لوقا ۱۰:۲۱؛ اعمال رسولان ۱۷:۲۴
 خداوند پادشاهان: دانیال ۲:۴۷
 خداوند خداوندان: تثنیه ۱۰:۱۷؛ مزمور ۱۳۶:۳؛ اول تیموتائوس ۶:۱۵؛ مکاشفه ۱۹:۱۶
 صاحب حصا: متی ۹:۳۷-۳۸
 آن متبارک و قادر وحید: اول تیموتائوس ۶:۱۵
 شریعت‌دهنده: اشعیا ۳۳:۲۲؛ یعقوب ۴:۱۲

نام‌هایی که بازتاب داوری و خشم خدا هستند (۷)

خدای غیور: خروج ۲۰:۴-۵؛ تثنیه ۴:۲۴؛ یوشع ۲۴:۱۹-۲۰
 آتش سوزنده و فروبرنده: تثنیه ۴:۲۴؛ عبرانیان ۱۲:۲۹
 خدای غیور و انتقام‌گیرنده: ناحوم ۱:۲
 خدای مجازات: ارمیا ۵۱:۵۶
 پاسبان انسان: ایوب ۷:۲۰
 داور تمام جهان: پیدایش ۱۸:۲۵؛ مزمور ۹۴:۲
 داور عادل: مزمور ۷:۱۱

نام‌هایی که بازتاب رابطه خدا با قومش هستند

خدا یکتا خدای حقیقی و خالق قوم خویش است (۴)

خدای حقیقی: ارمیا ۱۰:۱۰؛ یوحنا ۳:۱۷
خالق: اشعیا ۴۳:۱۵؛ ۲:۴۴، ۲۱؛ ۷:۴۳
خالق امین: اول پطرس ۱۹:۴
آفریننده: مزمور ۶:۹۵؛ ۱۴۹:۲-۳؛ اشعیا ۵:۵۴

خدا با قومش صمیمی است (۱۰)

پدر: مزمور ۱۰۳:۱۳؛ اشعیا ۶۴:۸؛ ملاکی ۱:۶؛ ۱۰:۲؛ یوحنا ۱۷:۲۰؛ اول یوحنا ۳:۱
پدر قدوس: یوحنا ۱۷:۱۱
پدر عادل: یوحنا ۱۷:۲۵
پدر رحمت‌ها: دوم قرنتیان ۱:۳
پدر نورها: یعقوب ۱:۱۷
پدر جلال: افسسیان ۱:۱۷
پدر آسمانی: متی ۶:۱۴
پدر روح‌ها: عبرانیان ۹:۱۲
آبا، ای پدر: رومیان ۸:۱۵؛ غلاطیان ۴:۶
شوهر: اشعیا ۵:۵۴

خدا آن یگانه امین است که قومش را دوست دارد و ایشان را می‌آمرزد (۹)

خدای حقیقت: مزمور ۳۱:۵؛ اشعیا ۶۵:۱۶
خدای امین: تثنیه ۷:۹
خدای رحیم: تثنیه ۴:۳۱
خدای کریم و رحیم: نحما ۹:۳۱؛ مزمور ۸۶:۱۵
خدای بخشنده: مزمور ۹۹:۸
خدای همه فیض‌ها: اول پطرس ۵:۱۰
خدای آرامش: رومیان ۱۵:۳۳؛ ۱۶:۲۰؛ اول تسالونیکیان ۵:۲۳؛ عبرانیان ۱۳:۲۰
خدای محبت و آرامش: دوم قرنتیان ۱۱:۱۳
خدای جمیع تسلی‌ها: دوم قرنتیان ۱:۳

خدا بر قوم خود سلطنت می‌نماید (۴)

پادشاه: اشعیا ۲۲:۳۳؛ ۴۳:۱۵

پادشاه عظیم: مزمور ۲:۴۸
شریعت دهنده: اشعیا ۲۲:۳۳؛ یعقوب ۱۲:۴
داور: اشعیا ۲۲:۳۳؛ یعقوب ۱۲:۴؛ ۹:۵

خدا قوم خود را نجات می بخشد (۹)

نجات دهنده: ایوب ۲۵:۱۹؛ مزمور ۱۴:۱۹؛ اشعیا ۲۴:۴۴؛ ۵:۵۴؛ ارمیا ۳۴:۵۰
نجات دهنده از قدیم: اشعیا ۱۶:۶۳
شاخ نجات من: دوم سموییل ۳:۲۲
رهاننده: دوم سموییل ۲:۲۲؛ مزمور ۱۷:۴۰؛ مزمور ۲:۱۴۴
قلعه نجات: مزمور ۸:۲۸
نجات: خروج ۲:۱۵؛ مزمور ۱:۲۷؛ ۱:۶۲-۲؛ ۱۴:۱۱۸؛ اشعیا ۲:۱۲
منجی: دوم سموییل ۳:۲۲؛ اشعیا ۲۱:۴۵؛ لوقا ۱:۴۷؛ اول تیموتائوس ۱:۱؛ یهودا ۲۵
منجی کل انسانها: اول تیموتائوس ۱۰:۴
قوت نجات من: مزمور ۷:۱۴۰

خدا قوم خود را امنیت می بخشد (۲۶)

صخره: تثنیه ۴:۳۲، ۳۱؛ دوم سموییل: ۲:۲۲، ۳۲، ۴۷؛ مزمور ۶:۶۲-۷
صخره جاودانی: اشعیا ۴:۲۶
صخره نجات ما: مزمور ۱:۹۵
صخره قوی: مزمور ۱:۳۱-۲
صخره قوت من: مزمور ۷:۶۲
صخره سکونت: مزمور ۳:۷۱
قلعه: دوم سموییل ۲:۲۲؛ مزمور ۳:۷۱؛ ۲:۹۱؛ ۲:۱۴۴
قلعه بلند: مزمور ۹:۵۹؛ ۱۶-۱۷؛ ۲:۱۴۴؛ ارمیا ۱۹:۱۶
برج قوی: مزمور ۳:۶۱
برج مستحکم: امثال سلیمان ۱۰:۱۸
مکان مقدس: اشعیا ۸:۱۳-۱۴
پناه: مزمور ۱۶:۵۹؛ ۳:۶۱؛ ۷:۶۲؛ ۲:۹۱
پناهگاه در روز تنگی: ارمیا ۱۹:۱۶
پناه از طوفان: اشعیا ۴:۲۵
مخفیگاه: مزمور ۷:۳۲؛ ۱۱۴:۱۱۹
مسکن: تثنیه ۲۷:۳۳؛ مزمور ۹:۹۱
سایه از گرمی: اشعیا ۴:۲۵
جان پناه: مزمور ۱:۲۷
پناهگاه برای نیازمندان: اشعیا ۴:۲۵
پناهگاه نیازمندان در تنگی و سختی: اشعیا ۴:۲۵

سپر: پیدایش ۱:۱۵؛ دوم سموئیل ۳:۲۲، ۳۱؛ مزمور ۳:۳؛ ۱۱۵:۹-۱۱؛ ۱۱۴:۱۱۹؛ ۱۴۴:۲؛ امثال سلیمان ۷:۲؛ ۵:۳۰
سپریاری ما: تثنیه ۲۹:۳۳
دیوار آتشین: زکریا ۵:۲
پدر یتیمان: مزمور ۵:۶۸
داور بیوه‌زنان: مزمور ۵:۶۸
قوت قلبم: مزمور ۲۶:۷۳

خدا برای قوم خود می‌جنگد (۶)

جنگجو: خروج ۳:۱۵؛ اشعیا ۱۳:۴۲
مرد جنگی: اشعیا ۱۳:۴۲
مبارز مهیب: ارمیا ۱۱:۲۰
شمشیر شکوه‌مندی ما: تثنیه ۲۹:۳۳
آتش سوزنده: تثنیه ۳:۹
شیر: اشعیا ۳۱:۴-۵

خدا یاری‌رسان قوم خود است (۴)

قوت: خروج ۲:۱۵؛ مزمور ۱:۱۸؛ ۸:۲۸؛ ارمیا ۱۹:۱۶؛ حبقوق ۱۹:۳
مددکار: مزمور ۱۰:۳۰؛ عبرانیان ۶:۱۳
تکیه‌گاه: مزمور ۱۸:۱۸
مددکاری که در تنگی‌ها فوری یافت می‌شود: مزمور ۱:۴۶

خدا نگهدار قوم خود است (۷)

آفتاب: مزمور ۱۱:۸۴؛ ملاکی ۲:۴
سایه: مزمور ۱۲۱:۵؛ اشعیا ۴:۲۵
شب‌نم: هوشع ۵:۱۴
چشمه آب حیات: ارمیا ۲:۱۳؛ ۱۳:۱۷
حیات: یوحنا ۶:۱۴؛ کولسیان ۴:۳
نور: مزمور ۱:۲۷؛ میکاه ۸:۷؛ اول یوحنا ۵:۱
نور جاودانی: اشعیا ۶۰:۱۹-۲۰

خدا مراقب قوم خود است (۱۰)

خدایی که می‌بیند: پیدایش ۱۶:۷-۱۴
شبان: مزمور ۱:۲۳؛ اشعیا ۱۱:۴۰؛ حزقیال ۱۱:۳۴-۱۶
شبان ارشد: اول پطرس ۴:۵

شبان اعظم: عبرانیان ۲۰:۱۳
شبان نیکو: یوحنا ۱۱:۱۰، ۱۴
شبان و نگهبان جان‌های ما: اول پطرس ۲:۲۵
باغبان: یوحنا ۱۵:۱-۲
کوزه‌گر: اشعیا ۸:۶۴؛ ارمیا ۱۸:۱-۶
چراغ: دوم سموئیل ۲۲:۲۹
حافظ: مزمور ۱۲۱:۵

خدا پاداش قوم خود است (۶)

میراث: اعداد ۲۰:۱۸؛ تثنیه ۹:۱۰؛ ۲:۱۸؛ یوشع ۳۳:۱۳؛ حزقیال ۲۸:۴۴
دارایی: حزقیال ۲۸:۴۴
سهم: اعداد ۲۰:۱۸
تاج زیبا: اشعیا ۵:۲۸
نیم‌تاج پرجلال: اشعیا ۵:۲۸
سرود: خروج ۲:۱۵؛ اشعیا ۲:۱۲

HeartCry

MISSIONARY SOCIETY

سازمان خدمات مسیحی HeartCry (ندای دل) در یک نگاه:

این سازمان در سال ۱۹۸۸ در کشور پرو با این شور و اشتیاق قدم به عرصه وجود نهاد که به کمک مبشران بومی یا محلی بیاید تا آنها بتوانند به هموطنان خود بشارت دهند و کلیساهایی را پایه‌گذاری نمایند که شالوده‌شان بر کتاب مقدس استوار باشد. از آن زمان تاکنون، خداوند مرزهای خدمت ما را گسترش داده است تا علاوه بر آمریکای لاتین در آفریقا، آسیا، اروپا، خاورمیانه، و آمریکای شمالی نیز به خدمات بشارتی مشغول باشیم.

هدف خدمت ما این است که در گوشه و کنار جهان راهگشای پیشرفت خدمت مبشران بومی و محلی باشیم. خط‌مشی خدمت ما از چهار بخش تشکیل یافته است: پشتیبانی مالی، تعلیم و آموزش الهیات، پخش کتاب مقدس و نشر ادبیات مسیحی، فراهم نمودن هر ابزار و وسیله‌ای که در به انجام رساندن آن «مأموریت عظیم» لازم و ضروری می‌باشد.

در حال حاضر، بیش از دویست و پنجاه مبشر را به همراه خانواده‌هایشان در بیش از چهل کشور در سراسر جهان یاری و پشتیبانی می‌نماییم.

معرفی سازمان HeartCry (ندای دل)

این سازمان جهت پیشبرد چهار هدف اصلی پایه‌گذاری گشت و همچنان در راستای این چهار هدف مشغول به کار است:

- جلال خدا
- سودمندی انسان
- پایه‌گذاری کلیساهایی که شالوده‌شان بر کتاب مقدس بنا است
- نشان دادن امانت و وفاداری خدا

۱. جلال خدا

نخستین هدف اصلی ما جلال خدا است. بیشترین دغدغه ما این است که نام خدا در میان امت‌ها عظیم باشد، از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب (ملاکی ۱: ۱۱) و آن بزه که ذبح گردید برای رنج‌هایش پاداش عالی گیرد (مکاشفه ۷: ۹-۱۰). آرمان و انگیزه ما به انسان یا نیازهای انسان وابسته نیست، بلکه به خدا و به تعهدش به جلال خویش متکی است. اشتیاق خدادادی ما این است که شاهد باشیم مردمان از هرامت و قبیله و قوم و زبان خدای حقیقی را می‌پرستند. ما صرفاً به توانایی کلیسا دل نبسته‌ایم

که آن «مأموریت عظیم» را به انجام رساند، بلکه یقین و اطمینان ما به قدرت نامحدود خدا است که کسی جلودارش نیست و قادر است همه آنچه مقدر نموده است به انجام برساند.

۲. سودمندی انسان

دومین هدف اصلی ما نجات انسان‌ها است که گمشده و رهسپار مرگ ابدی هستند. ایمان‌داری که واقعاً برای جلال خدا شور و شوق دارد و از اقتدار و حاکمیت خدا خاطر جمع است نمی‌تواند نسبت به میلیاردها انسان در گوشه و کنار جهان که هنوز پیغام انجیل عیسی مسیح را نشنیده‌اند بی‌تفاوت باشد. اگر به راستی شبیه مسیح هستیم، مشاهده انبوه مردمان گمشده دلمان را به رحم می‌آورد (متی ۹:۳۶)، حتی ما را محزون می‌گرداند و غم و اندوه گمشدگان یک لحظه رهایمان نمی‌کند (رومیان ۲:۹). اگر مایل نیستیم با همه توانمان مسیح را به امت‌ها بشارت دهیم و حاضر نیستیم همه چیز را به خاطر برگزیدگان خدا تحمل نماییم (دوم تیموتائوس ۲:۱۰)، اصالت ایمانمان باید زیر سوال برود.

۳. پایه‌گذاری کلیساهای محلی

سومین هدف اصلی ما پایه‌گذاری کلیساهایی است که شالوده‌شان بر کتاب مقدس بنا می‌باشد. هرچند می‌دانیم نیازهای آدمیزاد بسیار است و رنج‌ها و دشواری‌هایش گوناگون، باور داریم ریشه همه مشکلات یک سرمنشأ دارد: تباهی دل انسان از اساس و بنیان، دشمنی او با خدا، نپذیرفتن حقیقت. بنابراین، ما برای باوریم که بالاترین خیر و صلاح و منفعت انسان این است که پیغام انجیل به او بشارت داده شود و کلیساهایی محلی پایه‌گذاری شوند که رأی و حکم کامل و بی‌نقص خدا را اعلام نمایند و بر مبنای احکام، فرمان‌ها، و حکمت کلام خدا خدمت نمایند. انجام چنین خدمتی به زور بازوی انسان امکان‌پذیر نیست، بلکه باید تدبیر و مشیت خدا از عالم بالا وارد عمل گردد و با روش‌ها و طریق‌هایی که خودش تعیین نموده است این خدمت به انجام رسد: موعظه بر اساس کتاب مقدس، دعا و شفاعت، خدمت ایثارگرانه، محبت نامشروط، و به واقع شبیه بودن به مسیح.

۴. نشان دادن امانت و وفاداری خدا

چهارمین و آخرین هدف اصلی سازمان ما این است که به قوم خدا نشان دهیم خدا به راستی قادر و مایل است همه نیازهای ما را بنا بر دولت خود در جلال برطرف نماید. نیازهای این خدمت با دعا برآورده می‌شوند. ما به دنبال آن نیستیم که با بزرگ و مهم جلوه دادن خودمان، با برانگیختن احساسات برادران و خواهرانمان در مسیح، و با بازارگرمی برای خودمان پشتوانه مالی بسازیم. اگر این خدمت متعلق به خداوند است، خودش هم پشتیبان ما است. اگر خداوند با ما است، قوم خود را هدایت می‌نماید تا هدیه دهند و خدمت ما رونق یابد. اگر خداوند با ما نیست، موفق نخواهیم بود و نباید هم موفق باشیم. در حقیقت، در همه این سال‌ها ایمان ما همواره کم‌جان و زودشکن بوده است، اما خدا همواره امین بوده است. برادر عزیز می‌گوید: خدای ما خشنود و مسرور است که حتی کوچک‌ترین ذره یقین فرزندانش را برکت بخشد.

رسالت

ما، ایمانداران به مسیح، خوانده شده‌ایم، به ما حکم شده است، و این رسالت بر دوش ما قرار گرفته است که جان خود را بنهیم تا انجیل به تک‌تک مخلوقات در زیر این گنبد کبود موعظه شود. پس از دوست داشتن خدا، این رسالت باید اصلی‌ترین دل‌مشغولی ما باشد. اگر قرار به جانفشانی باشد، چه وظیفه‌ای از این والاتر و شرافتمندتر که برای شناساندن جلال خدا جان بنهیم! برای اعلام جلال خدا در رستگاری انسان‌ها، به وسیله موعظه انجیل عیسی مسیح. اگر ایماندار به مسیح به راستی مطیع آن «مأموریت عظیم» است، یا جان فدا می‌کند و خودش به داخل معدن می‌رود یا طناب را نگاه می‌دارد تا دیگران داخل شوند (ویلیام کری). در هر دو حالت، شرطش سرسپردگی و تعهدی بنیادین و ریشه‌دار است.

جهت اطلاعات بیشتر:

جهت اطلاعات بیشتر درباره خدمت ما - هدف ما، باور ما، و راه و روش های ما - و اطلاعات بیشتر درباره خدمات بشارتی و مبشرانی که افتخار خدمت به آنها را داریم، از این تارنما دیدن نمایید:

www.heartcrymissionary.com

شالوده‌های ایمان مسیحی بر پایه کتاب مقدس

پایه‌گذاری اصول و قواعدی بر مبنای کتاب مقدس که باید بر آنها استوار باشیم

«این کتاب راهنمای مطالعه، به قلم پل واشر، یکی از بهترین کتاب‌های مقدماتی درباره آموزه شناخت خدا است که تا به حال با آن آشنا گشته‌ام.»

- ای‌ان‌اچ. موری، یکی از بنیان‌گذاران و مدیر سردبیر «بنیاد پرچم حقیقت»

فقط حقایق کتاب مقدس، که از طریق مطالعه آموزه‌ها و تعالیم کلام خدا به ما منتقل می‌شوند و آنها را با عقل و هوشمان درک می‌نماییم، می‌توانند زیربنای محکمی باشند تا باورهای ما و رفتار و کردار ما و تشخیص اعتبار و اصالت احساسات و تجربه‌های ما بر آن شالوده استوار گردد. مطالعه آموزه‌های کتاب مقدس هم یک انضباط عقلانی است و هم انضباطی ناشی از عشق و سرسپردگی. مطالعه آموزه‌ها کاوشی شورمندانه برای خدا است و همواره باید شاگردان کلام خدا را به نقطه‌ای برساند که به تغییر و تحول روحانی آنها و به اطاعت و پرستش از صمیم قلب ختم شود.

شناخت خدای زنده در اصل مطالعه‌ای بر پایه کتاب مقدس است و شامل عکس‌ها و تصویرهای رنگی، داستان‌های قشنگ و جذاب، یا حتی تفسیرهای الهیاتی نمی‌باشد. خواسته دل نویسنده این بوده است که منبعی تهیه نماید تا خوانندگان را به سوی کتاب مقدس راهنمایی نماید، تا کلام خدا سخن گوید و بس.

هدف اصلی این کتاب چیزی جز این نمی‌باشد که شاگردان کتاب مقدس به وسیله کلام خدا با خدا روبه‌رو شوند. شالوده کتاب حاضر بر این حقیقت بنا است که کتاب مقدس الهام خدا و کلام خطاناپذیر خدا است. این کتاب به شکلی طراحی شده است که واقعاً محال است شاگردان بتوانند با کتاب مقدس بسته در مطالعه این کتاب پیش روند.

شناخت خدای زنده برگرفته از کتاب قبلی پل واشر است، به نام خدای واحد حقیقی. اما، نسبت به کتاب نامبرده، در این کتاب جزئیات بیشتری گنجانده شده است، بازنویسی‌های بیشتری انجام گرفته است، و تغییرات فراوانی صورت گرفته و حجم آن حدود صد صفحه بیشتر است. به این ترتیب، کتاب حاضر نخستین کتاب پل واشر در زمینه شالوده‌های ایمان مسیحی بر پایه کتاب مقدس است که جزو مجموعه‌ای می‌باشد که در انتشارات Gratiae Media به چاپ رسیده است.

پل دیوید واشر مدت ده سال در کشور پرو به خدمت بشارتی مشغول بود. در آن مدت، با تأسیس سازمان خدمات بشارتی HeartCry Missionary Society با پایه‌گذاری و بنای کلیساها در کشور پرو حامی و پشتیبان خدمت کلیساهای محلی گشت. در حال حاضر، پل واشر مدیر و سرپرست خدمات بشارتی این سازمان می‌باشد (heartcrymissionary.com). خدا این سازمان را برکت داده است تا مبشران را در بیش از چهل کشور در گوشه و کنار جهان حمایت و پشتیبانی نمایند. پل واشر و همسرش، چارو، صاحب چهار فرزند می‌باشند، به نام‌های: ای‌آن، ایوان، رووان، بران‌وان.

